

آیا پرونده «پی ام دی» ایران بسته شد؟



گفتگوی اختصاصی با «فواد معصوم» رئیس جمهوری عراق

گفتگو با «گری سیک» مشاور امنیت ملی دولت ریگان و کارتر

گفتگو با «پل پیلار» رئیس پیشین تحلیل عملیات سیا



شناسنامه مجله

□ مدیر مسئول: علی عسگری

□ شورای سردبیری: سید امیرحسن دهقانی، محمد قادری، حنیف غفاری، جواد حیران نیا

□ دبیر تحریریه: جواد حیران نیا

□ همکاران این شماره: مهدی پورحسینی، علی کاووسی نژاد، بنفشه اسماعیلی

□ مدیر هنری: محبوبه عزیزی

شماره تماس: ۸۸۰۹۵۰۰

پست الکترونیک: world@mehnews.com

آدرس: ایران، تهران، خیابان استاد نجات الهی، کوچه بیمه، پلاک ۱۸

علاقتمندان می توانند مقالات و مطالب خود را برای مجله بین الملل مهر ارسال کنند.

فهرست مطالب

ایران در جهان

۳



- ۵ گفتگو با «اربرت جرویس» رئیس پیشین انجمن علوم سیاسی آمریکا
- ۶ اولین خوش خدمتی رئیس جمهوری جدید آرژانتین به صهیونیستها
- ۷ گفتگو با شیخ «احمد الصالحی» دبیر کل جامعه وعاظ عراق
- ۱۳ موضوع آقای عراقچی بر چه منطقی استوار است؟

خاورمیانه و شمال آفریقا

۱۳



- ۱۵ نفوذ نظامیان ترکیه به عراق
- ۱۶ اردن؛ نگاه به روسیه در سایه چماق آمریکا و شیخ نشینها
- ۱۹ گفتگو با «حسین عسکری» مشاور وزیر دارایی پیشین عربستان
- ۲۶ گفتگو با «عدنان محمود» سفیر سوریه در ایران
- ۲۹ گفتگو با «فواد معصوم» رئیس جمهوری عراق

اروپا

۳۰



- ۳۲ گفتگو با «کریم پاکزاد» عضو بنیاد مطالعات استراتژیک فرانسه
- ۳۳ گفتگو با «محمد شفیق همد» مشاور پنتاگون
- ۳۴ گفتگو با «فاروق لوغ اوغلو» معاون حزب جمهوری خلق ترکیه
- ۳۷ گفتگو با «لارنس کورب» معاون وزیر دفاع پیشین آمریکا
- ۳۹ گفتگو با «سلیمان اوزرن» رئیس موسسه سیاست جهانی ترکیه
- ۴۰ گفتگو با «مینا آندریوا» سخنگوی رئیس کمیسیون اروپا

آسیا

۴۰



- ۴۲ اژدهای زرد در تعقیب عقاب در شاخ آفریقا
- ۴۴ چرایی ورود چین به مذاکرات صلح طالبان
- ۴۷ گفتگو با «بارت کزند» عضو سابق شورای امنیت ملی هند
- ۴۸ گفتگو با «گوتم ادیکاری» مشاور پیشین بانک جهانی

آمریکا

۵۱



- ۵۳ تلاش آمریکا برای ایجاد ائتلافهای بین المللی
- ۵۴ تکیه غرب بر اختلافات احزاب سیاسی ایران بیهوده است
- ۵۵ ایدئولوژی داعش را دست کم نگیریم
- ۵۶ گفتگو با «گری سیک» مشاور امنیت ملی دولتهای «ریگان» و «کارتر»
- ۵۷ گفتگو با «پل پیلار» رئیس پیشین بخش تحلیل عملیات سازمان سیا

“

You know well that humiliation and spreading hatred and illusionary fear of the “other” have been the common base of all those oppressive profiteers.

Now, I would like you to ask yourself why the old policy of spreading “phobia” and hatred has targeted Islam and Muslims with an unprecedented intensity.

Why does the power structure in the world want Islamic thought to be marginalized and remain latent?

What concepts and values in Islam disturb the programs of the super powers and what interests are safeguarded in the shadow of distorting the image of Islam? Hence, my first request is: Study and research the incentives behind this widespread tarnishing of the image of Islam.



ایران در جهان

دبیر: پیمان یزدانی



گفتگو با نظریه پرداز آمریکایی:

اهمیت نامه رهبر انقلاب/سیاست های بی رحمانه آمریکافاش شود

گفتگو: پیمان یزدانی

«استفن لندمن» با تشریح اهمیت نامه مقام معظم رهبری درباره تروریسم در این مقطع زمانی بر لزوم ایستادگی انسانهای آزاده جهان در برابر سیاست های ویرانگر آمریکا که تهدیدی برای بشریت است تاکید کرد.

انتشار دومین نامه مقام معظم رهبری خطاب به جوانان غرب در خصوص تروریسم و ریشه های آن بازتاب وسیعی در رسانه های مختلف جهان و در نزد اندیشمندان و آزادخواهان جهان داشته است.

در همین راستا گفتگویی با «استفن لندمن» نظریه پرداز معروف آمریکایی داشته ایم و نظرات وی را در خصوص بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی جویا شده ایم. مشروح این گفتگو در زیر آمده است.

تمامی مذاهب دارای عناصر رادیکال و افراطی هستند که از خطرناکترین آنها فاشیست های یهودی و مسیحی در آمریکا و اسرائیل هستند.

چرا برخی سعی می کنند از رهگذر تروریسم به اسلام هراسی دامن بزنند؟

اهداف امپریالیسم آمریکایی که با اسرائیل و دیگر ملت ها شریک شده است ریشه جنگ های بی پایان امروز جهان هستند. آمریکا برای فروش سیاست دائمی جنگ طلبی خودش در نزد افکار عمومی همواره نیازمند دشمن است.

بعد از پایان جنگ جهانی دوم دشمن آمریکا کمونیست بود. بعد از آنکه اتحاد جماهیر شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ فروپاشید، اسلام جایگزین آن شد. صلح و ثبات مورد لعن و نفرین سیاست گذاران آمریکایی است زیرا جنگ های بی پایان به نفع آنهاست و منافع عظیمی را برای آنها به دنبال دارد.

به نظر شما اهمیت این نامه در مقطع کنونی چیست؟

برای انسانهای خوب در سرتاسر جهان ضروری است تا سیاست های بی رحمانه آمریکا و دیگر شرکایش را فاش کنند سیاست هایی که اگر متوقف نشوند جهان را به سوی یک جنگ هسته ای پیش می برند که حیات را در روی زمین نابود خواهد کرد.

رهبر انقلاب اسلامی در نامه اخیر خود به جوانان غربی به بررسی تروریسم و ریشه های اصلی آن پرداخته اند. به نظر شما چرا پرداختن به این موضوع اهمیت دارد؟

داعش، القاعده، جبهه النصره و دیگر گروه های تروریستی همگی توسط آمریکا خلق شده اند. این گروه ها مشکلات و تهدیدات زیادی را به واسطه حمایت های آمریکا و دیگر شرکایش ناتو، اسرائیل، عربستان برای کشورهای مستقلی مثل عراق، یمن و سوریه ایجاد کرده اند. تنها راه شکست این گروه ها پایان دادن به حمایت از آنهاست.

ایشان در این نامه تصریح کرده اند که اسلام دین دوستی و مودت است. چرا برخی سعی دارند اسلام را دین خشونت معرفی کنند؟

شمار افرادی که در جوامع غربی قادر به درک ریشه های مشترک مسیحیت، یهودیت و اسلام که مبلغ عشق، صلح و کمک به ضعیفان هستند و با تنفر و جنگ مخالفند، بسیار کم است. اسلام نه تنها تعلیم خشونت نمی دهد بلکه بر عکس آموزش عشق و محبت می دهد. تبلیغات غرب بر خلاف این حقیقت چیز دیگری را اشاعه می دهد و دروغ های بزرگ و کج فهمی های زیادی را در خصوص اسلام منتشر می کند.

گفتگو با رئیس پیشین انجمن علوم سیاسی آمریکا:

رئیس جمهور آتی آمریکانیز برجام را اجرامی کند



رئیس پیشین انجمن علوم سیاسی آمریکا معتقد است حتی اگر یک فرد جمهوریخواه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا پیروز شود وی نیز برجام را اجرا می کند زیرا جایگزین برجام گزینه ای بسیار بدتر است. توافق هسته ای کشورهای ۵+۱ با ایران که در ۱۴ جولای سال ۲۰۱۵ مصادف با ۲۳ تیرماه سال ۱۳۹۴ پس از چند سال مذاکره و تبادل نظر میان ایران و شش کشور روسیه، آلمان، چین، انگلیس، فرانسه و آمریکا منعقد گردید، علاوه بر مردم جهان توجه محافل سیاسی و اندیشمندان متخصص این حوزه را نیز به خود جلب کرده است.

بر اساس این توافق که به «برنامه جامع اقدام مشترک» یا همان «برجام» شهرت یافت، «یوکیا امانو» مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار است در پانزدهم دسامبر سال جاری میلادی گزارشی را در خصوص ابعاد احتمالی نظامی در فعالیت های هسته ای صلح آمیز ایران موسوم به «پی ام دی» به شورای حکام آژانس ارائه کرده و به دنبال آن روز اجرای توافق مذکور از سوی دو طرف آغاز و طرفین عمل به تعهدات خود را از آن روز شروع کنند.

با توجه به برخی اظهارات تهدید آمیز معمول از سوی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا مبنی بر اینکه در صورت انتخاب، توافق هسته ای را به صورت یکجانبه لغو خواهند کرد.

پروفسور «رابرت جرویس» رئیس پیشین انجمن علوم سیاسی آمریکا و استاد دانشگاه کلمبیا آمریکا در خصوص اینکه پیش بینی اش از اجرای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) چیست و آیا رئیس جمهور آینده آمریکا نیز خود را به آن متعهد می داند؟ گفت: انتظار و پیش بینی من این است که حتی اگر یک فرد جمهوریخواه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا پیروز شود وی نیز برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) و توافق هسته ای حاصل شده میان ایران و کشورهای ۵+۱ را اجرا می کند زیرا جایگزین برجام گزینه ای بسیار بدتر است. وی افزود: اوباما ممکن است بگوید که بر روی آینده متمرکز است هر چند که این موضع موجب ازسرگیری حملات و انتقادات علیه اوباما می شود.

جرویس در ادامه تصریح کرد: اما همگام با موضع اوباما آنچه برای آمریکا کلیدی و حساس خواهد بود همکاری ایران و اجرای برجام و حرکت رو به جلوی آن است.

وی در خصوص این موضوع که آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار است در ۱۵ دسامبر سال جاری گزارشی را درباره فعالیت های هسته ای پیشین و کنونی ایران ارائه کند و پیش بینی اش درباره این گزارش چیست نیز تصریح کرد: انتظار من از آژانس بین المللی انرژی اتمی نیز این است که به توضیح مواردی بپردازد که ممکن است در آمریکا با این عنوان دیده شود «او گفت».

از بنیانگذاران نظریه رئالیسم تدافعی در روابط بین الملل در ادامه تأکید کرد: این گزارش می تواند تفسیری ایرانی ارائه داده و همچنین دلایل آژانس برای شک در مورد فعالیت ایران را بازگو کند. بنابراین چنین گزارشی نه می تواند شفاف سازی باشد و نه توجیهی برای اقدامات گذشته.



تغییر رویه احتمالی بوینس آیرس در پرونده آمیا؛

اولین خوش خدمتی رئیس جمهور جدید آرژانتین به صهیونیستها

آرژانتین به خاطر دارا بودن تعداد زیادی یهودی (۳۰۰ هزار نفر) بزرگترین دیاسپورای یهودیان در آمریکای جنوبی هفتمین کشوری یهودی نشین در خارج از اسرائیل است و این مسئله باعث شد که رژیم صهیونیستی دست به انفجار مرکز یهودیان آرژانتین بزند و تاکنون شواهد بسیاری که در این مورد ارائه گردیده، بصورت سری باقی مانده است.

در طول بررسی ها، دولت آرژانتین رسماً به مقامات آمریکا اعلام نمود که دلیلی در اختیار دارد که عاملین این انفجار از گروه های تروریستی و مافیای یهودی در آرژانتین هستند اما این مسئله به دلیل سانسور هرگز به طور علنی مطرح نشد. ضمناً در چند سال اخیر نیز آشکار شد که یکی از خاخامهای یهودی که از افراد سرشناس در مرکز یهودیان بوده است یک روز قبل از انفجار، کیسه های حاوی موادی مشکوک به داخل مرکز انتقال می داده و تاکنون این مسئله نیز به صورت سری باقی مانده است.

ویکی لیکس و افشای حقیقت

روزنامه «پاچینا دوت» با انتشار مقاله ای در بخش نظرات در تاریخ ۱۷ فوریه ۲۰۱۳ با استفاده از اسناد و مدارک ویکی لیکس، نقش سفارت آمریکا در جهت دهی به تحقیقات پرونده آمیا و اقدامات دادستان پرونده را افشا و اثبات کرده که در واقع ایدئولوگ اصلی و طراح تحقیقات پرونده، آمریکا بوده است.

از بین صدها هزار تلگراف که توسط ویکی لیکس از وزارت خارجه آمریکا بدست آمده، ۱۹۶ سند مربوط به آمیا است. اسناد منتشره در ویکی لیکس که به کیبل گیت معروف شد، دوره ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ را در برمی گیرد. بنابراین از ابتدای دوره نستور کرچر تا پایان دوره اول ریاست جمهوری کریستینا را در برمی گیرد. در حالیکه بیشتر اسناد ویکی لیکس ارتباطات حساس را شامل نمی شود اما برخی از این ۸۶ سند، مهر فوق سری خورده اند، ۱۶ سند طبقه بندی سری و ۷۵ مورد، محرمانه هستند. بنابراین بیشتر این اسناد در آرژانتین منتشر نشده و یا از رسانه های کشور پخش نشده اند.

این تلگراف ها نشان می دهند که دولت آمریکا تحقیق

یهودیان در آرژانتین بودند به قتل برساند. در مارس سال ۱۹۹۲، یک خودرو بمبگذاری شده در برابر سفارت اسرائیل در بوئنوس آیرس، پایتخت آرژانتین، منفجر شد که ۲۰ نفر را کشت و بیش از دویست نفر دیگر را زخمی کرد. در انفجار دیگری در ژوئیه سال ۱۹۹۴، ساختمان سازمان فرهنگی موسوم به «انجمن متقابل اسرائیل و آرژانتین» (آمیا) در بوئنوس آیرس هدف بمبگذاری قرار گرفت که ۸۵ کشته و ۳۰۰ زخمی برجای گذاشت.

آفران، که بین سالهای ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۰ میلادی سفیر تل آویو در آرژانتین بود، در مصاحبه خود با اشاره به این حملات گفت: اکثریت افراد مسئول این اقدامات، دیگر در این جهان نیستند، و ما خودمان آنها را از بین بردیم.

حقیقت ماجرای آمیا

رژیم صهیونیستی تا کنون تلاش زیادی را برای مرتبط کردن ایران و حزب الله لبنان با انفجارهای آرژانتین انجام داده اما این توطئه براساس شواهد بسیار معتبری، توسط موساد طراحی و به وسیله برخی از رهبران یهودی آرژانتین که از مافیای مالی آن کشور بودند و به صورت مافیایی عمل می کردند، انجام گرفت.

گرچه این اقدام برای کوچاندن دسته جمعی یهودیان آن کشور به سرزمینهای اشغالی فلسطین صورت می گرفت، اما این مسئله بعدها تبدیل به ابزاری تبلیغاتی برای بزرگ جلوه دادن عظمت واقعه شد. برای مثال در این زمینه می توان به ادعای کشته شدن فردی به نام «پاتریشیو ایرالا» یک مرد پاراگوئه ای اشاره کرد که تا مدتها تصور می شد، وی در میان کشته شدگان است و در آوریل سال ۲۰۰۱ مشخص شد که وی در پاراگوئه به شغل نانوائی مشغول است.

مشکلات فراوان اقتصادی آرژانتین در طول دهه ۹۰، این کشور را به لحاظ اقتصادی با ۱۳۲ میلیارد دلار بدهی در وضعیت بسیار نامساعدی قرار داد و این مسئله به همراه طمع رژیم صهیونیستی برای ایجاد رعب و وحشت در میان جوامع یهودی، این رژیم را بر آن داشت تا همچون گذشته دست به اقداماتی برای کوچاندن آنها و یا متهم کردن دیگران بزند.

رئیس جمهور جدید غرب گرای آرژانتین در نخستین سخنرانی خود بعد از پیروزی در انتخابات اعلام کرد که این کشور توافق همکاری با ایران در مورد پرونده آمیا را لغو می کند.

بیش از ۲۰ سال از واقعه آمیا می گذرد اما با این وجود دسیسه های رژیم صهیونیستی موجب شده تا پرونده این انفجار همچنان دستخوش حاشیه های بسیاری شود و بعد از آنکه در سال گذشته خودکشی دادستان ویژه رسیدگی کننده به این پرونده سر و صدای زیادی به راه انداخت و موجب بروز مشکلاتی برای رئیس جمهور این کشور شد اکنون «مائوریسیو ماسری» رئیس جمهور جدید که از ماه آینده کار خود را آغاز می کند موجب داغ شدن دوباره ماجرای آمیا شده است.

در همین رابطه روزنامه هآرتز با اشاره به نخستین سخنرانی ماسری بعد از مسجل شدن پیروزی وی در انتخابات ریاست جمهوری می نویسد: رئیس جمهور جدید آرژانتین می گوید که وی توافق انجام شده با ایران را در مورد تحقیقات مشترک در خصوص انفجار آمیا که در سال ۱۹۹۴ رخ داد فسخ می کند.

ماسری در ادامه گفت: ما از کنگره آرژانتین خواهیم خواست تا این توافق انجام شده با ایران را لغو کند. ماسری در حالی صحبت از لغو توافق آرژانتین با ایران می کند که جامعه یهودیان این کشور و رژیم صهیونیستی بزرگترین مخالفان همکاری های بوینس آیرس-تهران در خصوص پرونده آمیا بودند.

هر چند رژیم صهیونیستی تلاش بسیاری دارد تا ایران را عامل انفجار سال ۱۹۹۴ بوینس آیرس موسوم به انفجار آمیا معرفی کند و در این راه اقدامات تروریستی گسترده ای را نیز انجام داده اما حقیقت چیز دیگری است.

در مورد اقدامات تروریستی اسرائیل بواسطه انفجار آمیا، در سال ۱۳۹۲ سفیر سابق رژیم صهیونیستی در آرژانتین اعتراف کرد که این رژیم اغلب افرادی را که گمان می کرد در انفجار مرکز یهودیان در این کشور آمریکای لاتین دست داشته اند را از بین برده است. «اسحاق آفران» در مصاحبه با خبرگزاری یهودیان آرژانتین، با اعلام این موضوع گفت: اسرائیل توانسته اکثر کسانی را که پشت حملات خونین به سفارت اسرائیل و یک مرکز فرهنگی

درباره ایرانی‌هایی که به مشارکت در حمله ۱۹۹۴ متهم هستند را تشویق و جهت دهی کرده است. بسیاری از مسئولین آمریکائی ملاقاتهای متعددی با دادستان قبلی پرونده (البرتو نیسمان) داشتند. در این تماسها آمریکائیه با موضوع تأکید کرده اند که شک ندارند متهمین ایرانی مجرم هستند و اصرار داشتند که نیسمان باید فرضیه های «دپای سوری» و «مرتبطین داخلی» را کنار بگذارد چرا که این امر ممکن است، بخش «مرتبطین بین المللی» علیه متهمان ایرانی را تضعیف کند. در این تلگراف ها آمده که نیسمان همیشه نسبت به نصایح و نظرات سفارت آمریکا توجه ویژه داشته و بر اجرای آنها تأکید داشته است.

در سال ۲۰۰۶ نیسمان سه هفته قبل از صدور حکم علیه متهمان ایرانی، سفارت آمریکا را از رأی کانیکوبا کورال مطلع نمود. در دسامبر سال ۲۰۰۷ نیسمان پیش نویس حکم قاضی در مورد بازداشت ایرانیها برای ارائه به اینترپل را به سفارت آمریکا منعکس و از آنها نظر خواست. متن ارائه شده رضایت نمایندگان اف بی آی را به همراه نداشت و آنها توصیه های زیادی برای بهتر نمودن متن ارائه کردند. دو ماه بعد نیسمان متن اصلاح شده طبق نظرات آنها را به سفارت ارسال کرد که این بار مورد استقبال مقامات سفارت آمریکا قرار گرفت. در دسامبر ۲۰۰۸ نیسمان به سفارت زنگ زد تا از پیشرفتهای در تحقیقات در مورد ایرانیها و آمادگی برای صدور حکم قضائی متهمین ایرانی اطلاع دهد. در ماه می ۲۰۰۹ وی سفارت را مطلع کرد که درخواست دستگیری ساموئل سلمان الرضا تبعه لبنانی - کلمبیائی را بعنوان «عضو شبکه داخلی حمله آمیا» ارائه خواهد کرد.

همراه با برخی انتقاداتی که همواره سفارت آمریکا از اقدامات نیسمان بخاطر عدم پیگیری خطوط ارائه شده از سوی سفارت وجود داشته، با این حال سفارت از اقدامات نیسمان بدلیل پیشرفت در روند تحقیقات برخلاف سلف خود قاضی گالانو و دادستانها باراکسیا و مولن، تشویق و قدردانی می کرد. در یکی از تلگرافهای سفارت آمده است:

نمایندگان سفارت در حضور نمایندگان آمیا، دایا و خانواده های قربانیان از روند تحقیقات انجام شده توسط نیسمان قدردانی کردند.

با اینحال در نوامبر ۲۰۰۸، رئیس آمیا (شوسلر) و معاون وی (آنخل برمن) در دیدار با سفیر آمریکا (واین) ضمن رضایت از تحقیقات نیسمان اعلام کردند باید در خصوص مرتبطین و شبکه محلی نیز تحقیقات پیشرفتهایی داشته باشد، درحالیکه این امر معایر نظر امریکائیهها بوده است.

در میانه تشویق هایی که درمناسبتهای مختلف از نیسمان صورت می گرفت، نمایندگان مسئول موضوع آمیا در وزارت امور خارجه آمریکا، یکی از رازنهای و مشاوران دایا و مقامات اف بی آی در دیدار با مسئولین پرونده آمیا نسبت به استحکام و قطعیت اسناد و مدارک جمع آوری شده در تحقیقات ابراز تردید کردند. این مشاور دایا در سال ۲۰۰۸ پس از اعلان درخواست دستگیری کارلوس منم و مقامات بلند پایه دولت وی از سوی نیسمان به اتهام سرپوش گذاشتن بر تحقیقات آمیا، گفت بود: با توجه به فشار جامعه یهودیان، این انجمن آلترناتیو دیگری جز حمایت از اقدامات نیسمان را ندارد.

مقامات آمریکائی در تلگرافها تصریح کرده اند که آنها در دیدار با طرفهای آرژانتینی خود تلاش داشته اند، وانمود کنند که قصد سیاسی کردن موضوع را ندارند و شرح می دهند که به همین دلیل است که می گویند ابتکار عمل و تعیین مسیر پرونده باید در اختیار خود آرژانتینی ها باشد. نیسمان در مواقعی نزد امریکائیهها شکایت کرده که مقدار کمکی که از آنها دریافت می کند بیشتر از آن چیزی است که دولت آرژانتین در اختیار وی قرار می دهد اما در عین حال از موضع نستور کرچنر در سازمان ملل که طی آن ایران را از دخالت در تحقیقات پرونده برحذر داشته بود، ستایش کرده است.

حکم صادره توسط دادگاه علنی داخلی در سپتامبر ۲۰۰۴ در خصوص متهمین داخلی پرونده، موجب بدبینی شدید سفارت آمریکا گردید. در این حکم نه تنها ۲۲ متهم

داخلی پرونده تبرئه شدند، بلکه دو دادستان (باراکسیا و موجن) و قاضی تحقیق پرونده (گالانو) بدلیل بی نظمی های فراوان در جریان تحقیقات و عدم بیطرفی در تحقیقات و اتهامات متعدد دیگر کنار گذاشته شده و مورد تعقیب قضائی قرار گرفتند. در یکی از تلکس های سفارت آمریکا آمده است: «بحثهای ما با قاضی گالانو و دادستانهای قبلی و سازمان اطلاعات و همچنین برداشتهای ما از پرونده آمیا نشان می دهد که تحقیقات بر اساس شواهد تصادفی صورت گرفته که نیازمند همکاریهای زیادی بوده و اینکه تحقیق کنندگان در ردیابی عناصر محلی و بین المللی ناموفق بودند. مامعتمدیم غیر محتمل است که پس از ۱۰ سال، فرضیه ها و آثار باقیمانده بتواند شواهد مفیدی بدست بدهد.»

با به قدرت رسیدن نستور کرچنر و شروع تحقیقات توسط نیسمان امیدواری های زیادی برای سفارت آمریکا ایجاد گردید. پس از آنکه نیسمان خواستار بازداشت بین المللی ایرانیها می شود، در یک تلگراف ارسالی از سفارت در سال ۲۰۰۶ به وزارت امور خارجه آمریکا سکوت دولت آرژانتین را ناشی از نگرانی در خصوص برانگیخته شدن خصومت ایرانیها در نتیجه این اقدامات می داند. در این مرحله سفارت نتوانسته به این نظر برسد که آیا دولت (آرژانتین) در تلاش برای تأثیرگذاری و یا تأخیر انداختن در تصمیم قاضی کورال است. این امر مطابق با آن چیزی است که دولت در طول سال انجام داده است. کاخ ریاست جمهوری از تعهد خودش مبنی بر پیگیری به نتیجه رسیدن پرونده عقب نشینی نمی کند با اینحال نظرش این است که باید پرونده پروسه قضائی خودش را طی کند.

دهها تلگراف از مجموع اسناد محرمانه سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) از تلاشهای مخفیانه دولتهای آمریکا و آرژانتین در سالهای ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ به منظور دسترسی به صدور اعلان قرمز علیه پنج مقام ایرانی و رهبر حزب الله توسط اینترپل سخن گفته و این موضوع را تأیید کرده اند.



گفتگو با دبیر کل جامعه وعاظ عراق:

نامه رهبر انقلاب به جوانان غربی نگاهی مصلحانه و پدران دارد

شیخ احمد الصالحی عضو ارشد و دبیر کل جامعه وعاظ عراق گفت: نامه رهبر انقلاب اسلامی ایران به جوانان اروپایی نامه ای مهم و دارای مفاهیمی عمیق است که نشان از نگاه پدران ایشان دارد.

شیخ احمد الصالحی در خصوص فعالیت جامعه وعاظ عراقی گفت: جمعیت وعاظ عراق از سال ۲۰۱۴ میلادی و با هدف ایجاد هماهنگی میان خطبا و وعاظ این کشور اعلام موجودیت کرده و در تمامی استان ها و مناطق عراق شعبه دارد.

وی ادامه داد: هدف ما انتقال صحیح تعالیم مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به مخاطبان است. در این خصوص لازم است میان وعاظ عراقی هماهنگی لازم وجود داشته باشد. خصوصاً در ماه های عزای اهل بیت و در ایامی مانند فاطمیه، محرم و صفر این موضوع بیشتر به چشم می آید.

عضو ارشد جامعه وعاظ عراقی در خصوص مراسم اربعین

و همدلی و برادری برگزار شد.

شیخ احمد الصالحی در خصوص نامه رهبر معظم انقلاب اسلامی به جوانان اروپایی تأکید کرد: رهبر انقلاب اسلامی ایران جانشین بر حق امام خمینی (ره) و شاگرد بزرگ مکتب امیرالمومنین (ع) است. ایشان یک مصلح بزرگ است و به مانند یک پدر در صدد اصلاح دیدگاه جوانان اروپایی نسبت به دین مبین اسلام است. این نامه، آن هم در مقطع و برهه فعلی مهم و متن آن نیز بسیار عمیق است که به درستی دست دشمنان و خائنین به اسلام را ورز کرد.

امسال اظهار داشت: مراسم اربعین امسال بی نظیر بود. در مراسم اربعین فقط ما همدلی و وحدت میان شیعیان را می بینیم. در مراسم حج بارها شاهد هستیم که چه برخوردی ناشایستی از سوی کسانی که خود را خادم الحرمین می خوانند با مسلمانان صورت می گیرد اما در مراسم اربعین ما فقط همدلی و برادری می بینیم.

وی تأکید کرد: مراسم اربعین مراسمی است که مثل و مانندای در تاریخ ندارد. اربعین در تاریخ بشریت یک استثناست. امسال نیز شاهد بودیم که مراسم اربعین با نظم

هماهنگی استراتژیک ایران و روسیه در سوریه/نگرانی غرب از گسترش روابط



تلاش کردند تا دو کشور را به عنوان رقبای اصلی یکدیگر در برخی زمینه‌ها از جمله در زمینه فروش نفت و گاز به اروپا معرفی کنند. غربی‌ها از این حد هم فراتر رفته و اینگونه القا کردند که سال‌ها بی‌اعتمادی در روابط میان ایران و روسیه و همچنین رویکرد ایدئولوژیک متضاد این دو با یکدیگر در نهایت منجر به جدایی آنها از هم خواهد شد.

سفر پوتین به ایران برای اولین بار پس از گذشت حدود هشت سال، سر آغاز فصل نوینی از روابط استراتژیک میان تهران و مسکو خواهد بود. به اعتقاد آنها دیگر نشانی از آن بی‌اعتمادی میان دو طرف در ادوار گذشته دیده نمی‌شود

در هر صورت، تمامی تلاش‌ها و توطئه‌های غرب و همیمانان منطقه‌ای آن برای فاصله‌انداختن میان ایران و روسیه و جلوگیری از گسترش همکاری‌ها و هماهنگی‌های دوجانبه آنها بی‌نتیجه مانده است. روسیه همچنان به مواضع اصولی خود در سوریه پایبند است به طوری که پوتین در جریان سفر اخیر خود به تهران و در دیدار با رهبر معظم انقلاب به صراحت اعلام کرد: «روسیه ملتزم است که به هم‌پیمانان خود خیانت نکرده و علیه آنها توطئه چینی نکند».

روسی ادامه می‌دهد: «روابط اقتصادی میان تهران و مسکو مسأله‌ای نیست که غربی‌ها را نگران کرده باشد، بلکه آنچه موجب نگرانی آنها شده نزدیکی بیش از پیش دو طرف به یکدیگر در مواضع سیاسی به ویژه در زمینه بحران سوریه است».

این در حالی است که روزنامه روسی «نیزاویسیما گازتا» به نقل از برخی از مقامات مسکو گزارش می‌دهد: «آمریکا با تکیه بر ضرب المثل «تفرقه بیانداز و حکومت کن» در تلاش است تا میان ایران و روسیه فتنه‌انگیزی کند. این سیاست، به طور دقیق همان سیاستی است که همواره آن را در قبال شیعیان و اهل تسنن به کار گرفته است».

تلاش آمریکا و غرب برای ایجاد تفرقه میان ایران و روسیه در حالی انجام می‌شود که گویی آنها به این موضوع که هر دو کشور با نفوذ غرب در منطقه به طور جدی مشکل دارند، پی نبرده‌اند. آنها همچنین فراموش کرده‌اند که ایران و روسیه دو بازیگر منفعل در سوریه محسوب نمی‌شوند، بلکه بازیگرانی فعال و تأثیرگذار در بحران این کشور به شمار می‌روند و این مسأله را طی پنج سال گذشته به خوبی به اثبات رسانده‌اند.

امروز دیگر بر افکار عمومی جهانیان پوشیده نیست که آمریکا و غرب تمام تلاش خود را برای به زیر کشیدن بشار اسد رئیس‌جمهوری سوریه به کار بسته‌اند. همین هدف، علت اصلی تلاش‌های بی‌وقفه آنها برای فاصله‌انداختن میان ایران و روسیه است. آنها برای تحقق هدف خود (فتنه‌انگیزی میان ایران و روسیه) طی سال‌های اخیر

و روسیه در زمینه بحران سوریه افزایش اعتماد متقابل میان سران دو کشور بوده است. در همین ارتباط روزنامه «فایننشال تایمز» می‌نویسد: «هماهنگی‌های نظامی گسترده میان ایران و روسیه در سوریه به یک قرن سوء تفاهم و بی‌اعتمادی حاکم بر روابط دو کشور پایان بخشید». گزارش این روزنامه در حالی منتشر شد که حدود یک ماه پیش «مهدی سنایی» سفیر ایران در روسیه اعلام کرده بود: «در حال حاضر فصل نوینی از روابط استراتژیک میان ایران و روسیه آغاز شده است».

می‌توان گفت که سفر اخیر «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهوری روسیه به ایران با سفری که وی هشت سال پیش به این کشور انجام داده بود کاملاً متفاوت است، چراکه تعمیق و گسترش روابط میان دو کشور از مهمترین نتایج سفر پوتین به ایران به شمار می‌رود؛ نتایجی که بدون شک به مذاق غربی‌ها و به ویژه آمریکایی‌ها خوش نیامده است. آمریکا و غرب بر این باورند نزدیکی روزافزون ایران و روسیه به یکدیگر یک فرصت جدید برای دو کشور در منطقه به وجود می‌آورد؛ فرصتی که منافع آنها در خاورمیانه و همچنین اوکراین را با مخاطره جدی مواجه می‌سازد.

شبکه «روسیا الیوم» در خصوص تعمیق و تحکیم روابط میان ایران و روسیه گزارش می‌دهد: «طی سال‌های اخیر روابط اقتصادی میان ایران و روسیه پیشرفت چشمگیری داشته است به طوری که اخیراً وزیر انرژی روسیه اعلام کرده این کشور قصد دارد حجم مبادله بازرگانی با ایران را از حدود یک میلیارد دلار به ۱۰ میلیارد دلار برساند». این شبکه

گسترش هماهنگی‌های نظامی میان ایران و روسیه در ارتباط با بحران سوریه مسأله‌ای است که این روزها غرب را بسیار آشفته و نگران کرده است.

«ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهوری روسیه به منظور شرکت در اجلاس سران کشورهای صادرکننده گاز در تهران به ایران سفر کرد. وی در بدو ورود به تهران به دیدار مقام معظم رهبری رفته و با ایشان دیداری ۲ ساعته برگزار کرد. دو طرف در جریان این دیدار تأکید کردند که نسخه پیچیدن خارجی برای سوریه حل سیاسی بحران این کشور را محال می‌سازد. در همین ارتباط، «دیمیتری پسکوف» سخنگوی دفتر ریاست جمهوری روسیه اعلام کرد: «محور اصلی این دیدار گفتگو درباره بحران‌های جاری در منطقه بود. بحران سوریه هم مسأله‌ای بود که دو طرف به طور ویژه درباره آن رایزنی کردند». وی ادامه داد: «پوتین و رهبر عالی ایران تأکید کردند که تنها راهکار برون رفت از بحران کنونی سوریه مراجعه به خواسته مردم این کشور برای تعیین سرنوشت خودشان است».

کارشناسان معتقدند سفر پوتین به ایران برای اولین بار پس از گذشت حدود هشت سال، سرآغاز فصل نوینی از روابط استراتژیک میان تهران و مسکو خواهد بود. به اعتقاد آنها دیگر نشانی از آن بی‌اعتمادی میان دو طرف در ادوار گذشته دیده نمی‌شود. علت این مسأله را هم می‌توان در هماهنگی‌های تنگاتنگ ایران و روسیه در زمینه بحران سوریه جستجو کرد. آنها حتی به کمک یکدیگر موفق شدند یک جبهه قوی برای مبارزه با تروریسم و حمایت از سوریه تشکیل دهند.

در حال حاضر، مسأله سوریه مهمترین زمینه همکاری مشترک میان ایران و روسیه به شمار می‌رود. در همین ارتباط پایگاه خبری «بازفید نیوز» می‌نویسد: «نقش ایران و روسیه در سوریه مکمل یکدیگر است. از یک سو ایران اقدام به اعزام مستشاران نظامی به خاک سوریه کرده است و از سوی دیگر روسیه با ارسال جنگنده‌های خود به آسمان کشور، مواضع تکفیریه را هدف قرار می‌دهد». به گفته کارشناسان همکاری‌های نظامی گسترده میان ایران و روسیه در سوریه تنها نقشه‌های غرب و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن یعنی عربستان، ترکیه و قطر را نقش بر آب نکرده است، بلکه این همکاری منجر به تشکیل یک ائتلاف قدرتمند برای مبارزه با بزرگترین تهدید یعنی تروریسم شده است.

به طور کلی می‌توان گفت مهم‌ترین نتایج همکاری‌های نظامی ایران

گفتگو با رئیس سابق تحلیل عملیات سیا:

تأکید قطعنامه آژانس بر آینده فعالیت هسته‌ای ایران است نه گذشته

مریم خرمائی



آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای حکام و چگونگی طرح پی‌ام‌دی در آن گفت: دیدگاه‌های متفاوتی درباره اینکه بستن پرونده پی‌ام‌دی دقیقاً چه معنایی می‌دهد وجود دارد.

پیلار در توضیح منظور امانو از اینکه گزارش وی درباره ابعاد احتمالات نظامی برنامه هسته‌ای ایران (پی‌ام‌دی) سیاه و سفید نخواهد بود، تصریح کرد: برای تطابق با مفاد برنامه جامع اقدام مشترک، گزارش آژانس انرژی اتمی که به زودی منتشر خواهد شد تنها به کفایت همکاری ایران با آژانس درباره نقشه راهی اشاره می‌کند که برای حل مسائل باقی‌مانده در برنامه هسته‌ای این کشور تعیین شده است و به عقیده بسیاری از ناظران زمینه لازم را برای بستن کامل این پرونده فراهم نمی‌کند.

وی در ادامه در پاسخ به اینکه آیا ممکن است با وجود تعهدی که کشورهای ۵+۱ (آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، انگلستان و آلمان) برای صدور قطعنامه‌ای مبنی بر خاتمه پی‌ام‌دی داده‌اند، این پرونده همچنان باز بماند، گفت: توافق به موضوع ارائه قطعنامه ۵+۱ با رویکرد حل و فصل پرونده پی‌ام‌دی اشاره می‌کند. به هر صورت مخالفت‌ها ادامه خواهد داشت اما این دلیل مناسبی برای وقفه در روند اجرایی کردن برجام نیست. بسیاری از منتقدان غربی به صراحت خواهند گفت که پرونده ایران بسته نشده است حال آنکه دولت‌هایی که قرار است قطعنامه را صادر کنند از زبان مبهم‌تری برای تنظیم آن استفاده می‌کنند. پیلار در ادامه پیش‌بینی کرد که احتمالاً قطعنامه نهایی شورای حکام حاوی اعلام نتیجه قطعی درباره آنچه برنامه هسته‌ای ایران در گذشته داشته است، نمی‌شود. به گفته وی، این قطعنامه بیشتر بر لزوم نظارت و مراقبت جدی

«پیل پیلار» معتقد است قطعنامه شورای حکام حاوی اعلام نتیجه قطعی درباره فعالیت‌های گذشته برنامه هسته‌ای ایران نخواهد بود و بیشتر بر لزوم اطمینان از صلح آمیز بودن فعالیت‌های آینده تمرکز می‌کند.

«یوکیا امانو» مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار است ظرف یکی دو روز آینده گزارش خود را از بررسی فعالیت‌های هسته‌ای ایران ارائه دهد. در این میان، وی مدعی شده که گزارش نهایی سیاه و سفید نخواهد بود و او نمی‌تواند درباره مواد هسته‌ای اعلام نشده و نبود قطعی فعالیت‌های نظامی ایران در گذشته (پی‌ام‌دی) تضمین معتبری بدهد.

این اظهارات امانو در حالی مطرح شد که ایران آغاز روند اجرای برجام را به بسته شدن پرونده پی‌ام‌دی موکول دانسته و می‌گوید گروه ۵+۱ متعهد شده تا پرونده پی‌ام‌دی را براساس یک قطعنامه در شورای حکام ببندد و اگر این اتفاق صورت نگیرد روند اجرای برجام متوقف می‌شود. در این میان، «سید عباس عراقچی» معاون وزیر امور خارجه ایران و عضو تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای برای اجرای برجام هشدار داده که ۵+۱ باید بین پی‌ام‌دی و برجام یکی را انتخاب کند. به گفته وی، در پیش‌نویس قطعنامه شورای حکام باید از عباراتی که دقیقاً به معنای بسته شدن و خاتمه پی‌ام‌دی باشد، استفاده شود که نشان‌دهنده بسته شدن این پرونده است.

پروفسور «پیل پیلار» استاد دانشگاه «جرج تاون» و کارشناس و رئیس سابق بخش تحلیل عملیات سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در خصوص گزارش مدیرکل

اشاره دارد که تضمین‌کننده عدم تلاش ایران برای تولید سلاح هسته‌ای در آینده باشد.

وی مدعی شد: اغلب اعضای ۵+۱ می‌گویند ایران در گذشته فعالیت‌هایی را در زمینه تولید سلاح هسته‌ای انجام داده است. در مقابل، ایران هم این مسئله را انکار کرده و بر موضع خود پافشاری می‌کند.

پیلار در خاتمه گفت: در روند اجرای برجام، آنچه که در گذشته اتفاق افتاده اهمیتی ندارد بلکه مهم آن است که ایران تضمین بدهد که در آینده هیچگاه برنامه‌ای برای ساخت سلاح اتمی نخواهد داشت.

پیل پیلار در سال ۲۰۰۵ میلادی پس از ۲۸ سال حضور در سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) بازنشسته شد. آخرین پست وی در سازمان سیا افسر اطلاعات ملی در امور شرق نزدیک و جنوب آسیا بود. البته پیلار پیش از این پست مسئولیت‌های متعددی را در اختیار داشت که از جمله آنها می‌توان بر ریاست واحدهای تحلیل عملیات‌های سیا در خاور نزدیک، خلیج فارس و جنوب آسیا اشاره کرد. پیلار سابقه حضور در شورای امنیت ملی آمریکا به عنوان یکی از اعضای اصلی آن را نیز دارد. پیلار از جمله متخصصان بنام موضوع هسته‌ای ایران است و آثار قابل توجهی در این زمینه دارد.

روزنامه نگار و تحلیلگر آمریکایی مطرح کرد

پایان نمایش سیاسی برنامه هسته‌ای ایران/احتمال شیطنت رژیم اسرائیل



در همین رابطه گفتگویی انجام شده است با «گرت پورتر» روزنامه نگار مستقل آمریکایی و برنده جایزه روزنامه نگاری گل هورن در سال ۲۰۱۲ انجام شده است.

وی در خصوص تأثیر تصویب قطعنامه پیشنهادی گروه ۵+۱ در شورای حکام بر روند کلی برجام گفت: این قطعنامه راه را برای اجرایی شدن برجام هموار می‌کند. قطعنامه‌ای که ایران در ۱ جولای به عنوان یک شرط اصرار زیادی بر روی آن داشته است.

پورتر همچنین درباره احتمال تلاش برخی کشورها برای کردن مجدد مسئله فعالیت‌های گذشته هسته‌ای ایران به بهانه‌های مختلف در آینده گفت: از این پس تلاشی برای مطرح کردن موضوعات گذشته صورت نخواهند گرفت و این بخش از نمایش سیاسی درباره برنامه هسته‌ای ایران به پایان رسیده است.

وی در عین حال افزود: اما من امکان تلاش اسرائیل برای ایجاد موضوعات جدید را رد نمی‌کنم. اقداماتی که اسرائیل سعی خواهد کرد از طریق سرویس‌های اطلاعاتی خود انجام دهد. با اینحال برای اسرائیل هم بسیار سخت خواهد بود تا در انجام چنین تلاش‌هایی موفق شود زیرا که آمریکا علاقمند به اجرایی شدن کامل توافق هسته‌ای است.

«گرت پورتر» تصویب قطعنامه پیشنهادی گروه ۵+۱ توسط شورای حکام را پایان بازی سیاسی برخی کشورها درباره برنامه هسته‌ای ایران دانسته و از احتمال سنگ اندازهای رژیم اسرائیل در آینده خبر داد.

شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی امروز سه شنبه با اجماع قطعنامه پیشنهادی گروه ۵+۱ برای بستن پرونده ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران «پی‌ام‌دی» را تصویب کرد. پیش‌نویس این قطعنامه پیشنهادی هفتم دسامبر از سوی گروه ۵+۱ به اعضای شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ارائه شده بود.

در جلسه فوق‌العاده امروز شورای حکام گزارش امانو درباره ارزیابی نهایی در خصوص مسائل گذشته و حال مطرح و بعد از آن، در خصوص قطعنامه پیشنهادی ۱+۵ تصمیم‌گیری شد.

مطابق توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱، تعهدات ایران در برجام و متقابلاً لغو تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی توسط ۵+۱، بعد از اختتامه شدن پرونده هسته‌ای در شورای حکام لازم‌الاجرا می‌شود.

با وجود مصوبه امروز هنوز این نگرانی‌ها وجود دارند تا برخی قدرت‌های غربی با بهانه تراشی‌های جدید در آینده مجدداً تلاش کنند موضوعات گذشته را به نحوی مطرح کنند.

گفتگو: صمد حبیبی

گفتگو: پیمان یزدانی

گفتگو با عضو انجمن فیلسوفان آمریکا:

اسلام مخالف تروریسم است / لزوم رساندن پیام رهبر انقلاب به جهان

چیست؟

این که حملات تروریستی اخیر به عنوانی اقدامی شنیع که در تضاد با اسلام واقعی است به اسلام نسبت داده می شود مسئله ای حیاتی برای آیت الله خامنه ای است. یعنی این تحریف که اسلام از تروریسم حمایت می کند. به اعتقاد رهبران روشنفکر غرب هر گونه دیدگاهی که اسلام را حامی تروریسم معرفی کند از دیدگاه غرب مسموم و در تضاد با کمال است؛ هر چند تلاش های زیاد برای اسلام هراسی که برخی آن را دنبال می کنند صورت می گیرد. در جهان امروز مردم غرب احترام زیادی برای صداقت و درستکاری در اسلام، میراث و عظمت آن قائل هستند. رد قاطع تروریسم توسط آیت الله خامنه ای اهمیت زیادی دارد و ضروری است که با تعبیر ساده ای به گوش تمامی افراد در تمامی سنین برسد هر چند در میان مخاطبان وی جوانان در اولویت قرار دارند.



«چارلز تالیافرو» استاد فلسفه کالج سنت اولاف در مینه‌سوتای آمریکا معتقد است: رد قاطع تروریسم توسط آیت الله خامنه ای اهمیت زیادی دارد و ضروری است که با تعبیر ساده ای به گوش تمامی افراد جهان برسد. انتشار دومین نامه مقام معظم رهبری خطاب به جوانان غرب در خصوص تروریسم و ریشه های آن بازتاب وسیعی در رسانه های مختلف جهان و در نزد اندیشمندان و آزادیخواهان جهان داشته است. در بخش هایی از نامه مقام معظم رهبری به جوانان اروپا و آمریکای شمالی آمده است: «گروه های فرومایه ای مثل داعش، زاینده این گونه وصلت های ناموفق با فرهنگ های وارداتی است. اگر مشکل واقعا عقیدتی بود، میبایست پیش از عصر استعمار نیز نظیر این پدیده ها در جهان اسلام مشاهده می شد، در حالی که تاریخ، خلاف آن را گواهی می دهد.

در گفتگو با پروفیسور «چارلز تالیافرو» به بررسی اهمیت نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان غربی را مورد بررسی قرار داده ایم که از نظر می گذرد: «چارلز تالیافرو» استاد دانشگاه های آکسفورد، کلمبیا، پرینستون، کلمبیا و تندر ام آمریکا بوده و در حال حاضر استاد فلسفه کالج سنت اولاف در مینه‌سوتای آمریکاست. راهنمای آکسفورد درباره الهیات، راهنمایی مقدماتی بر زیبایی شناسی، تصویر در ذهن، فرهنگ فلسفه دین، تاریخ مختصر روح، راهنمای راتلج درباره خدانشناسی و راهنمای مقدماتی فلسفه دین از جمله آثار وی به شمار می روند. او از فیلسوفان برجسته در عصر حاضر به شمار می رود و در این حوزه صاحب آثار ارزشمندی است. وی دانش آموخته دانشگاه براون و هاروارد بوده و عضو انجمن فیلسوفان آمریکاست.

تروریسم به اسلام هراسی دامن بزنند؟ شاید دلیل این مسئله این است که اسلام در جهان امروز تحت رهبری یک شخص متحد نشده است. یا حتی تحت رهبری یک شورای کوچکی هم مثل پارلمان جهانی نیست که بتواند از زبان مسلمانان جهان سخن بگوید و با صدایی واحد تروریسم را محکوم کند. منظور این است که امروزه اختلافاتی میان مسلمانان وجود دارد که باید به وحدت دست یابند.

|| اهمیت این نامه در مقطع زمانی کنونی چیست؟

به نظر من بیشترین تاکید باید بر روی رهبران جهان اسلام باشد تا تمامی اقشار سنی را مورد خطاب قرار دهند و به آنها بگویند که اسلام بطور اساسی با تروریسم مخالف است چه بصورت مشهود و چه بصورت غیر مشهود آن که آیت الله خامنه ای با اشکال مختلف آنرا در این نامه بیان کرده اند.

|| حضرت آیت الله خامنه ای در این نامه تاکید کرده اند که اسلام دین دوستی و مودت است. چرا برخی سعی می کنند اسلام را به عنوان دین خشونت معرفی کنند؟

امروز تاکید بر این مسئله که اسلام دینی با ظرفیت بالا و مورد استقبال است که هیچ شخص یا جوانی را به خشونت دعوت نمی کند اهمیت بسیار زیادی دارد. مرتبط کردن اسلام و خشونت نتیجه اقدامات شیع و تاسف انگیز گروه های حاشیه ای است. در غرب آرزوی بسیاری است تا جرایم داعش آشکار شود امری که موجب خواهد شد تا این حس در غرب بطور عمیقی ایجاد شود که اسلام دین صلح است و اساسا با این افراد و گروه ها که برای پیشبرد کارهایشان به اسلام متوسل می شوند اساسا در تضاد است. همان مطلبی که آیت الله خامنه ای در ابتدای نامه خود به صراحت بیان کرده اند.

|| چرا برخی در تلاش هستند تا از رهگذر

به اعتقاد رهبران روشنفکر غرب هر گونه دیدگاهی که اسلام را حامی تروریسم معرفی کند از دیدگاه غرب مسموم و در تضاد با کمال است

مستندات مسلم تاریخی به روشنی نشان می دهد که چگونه تلاقی استعمار با یک تفکر افراطی و مطرود، آن هم در دل یک قبیله بدوی، بذر تندروی را در این منطقه کاشت و گرنه چگونه ممکن است از یکی از اخلاقی ترین و انسانی ترین مکاتب دینی جهان که در متن بنیادین خود، گرفتن جان یک انسان را به مثابه کشتن همه بشریت می داند، زباله های مثل داعش بیرون بیاید؟

از طرف دیگر باید پرسید چرا کسانی که در اروپا متولد شده اند و در همان محیط، پرورش فکری و روحی یافته اند، جذب این نوع گروه ها می شوند؟ آیا می توان باور کرد که افراد با یکی دو سفر به مناطق جنگی، ناگهان آن قدر افراطی شوند که هموطنان خود را گلوله باران کنند؟ قطعاً نباید تأثیر یک عمر تغذیه فرهنگی ناسالم در محیط آلوده و مولد خشونت را فراموش کرد.

|| آیت الله خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی در دومین نامه خود به جوانان غربی به تروریسم و ریشه های آن پرداخته اند. اهمیت این مسئله





کند. ممکن است در جریان فعالیت های معمول آژانس موضوعاتی مطرح شوند همانطور که مثلاً درباره کره شمالی در سال ۲۰۰۴ مطرح شد. تا زمانی که دیگر هیچ سوال جواب داده نشده ای درباره برنامه هسته ای جاری ایران باقی نماند، این موضوع مسئله ای نخواهد بود.

از این به بعد تمرکز آژانس بر اجرای برجام خواهد بود. مکانیسم این کار چگونه خواهد بود؟

این کار با اقدامات ایران در خصوص برچیدن برخی از فعالیت هایش شروع می شود. زمانی که ایران تکمیل شدن برخی اقداماتش را به آژانس گزارش دهد، آژانس با بازدید از محل آن را تایید خواهد کرد. همچنین با مهر و موم کردن بخش هایی و با نصب دوربین ها و تجهیزات نظارتی آژانس این کار صورت خواهد گرفت. همانطور که مدیر کل آژانس اعلام کرد برخی از این کارها ممکن است در برخی موارد هفته ها طول بکشد و در برخی موارد کمتر.

داد. نماینده آمریکا در آژانس بین المللی انرژی اتمی دیروز گفته بود که این بدان معنا نیست که فعالیت های گذشته ایران دیگر توسط آژانس مورد بررسی قرار نخواهند گرفت. نظر شما چیست؟ فکر نمی کنم بند ۹ به بسته شدن کامل «پی ام دی» اشاره دارد. شورای حکام ملاحظات رسمی در خصوص موضع پی ام دی را بسته است. اما اجرای پروتکل الحاقی ایران را موظف می کند تا به سوالات آژانس درباره برنامه هسته ای خودش پاسخ دهد. این سوال ها می توانند درباره فعالیت های گذشته و جاری ایران باشند و این کار اگر می خواهیم به یک نتیجه گیری وسیعتر درباره ماهیت کلی برنامه هسته ای ایران برسیم یک باید و ضرورت است. ایران پذیرفته است که پروتکل الحاقی را اجرا کند و با آژانس همکاری کند. اگر ایران مایل است تا دیدگاه جامعه جهانی درباره ماهیت برنامه هسته ای را تغییر دهد این کار را باید با همکاری آژانس شروع

گفتگو با عضو سابق تیم هسته ای آمریکا:

آژانس می تواند پرسشهای گذشته و حال هسته ای ایران را بررسی کند

پیمان یزدانی

تلاش کنند موضوعات گذشته را به نحوی مطرح کنند.

در همین رابطه گفتگویی با «ریچارد نیفو» عضو سابق تیم مذاکره کننده هسته ای آمریکا و کارشناس امور تحریم ها و امنیت بین الملل و عدم اشاعه تسلیحات در وزارت خارجه آمریکا و محقق دانشگاه کلمبیا آمریکا انجام شده است که متن این گفتگو در زیر آمده است.

ارزیابی شما از تصویب قطعنامه پیشنهادی گروه ۵+۱ در شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی و بسته شدن پرونده «پی ام دی» ایران چیست؟

معتقد هستم که قطعنامه با بستن رسمی مسئله پی ام دی انتظارات را بر آورد. اما در عین حال باید تاکید کرد که وظیفه ایران برای همکاری با آژانس در مسائل پیش رو تغییر نکرده است. ایران در این مرحله می تواند اجرایی کردن تعهدات خود بر اساس توافق هسته ای (برجام) را از سر گیرد و منتظر رسیدن «روز اجرا» باشد که به زودی فرا خواهد رسید.

شورای حکام در بند ۹ قطعنامه با استفاده از عبارت «consideration» به بسته شدن پرونده ابعاد احتمالی نظامی برنامه هسته ای ایران (پی ام دی) رای

عضو سابق تیم مذاکرات هسته ای آمریکا با اشاره به رای شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی به بسته شدن پرونده «پی ام دی» گفت: ایران همچنان باید درباره برنامه هسته ای خود پاسخگو باشد.

شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی امروز سه شنبه با اجماع قطعنامه پیشنهادی گروه ۵+۱ برای بستن پرونده ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته ای ایران «پی ام دی» را تصویب کرد.

پیش نویس این قطعنامه پیشنهادی هفتم دسامبر از سوی گروه ۵+۱ به اعضای شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی ارائه شده بود.

در جلسه فوق العاده دیروز شورای حکام گزارش آمانو درباره ارزیابی نهایی در خصوص مسائل گذشته و حال مطرح و بعد از آن، در خصوص قطعنامه پیشنهادی ۱+۵ تصمیم گیری شد.

مطابق توافق هسته ای ایران و ۵+۱، تعهدات ایران در برجام و متقابلاً لغو تحریم های بین المللی علیه جمهوری اسلامی توسط ۵+۱، بعد از مخته شدن پرونده هسته ای در شورای حکام لازم الاجرا می شود.

با وجود مصوبه دیروز هنوز این نگرانی ها وجود دارند تا برخی قدرت های غربی با بهانه تراشی های جدید در آینده مجدداً



کوبین مک کارتی، رهبر اکثریت جمهوری خواه مجلس نمایندگان آمریکا نیز از نامه جان کری به ظریف انتقاد کرد و مدعی شد دولت آمریکا به جای تضعیف اهداف کنگره در خصوص معافیت ویزا، بهتر است به آزمایش های موشکی ایران که نقض مکرر قطعنامه های شورای امنیت است، رسیدگی کند. گفتنی است قانون محدودیت سفر به آمریکا به تازگی توسط کنگره آمریکا به تصویب رسید. بر اساس این قانون، شهروندان ۳۸ کشور که برای سفر به آمریکا از دریافت ویزا معاف هستند، در صورت سفر به کشورهای ایران، سوریه، عراق و سودان طی ۵ سال گذشته، برای سفر به آمریکا باید درخواست ویزا دهند.

انتقاد شورای روابط خارجی آمریکا از نامه کری به ظریف

شورای روابط خارجی آمریکا در بیانیه ای که در وبگاه خود منتشر کرد به نامه جان کری خطاب به محمدجواد ظریف اعتراض کرده است.

شورای روابط خارجی آمریکا در وبگاه خود به ارسال نامه جان کری وزیر امور خارجه آمریکا به محمدجواد ظریف وزیر خارجه ایران اعتراض کرد.

در این بیانیه به نامه جان کری به همتای ایرانی اش اشاره شده است که در آن وزیر خارجه آمریکا به ظریف اطمینان می دهد که کشورش برای بازگشت ایرانی استثنای قائل شده است. وزارت خارجه ایران پیشتر تصویب قانون عدم صدور ویزا برای ایرانیان را نقض آشکار برجام خوانده بود.

کری در نامه خود به ظریف نوشت ایرانیانی که با شرکت های آمریکایی ارتباط تجاری دارند از قانون محدودیت ویزا مستثنی هستند.

شورای روابط خارجی آمریکا در بیانیه خود نامه کری به ظریف را شرم آور خطاب می کند و می نویسد: نامه گویی به وزیر خارجه کانادا نوشته شده است؛ به نظر نمی رسد ایرانی ها به جز منافع خود به چیز دیگری فکر کنند و با شعارهای مرگ بر آمریکا نشان دادند که نمی توان به این کشور اعتماد داشت.

شورای روابط خارجی آمریکا به زندانی شدن شهروندان آمریکایی توسط ایران نیز اشاره کرده است و می نویسد: جان کری چندان به فکر آزادی این شهروندان نیست.

گفتگو با شیرین هانتر:

طرح مجدد «پی ام دی» به روابط ایران و غرب وابسته است

غرب بحرانی جدی رخ دهد.

|| شورای حکام در بند ۹ قطعنامه با استفاده از عبارت «close consideration» به بسته شدن پرونده ابعاد احتمالی نظامی برنامه هسته ای ایران (پی ام دی) رای داد. نماینده آمریکا در آژانس بین المللی انرژی اتمی دیروز گفته بود که این بدان معنا نیست که فعالیت های گذشته ایران دیگر توسط آژانس مورد بررسی قرار نخواهند گرفت. نظر شما چیست؟

اینکه موضوعات گذشته هسته ای ایران و ابعاد نظامی آن مورد بررسی قرار نگیرد بستگی به روابط ایران و غرب دارد. اگر روابط ایران و غرب در جهت و مسیری مثبت حرکت کند در این صورت پرونده هسته ای گذشته ایران بسته باقی خواهد ماند. ولی اگر تنش در روابط ایران و غرب ظهور و بروز کند در این صورت باز شدن مجدد پرونده هسته ای مربوط به گذشته دور از ذهن نخواهد بود.

|| از این به بعد تمرکز آژانس بر اجرای برجام خواهد بود. مکانیسم این کار چگونه خواهد بود؟

فرایندهای بازرسی در برنامه جامع اقدام مشترک و همچنین اسناد آژانس بین المللی انرژی اتمی مشخص و تعریف شده است. آنچه مشخص است این است که آژانس بین المللی انرژی اتمی نظارت شدیدی بر فعالیتهای هسته ای ایران خواهد داشت.



انرژی اتمی و بسته شدن پرونده «پی ام دی» ایران چیست؟

این قطعنامه تمام جنبه های ابعاد احتمالی نظامی (PMD) برنامه هسته ای ایران را می بندد و پیشرفت مثبتی به شمار می رود که در جهت میل و خواست ایران است. اما نکته ای که باید بدان توجه داشت که چنین تصمیمی صرفاً یک تصمیم مبتنی بر ملاحظات فنی نبوده است و بیشتر از ساز و کارهای سیاسی زمان حاضر ناشی شده است. بر این اساس این احتمال وجود دارد که اگر دینامیکها و ساز و کارهای سیاسی تغییر کند ممکن است دوباره پرونده گشوده شود. اما احتمال این موضوع چندان بالا نیست و امری بعید است مگر اینکه در روابط ایران و

استاد دانشگاه جورج تاون آمریکا معتقد است بسته شدن پرونده «پی ام دی» ایران اقدامی مبتنی بر ملاحظات سیاسی است و امکان گشوده شدن آن نیز به روابط ایران و غرب وابسته است.

شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی با اجماع قطعنامه پیشنهادی گروه ۵+۱ برای بستن پرونده ابعاد احتمالی برنامه هسته ای ایران «پی ام دی» را تصویب کرد. پیش نویس این قطعنامه پیشنهادی هفتم دسامبر از سوی گروه ۵+۱ به اعضای شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی ارائه شده بود.

در جلسه فوق العاده شورای حکام گزارش آمانو درباره ارزیابی نهایی در خصوص مسائل گذشته و حال مطرح و بعد از آن، در خصوص قطعنامه پیشنهادی ۱+۵ تصمیم گیری شد. مطابق توافق هسته ای ایران و ۵+۱، تعهدات ایران در برجام و متقابلاً لغو تحریم های بین المللی علیه جمهوری اسلامی توسط ۵+۱، بعد از مختومه شدن پرونده هسته ای در شورای حکام لازم الاجرا می شود.

با وجود این مصوبه هنوز این نگرانی ها وجود دارند تا برخی قدرت های غربی با بهانه تراشی های جدید در آینده مجدداً تلاش کنند موضوعات گذشته را به نحوی مطرح کنند.

در همین رابطه گفتگویی با پروفیسور شیرین هانتر استاد دانشگاه جورج تاون آمریکا و کارشناس مسائل ایران انجام شده است که متن این گفتگو در زیر آمده است.

|| ارزیابی شما از تصویب قطعنامه پیشنهادی گروه ۵+۱ در شورای حکام آژانس بین المللی

پیش بینی صندوق بین المللی پول درباره بهبود وضعیت اقتصادی ایران

خورشیدی به حدود ۴ تا ۵.۵ درصد خواهد رسید.

این گزارش حاکی است که رشد اقتصادی بالای ایران بیشتر متکی به مقدار افزایش تولید نفت است.

تولید نفت ایران قبل از تحریم ها حول ۲.۷ میلیون بشکه در روز بود و هم اکنون به حدود ۲.۸ میلیون رسیده است. ایران می گوید که به محض برپیده شدن تحریم ها تولید خود را تا نیم میلیون بشکه افزایش خواهد داد و شش ماه بعد از آن تولید نفت خود را به دوران قبل از تحریم ها خواهد رساند.

صندوق بین المللی پول در ادامه می گوید که با اصلاحات سیاست های اقتصادی، ترازنامه بانکها و سیستم مالیات، رشد اقتصادی ایران در میان مدت به ثبات خواهد رسید و حدود ۴ درصد پیش خواهد رفت. با این حال این گزارش می افزاید که برای جلب اعتماد در جذب سرمایه ها و اطمینان از حداکثری کردن اثرات لغو تحریم ها بر اقتصاد ایران، نیاز به اصلاحات گسترده در فضای تجاری در میان مدت است.



تر» برای ایران باشد. بر اساس این پیش بینی «به یمن برپیده شدن تحریم های بین المللی، افزایش تولید نفت، کاهش هزینه های تجارت خارجی و انتقالات مالی و همچنین دستیابی به دارایی های بلوکه شده ایران در خارج»، نرخ اقتصادی ایران در سال آینده

می نویسد که تورم نقطه به نقطه طی ماه های گذشته به محدوده ۱۰ درصد کاهش یافته و انتظار می رود که نرخ تورم در پایان سال خورشیدی به حدود ۱۴ درصد برسد.

با این حال، گزارش این نهاد بین المللی پیش بینی کرده که ۱۳۹۵ سالی «روشن

صندوق بین المللی پول در جدیدترین گزارش خود در مورد ایران پیش بینی کرد که در سال آینده وضعیت اقتصادی کشور روشن تر خواهد بود.

صندوق بین المللی پول در تازه ترین گزارش خود می گوید که سال آینده برای اقتصاد ایران «روشن تر» خواهد بود.

این گزارش که در سایت رسمی این نهاد بین المللی منتشر شده است، می افزاید که افت شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی، ترازنامه شرکت های بزرگ و بانک های ایران، همچنین به تأخیر انداختن تصمیمات درباره مصرف و سرمایه گذاری در آستانه لغو تحریم های بین المللی باعث کاهش فعالیت اقتصادی ایران از زمستان سال گذشته تاکنون شده است.

بر اساس این گزارش، به همین سبب، انتظار می رود که رشد اقتصادی ایران از ۳ درصد در سال ۹۳ به حدود منفی نیم درصد تا مثبت نیم درصد در سال جاری برسد اما برای سال آینده وضعیت روشن تر است.

صندوق بین المللی پول در ادامه

محمد قادری

موضع آقای عراقچی بر چه منطقی استوار است؟



آیا موضع آقای عراقچی و نایاک به عنوان بخشی از لابی صهیونیستی جی استریت باید در قبال رفتار ناجوانمردانه آمریکا یکسان باشد؟ محکم خواندن تعهد کری، آن هم در حالیکه آمریکا برجام را نقض کرده چه معنایی دارد؟ پس از آنکه باراک اوباما طرح ضد ایرانی کنگره و سنای ایالات متحده را - لزوم اخذ ویزا برای اتباع ۳۸ کشوری که با آمریکا قانون لغو روایت دارند - امضا و تصویب کرد، با وجود نقض صریح برجام توسط این مصوبه، مواضع دوگانه ای از داخل کشور در برابر این مسئله اتخاذ شد که جای تحلیل و بررسی دارد.

پرده اول:

کنگره ایالات متحده آمریکا مصوبه ای جنجالی را تصویب می کند که متعاقب آن اتباع ۳۸ کشوری که با ایالات متحده لغو ویزا هستند، در صورت داشتن تابعیت دوگانه کشورهای ایران، عراق، سوریه و سودان از این پس برای ورود به خاک آمریکا باید ویزا دریافت کنند. همچنین اتباع ۳۸ کشوری که با آمریکا لغو ویزا هستند، در صورتی که از سال ۲۰۱۱ به بعد به این ۴ کشور سفر کرده باشند، باید برای ورود به آمریکا ویزا دریافت کنند. این مصوبه مورد تأیید مجلس نمایندگان و سنای قرار گرفته و به امضای اوباما می رسد و در نهایت به یک قانون تبدیل می شود.

پرده دوم:

در ماده ۲۹ برجام صراحتاً آمده است: «اتحادیه اروپایی، اعضای آن و آمریکا، مطابق قوانین مربوطه خود از هر گونه سیاستی که هدف از آن تأثیر مستقیم و معکوس بر عادی سازی روابط تجاری و اقتصادی با ایران است باید اجتناب ورزند.» از این رو اقدام اخیر مقامات آمریکایی نقض عینی برجام محسوب می شود. وزیر امور خارجه کشورمان در گفت و گو با المانیور ضمن تأیید این موضوع تصریح می کند که اقدام اخیر آمریکا مغایر با تعهدات واشنگتن در اجرای برجام محسوب می شود. این موضوع از سوی دیگر مقامات کشورمان از جمله رئیس

کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی کشورمان نیز مورد توجه قرار می گیرد.

پرده سوم:

جان کری وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا در نامه ای به وزیر امور خارجه کشورمان تأکید می کند که مصوبه و در حقیقت قانون اخیر به گونه ای است که دولت آمریکا اختیار عدم عمل به آن را داراست. از سوی دیگر، کری تصریح کرده است که واشنگتن در این خصوص می تواند با صدور ویزاهای ده ساله و چند بار ورود برای بازرگانان و تجار، جلوی عواقب این قانون را بر اجرای برجام بگیرد.

پرده چهارم:

نامه جان کری از سوی معاونت حقوقی و امور بین الملل وزارت امور خارجه کشورمان به عنوان سندی محکم دال بر تعهد ایالات متحده بر عدم اجرایی شدن این قانون مورد شناسایی قرار می گیرد. سید عباس عراقچی معاون وزیر امور خارجه کشورمان در این خصوص عنوان کرده است: «نامه آقای کری تعهد محکمی از سوی دولت آمریکا است مبنی بر اینکه از همه ابزارهای خود، حتی توقف اجرای قانون، استفاده خواهد کرد تا اجازه ندهد قانون جدید کنگره در خصوص ویزای ورود به آمریکا، اجرای موفقیت آمیز برجام و بهره مندی ایران از منافع اقتصادی آن را خدشه دار کند.»

پرده پنجم:

لابی نایاک - شورای عالی ایرانیان مقیم ایالات متحده آمریکا - دقیقاً به مانند وزارت امور خارجه کشورمان بدون اینکه تعریضی به ایالات متحده بابت تصویب قانون اخیر وارد کند، از نامه جان کری به آقای ظریف استقبال کرده و آن را تضمینی مهم برای عدم اجرایی شدن این قانون قلمداد می کند. یکسان بودن موضع نایاک و وزارت امور خارجه مبنی بر تمرکز بر روی نامه جان کری به جای تمرکز بر قانون اصلی تصویب شده، البته

جای بسی تاسف دارد. حال با توجه به آنچه گفته شد؛ سوال اصلی اینجاست که اگر دولت ایالات متحده آمریکا تغییر یابد و وزیر امور خارجه بعدی این کشور تعهد جان کری را نقض کند، در آن صورت چه سرنوشتی در انتظار برجام خواهد بود؟ آیا تعهد جان کری به آقای ظریف قائم به شخص بوده یا قائم به ساختار حکومتی آمریکاست؟ پاسخ این سوال، البته کاملاً محرز و مشخص است و در خوشبینانه ترین وضعیت ممکن، بازه زمانی اجرای این تعهد تا سال ۲۰۱۶ میلادی - زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا - خواهد بود.

سوال و نکته مهم تر اما اینجاست که؛ اساساً چرا قانونی ضد ایرانی و مغایر برجام باید وضع شود که مقامات آمریکایی بخواهند در قبال آن تعهد یا توضیح یا تضمینی بدهند؟ چه تضمینی وجود دارد که ایالات متحده آمریکا که به سندی به نام برجام متعهد نیست، به نامه نگاشته شده توسط جان کری پایبند باشد؟! آیا بهتر نبود وزارت امور خارجه ما برخورد عمیق تر، محکم تر و حقوقی تری با این موضوع داشته باشد؟ آیا ادبیات آقای عراقچی و سران لابی ایرانیان آمریکا - نایاک - به عنوان شاخه ای از لابی صهیونیستی «جی استریت» باید در قبال رفتار ناجوانمردانه ایالات متحده یکسان باشد؟ «محکم» خواندن تعهد جان کری، آن هم در حالی که آمریکا ماده ۲۹ برجام را نقض کرده است چه معنا و مفهومی داشته و بر کدام منطق یا پیشینه تاریخی استوار است؟ وقتی بارها گفته ایم که امثال «نایاک» بیش از آنکه لابی ایرانی ها در آمریکا باشند، لابی آمریکایی ها در ایران هستند دقیقاً به همین دلایل است. آیا بهتر نیست تأدیر نشده، وزارت امور خارجه و مجلس شورای اسلامی با اقدامی متقابل و محکم، پاسخ نقض عملی برجام از سوی ایالات متحده آمریکا را داده و مسئول کمیته پیگیری برجام نیز به جای سهل گیری در قبال این رفتار واشنگتن، با اتخاذ موضعی روشن و محکم، مانع بروز اقدامات سلیبی و غیر قانونی بعدی از سوی مقامات کنگره و کاخ سفید شود.



خاورمیانه و شمال آفریقا

دبیران: سمیه خماری باقی
رامین حسین آبادیان



نفوذ نظامیان ترکیه به عراق؛ اهمیت ژئوپلیتیک اقلیم کردستان عراق

مقامات دولت ترکیه در ادامه اجرای سیاست‌های تنش‌زا در منطقه اقدام به استقرار نیروهای نظامی خود در منطقه «بعشیکه» واقع در نزدیکی شهر موصل عراق کردند؛ اقدامی که واکنش شدید مقامات بغداد را به دنبال داشت. ارتش ترکیه شب گذشته اقدام به استقرار حدود ۱۵۰ نظامی و ۲۵ تانک در منطقه «بعشیکه» واقع در نزدیکی شهر موصل در خاک عراق کرد؛ شهری که حدود یک سال از اشغال آن توسط تروریست‌های تکفیری داعش می‌گذرد. اولین واکنش به اقدام ترکیه، «حیدر العبادی» نخست‌وزیر عراق با بیان اینکه اقدام آنکارا «نقض آشکار حاکمیت ملی» عراق بوده است، خروج هرچه سریعتر نیروهای ترکیه از خاک این کشور را خواستار شد. العبادی همچنین اعلام کرد: آنکارا مدعی است که نیروهای ترکیه برای ارائه آموزش‌های نظامی به نیروهای اقلیم کردستان وارد شمال کشور شده است؛ این در حالی است که از پیش هیچ اطلاعاتی در این خصوص به دولت مرکزی داده نشده است. منطقه «بعشیکه» در شمال شرق شهر موصل در استان نینوا واقع شده است. اکثریت ساکنان این منطقه را ایزدی‌ها تشکیل می‌دهند، با این حال در صدی از مسلمانان و مسیحیان نیز در آنجا سکونت دارند. این منطقه تحت کنترل نیروهای پیشمرگه عراق است. آنکارا مدعی است که برای ارائه آموزش‌های نظامی به نیروهای اقلیم کردستان وارد این منطقه شده است. این ادعا در حالی است که دولت بغداد معتقد است آنکارا باید دولت مرکزی را در جریان اقدامات خود قرار می‌دهد. البته این برای اولین بار نیست که ترکیه برای دولت مرکزی بغداد در سر ایجاد می‌کند، زیرا پیشتر نیز مقامات آنکارا با وجود اعتراضات گسترده دولت مرکزی بغداد اقدام به تجارت نفت با اقلیم کردستان عراق می‌کردند. اکنون نیز آنکارا همچون گذشته دولت مرکزی بغداد را نادیده گرفته و با اعزام نیروهای نظامی خود به شمال عراق در اندیشه تحقق منافع خود است.

اما چه چیز موجب شده تا آنکارا تحقق برخی از منافع مهم خود را در عراق به ویژه در شمال این کشور ببیند و هرگاه به یک بهانه به مداخله جویی در این کشور مبادرت کند؟ بدون شک آنچه که آنکارا به دخالت‌های گاه و بی‌گاه در عراق واداشته است، سه مسأله گردهای عراقی و احتمال استقلال آنها از دولت مرکزی، وجود اقلیت‌های ترکمن در این کشور و همچنین وجود میادین نفتی در شمال عراق است. بدون تردید در میان مسائلی که مطرح است، آنچه که بیش از هر چیز موجبات نگرانی مقامات آنکارا در عراق را فراهم آورده و خواب را از چشمانشان ربوده، فرار اعضای «پ ک ک» به شمال عراق است. حزب عدالت و توسعه که سیاست خود را بر مبنای نابودی گردها بنا کرده است از اتحاد میان اعضای «پ ک ک» و گردهای اقلیم کردستان عراق و به تبع آن قدرت یافتن این گروه به شدت در هراس است. از همین روی تمام تلاش خود را به کار بسته است تا به هر طریقی که شده مانع از تأثیرگذاری اعضای «پ ک ک» بر نیروهای اقلیم کردستان عراق شود. نگرانی مقامات آنکارا از حضور اعضای «پ ک ک» در شمال عراق تا حدی بود که تصمیم به مداخله نظامی مستقیم در این کشور گرفتند. جنگنده‌های ارتش ترکیه حدود یک سال پیش طی چند نوبت مواضع «پ ک ک» در شمال عراق را هدف سنگین‌ترین حملات هوایی قرار دادند. در

این اواخر نیز اخبار ضد و نقیضی در خصوص از سرگیری حملات هوایی ترکیه به مواضع این گروه در شمال عراق به گوش رسید.

رجب طیب اردوغان با وجود سیاست‌های کُردستیزانه خود از زمان به دست گرفتن زمام امور در ترکیه، روابط خوبی با اقلیم کردستان عراق برقرار کرده است. در واقع منافع اصلی اردوغان از برقراری روابط حسنه با اقلیم کردستان عراق در موارد ذیل خلاصه می‌شود:

۱- کنترل گردهای اقلیم کردستان از طریق دور نگاه داشتن آنها از گروه «پ ک ک» و در نهایت تضعیف این گروه. ۲- بهره برداری از میادین نفتی واقع در شمال عراق از طریق خرید نفت از مقامات اقلیم کردستان که البته همواره با اعتراض شدید دولت مرکزی مواجه شده است. بدون شک این دو عامل اصلی بی ارتباط با نفوذ نظامی اخیر ترکیه در شمال عراق نیست و آنکارا که بیش از هر زمان دیگری از تحرکات «پ ک ک» در شمال عراق احساس نگرانی می‌کند، اقدام به اعزام نیروی نظامی زمینی به این مناطق کرده است.

از سوی دیگر، تصمیم عراق برای پیوستن به ائتلاف ایران، سوریه و روسیه از دیگر مواردی است که می‌توان از آن به عنوان یکی از نگرانی‌های رجب طیب اردوغان یاد کرد. تشکیل این ائتلاف چهارگانه به ویژه با حضور عراق که با هدف مقابله با تکفیریه‌ها در منطقه شکل گرفته، منافع ترکیه را با مخاطره جدی مواجه ساخته است. پیوستن عراق به این ائتلاف موجب شد تا اردوغان به این نتیجه برسد که تقویت قدرت دولت مرکزی بغداد به معنای گسترده‌تر شدن دامنه ایفای نقش آن در حمایت از دولت دمشق خواهد بود. از سوی دیگر، همین قدرت، دولت مرکزی را قادر به اعمال فشار هرچه بیشتر بر اقلیم کردستان برای خودداری از فروش نفت به آنکارا خواهد ساخت. بدین ترتیب مقامات آنکارا با نفوذ به شمال عراق تلاش می‌کنند تا ضمن ضعیف جلوه دادن دولت مرکزی این کشور، اهداف خود در شمال عراق را محقق سازند؛ اهدافی که با تشکیل ائتلاف چهارگانه آن را از دست رفته می‌بینند.

در این میان مسأله دیگری که آنکارا را مجاب به دخالت در عراق، تقویت روابط با اقلیم کردستان و در نهایت اعزام نیروی نظامی به شمال عراق می‌کند، مسأله شهر کرکوک است. شهر کرکوک در ۲۵۰ کیلومتری بغداد واقع شده است. این شهر یکی از غنی‌ترین شهرهای عراق از نظر برخورداری از منابع و میادین نفتی است. در واقع حدود ۴۰ درصد از نفت عراق از طریق این شهر به دیگر

کشورها صادر می‌شود. نکته قابل تأمل در این خصوص، تسلط نیروهای اقلیم کردستان عراق بر بخش‌های وسیعی از شهر کرکوک است. ترکیه به دلیل نیازی که به نفت و گاز دارد به راحتی نمی‌تواند از یک شهر غنی به منابع نفتی چشم‌پوشاند. بنابراین تلاش خود را به کار بسته تا از طریق تحکیم روابط با اقلیم کردستان عراق و تقویت حضور نظامی در شمال این کشور به هدف خود در دستیابی به منابع نفتی جامه عمل بپوشاند. به ویژه اینکه آنکارا در شرایط کنونی با اختلاف نظرهایی که با کشورهای نظیر روسیه و ایران (کشورهای صادرکننده نفت و گاز به ترکیه) پیدا کرده است، خود را نیازمند منابع نفتی دیگر می‌بیند. از سوی دیگر، در شرایط کنونی که دولت ترکیه آماج حملات خارجی به ویژه از سوی روسیه قرار داشته و مقامات مسکو آن را به حمایت از تروریست‌های تکفیری داعش و همچنین دست داشتن در تجارت نفت با این گروه تروریستی متهم می‌کنند، اقدام ترکیه در اعزام نیروی نظامی به شمال عراق به بهانه ارائه آموزش‌های نظامی به نیروهای اقلیم کردستان با هدف ظاهرسازی و اثبات نقش آنکارا در مبارزه با تکفیریه‌ها بعید به نظر نمی‌رسد. مقامات ترکیه که همواره از طریق بازگشتن مرزهای خود به روی تروریست‌ها و تسهیل عبور و مرور آنها و همچنین ارائه کمک‌های لجستیکی به آنها از هیچ خوش خدمتی به تکفیریه‌ها دریغ نکرده‌اند، با ادعای ارائه آموزش‌های نظامی به نیروهای اقلیم کردستان در صددند تا این بار خود را در قامت دولت ضد تروریسم معرفی کنند. علاوه بر این، پس از سرنگونی جنگنده «سوخو ۲۴» روسیه توسط ارتش ترکیه، مقامات مسکو، دولت آنکارا را آماج انتقادات قرار دادند. وزیر دفاع روسیه اعلام کرد که در آینده نزدیک مدارکی را منتشر خواهد کرد که نشان می‌دهد ترکیه قراردادهای نفتی با داعش به امضا رسانده است. همین تحولات موجب شد تا آنکارا خود را تحت فشار شدید روس‌ها ببیند و برای رهایی از این فشار در نزد افکار عمومی جهان تدبیری بیاندیشد. در هر صورت، به نظر می‌رسد دولت ترکیه همانگونه که در هدف قرار دادن جنگنده روسی اشتباه بزرگی مرتکب شد، این بار نیز با نقض حاکمیت ملی کشوری که در میدان نبرد با تروریست‌های تکفیری حاضر است، مرتکب اشتباهی بزرگتر شده است. باید دید آیا اردوغان همانگونه که تاکنون بارها با بیان غیرعمدی بودن سرنگونی جنگنده روسی از این اقدام آنکارا اظهار پشیمانی کرده است، در خصوص نفوذ نظامی به خاک ترکیه نیز اظهار پشیمانی خواهد کرد یا نه؟!

فرزاد فرهادی

اردن؛ نگاه به روسیه در سایه چماق آمریکا و شیخ نشین‌ها



زمزمه‌هایی در محافل اردنی مبنی بر ضرورت نزدیک شدن به روسیه و خارج از محور سعودی‌ها و شیخ نشین‌های خلیج فارس مطرح شده اما هنوز مسیر طولانی با توجه به اهرم‌های فشار آل سعود علیه امان وجود دارد.

با توجه به روند خطرناک و شتابزده تحولات منطقه خاورمیانه به نظر می‌رسد که هنوز برخی از راهکار سیاسی غافل‌نمانده‌اند. یکی از این تلاش‌ها سفر اخیر پادشاه اردن به مسکو و دیدار با ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه بود.

اردنی‌ها از هماهنگی با روس‌ها در زمینه مبارزه با تروریسم به ویژه در جنوب سوریه و دیگر پرونده‌های منطقه‌ای سخن گفتند. نکته قابل‌تأمل این است که اردن در حال حاضر می‌کوشد که مانع از کشیده شدن بحرانی که در اطراف این کشور رخ می‌دهد به داخل این کشور شود.

اگر نگاهی به رفتار دولتمردان اردنی بیندازیم متوجه می‌شویم که اردن همواره سیاست‌های دوپهلویی اتخاذ کرده است به گونه‌ای که از یک سو از بی‌طرفی در بحران سوریه دم زده است اما از سوی دیگر تحرکاتی را به همراه غرب و همپیمانان عرب آنها علیه نظام بشار اسد انجام داده است. بدون شک اگر «امان» بخواهد به مسکو نزدیک شود با مانعی به نام عربستان

سیاسی و اقتصادی بی‌ثبات است. از این رو می‌توان نزدیک شدن مسکو و امان به یکدیگر را در راستای مقابله با بحران‌های منطقه تعریف کرد اما برای اینکه نزدیک شدن طرفین به مشارکت واقعی تبدیل شود پیمودن مسیر طولانی نیاز است. اردنی‌ها باید تصمیمات جسورانه‌ای اتخاذ کنند به ویژه که هنوز امان حول محور کشورهای حوزه خلیج فارس و آمریکا می‌چرخد.

بدون تردید همان گونه که آمریکایی‌ها مایل به گسترش نفوذ روسیه به عراق نیستند درباره اردن نیز مانع از نزدیک شدن امان به رقیب دیرینه خود یعنی روسیه می‌شوند. سعودی‌ها نیز همانطور که گفته شد با همه اهرم‌های فشار اقتصادی و سیاسی مانع از نزدیک شدن اردن به روسیه و ایران خواهند شد.

اما آنچه دولتمردان اردن باید به آن توجه کنند خطر تکفیری‌هایی است که بستر مناسب را در این کشور دارند و می‌توانند تهدیدی بالقوه برای آنها باشند. اردنی‌ها باید متوجه طرح‌های صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها برای ایجاد آشوب و بحران در منطقه باشند و بدانند که آمریکایی‌ها فقط به دنبال منافع خود هستند. دنباله روی اردن از آمریکا و همپیمانان سعودی آنها، تبعات مخربی به دنبال خواهد داشت.

باشد.

به اعتقاد این محافل هماهنگی عربی-روسی نیز برای حل بحران‌های موجود در منطقه مهم و ضروری است. برخی سیاست‌گذاران در اردن در حال حاضر می‌کوشند که از زیر لوای برخی کشورهای حوزه خلیج فارس و به ویژه عربستان سعودی آزاد شوند و با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی مهم ائتلاف کنند.

اردن در اطراف خود فضای امنیتی و سیاسی بی‌ثبات را سپری می‌کند؛ از فلسطین گرفته تا عراق و سوریه شرایط نا آرام است. اوضاع داخلی این کشور نیز در نظر

سعودی و کشورهای حوزه خلیج فارس روبرو خواهد شد. عربستان و قطر برای ممانعت از نزدیک شدن اردن به روسیه و ایران از هیچ فشار اقتصادی و سیاسی دریغ نمی‌کنند.

اخیر زمزمه‌هایی در محافل اردنی درباره ضرورت فاصله گرفتن اردن از سعودی‌ها و نزدیک شدن به مسکو و تهران برای برقراری توازن در ائتلاف‌های اردن با توجه به روند شتابزده تحولات در منطقه مشاهده شده است. محافل اردنی بر این باورند که باید هماهنگی عربی-ایرانی برای خاموش کردن فتنه‌های کنونی منطقه وجود داشته

گفتگو با معاون حزب جمهوری خلق ترکیه:

ائتلاف سعودی اتفاقی «شوم» است/تبعات خطرناک ائتلاف جدید برای منطقه



پیمان یزدانی

منطقه توسط قدرت‌های غربی به عنوان بخشی از راهکار مقابله با داعش طراحی شده باشد، غافل نباشیم. آنها نمی‌خواهند سربازان خودشان وارد منطقه شوند.

وی در انتها گفت: امیدوار باشیم که این ائتلاف سعودی زیاد پیش نرود و فقط در حد یک ایده بر روی کاغذ باقی بماند. راه مقابله با تروریسم برای چنین ائتلافی باید بر اساس ایده و نه با تفاسیر غیر مرتبط با اسلام باشد.

لوغ اوغلو همچنین درباره برخی خبرهای منتشر شده درباره اختلافات رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر ترکیه گفت: اختلاف بین رئیس‌جمهور اردوغان و نخست‌وزیر داود اوغلو هر چه که باشد به اعتقاد من بی‌اهمیت هستند زیرا چنین اختلافاتی حتی اگر وجود داشته باشند در تصمیمات سیاسی حقیقی خودشان را نشان نمی‌دهند.

شود تا اینگونه تصور شود که این یک جبهه ضد شیعی است که گشوده شده است، امری که موجب افزایش قطب بندی‌ها در منطقه در راستای تنش‌های قومی خواهد شد. راهکارهای بسیار زیادی برای مبارزه با تروریسم وجود دارد مثل همکاری‌های متعدد دو جانبه و چند جانبه. همچنین ما سازمانی بنام سازمان همکاری‌های اسلامی داریم که تمامی کشورهای اسلامی در آن عضو هستند.

لوغ اوغلو درباره پیام غلط تشکیل این ائتلاف گفت: این اقدام همچنین پیام غلطی را در زمانی اشتباه به جهان می‌دهد. پرداختن به مسئله مبارزه با تروریسم بر اساس بنیان‌های مذهبی بنام اسلام دارای تضاد درونی است و از نظر اخلاقی به سختی قابل توجیه است. زیرا اولاً اسلام دین صلح است در حالیکه این ائتلاف سعی دارد با توسل به زور با تروریسم مقابله کند. توجیه این کار از نظر اخلاقی سخت است زیرا متأسفانه بسیاری از خشونت‌هایی که در جهان رخ می‌دهند توسط آنهاپی صورت می‌پذیرد که مدعی هستند به نیابت از اسلام می‌جنگند. پس باید این سوال را پرسید که آیا ائتلاف سعودی واقعاً برای مقابله با تروریسم طراحی شده است.

این منتقد سیاست‌های حزب حاکم ترکیه در ادامه با اشاره به نقش احتمالی قدرت‌های بزرگ در تحولات منطقه گفت: باید از این احتمال که قطب بندی‌های قومیتی

«فاروق لوغ اوغلو» معاون حزب جمهوری خلق ترکیه ائتلاف سعودی ضد تروریسم را رخدادی شوم برای خاورمیانه دانست که می‌تواند بخاطر ماهیت ضد شیعی آن تبعات خطرناک بیشماری برای خاورمیانه داشته باشد. انتشار خبر تشکیل ائتلافی به رهبری عربستان سعودی تحت عنوان ائتلاف اسلامی ضد تروریسم در روزهای اخیر واکنش‌های متفاوتی را در سطح منطقه به دنبال داشته است.

در خصوص آثار و تبعات احتمالی این رخداد برای منطقه که عموماً اعضای آن را آن دسته از کشورهایی تشکیل می‌دهند که بنا به دلایلی دارای گرایش‌هایی به سوی عربستان هستند، گفتگویی با «عثمان فاروق لوغ اوغلو» معاون حزب جمهوری خلق ترکیه و منتقد سیاست‌های دولت این کشور انجام داده ایم.

فاروق لوغ اوغلو تشکیل این ائتلاف را یک «پدیده شوم» برای منطقه دانست و گفت: در خصوص ائتلاف ضد تروریسم به رهبری عربستان باید بگوییم که این یک اتفاق شوم است که تبعات زیاد خطرناکی را برای آینده خاورمیانه به همراه خواهد داشت خاورمیانه‌ای که همین الان هم وضع دشواری دارد.

وی در خصوص عدم حضور ایران و سوریه در این ائتلاف گفت: وارد نکردن ایران و سوریه در این ائتلاف موجب می‌



کیهان برزگر:

داعش نتیجه تضعیف دولتهای منطقه است

رئیس پژوهشکده مطالعات خاورمیانه با اشاره به اینکه داعش نتیجه تضعیف دولتهای (state) منطقه است گفت: ایران اولین کشوری بود که معتقد به حفظ دولت (نظام سیاسی) برای مقابله با داعش بود.

نشست «تحولات ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه» با حضور اساتید دانشگاه لوند سوئد در پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه در تهران برگزار شد.

در ابتدای نشست دکتر کیهان برزگر رئیس پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه ضمن خوش آمد گویی به میهمانان و کارشناسان و معرفی میهمانان به معرفی فعالیت های مرکز پرداخت. دکتر برزگر در خصوص ادامه حیات داعش از نگاه ایران گفت: داعش نمی تواند در درازمدت به حیاتش ادامه یابد.

وی بحران های سیاسی را منشا اصلی پیدایش داعش در منطقه دانست و تصریح کرد: داعش نتیجه تضعیف دولتهای (States) در منطقه است و به همین علت است که ایران از ابتدا معتقد است حفظ دولتهای منطقه کلید مقابله با داعش است.

برزگر در ادامه افزود: ایران معتقد است مقابله با داعش نیاز به نوعی همکاری بین المللی و جهانی دارد و موجب خواهد شد تا ریشه های داعش از بین رود.

مدیر گروه روابط بین الملل دانشگاه علوم و تحقیقات با اشاره به همکاری های اخیر بین برخی کشورها در منطقه و جهان را برای مقابله با داعش را یک فرصت دانسته و در این

خصوص ابراز خرسندی کرد. برزگر در ادامه تاکید کرد: ایران آغازگر این اتحاد و مقابله با گروه های تروریستی بود و اگر اجازه سقوط دولت سوریه را می داد الان شاهد گسترش هر چه بیشتر داعش و تروریسم در منطقه بودیم. برزگر در ادامه یادآور شد: بعد از ایران روسیه مقابله با تروریسم را آغاز کرد و بعد از آن فرانسه، انگلستان و ... بودند. آمریکا هم بعد از تیراندازی های صورت گرفته در این کشور به آنها ملحق خواهد شد.

وی همکاری بین المللی و منطقه ای را کلید مقابله با تروریسم دانست. در ادامه این نشست دکتر «ویتوریو فلچی» استاد تاریخ روابط بین الملل دانشگاه لوند سوئد به تشریح دیدگاه اروپا به تحولات خاورمیانه به ویژه مشکل توسعه گروه تروریستی داعش و گسترش آن به اروپا پرداخت.

وی با اشاره به حملات تروریستی هفته های گذشته پاریس آن را نشانه گسترش داعش و نفوذ آن به اروپا دانست و گفت: مقابله با داعش باید جزو اولویت های اتحادیه اروپا باشد. فلچی بروز مشکل داعش را به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان اروپایی نشأت گرفته از مشکلات داخلی و سیاست خارجی اروپا دانست.

وی با اشاره به حملات هوایی فرانسه، انگلیس و آلمان به گروه تروریستی داعش ضمن آنکه صرف حملات هوایی را برای نابودی داعش ناکافی دانست بر سهمیلیک بودن حملات نیز تاکید کرد.

فلچی راه نابودی داعش را مداخله گسترده نظامی با همراهی نیروی زمینی دانست و در عین حال تاکید کرد: در حال حاضر اروپا قصد انجام چنین کاری را ندارد و حتی اگر اروپایی ها قصد مداخله نظامی داشته باشند توان این کار را ندارند زیرا انجام عملیات گسترده باید با اتحاد با آمریکا صورت گیرد و در حال حاضر آمریکا هم با هر گونه مداخله نظامی در منطقه مخالف است.

وی در عین حال صرف اقدام نظامی را ناکافی دانسته و تصریح کرد: این اقدام باید همراه با تلاش های سیاسی باشد.

فلچی گفت: اتحادیه اروپا از نظر سیاسی پیرو آمریکا است و در حال حاضر منتظر است تا آمریکا در این خصوص تصمیم گیری کند و این وضعیت فاجعه باری است که اروپا وابسته به طرف دیگری است.

دکتر قدیرنصری استاد دانشگاه خوارزمی نیز در این نشست در خصوص هویت بحران در خاورمیانه و روند آن و فرصت هایی که آن ایجاد کرده از دیدگاه ایران پرداخت. وی در تبیین این نکته که چرا از خاورمیانه معمولاً با تایبیری مثل ایستگاه انرژی، جنگ و خشونت و تروریسم یاد می شود گفت: از منظر روشنفکری و نه از منظر سیاسی این تحولات را باید از دو بعد مورد بررسی قرار داد. یکی رهبران سیاسی منطقه و اینکه آنها نسبت به امنیت و انسانها چه نگاهی دارند است زیرا طرز فکر رهبران در این منطقه بسیار مهمتر از

روندهای جاری در جوامع است. وی از دیگر عوامل موثر در تحولات منطقه خاورمیانه را ژئوپلیتیک منطقه دانست که باید مد نظر قرار گیرد و در این تحلیل ها باید به اهمیت حیاتی مکان هایی مثل تنگه هرمز، باب المندب، قدس و کرکوک پرداخت. نصری در ادامه اهمیت دولت (state) و قدرت سخت را در تحلیل تحولات و امنیت منطقه بسیار مهم دانست. وی همچنین در ادامه وجود «جنگ سرد» بین برخی کشورهای منطقه و اختلافات در «هویت» ایدئولوژیک و ملی برخی کشورها و «قابلیت» بین آنها را از دیگر عواملی دانست که باید مورد بررسی قرار گیرند.

نصری در ادامه با اشاره به تحولات خاورمیانه تصریح کرد: ما شاهد فروپاشی نظام «سایکس پیکو» هستیم. در این جریان قدرت های منطقه ای مثل ایران می توانند نقش متوازن کننده داشته باشند.

در ادامه دین نشست دکتر «دن اریک اندرسون» پژوهشگر مسایل حقوق بشر در دانشگاه لوند سوئد به موضوع بحران مهاجران ناشی از تحولات خاورمیانه که اروپا در گیر آن است پرداخت.

وی با اشاره به ویرانی قاره اروپا در جنگ جهانی دوم و وجود اختلافات و درگیری ها در این قاره و مقایسه آن با وضعیت موجود آن تاکید کرد: اروپا در زمینه رفع اختلافات سابقه موفقی داشته است.

وی با اشاره به سوابق خوب این قاره و همچنین سوابق بد آن در زمینه استعمار و ... گفت: هنوز هم ما در داخل این قاره با دوگانگی هایی مواجه هستیم.

وی بحران مهاجران را مشکل اروپا و خاورمیانه و ... دانسته و افزود: این بحرانی برای بشریت و انسانها است و همه باید در قبال آن به وظایف خود عمل بکنند.

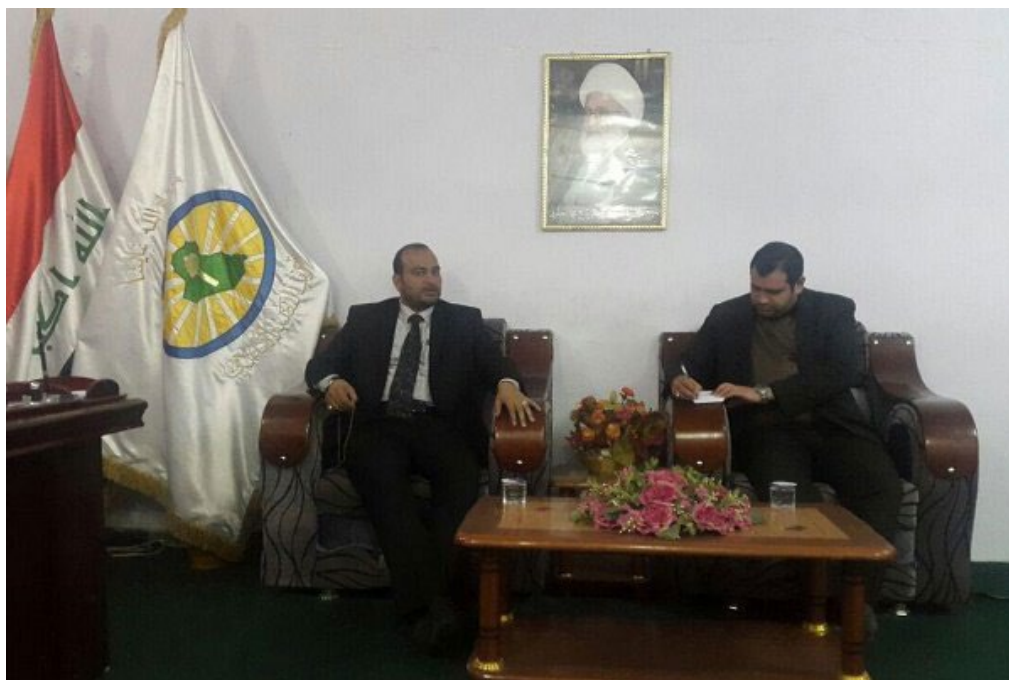
در ادامه این نشست دکتر «لیف استنبرگ» استاد مطالعات اسلامی گفت: در داخل اتحادیه اروپا خصوص چگونگی نگاه به ادامه ریاست جمهوری بشار اسد در سوریه اختلاف نظر وجود دارد.

وی همچنین افزود: در حال حاضر در اتحادیه اروپا، مداخله نظامی در سوریه طرفدار زیادی ندارد و مد نظر نیست و تنها چند کشور مثل فرانسه و انگلیس بطور انفرادی در این خصوص عمل می کنند و از سیاست های آمریکا تبعیت می کنند.

استنبرگ تصریح کرد: آمریکا هم در حال حاضر بیشتر تمرکزش را بر آسیا و چین متمرکز کرده و علاقه ای به درگیر شدن در خاورمیانه ندارد.

دیر کل حزب الفضیله عراق مطرح کرد:

از نامه روشنگرانه رهبر انقلاب تا اشتباه محاسباتی اختاپوس صهیونیسم



هم اکنون زمان شناساندن اسلام واقعی و حقیقی به افکار عمومی جهان در مقابل اسلام تکفیری و انحرافی است. این موضوع و محور به درستی در نامه آیت الله خامنه ای خطاب به جوانان اروپایی مورد توجه قرار گرفته است.

پس از هماهنگی های لازم، راهی مقر حزب الفضیله عراق جنب دانشگاه و مرکز علمی امام محمد صدر نجف شدیم. دکتر «رافد الازیر جاوی» استاد دانشگاه و رهبر این حزب میزبان ما بود. با او در خصوص موارد گوناگون از وضعیت منطقه و عراق تا ابعاد حماسه اربعین امسال و نامه رهبر انقلاب به جوانان غربی به گفت و گو پرداختیم که در زیر می آید:

|| حماسه اربعین امسال و حضور میلیون ها زائر محب اهل بیت(ع) در پیاده روی اربعین و مراسم این روز در کربلای معلی را چگونه ارزیابی و تحلیل می کنید؟ تاثیر این پدیده خاص را بر معادلات جهان تشیع و اسلام چگونه می بینید؟

مراسم اربعین واقعا یک حماسه استثنایی و تکرار نشدنی در تاریخ است. این بزرگ ترین اجتماع در جهان محسوب می شود و حتی رسانه ها باید در جهت ثبت رسمی این موضوع اقدام کنند. حضور میلیون ها نفر در راهپیمایی اربعین امسال سبب شد تا این راهپیمایی در سرتاسر دنیا دیده شود و مورد توجه قرار گیرد. این بهترین راه برای ترویج مسیر و مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است.

در دل این حماسه، صحنه های زیبایی را شاهد بودیم. من پرفسور و استاد دانشگاهی را می شناسم که در مراسم اربعین مشغول تمیز کردن کفش های زوار امام حسین (ع) در طول مسیر بود. بدیهی است که در حالت عادی و به دلیل پرستیژ علمی هیچ گاه یک استاد و پرفسور دانشگاهی این اقدام را صورت نمی دهد اما زمانی که موضوع ارادت و حب امام حسین(ع) و زوار ایشان پیش می آید معادله دگرگون می شود. حب امام حسین (ع) استاد دانشگاه و مردم عادی نمی شناسد. همه و همه خود را مدیون اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می دانند.

بنابراین اربعین یک بستر مهم برای انتقال پیام اسلام واقعی به جهانیان است. در شرایطی که دولت های استکباری سعی دارند اسلام داعشی را به عنوان نمونه بارز اسلام معرفی کنند،

برگزاری پرشور مراسم اربعین و اجتماع عظیم و استثنایی شکل گرفته این محاسبات دولت های استکباری را بر هم می زند. این اجتماع نشان می دهد که اسلام واقعی اسلام اهل بیت است نه اسلامی دروغین و انحرافی که داعش و وهابیت مدعی آن است.

|| به عنوان رهبر حزب الفضیله عراق، شرایط جاری در کشور خود را چگونه ارزیابی و تحلیل می کنید؟ برآورد شما از آینده چیست؟

عراق امروز با شرایط سخت و پیچیده ای مواجه است. در این کشور جنگ جریان دارد و دولت های خارجی نیز سعی در ایجاد تفرقه در کشورمان دارند. در چنین شرایطی ما به جهاد مومنین، دعای علما و خون شهدای خود متکی هستیم. شهید صدر یک بار در سخنانی اعلام کرد دشمنان سلاح و پول دارند اما ما خداوند را داریم و خداوند ما را برای پیروزی بر دشمنان کفایت می کند.

این قاعده در برهه فعلی نیز صادق است. استکبار مال و سلاح دارد اما ما خداوند را داریم و قدرت خداوند بر هر قدرت دیگری غالب است. الان شما همین حماسه اربعین را مشاهده کنید. حضرت امام حسین(ع) در ظاهر در کربلا به شهادت رسید و خانواده ایشان اسیر دست دشمن شدند. با این حال امروز پس از ۱۴۰۰ سال حماسه

ای به نام اربعین به نام و یاد این امام بزرگوار و خاندان ایشان شکل می گیرد و در مقابل، دشمنان ایشان در کربلا مورد لعن و نفرین قرار می گیرند. ما نیز به نصرت الهی و غلبه بر مشکلاتی که کشورمان با آن درگیر است ایمان داریم.

|| اخیرا رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران نامه ای را خطاب به جوانان غربی نگاشته و از آنها خواسته اند تا درباره مظاهر و مصادیق اسلام حقیقی تحقیق کرده و اسیر تبلیغات دستگاه های رسمی و رسانه ای خود در خصوص دین مبین اسلام نشوند. نظر شما در خصوص این نامه چیست؟

بله، من نامه ایشان را مطالعه کرده ام. اساسا یکی از اصلی ترین رسالت های رهبران و علمای جهان اسلام هدایت افکار عمومی دنیا به دین مبین اسلام است. آیت الله خامنه ای رهبر معظم ایران نیز از چنین جایگاهی و به عنوان یک راهنما جوانان غربی را به سمت و سوی تحقیق و تدبر در خصوص دین مبین اسلام و شناخت واقعی این دین سوق داده اند.

رسالت علما راهنمایی بشر است و رسالت ما نیز پیروی از علماست. هم اکنون زمان شناساندن اسلام واقعی و حقیقی به افکار عمومی جهان در مقابل اسلام تکفیری و انحرافی است. این موضوع و

محور به درستی در نامه آیت الله خامنه ای خطاب به جوانان اروپایی مورد توجه قرار گرفته است.

|| با توجه به تعلق خاطر مستقیم گروه های تروریستی و تکفیری به رژیم اشغالگر قدس، نقش تل آویو را در ایجاد آشوب و ناامنی در عراق و منطقه چگونه ارزیابی و تحلیل می کنید؟

رژیم صهیونیستی دقیقا مانند یک اختاپوس است که سعی دارد بر هر نقطه ای چنگ انداخته و آن را تصاحب کند. این قاعده در خصوص کشور ما نیز صادق است. صهیونیست ها با توجه به آنچه اعتقادات آنها می گوید، می دانند که سقوط این رژیم اشغالگر و غاصب از مسیر عراق و بین النهرین صورت خواهد گرفت. برای همین در صددند به هر شکل ممکن کشور ما را ناآرام نگاه داشته و حتی دست به تقسیم آن بزنند. اما تل آویو در این خصوص محاسبه ای کاملا نادرست صورت داده است.

در اینجا عواملی وجود دارد که از سوی دشمن صهیونیستی قابل محاسبه نیست. به عنوان مثال صهیونیست ها هیچ گاه محاسبه پدیده ای به نام اربعین حسینی و حب امام حسین(ع) را نکرده و نمی توانند آن را صورت دهند زیرا این پدیده حدود و ثغوری ندارد و بی انتهاست. انشاءالله پایان این مسیر شکست صهیونیست ها و سقوط این رژیم خواهد بود.

جواد حیران نیا

گفتگو با مشاور وزیر دارایی پیشین عربستان:

اوپک دچار شکاف سیاسی شده است / احتمال کاهش قیمت نفت تا ۳۲ دلار



مشاور بانک جهانی و مشاور پیشین وزیر دارایی عربستان معتقد است اعضای اوپک دچار شکاف سیاسی هستند که باعث تضعیف این سازمان شده است.

توماس فریدمن چند ماه پیش در تحلیلی نوشته بود: «کاهش قیمت نفت در نتیجه کاهش سرعت رشد اقتصادی در اروپا و چین است. همچنین ایالات متحده هم به لطف تکنولوژی های جدید و استخراج نفت شیل، توانسته به عنوان یکی از بزرگترین تولیدکننده های نفت مطرح شود.»

در این تحلیل تاکید شده بود که علاوه بر این عربستان هم میزان تولیدش را کاهش نمی دهد تا قیمت نفت کاهش یابد، در عوض به گونه ای عمل می کند که سهمش در بازار بیشتر از دیگر کشورهای اوپک است. این مسئله درباره تجارت است ولی نشانه ای از جنگی دیگر، به نام جنگ نفت است.

کارشناسان کاهش رشد اقتصاد جهانی، عرضه بیش از تقاضا در بازار نفت، تولید نفت شیل را از جمله عوامل کاهش قیمت نفت می دانند. در گفتگو با پروفیسور حسین عسکری به دلایل کاهش اخیر قیمت نفت و دلایل عدم اجماع اعضای اوپک در نشست اخیر پرداخته ایم که در ادامه می آید.

امر چیست؟

دو دلیل برای این امر وجود دارد. یک دلیل عرضه بیش از تقاضای نفت در بازار است. این به دلیل رشد پایین اقتصاد جهانی از یک سو و افزایش عرضه نفت از سوی تولیدکنندگان غیر اوپک است. دلیل دوم این است که اعضای اوپک به لحاظ رویکردهای سیاسی دارای شکاف زیادی شده اند که در تاریخ اوپک بی سابقه بوده است. همین عامل یکی از عوامل ضعف اوپک به شمار می رود. در واقع می توان گفت شکافهای سیاسی میان اعضای اوپک باعث تضعیف آن شده است.

برای نمونه اختلافات ایران و عربستان خیلی زیاد شده است.

|| بانک «گلدمن ساکس» (Goldman Sachs bank) پیش بینی کرده است که قیمت نفت ممکن است حتی به میزان نصف قیمت کنونی (۴۰ دلار در هر بشکه) یعنی به قیمت ۲۰ دلار در هر بشکه برسد. نظر شما چیست؟ آیا شما این پیش بینی را اصولی می دانید؟

مطمئناً هر چیزی ممکن است اتفاق بیفتد. چند سال پیش بانک «گلدمن ساکس» از بنده در خصوص قیمت نفت و چشم انداز آینده آن سوال کرد. در آن موقع من گفتم که قیمت نفت برای ۵ سال آینده به دامنه ای میان ۴۰ تا ۶۰ دلار در هر بشکه خواهد رسید.

این بانک تصور کرد من دیوانه شده ام! اما حالا آنها از من بدبین تر شده اند. من تصور نمی کنم که قیمت نفت به ۲۰ دلار در هر بشکه کاهش یابد اما پیش بینی می کنم قیمت نفت تا ۳۳ یا ۳۲ دلار در هر بشکه کاهش پیدا کند.

من همیشه معتقد بوده ام که اعضای اوپک زمانی که قیمت های نفت بالا است باید درآمد ارزی خود را ذخیره کنند و دست به سرمایه گذاری در خارج کشورهایشان بزنند و درآمدی از این سرمایه گذاری داشته باشند که زمانی که قیمتها پایین آمد مشکلی نداشته باشند. اما معمولاً این موضوع مورد توجه قرار نمی گیرد مگر اینکه صدمه و لطمه ای به آنها وارد شود. اما به هر حال بعضی وقتها دیگر خیلی دیر می شود.

بشر و توسعه اقتصادی» (انتشارات پلاگرو مک میلان) از جمله آثار او به شمار می روند.

|| قیمت جهانی نفت با ۴۰ دلار و پایین تر از آن سقوط کرده است. برخی معتقد هستند که این کاهش قیمت در نتیجه عدم اجماع و توافق اعضای اوپک در نشست اخیر این سازمان در خصوص کاهش سقف تولید بوده است. نظر شما چیست؟

مسئله همین طور است. اگر اعضای اوپک با کاهش قابل توجهی از تولید موافقت می کردند در این صورت قیمت تثبیت می شد و بالا هم می رفت. اما باید توجه داشت که یکی از دلایل کاهش قیمت نفت عرضه بیش از تقاضای نفت در بازار بوده است. همچنین ظرفیت مازادی در بازار وجود دارد که اگر کاهشی از سوی یکی از تولیدکنندگان صورت گیرد در این صورت آن ظرفیت مازاد وارد بازار می شود.

همچنین یکی دیگر از دلایل کاهش قیمت نفت را باید در کاهش رشد اقتصاد جهانی جستجو کرد. بر این اساس اگر قرار است تغییری در قیمتهای نفت را شاهد باشیم باید کاهش عرضه قابل توجه و چشمگیر باشد.

در حال حاضر اوپک قادر نیست به توافقی در خصوص کاهش حتی به صورت جزئی دست یابد چه برسد به اینکه بخواهد به کاهشی چشمگیر در تولید نفت برسد. همچنین باید توجه داشت که برخی اعضای اوپک همیشه تقلب می کنند.

|| اعضای اوپک در نشست اخیر و در بیانیه پایانی نتوانستند در خصوص میزان تولید رقمی را اعلام کنند. البته این امر مسبوق به سابقه بوده و در ۴ سال گذشته نیز این اقدام از سوی اوپک صورت گرفته بود. دلیل این

حسین عسکری مشاور وزیر دارایی عربستان بوده و از او به عنوان معمار اقتصاد عربستان نیز یاد می کنند. بنا بر اعلام «بانک نیویورک» عسکری اولین شخصی در جهان بود که کاهش قیمت نفت به ۴۰ دلار را پیش بینی کرده است.

عسکری استاد تجارت بین الملل و امور بین المللی دانشگاه جرج واشنگتن آمریکاست. وی رئیس مؤسسه تحقیقات و مدیریت جهانی و رئیس پیشین دپارتمان تجارت بین الملل دانشگاه جرج واشنگتن بوده است. زمینه تخصصی و بحث های او در دانشگاه جورج واشنگتن بر اقتصاد، توسعه سیاسی و انسانی در خاورمیانه، اختلافات و جنگ ها در خاورمیانه، اقتصاد سیاسی نفت و اقتصاد اسلامی متمرکز است.

از سوابق اجرایی وی می توان به دو و نیم سال فعالیت در هیئت اجرایی صندوق بین المللی پول اشاره کرد. او در زمینه سیاست توسعه اقتصادی، سیاست های نفتی و اقتصاد و تجارت بین الملل مشاور وزیران دارایی، روسای بانک های مرکزی، وزیران نفت و دیگر مقامات در خلیج فارس بوده است. در گذشته مشاور نهادهای و شرکت های نظیر سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، بانک جهانی، صندوق سرمایه داری کشورهای در حال توسعه (IFU)، سازمان ملل متحد و... بوده است.

حسین عسکری ۲۰ کتاب، شش رساله، بیش از ۱۰۰ مقاله و... درباره تحولات اقتصادی در خاورمیانه، اقتصاد اسلامی، تجارت و اقتصاد بین الملل، اقتصاد کشاورزی، اقتصاد نفت و تحریم های اقتصادی منتشر کرده است. وی سابقه تدریس در دانشگاه های تگزاس در آستین، دانشگاه تافتس آمریکا، دانشگاه MIT، دانشگاه جانز هاپکینز و دانشگاه کلارک را دارد. «جهانی شدن و مالیه اسلامی» (انتشارات جان ویلی اند ساندز)، «نیات مالیه اسلامی» (انتشارات جان ویلی اند ساندز)، «اسلام و راه

نتانیاهو نیمه گمشده خود را پیدا کرد/ ضیافت قصاب غزه به افتخار ترامپ

ترامپ را نیمه گمشده خود می‌داند. بدیهی است که ایستادگی او در مقابل نمایندگان کنست در خصوص برگزاری ضیافت مشترک با ترامپ نیز پیام مستقیمی را به مخاطبان تل آویو در ایالات متحده آمریکا و دیگر نامزدهای انتخاباتی مخابره خواهد کرد.

بدون شک در دیدار مشترک نتانیاهو و ترامپ، مخصوصاً در بخش خصوصی این دیدار نکاتی در خصوص چگونگی حمایت نتانیاهو از وی مطرح خواهد شد. موضوعی که حتی ممکن است با واکنش برخی نمایندگان کنست و کنگره آمریکا و حتی کاخ سفید همراه شود.

البته دفتر نخست وزیر رژیم صهیونیستی اعلام کرده است که دیدار با نامزدهای انتخاباتی آمریکا برنامه ثابت نتانیاهو است و در این خصوص وی میان نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا تمایزی قائل نیست؛ با این حال تاکید خاص نتانیاهو در خصوص دیدار با ترامپ نشان دهنده باطل بودن این ادعا از سوی نخست وزیر رژیم صهیونیستی است.

از سوی دیگر، ترامپ که قرار بود ۲۸ دسامبر این ماه به دیدار نتانیاهو برود، فعلاً این دیدار را به تعویق انداخته است. وی در توجیه این اقدام اعلام کرده است که نمی‌خواهد به نتانیاهو فشاری وارد شود!

ادبیات متقابل ترامپ در مقابل نتانیاهو نیز در نوع خود قابل توجه است. با این حال کلیت این دیدار لغو نشده و طی هفته های آتی و احتمالاً در ماه ژانویه شاهد برگزاری آن خواهیم بود.



- با دیدگاه استراتژیک صهیونیستها در خصوص تقسیم منطقه بر اساس قومیت و مذهب همخوانی داشته باشد

- در بین شهروندان آمریکایی نسبت به دیگر نامزدهای انتخاباتی حزب جمهوریخواه استعداد رای آوری بیشتری داشته باشد

- به مانند نتانیاهو شخصیت و رفتارهایی جنجالی داشته باشد

به نظر می‌رسد نتانیاهو هم اکنون گزینه مورد نظر خود را پیدا کرده است. دونالد ترامپ فردی است که هر ۷ شرط مورد نظر نتانیاهو را داراست و از این رو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی با عدم لغو ضیافت خود و ترامپ عملاً از اکنون حمایت خود را از وی اعلام کرده است.

نتانیاهو به خوبی می‌داند که مطابق آخرین نظرسنجی ها، کماکان ترامپ در کمپین جمهوریخواهان نسبت به دیگران پیشتر است. هم اکنون نتانیاهو، دونالد

که نتانیاهو نیمه گمشده خود را در ایالات متحده آمریکا پیدا کرده است. اگرچه همه نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نسبت به حفظ رژیم صهیونیستی و دفاع از این رژیم غاصب و اشغالگر اتفاق نظر دارند، اما نتانیاهو از ابتدای مبارزات انتخاباتی آمریکا به دنبال حمایت از فردی بود که:

- ترجیحاً به اردوگاه جمهوریخواهان متعلق باشد
- نسبت به توافق هسته ای میان ایران و اعضای ۵+۱ دیدگاهی بسیار منفی و بازدارنده داشته باشد
- استعداد بازی نظامی و امنیتی صد در صدی و مطلق در زمین دولت فعلی رژیم اشغالگر قدس را داشته باشد
- در مواضع اعلامی و اعمالی خود اسلام ستیز و ضد مسلمانان باشد
- ظواهر مبارزه با داعش و گروههای تروریستی در منطقه را حفظ کند

علیرغم مخالفتها با اظهارات دونالد ترامپ نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در خصوص مسلمانان، نخست وزیر رژیم صهیونیستی از سفر وی به سرزمینهای اشغالی استقبال کرده است.

این روزها سیاستمداران، رسانه ها و تحلیلگران از سرتاسر دنیا در حال محکوم کردن اظهارات وقیحانه و جنجالی دونالد ترامپ نامزد حزب جمهوریخواه ایالات متحده آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری این کشور هستند.

با این حال بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی نسبت به همه دنیا رویکردی متفاوت در پیش گرفته است تا بر همگان اثبات شود قصاب غزه ماهیت و هویتی غیر قابل تغییر دارد.

ماجرای این قرار است که علی رغم اعتراضات برخی نمایندگان کنست و درخواست آنها برای لغو سفر ترامپ به سرزمینهای اشغالی، دفتر نخست وزیر رژیم صهیونیستی نه تنها این دیدار را لغو نکرده، بلکه از آن استقبال کرده و از دیدار با ترامپ به عنوان نماد و نشانه ای دال بر تحکیم مناسبات واشنگتن و تل آویو یاد کرده است.

این در حالیست که ۴۰ تن از نمایندگان کنست انتظار داشتند نتانیاهو برای حفظ ظواهر و نشان دادن هماهنگی خود با دیگر کشورهای دنیا دیدار با ترامپ را لغو کند. بر همین اساس به زودی ضیافت قصاب غزه به افتخار دونالد ترامپ نامزد اسلام ستیز انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در تل آویو برگزار خواهد شد. آنچه از شواهد ماجرا بر می آید، این است

گفتگو با استاد دانشگاه دنور آمریکا:

اقدامات تروریستی چه در بیروت باشد و چه پاریس باید محکوم شود

این حملات مباحث ضد اسلامی بیان شد و مواضع افراطی در خصوص مسلمانان گرفته شد. وی در ادامه تاکید کرد: این حملات همچنین موجی از اظهارات علیه مهاجران سوری را به دنبال خود داشت. تکمیل در خصوص این موضوع که وظیفه اندیشمندان، علمای دینی و مذهبی و تصمیم سازان متعاقب این حملات چیست نیز گفت: وظیفه عالمان دینی این است که این حملات تروریستی را محکوم کنند. این حملات علیه شهروندان غیر نظامی انجام می شود و محکوم است. استاد مطالعات دینی دانشگاه دنور آمریکا در ادامه افزود: اقدامات تروریستی می تواند در هر جای دنیا اتفاق بیفتد. وی تصریح کرد: بر این اساس وقتی اقدامات تروریستی در بغداد یا بیروت، بوستون یا پاریس رخ می دهد و چه علیه مسلمانان باشد و چه علیه غیر مسلمانان باید محکوم شود. تکمیل در پایان تاکید کرد: قرآن کریم هدف قرار دادن افراد بی گناه را محکوم کرده و مورد نکوهش و ملامت قرار داده است. لذا این اقدامات از سوی قرآن نیز با محکومیت شدید مواجه است.

استاد دانشگاه دنور آمریکا معتقد است که حملات تروریستی در پاریس زمینه تشدید اسلام هراسی را در غرب فراهم آورده است. متعاقب حملات تروریستی پاریس که با محکومیت کشورهای اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران همراه شد برخی در راستای دامن زدن به موج اسلام هراسی در اروپا و آمریکا از آن بهره برداری کردند. دامن زدن به این موج به دلایل مختلف صورت گرفته و می گیرد. یکی از دلایل اخیر برای تشدید جریان اسلام هراسی در اروپا و آمریکا از یک سو جلوگیری از روند ورود مهاجران و از سوی دیگر تحت فشار قرار دادن اقلیتهای دینی و نژادی ساکن این کشورهاست. پروفیسور لیاقت تکمیل استاد مطالعات دینی دانشگاه مک مستر کانادا و دنور آمریکا در خصوص نسبت حملات تروریستی پاریس و موج اسلام هراسی در غرب گفت: حملات تروریستی صورت گرفته موج اسلام هراسی را نه تنها در اروپا بلکه در آمریکای شمالی تشدید کرده است. این اسلام شناس برجسته معاصر در ادامه افزود: متعاقب



انهدام میادین نفتی سوریه به بهانه داعش/اهداف پنهان غرب

مهدی ذوالفقاری



از گزینه های مورد هدف اعم از تجزیه سوریه، توهم رویاگونه خاورمیانه جدید، ابقاء باقی مانده هایی از تروریسم تضعیف شده و ... در این منطقه را با سهولت بیشتر و با خیالی آسوده از تضعیف اقتصادی کشور سوریه دنبال کند. انهدام تأسیسات و زیرساخت های استحصال و یا تصفیه نفت به مفهوم حرکت به سوی تضعیف بنیان های اقتصادی کشوری است که از سال ۲۰۱۱ تا کنون و در جریان تروریسم تحمیلی دچار آسیب های زیادی شده است. این اقدام غرب که با ظاهری فریبنده به بهانه تضعیف مالی داعش در راستای مقابله با آن به انجام می رسد، در واقع بسترسازی حضور همین کشورها برای عملی ساختن گام دوم پروژه «تخریب» موسوم به «نفوذ» است.

انهدام زیرساخت های نفتی در موقعیت زمانی کنونی امکان نفوذ محور غرب در سوریه را در آینده تضمین ساخته به گونه ای که همین کشورها با پایان یافتن درگیری های سوریه به بهانه هایی از قبیل بازسازی داشتن فن آوری های لازم برای بازسازی ویرانه های جنگی و با ظاهری فریبنده در قالب کمک به احیای زندگی بشری، به گام دوم که همان «نفوذ» است مبادرت می کنند تا معامله ای دو سر سود را به نفع خود و به زیان مردم سوریه رقم بزنند. به عبارت دیگر سیر تکاملی سکه تزویری در حال ضرب شدن است که از خلق مصنوعات به نام داعش و النصره آغاز و با تخریب تأسیسات زیربنایی و درآمدزا شروع شده و قرار است نهایتاً به بهانه دموکراسی و حضور همراه با بازسازی و خدمت رسانی به مردم سوریه جامه عمل بپوشد.

برای روشن شدن بهتر این مسیر لازم است به نکات زیر توجه کنیم: (۱) کلیدخوردن پروژه «تخریب» به بهانه هدف قرار دادن تأسیسات درآمدزایی که در اشغال تروریست ها است، مسأله جدیدی نیست. به عنوان نمونه همین کشورها در تهاجم سال ۲۰۰۳ به عراق نیز تعداد قابل ملاحظه ای از چاه های نفتی این کشور را با انواع موشک های هوا به زمین منهدم کردند، سلاح های جدید خود را از برخی ملاحظات مانند قدرت تخریب، آزمایش و پس از تصرف بغداد و به اصطلاح خلع دیکتاتور خودساخته با ژست دایه دلسوزتر از مادر شرکت های صنعتی و نفتی شان را برای مهار آتش سوزی های مهیب به عراق و قبل از آن به کویت سرازیر نمودند؛ عواید زیادی را نصیب شرکت ها و مالیات های کالانی را از آن ها برای دولت مرکزی وصول نموده و دست آخر هم در پوشش اینگونه به اصطلاح ارائه خدمات فنی-مهندسی به عراق در عمل به غارت منابع انرژی این کشور پرداختند.

این رویا تلخ ادامه یافت تا سرانجام در سال

نگاهی دقیق به اهداف جنگنده های غربی در انهدام حوزه های نفتی داعش در سوریه، از اسراری پرده بر می دارد که نشان دهنده «تخریب» زیرساخت های اقتصادی و در ادامه «نفوذ» در این کشور به بهانه بازسازی آن ها است. پنجشنبه ۱۲ آذر ماه بود که انگلیس هم به دنبال اخذ مجوز دولت «دیوید کامرون» نخست وزیر از پارلمان این کشور، مانند آمریکا و فرانسه حملات هوایی خود به مواضع تروریست های تکفیری صهیونیستی داعش در سوریه را آغاز نمود و شنبه ۱۴ آذر ماه نیز اعلام کرد که در دو سورتی پرواز برق آسای جنگنده های انگلیسی، چند حوزه نفتی در سوریه را مورد هدف قرار داده است؛ فرایندی که نشان از آغاز سهم خواهی خود در پازلی تکراری به نام «تخریب و نفوذ» است.

حملات هوایی انگلیس در کنار غرش هواپیماهای جنگی آمریکا و فرانسه و احتمالاً در آینده نزدیک آلمان از مواضع تتوریک اعلامی تا عمل، نشان از تناقض های ساختاری و محتوایی دارد؛ گویا قرار است دو روی متفاوت دو سکه را به تصویر بکشاند. غرب مدعی است به حوزه های نفتی تحت اشغال تروریست ها حمله ور شده و پایگاه های نفتی آنان را مورد اصابت قرار می دهد؛ در حالیکه برای هر یک از مستمعین اینگونه خبرها معمایی با عنوان چرایی تخریب میادین نفتی مطرح می شود که پاسخگویی به آن مستلزم دقت در روند تعامل غرب با تروریست ها در عرصه میدانی سوریه خواهد بود.

آنچه محور غربی همواره از آن به عنوان تاکتیک «افکار سنجی» از طریق بنگاه های رسانه ای خود دنبال می کند، آماده کردن افکار عمومی جهانیان برای آغاز اقدامی است که قرار است تنها و تنها به تأمین منافع غربی ها بپردازد. در این راستا، از هفته های پیش به ویژه در حواشی نشست های وین و بروکسل و نیز کنفرانس بین المللی آب و هوایی در پاریس زمره هایی مبنی بر لزوم قطع منابع مالی داعش شدت گرفت که به نوبه خود و در برهه زمانی مذکور ایده پردازی خوبی تصور می شد. اما زمانیکه آمریکا، فرانسه و انگلیس تخریب تأسیسات نفتی در سوریه را به بهانه تحقق وعده خود در راستای قطع منابع مالی تروریست ها به منصفه ظهور رساندند، جلوه هایی از اسرار این شیوه انسداد مالی داعش بیش از پیش عیان گردید.

غرب در تلاش است با عملیات های هوایی گسترده، زیرساخت های اقتصادی آینده سوریه را نابود و منهدم ساخته تا از این رهگذر هر یک

۲۰۰۶ پرده از راز «رسوایی هالیبرتون» برداشته و فاش شد که تنها در میانه سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ تعداد قریب به ۶۰ میلیون بشکه نفت در عراق ناپدید شده است. با فشار افکار عمومی اعلام شد که رسوایی این شرکت بین المللی نفتی مربوط به «دیک چنی» معاون اول رئیس جمهور وقت آمریکا و مدیر عامل پیشین شرکت مذکور بوده و نفت های مسروقه به عنوان تحفه اشغال عراق توسط اشغالگران از این کشور خارج شده بود (دیک چنی در سال ۱۹۹۵ به عنوان مدیر عامل شرکت نفتی بزرگ «هالیبرتون» برگزیده و در این تصدی ماند تا پس از آغاز ریاست جمهوری «جورج دبلیو بوش» وی به عنوان معاون اول بوش انتخاب و از هالیبرتون کناره گیری کرد).

۲) اگر مقصود و هدف اعلامی محور غرب به واقع قطع منابع درآمدی داعش و آغاز تضعیف تروریست ها در مسیر نابودی آن ها است، چرا راهکارهای دیگر تأمین مالی داعش به ویژه از سوی دولت هایی که آشکارا از تروریست ها حمایت مالی-اعتباری می کنند، مورد توجه قرار نمی گیرند؟ به اذعان برخی مطبوعات غربی، برخی کشورها علناً مبالغ زیادی برای پرداخت حقوق و دستمزد تروریست ها به داعش یا جبهه النصره پرداخت می کنند و یا در ازای دریافت نفت ارزان از داعش به تأمین تسلیحات مرگبار برای گروه های تروریستی اقدام می نمایند. در این میان این سؤال مطرح می شود که چرا غرب به جای تخریب یکی از مبنای اقتصادی سوریه، بر تروریسم دولتی حامی داعش متمرکز نشده و با آن ها به مقابله بر نمی خیزد؟

۳) قریب به یک سال از عملیات های ائتلاف موسوم به مبارزه با داعش می گذرد، اما کشورهایی که در عملیات هایی از قبیل «طوفان صحرا» در جنگ اول خلیج فارس و برای آزادی کویت در سال ۱۹۹۱ در مدت کوتاهی به اهداف اعلامی خود دست یافتند، چرا نتوانسته اند یک گروهک تروریستی مصنوع خود را نابود و مضمحل نمایند؟

۴) بررسی پیشینه اقدام نظامی کنونی غرب که قرار است در پلان بعد به استقرار نیروی زمینی در این کشور برسد، به انضمام اظهارات «لوران فابیوس» وزیر امور خارجه فرانسه (که حضور بشار اسد را در دوران انتقالی به رسمیت شناخته بود) نشان

می دهد که احتمالاً کشورهای غربی مراحل پایانی بحران آفرینی شان را در سوریه متصور هستند؛ گام هایی که باید در آن ها فرصت را مقتنم شمرده و برای سهم خواهی بیشتر نیروهای خود را در دوران پس ا تهاجم در منطقه هدف مستقر کنند.

۵) انهدام چندین مقرر فرماندهی متعلق به گروه های تروریستی توسط روسیه که از ۳۰ سپتامبر سال جاری و در چارچوب قطعنامه شماره ۳۳۱۴ مصوب سال ۱۹۷۴ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل حملات هوایی خود را به تروریست ها در سوریه به انجام رسانده است، با سنگ اندازی های محور غربی-عربی مواجه شد تا جاییکه در یکی از اعتراضات خود به مسکو از هدف قرار گرفتن ۶ بیمارستان توسط جنگنده های روسیه خبر و آن را مورد جنجال رسانه ای قرار دادند؛ موضوعی که کمتر از یک هفته دروغ بودن آن آشکار گردید. بنا به اعلام فرمانده نیروی هوایی روسیه، ۵ بیمارستان وجود خارجی نداشته و ۱ بیمارستان باقیمانده نیز در نقاط مورد حمله هوایی مسکو قرار نداشت.

۶) تصویرهای منتشره از عیادت «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی از مجروحین وابسته به گروهک تروریستی داعش و ارسال تجهیزات نظامی ائتلاف موسوم به مبارزه با داعش برای تروریست ها ششمین نکته ای است که می توان در راستای تشکیک در صدق ادعای کشورهای متجاوز به سوریه مورد توجه قرار داد.

لذا می توان اظهارات مقامات این کشورهای غربی در خصوص اقدام نظامی در سوریه با هدف قطع منابع مالی تروریست ها در این کشور را در راستای پروژه تکراری «تخریب و نفوذ» تنها یک خوراک رسانه ای پیرامون عوام فریبی برشمرد؛ ادعای مضحکی که با توجه به دو موضوع عدم کسب مجوز از دولت مستقل و قانونی دمشق و نیز تهاجم هوایی ۱۶ آذر جنگنده های ائتلاف به ارتش سوریه کذب آن برای همگان محرز شد.

تأمل در اهتمام کشورهای غربی برای کسب منافع حداکثری در عین نابودی کشورها، جان باختن میلیون ها نفر، تجزیه حاکمیت ها و یا آوارگی قشر عظیمی از توده ملت ها می تواند رهنمون خوبی برای درک علل ماهوی برنامه ریزی های آن ها برای به یغما بردن منابع سایر کشورها محسوب می شود.

آیاد رفتار سعودی در قبال ایران تغییر کرده است/ معرفی سفیر جدید

عبدالحمید بیاتی



معرفی سفیر جدید سعودی برای تهران، تحولات یمن، لبنان، سوریه و عراق مواردی هستند که همزمان شدن آنها موجب شده تا برخی از تغییر سیاست خصمانه عربستان در قبال ایران خبر بدهند. رسانه‌ها از انتخاب «علی حسن جعفر» سفیر سابق عربستان در مسکو، به عنوان سفیر جدید ریاض در ایران خبر داده‌اند.

علی حسن جعفر کیست؟

برخی از منابع آگاه اعلام کرده‌اند که سفیر معرفی شده، یک دیپلمات با سابقه و طرفدار نزدیکی روابط دو کشور است. وی تا چندی پیش مسئولیت سفارت ریاض در مسکو را برعهده داشته و به تازگی «عبدالرحمن بن ابراهیم بن علی الرسی» جانشین وی در مسکو شده است.

گویا معرفی سفیر جدید از سوی ریاض به تهران، با استقبال «محمد بن سلمان» جانشین ولیعهد و پسر پادشاه عربستان که این روزها دارای قدرت و نفوذ زیادی در دستگاه حاکمیتی عربستان است، همراه بوده است.

در همین رابطه روز گذشته نیز «حسین جابری انصاری» سخنگوی جدید وزارت امور خارجه، در نخستین نشست خبری خود با اصحاب رسانه پیرامون روابط تهران و ریاض، گفت: سیاست سابق ایران براساس گفتگو با همسایگان بنا شده، عربستان از همسایگان ماست و ظرفیت‌های مهمی برای تغییر فضای موجود دارد. وی افزود: سفیر جدید عربستان معرفی شده و روال آن در حال طی شدن است.

نشانه‌هایی برای تغییر

همانطور که اشاره شد معرفی سفیر جدید از سوی عربستان چند روز پس از اظهارات منتسب عادل الجبیر و پیام وی در توئیتر انجام شده است.

در همین رابطه پایگاه خبری «اخبار الساعه» امارات در تحلیلی نوشته بود: عادل الجبیر وزیر خارجه سعودی برای اولین بار پس از عهده دار شدن پست وزارت امور خارجه عربستان - لحن خود را در قبال ایران تغییر داد.



از دیگر نشانه‌های موجود که اشاره به تغییر رفتار احتمالی عربستان در قبال ایران می‌توان به مذاکرات ایران و عربستان در عمان و یا تغییر رفتار محسوس وزیر نفت عربستان در اجلاس اخیر اوپک اشاره کرد که روزنامه اکونومیست نیز به آن پرداخته بود. در همین رابطه پایگاه خبری اسپوتنیک روسیه در گزارشی می‌نویسد: «حسین قشقاوی» معاون پارلمانی وزیر امور خارجه ایران اظهار داشت که سطحی از گفتگو‌ها میان ایران و عربستان شروع شده است.

از یمن تا لبنان نشانه‌هایی برای کاهش اختلافات

قشقاوی این مطلب خود را مستند به دیدار اخیر «محمد جواد ظریف» وزیر امور خارجه ایران با عادل الجبیر وزیر امور خارجه عربستان سعودی در حاشیه کنفرانس وین ۲ و همچنین ملاقات‌های سفیر ایران در عربستان سعودی با مقامات عربستانی نموده و اظهار داشته علیرغم تنش‌ها روابط دو کشور در سطح سفیر برقرار است.

اسپوتنیک در ادامه می‌نویسد: گو اینکه دو مورد ذکر شده توسط قشقاوی را نمی‌توان به عنوان دلایل کافی برای شروع مذاکرات و گفتگوی فی‌مابین ایران و عربستان دانست اما با توجه به شرایطی که طی چند هفته اخیر پیش آمده می‌توان گفت احتمال اینکه مذاکراتی پشت پرده میان ایران و عربستان سعودی وجود داشته باشد زیاد است چرا که گره اکثر اختلافات در منطقه خاور میانه در دست ایران و عربستان سعودی است و شروع باز شدن این گره‌ها خود نشانه شروع یک روند مثبت میان دو کشور است.

در این راستا می‌توان به شروع آتش بس و مذاکرات یمن همزمان با مذاکرات در مورد بحران سوریه و افق رسیدن به راه حل سیاسی در لبنان و توافق بر خارج کردن داعش از عراق اشاره کرد.

در هفته‌های اخیر زرمزه اینکه طرف‌های مخالف در لبنان به نحوی بر ریاست جمهوری «سلیمان فرنجیه» و یا حتی «میشال عون» (هر دو مورد حمایت ایران) در مقابل نخست وزیر یمن سعد الحریری (مورد حمایت عربستان سعودی) به توافق رسیده‌اند و ظاهراً همه منتظر لحظه نهایی اعلام این توافق هستند بارقه‌امیدی برای باز شدن گره‌های

سیاسی این کشور بوجود آورد. در سوریه نیز شاهد آن هستیم که پس از سالها از مخالفت با باقی ماندن بشار اسد در قدرت به یکباره عربستان سعودی تعداد زیادی از مخالفان سوری را در ریاض جمع می‌کند و از همان جا مخالفان اعلام می‌کنند که با سرکار ماندن بشار الاسد در قدرت مخالفتی ندارند.

این رسانه روسی در ادامه به موضوع سوریه اشاره کرده و می‌نویسد: در سوریه نیز شاهد آن هستیم که پس از سالها مخالفت با باقی ماندن بشار اسد در قدرت به یکباره عربستان سعودی تعداد زیادی از مخالفان سوری را در ریاض جمع می‌کند و از همان جا مخالفان اعلام می‌کنند که با سرکار ماندن بشار الاسد در قدرت مخالفت ندارند، حد اقل تا رسیدن به مرحله انتقالی. آنهاایی که پیگیر ماجراهای سوریه هستند می‌توانند به شما بگویند خود همین تصمیم یک تغییر بزرگ به حساب می‌آید چرا که گره اصلی کل جنگ سوریه طی چند سال اخیر همین نکته بود.

در یمن عربستان سعودی از تاکید بر اجرای کامل قطعنامه‌های سازمان ملل در مورد یمن و عقب نشینی کامل انصار الله از مواضع تحت تصرف خود، عقب نشینی کرد و مذاکرات صلح بر اساس شرایط موجود قرار است انجام شود.

در مورد عراق ورود ترکیه به این کشور نشان می‌دهد که این کشور منافع خود را در خطر می‌بیند لذا تصمیم گرفته مستقیم وارد عراق شود. نکته این است که همین مساله نشان می‌دهد عربستان سعودی هم موضع خود در این کشور را تغییر داده و کاسه خود را از ترکیه جدا کرده است.

اسپوتنیک در پایان می‌نویسد: همه این موارد را که کنار هم بگذاریم می‌توانیم تصور کنیم که عملیات‌های روسیه در سوریه و همچنین تغییر مواضع کشورهای اروپایی نسبت به جنگ با تروریسم در منطقه خاورمیانه تغییرات اساسی‌ای را بوجود آورده که عربستان سعودی را بر آن داشته تا در سیاست‌های خود تجدید نظر کنند و به تلاش‌های ایران برای گفتگو با این کشور واکنش مثبت نشان دهد و همه این ماجراها فقط شروع جریان است و می‌توان امیدوار بود در صورتی که ایران و عربستان سعودی اختلافات خود را حل و فصل کنند مشکلات عمده در منطقه خاورمیانه حل شود.

بازی نخ نمای اردوغان با غزه/ تل آویو جایگزین مسکومی شود



رئیس جمهوری ترکیه در حالی همچنان از بهبود روابط با تل آویو در صورت شکسته شدن محاصره غزه خبر می دهد که ضمن حفظ روابط پشت پرده با صهیونیست ها، هیچ اقدام عملی برای رفع محاصره آن صورت نمی دهد.

«رجب طیب اردوغان» رئیس جمهوری ترکیه اخیراً به صورت رسمی اعلام کرد که بهبود روابط میان آنکارا و تل آویو از اولویت های سیاست خارجی ترکیه به شمار می رود. وی شرط «رفع محاصره غزه» را به عنوان یکی از شروط برقراری مجدد روابط با تل آویو مطرح کرده است. این اظهارات در حالی مطرح شد که چندی پیش نیز یک مقام بلندپایه ترکیه ای تصریح کرده بود: آنکارا به دنبال عادی سازی روابط با اسرائیل است، البته اظهارات اخیر مقامات دولت آنکارا غافلگیر کننده نبود، چرا که بنا بر اعلام رسانه ها ترکیه که پس از حوادث سال ۲۰۱۰ روابط با تل آویو را به پایین ترین سطح ممکن تنزل داده بود، اخیراً با ارتقاء روابط به سطح کاردار موافقت کرده است.

پس از حمله نظامیان رژیم صهیونیستی به کشتی مرمره در آب های بین المللی که حامل کمک های انسان دوستانه برای فلسطینیان ساکن غزه بود، آنکارا روابط خود با تل آویو را به پایین ترین سطح ممکن کاهش داد. مقامات ترکیه در آن هنگام دو شرط اساسی را برای ازسرگیری روابط با رژیم صهیونیستی عنوان کردند: ۱- عذرخواهی نتانیاهو، ۲- رفع حاصر غزه. با وجود گذشت پنج سال از وقوع حادثه حمله به کشتی مرمره و کشته شدن ۹ فعال صلح ترک تبار، شرط اول آنکارا محقق نشد و تنها پس از دو سال از این حادثه «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی در تماس تلفنی با «رجب طیب اردوغان» که در آن زمان نخست وزیر بود، در این زمینه ابراز تأسف کرد. اما شرط دوم؛ در حالی که این شرط با گذشت حدود ۶ سال از مطرح شدن آن توسط آنکارا همچنان محقق نشده و فلسطینیان ساکن نوار غزه تحت محاصره شدید صهیونیست ها قرار دارند، به نظر می رسد اردوغان که کشورش دارای روابط اقتصادی و امنیتی با رژیم صهیونیستی است، بار دیگر حال و هوایی احیای روابط سیاسی با تل آویو نیز وی را سرمست کرده است به طوری که از بهبود روابط با تل آویو به عنوان اولویت سیاست خارجی ترکیه - اما با همان شروط سابق - یاد می کند؛ شروطی که خود به خوبی می داند صهیونیست ها هیچگاه تن به اجرای آنها نخواهند داد. با این حال، اردوغان تلاش کرد تا از طریق مطرح ساختن چنین اظهاراتی، به صورت رسمی تمایل

سرپوش نهاده و مدعی می شود که نجات فلسطینیان غزه مقدمه ازسرگیری روابط خواهد بود.

در این میان سهم مردم مظلوم فلسطین از حمایت های ترکیه تنها «حمایت سیاسی» یا به عبارت بهتر «حمایت بی ثمر» است؛ این در حالی است که سهم اشغالگران قدس از حمایت های آنکارا، روابط اقتصادی و نظامی - هر چند محدود - با آن است. به نظر می رسد آنکارا فلسطین را حتی در جرگه کشورهای عربی نیز نمی بیند چه برسد به کشورهای اسلامی که اگر چنین بود، سهم فلسطین از سطح حمایت های آنکارا به اندازه سهم اعراب بود. بنابراین باید گفت که فلسطین بزرگترین قربانی

سیاست خارجی ترکیه به شمار می رود. البته نباید این نکته را نیز فراموش کرد که ترکیه همانند بسیاری از کشورهای دیگر مانند چین و هند، اقدام سازمان آزادی بخش فلسطین در به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی را دستاویزی قرار داده تا تحت شعار «ما نمی توانیم بیش از خود فلسطینی ها، فلسطینی باشیم» به برقراری روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی گسترده با صهیونیست ها مبادرت کند. ترکیه از جمله کشورهایی است که در روابط خود با اشغالگران صهیونیستی و حمایت از مردم مظلوم فلسطین میان «سیاست» و «اقتصاد و امنیت» تفاوت ویژه ای قائل می شود؛ از یک سو اقدام به اتخاذ مواضع سیاسی در حمایت از مردم فلسطین می کند و از سوی دیگر روابط نظامی و اقتصادی خود با صهیونیست ها را روز به روز گسترش می دهد.

در همین ارتباط یک سازمان آماری ترکیه در گزارشی با اعلام اینکه حجم روابط تجاری میان این کشور و رژیم صهیونیستی طی پنج سال گذشته به بیش از دو برابر رسیده است، اعلام کرد: «حجم مبادلات تجاری میان آنکارا و تل آویو به بیش از پنج میلیون دلار رسیده است و به همین دلیل ترکیه در حال حاضر هفتمین شریک تجاری تل آویو به شمار می رود».

علاوه بر این، «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی نیز در این ارتباط تصریح کرده بود: «روابط تجاری کنونی میان تل آویو و آنکارا در بالاترین سطح ممکن ادامه دارد و این روابط در طول تاریخ بی سابقه بوده است».

از سوی دیگر، نقش آفرینی بسزای ترکیه در تخریب عراق و سوریه در نهایت منجر به نابودی عمیق عربی استراتژیک مقاومت در فلسطین خواهد شد. بنابراین ادعای ترکیه مبنی بر حمایت از ملت فلسطین به ویژه فلسطینیان ساکن نوار غزه در سایه حمایت های همزمان آنکارا از تروریست های تکفیری در سوریه و عراق بیش از پیش دروغ بزرگ اردوغان در خصوص حمایت از مسأله فلسطین را آشکار می کند.

باشد. روزنامه صهیونیستی «یدیعوت آحارانتوت» در این خصوص نیز می نویسد: «طی هفته های اخیر شرکت های تجاری ترکیه ای رایزنی هایی را با شرکت های گازی اسرائیل به منظور تأمین گاز مورد نیاز ترکیه آغاز کرده اند». این روزنامه همچنین تصریح می کند: «سرمایه داران اسرائیلی اذعان می کنند که آنکارا به دنبال حل بحران به وجود آمده با تل آویو و ازسرگیری دوباره روابط بوده است».

آنچه که به گمانی زنی ها پیرامون تصمیم ترکیه برای واردات گاز از سرزمین های اشغالی رنگ واقعیت می بخشد، اظهارات اخیر «یوفاش اشتاینیتس» وزیر انرژی رژیم صهیونیستی است که گفته بود: «اسرائیل اقدام به صادرات گاز به دیگر کشورها می کند و شاید در این میان ترکیه یکی از این کشورها باشد».

اردوغان از عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی سخن می گوید و بار دیگر شرط «رفع محاصره از غزه» را به میان می آورد؛ شرطی که در سال ۲۰۱۰ نیز از آن سخن گرفته بود. در این میان، این سوالات به ذهن متبادر می شود که اگر آنکارا به راستی به دنبال شکسته شدن محاصره نوار غزه بود چرا هیچگاه کمک های مالی هنگفت به حماس و جهاد اسلامی ارائه نکرده است؟ چرا هیچگاه تلاش نکرده تا با مسلح ساختن گروه های مقاومت حماس و جهاد اسلامی راه شکسته شدن محاصره غزه را برای آنها فراهم کند؟ چرا هیچگاه از روابط خود با آمریکا و کشورهای غربی برای شکسته شدن محاصره غزه خرج نکرده است؟

در واقع حمایت های ظاهری آنکارا از مسأله فلسطین هیچگاه از سطح گفتار فراتر نرفته و دردی از مردم فلسطین به ویژه فلسطینیان ساکن غزه دوا نکرده است. به نظر می رسد ترکیه در عرصه دیپلماتیک صهیونیست های جنایتکار را به عنوان یک دولت به رسمیت می شناسد و در عرصه رسانه ای بر روابط خود با آنها

خود برای ازسرگیری روابط سیاسی با تل آویو را به گوش صهیونیست ها برساند.

در همین ارتباط، روزنامه صهیونیستی «یدیعوت آحارانتوت» می نویسد: «رایزنی های مقامات ترکیه و تل آویو برای ازسرگیری روابطی که به دنبال حمله اسرائیل به کشتی مرمره رو به تیرگی نهاد، به زودی آغاز می شود». این روزنامه ادامه می دهد: «یک مقام اسرائیلی به زودی به منظور آغاز رایزنی ها با مقامات ترکیه ای به آنکارا سفر خواهد کرد. وی قصد دارد در این سفر با مقامات آنکارا به این جمع بندی برسد که آیا وقت حل بحران ۶ ساله میان دو طرف رسیده است یا نه». مقامات آنکارا طی سال های گذشته نیز از احتمال عادی سازی روابط با صهیونیست ها سخن به میان آورده بودند اما به نظر می رسد تیرگی روابط میان مسکو و آنکارا موجب شده تا اردوغان به صورت رسمی از عادی سازی روابط با تل آویو به عنوان یکی از اولویت های سیاست خارجی ترکیه یاد کند. پس از اقدام ترکیه در هدف قرار دادن جنگنده روسی «سوخو - ۲۴» و کشته شدن یکی از خلبانان آن، روابط میان مسکو و آنکارا با تنش جدی مواجه شد. روسیه برخی تحریم های اقتصادی را علیه آنکارا اعمال کرده و اعلام کرد تا زمانی که ترکیه به صورت رسمی عذرخواهی نکند، دست از اقدامات تلافی جویانه بر نخواهد داشت.

مقامات آنکارا در واکنش به تحریم های روسیه اعلام کردند: اگر دری به روی ترکیه بسته شود، بدون شک درهای دیگری هستند که باز خواهند شد. اکنون پر واضح است آن دری که ترکیه از آن سخن می گفت رژیم صهیونیستی بوده است. ترکیه که تاکنون بخش اعظمی از نیاز آن به گاز را روسیه تأمین می کرد، اکنون تصمیم گرفته تا منابع تأمین کننده گاز خود را تنوع بخشیده و به همین دلیل به این نتیجه رسیده است که گاز صهیونیست ها می تواند بهترین جایگزین برای گاز روسیه

طرح ریاست جمهوری فرنجه در لبنان؛ مخالفت صریح عربستان و فرانسه



رسانه های لبنانی اعلام کرده اند «سعد الحریری» رئیس جریان المستقبل قصد دارد «سلیمان فرنجه» رئیس حزب المردة را به عنوان نامزد پست ریاست جمهوری معرفی کند.

پس از پایان دوره ریاست جمهوری «میشل سلیمان» در سال ۲۰۱۴، به دلیل مخالفت اکثر گروه‌ها و جریان های سیاسی با تمدید این دوره که دلیل آن را مواضع ضعیف ایشان در قبال تحولات داخلی و منطقه‌ای اعلام کردند، کشور لبنان با بحران خلاء ریاست جمهوری مواجه شد؛ بحرانی که سلسله نشست های متعدد حزب الله و المستقبل هم برای پایان دادن به آن تاکنون کارگر نبوده است. از زمان آغاز بحران خلاء ریاست جمهوری در لبنان، نمایندگان پارلمان این کشور جلسات متعددی را برای انتخاب رئیس جمهوری تشکیل داده اند اما تمامی این جلسات یا به دلیل عدم توافق گروه های سیاسی بر سر نام رئیس جمهوری و یا به دلیل به حد نصاب نرسیدن تعداد نمایندگان با ناکامی مواجه شده اند. خلاء وجود ریاست جمهوری در تاریخ سیاسی لبنان مسبوق به سابقه است. از پایان دوره ریاست جمهوری «امین الجمیل» تا انتخاب «رینیه معوض»؛ یعنی از سپتامبر ۱۹۸۸ تا نوامبر ۱۹۸۹ و همین طور از پایان دوره ریاست جمهوری «میل لحود» تا انتخاب «میشل سلیمان»؛ یعنی از نوامبر ۲۰۰۷ تا مه ۲۰۰۸، کاخ ریاست جمهوری لبنان در «عبدالله» فاقد رئیس بود.

تحلیلگران سیاسی منطقه بر این باورند که کارشکنی های جریان «۱۴ مارس» در مسیر انتخاب رئیس جمهوری جدید لبنان منجر به بروز بحران خلاء ریاست جمهوری در این کشور شده است. از زمان آغاز بحران سوریه از ۲۰۱۱ تاکنون، جریان «۱۴ مارس» به گمان سرنوشتی دولت سوریه و متعاقباً تغییر سیاست های دمشق در قبال جریان های سیاسی داخلی لبنان، صحنه سیاسی و اجرایی این کشور را در حالت انتظار قرار داده است تا بعد از تحقق این هدف، تحولات سیاسی به نفع آنها رقم خواهد بخورد. با این حال، هدفی که ۱۴ مارس از حدود چهار سال پیش آن را ترسیم کرده بود تا به امروز محقق نشده است و دولت دمشق همچنان با قدرت به کار خود ادامه می دهد. در این میان نباید از نقش

عربستان سعودی در بروز این بحران غافل شد؛ سعودیها در دیدارهای مختلف خود با سران جریان المستقبل به صراحت اعلام کرده اند که مخالف ریاست جمهوری «میشل عون» نامزد مورد حمایت حزب الله در لبنان هستند.

طی حدود دو سال گذشته گروه های سیاسی لبنان بر سر هیچیک از نامزدهای مورد حمایت حزب الله یعنی «میشل عون» و جریان المستقبل یعنی «سمیر جمیع» برای عهده دار شدن پست ریاست جمهوری توافقی نکردند. اختلاف نظرهای دو طرف تا جایی پیش رفت که سلسله نشست های سیاسی میان حزب الله و المستقبل که با هدف حل بحران خلاء ریاست جمهوری برگزار می شد به بن بست رسیده و متوقف شد. با این حال، طی روزهای اخیر اخباری به گوش می رسد که حاکی از برخی توافقی ها میان دو طرف در ارتباط با بحران خلاء ریاست جمهوری است. از جمله این اخبار می توان به رایزنی های میان «سعد الحریری» و «سلیمان فرنجه» اشاره کرد که گفته می شود دو طرف در جریان آخرین تماس تلفنی با یکدیگر طرح های جدیدی را برای حل بحران خلاء ریاست جمهوری مورد بررسی قرار داده اند.

در همین ارتباط روزنامه «الدیار» لبنان می نویسد: سعد الحریری با سلیمان فرنجه توافق کرده تا وی را به عنوان نامزد ریاست جمهوری در لبنان معرفی کند، اما آنچه که موجب شده تا اعلام کاندیداتوری رسمی وی به تأخیر یافتد، وجود برخی اختلافات در میان اعضای جریان المستقبل است. این روزنامه همچنین ادامه می دهد: اعضای جریان المستقبل و همچنین گروه ها و جریان های سیاسی هم سو با آن معتقدند طرح جدید سعد الحریری برای حل بحران خلاء ریاست جمهوری بدون مشورت با آنها ارائه شده و نیازمند بررسی های بیشتری است.

این در حالی است که کارشناسان مسائل سیاسی معتقدند به دلیل وابستگی سیاسی جریان المستقبل به حاکم سعودی، غیرممکن است فردی بدون رضایت مستولان آل سعود از سوی المستقبل به عنوان نامزد پست ریاست جمهوری معرفی شود. به گفته کارشناسان اگر گمانه زنی رسانه ها

مبنی بر تمایل الحریری برای معرفی فرنجه به عنوان نامزد پست ریاست جمهوری درست باشد، تأخیر در اعلام رسمی این مسأله بدون شک به علت رایزنی های بیشتر المستقبل با ریاض در این ارتباط اتفاق افتاده است. در این میان به نظر می رسد اعلام خبر از سرگیری سلسله رایزنی های سیاسی میان حزب الله لبنان و جریان المستقبل در آینده نزدیک، بی ارتباط به طرح جدید سعد الحریری نباشد. نشست های سیاسی گروه های لبنانی با یکدیگر در حالی قرار است از سر گرفته شود که طی حدود یک ماه گذشته این نشست ها متوقف شده بود. در همین ارتباط «قاسم هاشم» عضو جریان «توسعه و آزادسازی» نزدیک به حزب الله در سخنانی که بیش از پیش فرضیه معرفی فرنجه به عنوان نامزد ریاست جمهوری را تقویت می کند، تصریح کرده است: «تحولات سیاسی اخیر، به حالت درجانی در رابطه با انتخاب رئیس جمهور جدید پایان داد و اکنون مذاکرات و رایزنی های سیاسی در لبنان فضای مثبتی پیدا کرده است». وی همچنین ادامه داده است: «در حال حاضر شرایط برای توافق طرف های مختلف لبنانی و پایان دادن به تنش های سال های گذشته بیش از پیش مهیا شده است».

پایگاه «العربی الجديد» در خصوص تصمیم سعد الحریری برای معرفی فرنجه به عنوان نامزد پست ریاست جمهوری در لبنان می نویسد: طرح جدید الحریری پیش از اعلام آن در رسانه های داخلی و خارجی با فشارهای مختلف از سوی برخی کشورها نظیر عربستان و فرانسه با ناکامی رو به رو شد. این پایگاه ادامه می دهد: دولت های پاریس و ریاض هر کدام با ارسال نامه های جداگانه به سران جریان المستقبل رسماً اعلام کردند که معرفی فرنجه به عنوان نامزد پست ریاست جمهوری هیچ کمکی به آینده سیاسی لبنان نخواهد کرد. این پایگاه همچنین تصریح می کند: فشارهای خارجی موجب شد تا الحریری هر چند با اکراه اما برای حفظ حمایت های خارجی از حزب خود در لبنان، از تصمیم خود صرف نظر کرده و هیچگاه آن را اعلام نکند. پایگاه خبری - تحلیلی «یلاف» نیز در خصوص برخی توافقی ها برای حل بحران خلاء ریاست جمهوری در لبنان می نویسد: بسته به پیشنهادی جدید الحریری برای حل این بحران شامل معرفی فرنجه به عنوان نامزد ریاست جمهوری و معرفی خود به عنوان نامزد پست نخست وزیری است. در این میان سعد الحریری، حزب الله را بزرگترین مانع برای تحقق اهدافش می بیند؛ حسی که احتمال دارد با ریاست جمهوری فرنجه مشکلی نداشته باشد اما بدون شک زیر بار نخست وزیری الحریری نخواهد داد. در این میان بسیاری از تحلیلگران معتقدند تلاش اخیر الحریری برای حل بحران خلاء ریاست جمهوری به دلیل تمایل وی برای بازگشت به لبنان و استقرار در این کشور صورت می گیرد. به اعتقاد آنها الحریری قصد دارد بار دیگر به لبنان بازگشته و به صورت مستقیم و یا حتی غیرمستقیم زمام امور را در دست بگیرد. کارشناسان بر این باورند حتی در صورتی که توافقی میان دو طرف برای پست ریاست جمهوری صورت گیرد، اختلافات اساسی و ریشه ای میان حزب الله و جریان المستقبل به قوت خود باقی می ماند، زیرا شعار حزب الله حمایت از جریان مقاومت در سراسر جهان به ویژه در سوریه است در حالیکه المستقبل اعتقاد دارد باید به سیاست داخلی بیش از سیاست خارجی بها داده و از حجم نقش آفرینی در تحولات خارج از مرزهای لبنان کاست.

در هر صورت، قرار است «سعد الحریری» و «سلیمان فرنجه» در حاشیه نشست پاریس با یکدیگر دیدار و گفتگو کنند. باید دید آیا این دیدار می تواند بستر ساز راهکاری جدیدی برای پایان دادن به بحران دو ساله خلاء ریاست جمهوری در لبنان باشد یا خیر؟



سرنگونی جنگنده روسی؛ وقتی آنکارا پارا از گلیم خود فراتر گذاشت

گرفت. این دو تپه از تپه های استراتژیک در حومه استان لاذقیه هستند که بر شهر «سلمی» اشراف داشته و از جمله خطرناک ترین و بزرگترین پایگاه های تروریست ها در حومه لاذقیه محسوب می شدند.

ترکیه با هدف قرار دادن جنگنده روسی در آسمان سوریه تلاش کرد تا این پیام را به مقامات مسکو برساند که باید از شدت عملیات نظامی علیه تکفیریه ها در سوریه بکاهند. کارشناسان براین باورند که مقامات آنکارا پیام خود را به شیوه ای غلط به گوش مقامات مسکو رساندند، زیرا حادثه سرنگونی هواپیمای روسی نه تنها هیچ تأثیری بر روند عملیات نظامی روسیه علیه تکفیریه ها در سوریه نمی گذارد، بلکه مسکو را در هدف قرار دادن تکفیریه ها به ویژه در مناطق تحت حمایت ترکیه بیش از پیش تحریک می کند. به گفته کارشناسان از این پس باید منتظر تشدید عملیات نظامی روسیه علیه تکفیریه ها در حومه شمالی استان لاذقیه و مرزهای مشترک سوریه و ترکیه بود.

در همین ارتباط، «کامل صقر» از تحلیلگران مسائل خاورمیانه ضمن خطرناک توصیف کردن اقدام ترکیه در هدف قرار دادن جنگنده روسی می گوید: «دور از ذهن به نظر نمی رسد که اقدام ترکیه به دنبال خشم عمیق مقامات آنکارا از دیدار ولادیمیر پوتین با رهبر عالی ایران صورت گرفته باشد.» وی ادامه می دهد: «مقامات آنکارا با این اقدام تلاش کرد تا اعتراض خود را به ائتلاف عمیق میان تهران و مسکو علیه تروریسم اعلام کنند. آنها با هدف قرار دادن جنگنده روسی پا را از گلیم خود فراتر نهاده و اثبات کردند که هیچ ارتباطی با ائتلاف های گوناگون مبارزه با تروریسم ندارند.»

روسی و سرنگونی آن همزمان با تلاش آمریکا و همپیمانانش که طی روزهای اخیر با جنگ رسانه ای گسترده در صدد بودند به برخی امتیازها در سوریه دست پیدا کنند، صورت گرفت، به ویژه اینکه اردوغان پیشتر نیز به بهانه حمایت از افرادی که از آنها به عنوان «مخالفان معتدل» یاد می کرد، به صراحت از عزم خود برای ایجاد منطقه امن در شمال سوریه خبر داده بود که در واقع هدف اصلی او حمایت از تروریست های مستقر در این مناطق بود. البته در این میان، برخی بر این باورند که اردوغان چنین اقدامی را بدون چراغ سبز از سوی آمریکا هیچگاه عملیاتی نخواهد کرد، بنابراین برای ایجاد منطقه امن در شمال سوریه به منظور حمایت از تکفیریه ها باید منتظر دیدگاه اربابان آمریکایی اردوغان ماند.

اقدام ترکیه همچنین موجب خواهد شد روسیه عملیات نظامی خود علیه تکفیریه ها در سوریه و به ویژه در حومه استان لاذقیه را تشدید کند. مسکو در حال حاضر خود را در معرض تهدیدات تروریستی می داند و به همین دلیل جنگ علیه تکفیریه ها در سوریه را تنها در حمایت از دولت قانونی این کشور خلاصه نمی کند، بلکه این جنگ را در وهله اول جنگ خود تلقی می کند.

سرنگونی جنگنده روسیه در آسمان سوریه می تواند در چارچوب تحولات میدانی نیز بررسی کرد. پس از گسترده شدن دامنه حملات هوایی جنگنده های روسی به مواضع تکفیریه ها در سوریه ترکیه به این نتیجه رسید که به لطف این حملات، ارتش سوریه در یک قدمی تسلط کامل بر حومه استان لاذقیه رسیده است، به ویژه اینکه اقدام ترکیه درست همزمان با تسلط کامل ارتش سوریه بر تپه های استراتژیک «کتف الغنمه» و «کتف الغدر» صورت

ترکیه از امکانات و قدرت کافی برای مقابله با روس ها برخوردار نیست، بنابراین اقدام آن در سرنگونی جنگنده روسی در آسمان سوریه بیش از آنکه رنگ و بوی نظامی داشته باشد، سیاسی بوده است. به گفته آنها در طول تاریخ ۱۷ جنگ میان عثمانی ها و روس ها اتفاق افتاده است که در تمامی آنها ترک ها بازنده و روس ها پیروز بوده اند. آنها بر این باورند که روسیه در حال حاضر واکنشی از خود نشان نخواهد داد اما بدون شک اقدام صورت گرفته را بدون پاسخ رها نخواهد کرد و در زمان و مکان مناسب پاسخ قاطعی به آنکارا خواهد داد.

در همین ارتباط، «تابت محمد» کارشناس مسائل استراتژیک به پایگاه خبری «العهد» می گوید: «جنگنده روسی در حالی که حریم هوایی ترکیه را نقض نکرده و در سوریه مشغول عملیات نظامی علیه تکفیریه ها بود، به یک باره توسط ارتش ترکیه هدف قرار گرفته و سرنگون می شود و این نمونه بارز یک اقدام تروریستی است.» وی ادامه می دهد: «با این اقدام، اردوغان که در طول پنج سال گذشته با سلسله اقدامات تروریستی خود علیه ملت های سوریه و عراق آنها را به خاک و خون کشیده است، لکه ننگ دیگری را در پرونده سیاه خود به ثبت رساند.» این کارشناس مسائل استراتژیک همچنین می افزاید: «اگر حادثه سرنگونی جنگنده روسی توسط ترکیه از زاویه ای دیگر بررسی شود، باید گفت که این اقدام نقض آشکار حاکمیت ملی سوریه بوده است، چراکه جنگنده روسی در آسمان سوریه در حال پرواز بوده است و بدین ترتیب یک جنایت جنگی دیگر به پرونده سرشار از جنایت اردوغان اضافه شد.»

اقدام ارتش ترکیه در هدف قرار دادن جنگنده

مقامات آنکارا پس از مشاهده پیشروی چشمگیر نظامیان سوریه در سایه عملیات نظامی روسیه علیه تکفیریه ها، با هدف قرار دادن جنگنده روسی در صدد عقدۀ گشایی علیه مسکو برآمدند.

ارتش ترکیه دو روز پیش یک فروند جنگنده روسی را که مشغول عملیات علیه تکفیریه ها در سوریه بود، هدف قرار داده و سرنگون کرد. آنکارا ادعا می کند که این جنگنده حریم هوایی ترکیه را نقض و امنیت ملی این کشور را با مخاطره مواجه کرده بود. اقدام ترکیه با واکنش مقامات مسکو مواجه شد. آنها معتقدند که جنگنده روسی چند کیلومتر دورتر از مرزهای ترکیه مشغول مبارزه با تروریست های تکفیری در سوریه بوده است که البته تمامی شواهد و قرائن این موضوع را تأیید می کنند.

واضح است که ترکیه در شرایط کنونی تلاش می کند تا پس از دخالت نظامی روسیه در سوریه، اندکی از فشار تحمیل شده به تروریست ها بکاهد، به ویژه اینکه نظامیان ارتش سوریه و نیروهای دفاع مردمی این کشور طی دو روز گذشته در حومه شمالی استان لاذقیه با سیطره کامل بر بیش از ۱۰ منطقه استراتژیک هم مرز با ترکیه دستاوردهای بزرگی را خلق کردند. آنچه که در این میان بیش از هر چیزی موجب آزرده خاطر آنکارا شده، سیطره ارتش سوریه بر بسیاری از روستاهایی است که اغلب قریب به اتفاق ساکنان آنها را ترکمان ها تشکیل می دهند؛ ترکمان هایی که شخص رجب طیب اردوغان در سال ۲۰۱۲ به آنها وعده ایجاد یک منطقه حائل در مناطق شمالی حومه حلب از «جرابلس» تا «أعزاز» را داده بود. تحلیلگران سیاسی منطقه معتقدند از آنجایی

گفتگو با ناظم دباغ:

توازن در روابط خارجی عراق دشوار است/دیدگاه‌ها درباره گارد ملی

سمیه خمارباقی



نماینده اقلیم کردستان عراق ضمن اعلام چرایی طرح تجزیه عراق از سوی برخی دولتمردان آمریکایی به تشریح دیدگاه‌ها درباره تشکیل گارد ملی عراق پرداخت.

تشکیل اقلیم در عراق، دنبال کردن تجزیه عراق از سوی برخی دولتمردان آمریکایی، تشکیل مرکز اطلاعاتی با مشارکت ایران، روسیه، سوریه و عراق و نوع نگاه بغداد به روابط و سیاست خارجی منطقه ای و فرمانطقه ای از جمله موضوعاتی هستند که در گفتگوی خبرگزاری مهر با ناظم دباغ نماینده اقلیم کردستان عراق در ایران مورد بررسی قرار گرفته است. مشروح این گفتگو در ادامه از نظر می‌گذرد.

|| با توجه به پیروزی حزب عدالت و توسعه در ترکیه و تشکیل دولت تک حزبی توسط این حزب و افزایش قدرت آن، تعامل عراق با ترکیه چگونه خواهد بود؟

آ.ک.پ در انتخابات جدید برنده شد و دولت جدید را در ترکیه تشکیل خواهد داد. حکومت عراق به دوستی و همکاری دو طرفه با ترکیه نیاز دارد. همکاری عراق و ترکیه از قبل در زمینه های سیاسی، اقتصادی و امنیتی بیشتر خواهد شد. این همکاری با اقلیم نیز بیشتر خواهد شد و وزیر خارجه ترکیه اخیرا به اربیل آمد و با مسئولان اقلیم کردستان عراق دیدار و بر گسترش روابط تاکید کرد.

|| یکی از اهدافی که آمریکایی ها به ویژه جو بایدن معاون رئیس جمهوری آمریکا در عراق دنبال می کنند تجزیه عراق است؛ آیا تجزیه عراق راهبرد کلان آمریکا در عراق است؟ آمریکا چه اهدافی از رهگذر تجزیه عراق دنبال خواهد کرد؟

این مسئله جدیدی نیست و قبل از سقوط رژیم صدام نیز این موضوع مطرح بود که عراق به ۳ منطقه کردی، سنی و شیعه تقسیم شود. طرح بحث آن اکنون بیشتر یک موضوع امنیتی و نظامی است چون به نظر می رسد آمریکایی ها خواهان تجزیه عراق در شرایط کنونی نیستند بلکه با شرایط امنیتی که در منطقه وجود دارد ثابت شد که اقلیم کردستان عراق به دلیل اینکه که مستقل است و نیروهای مخصوص خود را به نام پیشمرگه دارد ثابت کرد که در میدان جنگ حتی مناطق تحت اشغال داعش را می تواند آزاد کند. امروز در واقع عراق جدید عراق پراکنده حساب می شود هم به لحاظ جغرافیایی و هم سیاسی. وحدت جغرافیایی و سیاسی وجود ندارد و به همین خاطر هر کسی و هر گروهی دنبال منافع خود می گردد. این نظر شخصی بنده است لذا بهترین راه حلی که به ذهن آمریکایی ها مخصوصا جو بایدن در شرایط کنونی رسیده این است که عراق به ۳ اقلیم تبدیل شود. اگر این امر اتفاق بیفتد موقعیت اقلیم کردستان قوی تر می شود اما من تحقیق آن را بعید می دانم زیرا در کل به غیر از کردها کسی تمایل به تجزیه عراق ندارد.

نکته بعدی این است که متعاقب چنین امری کشورهای منطقه و مخصوصا عرب ها در شرایط کنونی مانع آنچه هلال شیعی اعلام می کنند در منطقه می شوند و جلوگیری از تحقق آن، حفظ وحدت عراق است.

|| یکی از اصول اعلامی سیاست خارجی عراق توازن در روابط خارجی است. به گمان شما بغداد چگونه می تواند با کشورهایی که از تروریست ها در عراق حمایت می کنند از جمله عربستان از یک سو و حامیان این کشور از جمله ایران توازن برقرار سازد؟

تحقیق توازن در روابط خارجی عراق در شرایط کنونی امری دشوار است. در عراق گروه های مختلف با کشورهای مختلف منطقه ارتباط دارند و در آن چارچوب نگاه می کنند. متأسفانه برخی سیاستمدارانی که در صحنه هستند منافع شخصی و حزبی را بر منافع ملی ترجیح می دهند و اگر اینطور نبود بسیاری از مشکلات کنونی در عراق به وجود نمی آمد. لذا در چنین شرایطی برقراری توازن در روابط با کشورهای منطقه دشوار است.

|| نسبت به تشکیل گارد ملی عراق برخی انتقادات وارد است، برخی معتقد هستند تشکیل گارد ملی عراق باعث تضعیف ارتش از یک سو و تجزیه عراق از سوی دیگر می شود، نظر شما چیست؟

تشکیل گارد ملی دو طرفه است مثل یک تیغی که اگر مواظب نباشیم هر دو طرف آن دست را می برد. اگر کیفیت ارتش عراق را مد نظر قرار دهیم ناگزیر به تشکیل گارد می شویم اما خود تشکیل این گارد به دنبال تقسیم عراق است مثلاً اهل تسنن خواهان تشکیل گارد خود است، کردها گارد خود را تحت عنوان نیروهای پیشمرگه دارند و اهل تشیع نیز حشد الشعبی را دارد.

تشکیل گارد ملی عراق عامل اختلاف است و الا به لحاظ عملی تجربه اقلیم کردستان نشان داد اگر نیروهای پیشمرگه وجود نداشت نمی توانست با گروه داعش مقابله کند. تشکیل پیشمرگه برای امروز نیست و قبل از فروپاشی رژیم

صدام این نیرو به وجود آمد. لذا امروز اگر به مناطق تحت اشغال داعش بنگریم می بینیم این مناطق، مناطق مربوط به اهل سنت است و اهل سنت نه توانست از مناطق خود حمایت کند و نه داعشی ها را از این مناطق بیرون کند. اهل سنت معتقد است اگر اهل تسنن نیز نیروی مسلح می داشت مانع از نفوذ داعش به مناطق تحت کنترل خود می شد اما من می گویم مگر اکثر فرماندهان ارتش عراق، مسلح و اهل تسنن نبودند؟ به نظر من بعضی به دنبال بهانه جویی در حفظ امنیت هستند و برای ناامنی های موجود به دنبال توجیه هستند، لذا شخصا معتقدم تشکیل گارد ملی در عراق عامل اختلاف می شود و باعث ایجاد وحدت نخواهد شد.

|| یک مرکز اطلاعاتی با مشارکت ایران، روسیه، سوریه و عراق در بغداد ایجاد شده است آیا امکان گسترش همکاری های نظامی، امنیتی و اطلاعاتی میان این ۴ کشور در آینده وجود خواهد داشت و آیا امکان درخواست بغداد از مسکو برای گسترش حملات هوایی از سوریه به عراق وجود دارد؟

من می گویم می توان از وجود روسیه برای مقابله با گروه های تروریستی استفاده کرد اما بعد آن چه؟ سیاست آمریکا این است که آمریکایی ها به دنبال مبارزه قاطعانه با داعش نیستند و خواهان جنگ محدود با این گروه هستند اما روسیه قاطعانه خواهان نابودی داعش است لذا تضاد منافع پیش می آید. شاید روسیه و آمریکا در این میان به یک نقطه مشترک برسند و اگر به این نقطه برسند می توان درباره آینده منافع منطقه تا حدی مذاکره کرد. من به نظرم یکی از منافع روسیه این است که به صحنه قدرت باز گردد چرا که قبلا آمریکا قدرت بزرگ در منطقه بود.

گفتگو با سفیر سوریه:

نقش کلیدی ایران در مذاکرات وین/ادعاهای ترکیه علیه روسیه دروغ است

سمیه خمارباقی - محمد مظهری

سفیر سوریه در تهران ضمن تاکید بر نقش کلیدی ایران در مذاکرات حل بحران سوریه موسوم به مذاکرات وین اعلام کرد که تفکر وهابیت خطرناکترین نوع تروریسم در جهان محسوب می شود. دستاوردهای میدانی ارتش سوریه، مذاکرات وین، اقدامات دولت سوریه درباره آوارگان این کشور، موضع ترکیه و عربستان در قبال سوریه، انتخابات زودهنگام در سوریه، روابط قاهره - دمشق، حملات تروریستی بیروت و پاریس از جمله موضوعاتی هستند که در گفتگو با «عدنان محمود» سفیر سوریه در ایران مورد بررسی قرار گرفته است. مشروح این گفتگو در ادامه از نظر می گذرد.

|| آیا تعریف مسکو و دمشق از گروههای تروریستی یکسان است؟ برای نمونه در حالی که مسکو با ارتش آزاد در حال مذاکره است دمشق آنها را به رسمیت نمی شناسد؟ آیا توافقی در این خصوص بین دمشق و مسکو وجود دارد؟

ما معتقدیم تروریسم، تروریسم است و طبق قوانین بین الملل، تروریست به کسی اطلاق می شود که مرتکب کشتار و تخریب می شود لذا تروریست های تکفیری در سوریه هر عنوانی که داشته باشند در مناطق مختلف سوریه دست به فجیع ترین جنایات و کشتار تمامی طیف های مردم و تخریب اماکن سوری می زنند. در نتیجه تروریسم بدون استثناء شامل تمامی گروه های تروریستی می شود، مفهوم مخالفان در هر کشوری مشهور است و منظور از آن مخالفان ملی و سیاسی هستند که از سلاح و خشونت استفاده نمی کنند و علیه دولت و شهروندان مرتکب جنایت نمی شوند. هر کسی که از خشونت استفاده می کند و نهادهای دولت و ارتش سوریه را هدف قرار می دهد تروریست محسوب می شود. تعریف آمریکا و غرب از تروریسم در علوم سیاسی وجود ندارد و در قانون بین الملل، تروریسم خوب و تروریسم بد و مخالفان مسلح میانه رو و مخالفان مسلح افراطی وجود ندارد زیرا مخالفان مسلح یعنی اینکه این افراد مسلح هستند و از سلاح استفاده می کنند و کسانی که علیه شهروندان، ارتش و دولت سوریه از سلاح استفاده می کنند تروریست محسوب می شوند.

تروریسم فقط سلاح نیست بلکه شامل تفکر نیز می شود. ما نمی توانیم میان تفکر تروریستی تکفیری ویران کننده و تفکر وابسته به القاعده و وهابیت، تفکیک



به مناطق تحت کنترل دولت فراهم کرده است و این آوارگان به عنوان شهروندان کنار دیگر برادران سوری خود در این مناطق زندگی می کنند. شما می دانید که دولت سوریه بار سنگین تامین نیازهای شهروندانی که از جنایات گروه های تروریستی فرار کرده اند و به دیگر مناطق سوریه منتقل شده اند را به دوش می کشد. این افراد اگر از دولت سوریه ترس و نگرانی داشتند به مناطق تحت کنترل دولت مهاجرت نمی کردند این در حالی است که آوارگانی که از طریق ترکیه مهاجرت کرده اند حدود ۲۰ درصد هستند و دولت ترکیه در این زمینه توطئه ای را برنامه ریزی کرده است که به موجب آن این افراد از طریق بنادر و مرزهای زمینی ترکیه به کشورهای اروپایی منتقل شوند. این آوارگان سوری نیز از تروریسم و چالش های اقتصادی ناشی از جنگ علیه سوریه فرار کرده اند.

|| اوضاع میدانی سوریه به ویژه حلب را چگونه ارزیابی می کنید؟
در حال حاضر ارتش سوریه و نیروهای دفاع ملی این کشور با حمایت نیروی هوایی سوریه و کمک مستشاران ایران و جبهه مقاومت فلسطین ابتکار عمل مبارزه با تروریسم را در سوریه برعهده دارند. ارتش سوریه در حال حاضر در عرصه نبرد با گروه های تروریستی دستاوردهایی را در حومه جنوبی و شرقی حلب، حمص، حماه و حومه دمشق به دست آورده است. این دستاوردها یک پیشرفت چشمگیر و استراتژیک محسوب می شوند. موفقیت های میدانی ارتش سوریه عقب نشینی گروه های تروریستی تکفیری از مناطق مختلف این

|| توافقی بین ترکیه و آمریکا برای مسدود کردن مرزهای شمال سوریه صورت گرفته است. آیا این نمی تواند زمینه ساز منطقه حائل از سوی ترکیه باشد؟

دولت ترکیه از ۴ سال و نیم پیش پایگاهی لجستیک برای اعزام تروریست ها به سوریه و حامی مالی و تسلیحاتی آنها بوده است و با اموال سعودی و قطری از گروه های تروریستی در سوریه حمایت لجستیک کرده است. ما تاکنون شاهد اقدام جدی و واقعی از سوی ترکیه و آمریکا برای مبارزه با تروریسم نبوده ایم. کسی که می خواهد با تروریسم مبارزه کند باید با دولت و ارتش سوریه هماهنگی داشته باشد اما ما ملاحظه کردیم ائتلافی که به رهبری آمریکا و از بیش از ۶۰ کشور جهان تشکیل شده است نه تنها دستاوردی در مقابله با تروریسم نداشته بلکه تروریسم گسترش پیدا کرده است و به قلب کشورهای حامی رسیده است کشورهایی که برای تحقق توطئه هایشان در تضعیف دولت سوریه در زمینه تروریسم در این کشور سرمایه گذاری کرده بودند.

|| آیا دولت سوریه در خصوص آوارگان سوری اقداماتی در زمینه داخلی و بین المللی اتخاذ کرده است؟

طبعاً تمامی مهاجران متعلق به مناطقی هستند که از سوی تروریست ها هدف قرار گرفته اند و علت این مهاجرت نیز تروریسم است. دولت سوریه تمامی امکانات را برای انتقال آوارگان سوری در داخل سوریه

قائل شویم چرا که همه اینها دارای یک سرمنشا هستند. ما در حال حاضر با روسیه، عراق، ایران و تمامی کشورهای که دارای اراده واقعی و عزم جدی برای مبارزه با تروریسم هستند درباره گروه های تروریستی اتفاق نظر داریم و در روند مبارزه با گروه های تروریستی تکفیری در یک جبهه واحد قرار داریم. ما امروز شاهد گسترش تروریسمی هستیم که غرب و مزدوران آن در منطقه و آمریکا مسئولیت آن را برعهده دارند کسانی که گروه های تروریستی تکفیری را مورد حمایت مالی و تسلیحاتی قرار دادند و روند ارسال سلاح به سوریه از طریق ترکیه را تسهیل کردند و همواره به حمایت های خود از تروریست ها در سوریه ادامه می دهند.

|| موضع شما در قبال نیروهای کرد زبانی که با گروه داعش می جنگند چیست آیا آنها را بخشی از جبهه مقاومت تلقی می کنید یا خیر؟

همه ما در سوریه می گوئیم در این کشور از یکدیگر جدا نمی شویم، ما در چارچوب قانون اساسی، حقوق شهروندی، و اصل برابری در سوریه انواع شهروند سوری نداریم و تمامی کسانی که با گروه های تروریستی تکفیری مبارزه می کنند بدون استثناء در راستای خدمت به منافع ملی مبادرت به این امر می کنند. همه آنها می که با گروه های تروریستی تکفیری می جنگند و با تروریسم و به کارگیری آن علیه دولت و ارتش سوریه مخالف هستند در صف نیروهای دولتی این کشور محسوب می شوند.

را محکوم می‌کنیم و از قربانی شدن غیر نظامیان بیگناه در این عملیات‌های تروریستی متأسف هستیم اما بر این باور هستیم که اشتباهات غرب و دولت فرانسه در حمایت از تروریسم منجر به گسترش تروریسم و امتداد آن در قلب اروپا شده است و این موضوعی است که سوریه از ۴ سال و نیم پیش نسبت به آن هشدار داده بود.

ما می‌دانیم هزاران تروریست از کشورهای غربی همچنان در سوریه می‌جنگند و با کمک ترکیه وارد سوریه شده‌اند و ما بارها نسبت به حمایت غرب از تکفیری‌ها در سوریه هشدار داده بودیم لذا در حال حاضر بهتر است که دولت فرانسه در اشتباهات استراتژیک خود در سوریه بازنگری کند و عزم راسخ خود را در مبارزه با تروریسم نشان دهد و در این زمینه معیارهای دواگانه نداشته باشد. لذا کسی که می‌خواهد واقعا با تروریسم مبارزه کند باید با کشورهای

که با تروریسم مبارزه می‌کنند همکاری کند و در حال حاضر کشورهایی که با تروریسم مبارزه می‌کنند مشخص هستند. حمایت برخی کشورها از تروریسم در سوریه طی ۴ سال و نیم گذشته تاکنون معروف است، هدف از این امر تغییر مواضع سوریه و نقش آن در حمایت از مقاومت در منطقه و مقابله با رژیم صهیونیستی است، هدف از حمایت از تروریسم تکفیری در سوریه تحقق منافع غرب و آمریکا در منطقه و تسلیم سوریه در برابر دیکته‌های آمریکا و غرب است و همه این اقدامات در راستای تجزیه منطقه و به تاراج بردن منابع آن است. بنابراین تروریسم امروز همه منطقه چه سوریه، عراق، لبنان و ایران را هدف قرار داده است، تروریسم حد و مرز ندارد و برادران ایرانی ما اخیرا چندین شبکه تروریستی مورد حمایت برخی کشورهای منطقه را در کشورش شناسایی کرده‌اند، این اقدامات ایران را در راستای حفظ امنیت و ثبات صورت می‌گیرد و این کشور نقش اساسی و کلیدی در حل بحران‌های منطقه دارد زیرا ایران از تمامی امکانات سیاسی، راهبردی، تاریخی و اخلاقی برخوردار است و بر بعد استراتژیک که کسی نمی‌تواند آن را در منطقه نادیده بگیرد تکیه دارد.

|| آیا میان سوریه و مصر در زمینه مبارزه با تروریسم هماهنگی و همکاری وجود دارد؟ ||

میان سوریه و مصر تماس‌هایی برقرار است و ما شاهدیم موضع مصر در عرصه مبارزه با تروریسم مثبت است، میان نهادهای ذیربط دو کشور هماهنگی‌هایی وجود دارد، مصر همچنین از نقش روسیه در مبارزه با تروریسم حمایت کرده است، ما با دشمن مشترکی در مصر، سوریه و تمامی منطقه مواجه هستیم لذا همه کشورهای منطقه و جهان باید به طور واقعی در زمینه مبارزه با تروریسم بسیج شوند و این تلاش‌ها نباید همچون برخی کشورهای غربی و منطقه باشد که تنها ادعا می‌کنند با



این اقدام عربستان را با توجه به عملکرد ۴ ساله ریاض در خصوص سوریه چطور ارزیابی می‌کنید؟
طی ۴ سال و نیم گذشته تاکنون عربستان سعودی همواره شریک گروه‌های تروریستی تکفیری در کشتار مردم سوریه و حامی مالی و تسلیحاتی تروریست‌ها بوده است و هر روز «عادل الجبیر» وزیر امور خارجه عربستان سعودی حمایت خود را از تروریسم اعلام می‌کند لذا ما معتقدیم دولت سعودی باید به خاطر ارتکاب جنایات در سوریه و حمایت از گروه‌های تروریستی تحت فشار قرار بگیرد و مجازات شود. ما بر این باور هستیم که عربستان سعودی شریک گروه‌های تروریستی تکفیری است و شریک اصلی در حمایت از تروریسم در سوریه به شمار می‌رود، طبعاً این موضوع برای تمامی کشورها شناخته شده است لذا جامعه جهانی باید ریاض را برای توقف حمایت این کشور از تروریست‌ها در سوریه تحت فشار قرار دهد.

برخی گروه‌ها پیشنهاد برگزاری انتخابات زودهنگام در سوریه را مطرح کرده‌اند آیا دولت سوریه با این پیشنهاد موافق است؟
ملت سوریه در این باره تصمیم‌گیری می‌کند و پیش از زمین‌گیر شدن تروریسم تکفیری در سوریه، سخن گفتن از هر گونه روند سیاسی در این کشور امکان‌پذیر نیست، مبارزه با تروریسم، در هر گونه روند سیاسی در سوریه یک اصل محسوب می‌شود و هر آنچه که شهروندان سوری درباره آن به توافق رسیدند اجرایی خواهد شد و ملت سوریه خود آینده کشور را تعیین خواهد کرد.

|| موضع سوریه در قبال حملات اخیر در پاریس چیست؟ ||

طبعاً دولت سوریه و «بشار اسد» رئیس‌جمهوری سوریه عملیات تروریستی را پاریس را محکوم کردند و ما تروریسم را در هر نقطه‌ای از دنیا محکوم می‌کنیم زیرا سوریه طعم تلخ تروریسم را چشیده است، به همین خاطر ما جنایات تروریستی

|| ترکیه اخیراً سفیر مسکو در آنکارا را احضار کرد، دلیل آن این بود که ترکیه گفت روسیه به ترکمن‌های سوریه حمله کرده است. این اقدام با چه هدفی صورت گرفته است؟ آیا ترکیه به صورت جدی در صدد است تا وارد جنگ در سوریه شود؟ ||

این سخن، بی‌پایه و اساس است و ادعاهای ترکیه در این زمینه کذب محض است و عکس این قضیه صادق است. نه فقط سوریه بلکه تمامی دنیا اعتراف کرده‌اند که دولت ترکیه طی ۴ سال و نیم گذشته در حمایت از گروه‌های تروریستی در سوریه نقش دارد. معاون رئیس‌جمهوری آمریکا اعلام کرده است کسانی که از داعش و دیگر گروه‌های تروریستی در سوریه حمایت می‌کنند، هم پیمانان و اشنگتن در منطقه همچون ترکیه، عربستان سعودی و قطر هستند و این موضوع بیش از یک سال و نیم پیگیری شده است، ما دریافتیم برخی گروه‌های تروریستی همچون داعش و جبهه النصره پرچم گروه تروریستی داعش را در مناطق مختلف ترکیه به اهتزاز در می‌آوردند و مورد حمایت همه جانبه از سوی دولت ترکیه قرار می‌گیرند. ما بر این باور هستیم که مشارکت روسیه در مبارزه با تروریسم و حمایت از سوریه در مقابله با گروه‌های افراطی مبتنی بر اصول قوانین بین‌الملل و منشور سازمان ملل متحد است و به درخواست دولت سوریه صورت گرفته است، این در حالی است که موضع ترکیه در قبال سوریه و حمایت آن از تروریست‌ها نقض قطعنامه‌های شورای امنیت در زمینه مبارزه با تروریسم و منشور سازمان ملل متحد محسوب می‌شود.

|| نظر به آنکه اعلام شده است عربستان سعودی در ماه آینده میلادی میزبان نشست گروه‌های مخالف دولت سوریه خواهد بود،

کشور را به همراه داشته است، این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که این گروه‌ها همواره با جدیدترین انواع سلاح‌ها از سوی برخی کشورها حمایت می‌شوند و این کشورها خواستار اتحاد و هماهنگی تمامی گروه‌های تروریستی با یکدیگر شده‌اند و این گروه‌ها هم اکنون از داعش تا جبهه النصره، احرار الشام، جیش الفتح و جیش الاسلام علیه ارتش سوریه با یکدیگر متحد شده‌اند و در عملیات‌های خود علیه ملت سوریه دارای هماهنگی کامل با یکدیگر هستند.
|| نشست وین در حالی برگزار شد که از ایران نیز دعوت به عمل آمد. دلایل دعوت از ایران چه بود و چه فرمولی مدنظر این نشست برای حل بحران است؟ ||

هیچکس در دنیا نمی‌تواند نقش اساسی ایران در مسائل منطقه و در مبارزه با تروریسم را نادیده بگیرد، نقش ایران در مبارزه با تروریسم و حل بحران‌ها در منطقه یک نقش اساسی و مبتنی بر اصول قوانین بین‌الملل، منشور سازمان ملل متحد، اصول حق و دیدگاه استراتژیک و فهم حقیقی از رویدادهای منطقه است لذا غرب در سوریه مرتکب اشتباه شد، غرب، آمریکا و مزدوران آن در منطقه همچون عربستان سعودی، قطر و ترکیه از تروریسم حمایت کردند و تمامی دستورات دیکته شده به آنها و تهدید علیه سوریه را مرتکب شدند لذا ما امروز شاهدیم گرایش و مسیری که جمهوری اسلامی ایران در آن قرار دارد مسیر صحیحی است و گرایشی که کشورهای مذکور [در قبال سوریه] دارند اشتباه است.

|| آینده مذاکرات وین را با وجود مشارکت ایران چگونه پیش‌بینی می‌کنید، آیا منجر به حل بحران سوریه خواهد شد؟ ||

بدون شک، مشارکت ایران در مذاکرات وین عامل اصلی در اتخاذ تصمیماتی بود که در این نشست با مشارکت جمهوری اسلامی ایران، روسیه و کشورهای دوست همچون عراق، لبنان و عمان گرفته شد. مشارکت این کشورها در مذاکرات وین نقش کمک‌کننده‌ای به اتخاذ تصمیماتی داشت که بر حق ملت سوریه در تعیین سرنوشت خود و اینکه هیچ طرف خارجی حق سخن گفتن به نیابت از ملت سوریه را ندارد و اجازه ندارد دستوراتی را به مردم سوریه دیکته کند تأکید دارد. اما باید بر اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت به ویژه قطعنامه‌های مربوط به مبارزه با تروریسم تأکید کرد و همچنین بر اعمال فشار بر کشورهای حامی مالی و تسلیحاتی گروه‌های تروریستی همچون ترکیه، قطر و عربستان به عنوان مقدمه‌ای برای حل بحران سوریه تأکید کرد. ما دریافتیم که مذاکرات اخیر وین، مبارزه با تروریسم در سوریه را یک اولویت تعیین و بر اصل اساسی تعیین حق سرنوشت سوریه توسط مردم این کشور تأکید کرد.

گفتگو با رئیس جمهور عراق؛ تجزیه عراق غیرممکن است/ اهمیت کمک ایران در مبارزه با داعش



سمیه خمار باقی

تروریسم مبارزه می کنند اما به صورت پنهان از تروریسم حمایت می کنند.

|| معیارهای جامعه جهانی در خصوص قربانیان تروریسم در بیروت و پاریس را چگونه می بینید؟

معیارهای دوگانه غرب و آمریکا در تعامل با تروریسم و قربانیان آن، نقض بدیهی ترین اصول قوانین بین الملل و ارزش های اخلاقی و انسانی است. ما ندیدیم کشورهای اسلامی و غربی جنایت تروریستی که داعش در ضاحیه مرتکب شد و دهها شهید و صدها زخمی بر جا گذاشت را محکوم کنند در صورتی که شایستگی محکومیت را داشت، در حالی که تمامی دنیا حملات پاریس را محکوم کردند و این در حالی است که تروریسم در اینجا و آنجا یکی است و در هر دو نقطه شهروندان بیگناه وجود دارد لذا باید اراده واقعی برای مبارزه با تروریسم وجود داشته باشد و تلاش ها در این زمینه باید یکسان باشد و معیارهای دوگانه وجود نداشته باشد و باید حمایت مالی و تسلیحاتی از تروریست ها که از بیش از ۱۰۰ کشور جهان به سوریه آمده اند متوقف شود. تروریسم در جهان یکی است و تفکر و هابیت خطرناکترین آن به شمار می رود تفکری که نسل ها را به طور کامل از بین می برد و رهبر معظم انقلاب این افراد را جاهلان امروزی توصیف کرد زیرا جاهلیت جدید از جاهلیت قبل از اسلام خطرناکتر است، رهبر معظم بر این دیدگاه استراتژیک از منظر فهم راسخ از ارزش های اسلامی و اصول اسلام تاکید دارد.

لذا کسی که واقعا می خواهد با تروریسم مبارزه و بر اصول حق و ارزش های اسلامی تاکید کند باید با تفکر تروریستی و تکفیری و هابیت مقابله کند تفکری که برخی کشورهای معلوم الحال در منطقه از آن حمایت می کنند لذا نباید میان ابعاد و خطرات تفکر و هابیت، تکفیک قائل شد. نبرد امروز ما تنها نظامی نیست بلکه یک نبرد فکری، اخلاقی، دینی، انسانی و تمدنی است و این همان چیزی است که رهبر معظم انقلاب همواره در تمامی دیدارهای خود با شخصیت ها و نهادهای اعلام کرده اند و ما نیز در سوریه بر آن تاکید داریم. کشورهای حامی گروه های تروریستی در سوریه این کشور را هدف قرار داده اند زیرا دشمن نمونه مقاومت، حاکمیت و استقلال به رهبری بشار اسد است، کشوری که همواره با دیکته های آمریکا مخالفت و در برابر توطئه صهیونیستی - آمریکایی مقابله کرده است.

رئیس جمهوری عراق با اعلام اینکه از تشکیل اقلیم در این کشور نگرانی ندارد اظهار داشت: ایران از زمان اشغال موصل توسط داعش، نقش مهمی در کمک به عراق ایفا کرده است.

تشکیل اقلیم در عراق، دنبال کردن تجزیه عراق از سوی برخی دولتمردان آمریکایی، تعریف بغداد از نظم امنیتی خلیج فارس، تشکیل مرکز اطلاعاتی با مشارکت ایران، روسیه، سوریه و عراق و نوع نگاه بغداد به روابط و سیاست خارجی منطقه ای و فرامتنقه ای از جمله موضوعاتی هستند که در گفتگوی مکتوب خبرگزاری مهر با «فواد معصوم» رئیس جمهوری عراق مورد بررسی قرار گرفته است. مشروح این گفتگو در ادامه از نظر می گذرد.

عراق مهم است. امکان ندارد بغداد در هر زمینه ای عدالت را برای خود بخواهد و جانب عدالت را برای دیگری رعایت نکند. طبعاً برادران ایرانی در این اصل با ما اختلاف نظر ندارند. عدالت، تفکیک شدنی نیست و حتی منافع کشورهای مصرف کننده [نفط] نیز در این چارچوب می گنجد و شامل این اصل می شود.

|| نگاه دولت عراق به نظم امنیتی خلیج فارس چگونه است؟ آیا این نظم با حضور کشورهای هم چون آمریکا و انگلیس در منطقه محقق خواهد شد؟ سیاست عراق مبتنی بر اصل همزیستی مسالمت آمیز است و اولویت آن، تضمین امنیت و سلامت خود در محیط منطقه ای همگرا به منظور پیشرفت و صلح است. ما معتقدیم بسیاری از مشکلات در منطقه نیازمند این است که همه ما شجاعت گفتگو با دیگری را داشته باشیم، تضمین امنیت کشورهایمان و امنیت مشترکمان از طریق گفتگوهای سازنده و دستیابی به تفاهات امکانپذیر است.

از اصول تفاهات میان کشورهای منطقه این است که همه به روابط و [سیاست] خارجی راهبردی همدیگر احترام بگذارند. هر یک از کشورهای منطقه حق دارند روابط راهبردی بین المللی خود را چه با آمریکا، انگلیس، کشورهای اروپایی یا روسیه و چین طبق آنچه مورد نظرشان است و به آنها کمک می کند برقرار کنند اما آنچه برای ما به عنوان کشور همسایه و کشوری که خواهان تحقق اصل همزیستی مهم است اینکه وارد ائتلاف هایی که منطقه را از هم می پاشد نشویم و از روابط راهبردی خود با کشورهای بزرگ در زمینه تجاوز و ایجاد ناامنی میان کشورهای همسایه در منطقه استفاده نکنیم.

|| ایران و عراق چه زمینه های همگرایی در حوزه های مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و ... دارند؟ برخی معتقد هستند بازگشت ایران و عراق به بازار نفت باعث رقابت میان این دو کشور می شود. دو کشور ایران و عراق چه همکاری هایی می توانند در این خصوص به صورت دوجانبه و در اوپک (به صورت چند جانبه) داشته باشند؟

روابط ایران و عراق در بسیاری از زمینه ها طی سال های گذشته از مرز همگرایی عبور کرده است و به عمل مشترک رسیده است عملی که بنیانگذار روابط مستحکم مبتنی بر تفاهم و همکاری سازنده میان دو کشور بوده است. این تفاهم گسترش پیدا کرد و برخی ابعادی را در بر گرفت که این ابعاد، شباهتی را ایجاد می کند و چه بسا اگر این تفاهم نبود، مقامات دو کشور نمی توانستند برخی مواضعی را که درباره آنها اختلاف ایجاد شده بود را پشت سر بگذارند. اصل تفاهم و اسلوب همکاری می تواند اختلافات را پشت سر بگذارد و به تقویت روابط بینجامد.

روابط ایران و عراق در بسیاری از زمینه ها از همگرایی عبور کرده و به عمل مشترک رسیده است

سیاست نفتی ایران و عراق به عنوان دو عضو اوپک باید تابع تصمیمات اتخاذ شده در چارچوب این سازمان باشد و این تصمیماتی است که به طور عادت با توافق حاصل می شود و همه اعضای اوپک به آن احترام می گذارند و به آن پایبند هستند. عراق نسبت به وحدت اعضای اوپک و اینکه تفاهم، اصل اساسی در عملکرد این سازمان باشد اهتمام می ورزد. همچنین تحقق منافع عادلانه برای تمامی اعضای اوپک برای

وزیر می شود. زمینه فعالیت گارد ملی عراق، تمامی کشور است و خاص مناطق محدودی نیست.

|| با توجه به پیروزی حزب عدالت و توسعه در ترکیه و تشکیل دولت تک حزبی توسط این حزب و افزایش قدرت آن، تعامل عراق با ترکیه چگونه خواهد بود؟

ترکیه یکی از کشورهای همسایه است و اصل، همواره بر این بوده است که روابط عراق با تمامی کشورها و غیر آن مبتنی بر احترام و همکاری و عدم دخالت در امور داخلی باشد. منافع مشترک میان عراق و ترکیه، راهبردی است، آب عراق از ترکیه می آید و یک بخش اساسی از نفت عراق از طریق ترکیه صادر می شود.

|| نقش نیروهای مردمی عراق در مقابله با تکفیری ها چگونه است به ویژه اینکه با کناره گیری این نیروها ما شاهد سقوط برخی شهرها بودیم؟

نیروهای مردمی دواطلب مقابله با داعش در عراق تشکیل شد و همانطور که معروف است این امر پس از حملات غافلگیرانه داعش به عراق و سقوط موصل و با فتوای آیت الله العظمی سیستانی تشکیل شد.

هدف از تشکیل این نیروها دفاع از بغداد و دیگر شهرهای عراق بود اما نیروهای بسیج مردمی در حال حاضر مأموریت میهنی بزرگی را به همراه نیروهای مسلح، پیشمرکه و دواطلبان مقابله با داعش در راستای دفاع از عراق و آزادی شهرها و روستاهای اشغال شده انجام می دهند. نمی توان از نیروهای مردمی دواطلب مقابله با داعش بی نیاز بود چرا که این نیروها نقش ملی که به آنها واگذار شده است را ایفا می کنند.

جدی این است که روحیه همکاری و عمل مشترک ایجاد کنیم و عوامل تنش و مناقشه که از بین برنده بسیاری از انرژی های مادی و انسانی است و فرصت های پیشرفت را نابود می کند، کاهش دهیم و از بین ببریم.

|| یکی از اهدافی که آمریکایی ها به ویژه «جو بایدن» معاون رئیس جمهوری آمریکا در عراق دنبال می کند تجزیه عراق است، راهبرد کلان واشنگتن در عراق چیست و آمریکا چه اهدافی از رهگذر تجزیه عراق دنبال خواهد کرد؟

تجزیه عراق به چند کشور؟! این غیر ممکن و غیر واقعی است. هرگز تاکنون در هیچ گفتگو، محفل، دیدار یا کنفرانسی، چنین موضوعی مطرح نشده است. ما از هیچ طرف بین المللی مانند این کلام را نشنیده ایم، این سخن احمانا تنها جار و جنجال رسانه ای است.

می توان به موجب قانون اساسی عراق، استان ها را در چارچوب یک اقلیم قرار داد. ما نگرانی نسبت به نظام مبتنی بر اقلیم ها نداریم چرا که این یک اقدام قانونی است و در صورتی که در شرایط آرام و بر اساس خواست مردم (خواستی که محکوم به ترس و نگرانی و تحت فشارهای کنونی عراق نباشد) به آن عمل شود می تواند بسیار مفید باشد.

|| نسبت به تشکیل گارد ملی عراق برخی انتقادات وارد است. برخی معتقد هستند تشکیل گارد ملی عراق باعث تضعیف ارتش از یک سو و تجزیه عراق از سوی دیگر می شود، نظر شما چیست؟

موضوع گارد ملی در چارچوب توافق میان فراکسیون های سیاسی هنگام تشکیل دولت کنونی مطرح شد و مربوط به فرمانده کل نیروهای مسلح عراق است که همان نخست

|| یک مرکز اطلاعاتی با مشارکت ایران، روسیه، سوریه و عراق در بغداد ایجاد شده است. آیا امکان گسترش همکاری های نظامی، امنیتی و اطلاعاتی میان این ۴ کشور در آینده وجود خواهد داشت و آیا امکان در خواست بغداد از مسکو برای گسترش حملات هوایی از سوریه به عراق وجود دارد؟

بله امکان همکاری میان این کشورها وجود دارد. در مورد آنچه که به ما به عنوان عراقی ها مربوط است این است که ما آمادگی هر گونه همکاری سازنده برای از بین بردن تروریسم را داریم، تروریسمی که همه از آن رنج می بریم و به یک خطر جهانی تبدیل شده است و این خطر محدود به یک کشور یا یک منطقه نیست.

مسئولیت انسانی اقتضا می کند که چنین همکاری هایی وجود داشته باشد. همکاری و هماهنگی اطلاعاتی میان کشورهای مذکور ایجاد شده است و جریان دارد و این ضروری است. من اعتقاد ندارم که بغداد در شرایط کنونی همچون سوریه از روسیه بخواهد حملات نظامی علیه داعش در عراق انجام دهد. سوریه و روسیه با یکدیگر ائتلافی دارند که به مسکو اجازه می دهد علیه تروریست ها در شهرهای سوریه عملیات نظامی انجام دهد. شرایط عراق متفاوت از شرایط سوریه است و این به معنای اینکه بغداد دارای روابط حسنه ای با مسکو نیست. به عنوان مثال، میان عراق و ایران هماهنگی [امنیتی] وجود دارد به طوری که ایران از زمان اشغال موصل توسط داعش، نقش مهمی در کمک به عراق ایفا کرده است و همچنین در رابطه با ائتلاف بین المللی مقابله با داعش و نقش آن در مبارزه با این گروه، همینطور است.

|| یکی از اصول اعلامی سیاست خارجی عراق، توازن در روابط خارجی است. به گمان شما بغداد چگونه می تواند با کشورهایی که از تروریست ها در عراق حمایت می کنند از جمله عربستان از یک سو و حامیان این کشور از جمله ایران توازن برقرار کند؟

این اصل، درست است و ما به آن پایبند هستیم. بر این باور هستیم که بسیاری از کشورهای همسایه رفته رفته و اگرچه در زمان های مختلف، ارزش این گزینه را برای عراق درک می کنند. توازن در روابط خارجی برای ما مفید است و می تواند برای دیگران در منطقه سودمند و کمک کننده باشد. این توازن به عراق کمک می کند به شکل مثبت در اختلافات کشورهای منطقه ورود پیدا کند.

روابط ما با عربستان سعودی رو به رشد است اگرچه با کندی پیش می رود. گسترش روابط با کندی بهتر از عدم توسعه روابط یا عقبگرد آن است. عربستان سعودی کمک هایی را به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار به عراق داشته است و در سفرهای اخیر ما به ریاض و دیدار با پادشاه عربستان سعودی درباره توسعه روابط دوجانبه موافقت شد، همچنین فضای مناسب برای تبادل اطلاعات درباره تحرکات تروریست ها میان وزارت کشور عراق و عربستان فراهم شد.

من به اهمیت کمک ایران در مبارزه با داعش اشاره کردم، این کمک ها همچنان از سوی ایران ارائه می شود، این در حالی است که روابط ما با کشورهای مختلف همسایه رو به بهبود است و این روابط با بسیاری از کشورهای منطقه، حسنه است. در حال حاضر بر این باور هستم که منافع همگی ما به عنوان کشورها و ملت هایی که در این منطقه جغرافیایی زندگی می کنیم، ایجاب می کند که اشتراکات بنگریم و آنها را تقویت کنیم. تهدید تروریسم و چالش های کنونی اقتضا می کند با جدیت به حاکمان و آینده نسل هایمان بنگریم. از اولویت های عملکرد





ادروپ

دبیر: عبدالحمید بیاتی



گفتگو با عضو بنیاد مطالعات استراتژیک فرانسه:

نهادهای امنیتی فرانسه در حوادث پاریس ضعیف عمل کردند

عضو بنیاد مطالعات بین‌المللی و استراتژیک فرانسه با اشاره به ضعف نهادهای امنیتی این کشور در پیش‌بینی حملات پاریس، به تشریح دلایل ناکامی ائتلاف ضد داعش به رهبری آمریکا پرداخت.

حملات تروریستی جمعه ۲۲ آبان پاریس حاوی چند نکته بود؛ نکاتی همچون گسترش تفکرات افراطی در میان محرمان و به حاشیه رانده شدن کان در غرب، سهل‌انگاری نهادهای امنیتی غرب درباره خطرات بالقوه و ...

برای تشریح بهتر این وضعیت با دکتر «کریم پاکزاد» عضو موسسه روابط بین‌الملل و بنیاد مطالعات بین‌المللی و استراتژیک فرانسه به گفتگو نشستیم. متن این مصاحبه به شرح زیر است:

بودند در حقیقت آمریکا، فرانسه و تا حدی انگلیس در حملات هوایی یا مسلح ساختن ارتش عراق و کردها در عراق و سوریه نقش داشتند. برخی از این کشورها مانند عربستان سعودی در گذشته متهم بودند که به داعش کمک می‌کنند ولی عضو ائتلاف بودند، ترکیه که عضو پیمان نظامی ناتو است و سرمایه‌گذاری زیادی در حمایت از اپوزیسیون مسلح سوریه نموده تا این اواخر عضو این ائتلاف نبود. ثانیاً، مبارزه علیه داعش اساساً با بمباران هوایی صورت می‌گیرد که این نوع عملیات عدم تأثیرگذاری خود را به اثبات رسانده است.

در مناطقی که پیروزی‌هایی بدست آمده به سبب نیروهای زمینی است مانند پیشمرگه‌های کرد سوریه در کوبانی و یا آزادی سنجار توسط کردهای عراقی. من شخصاً معتقد هستم که برای نابود کردن داعش از سوریه و عراق باید در عین اینکه استراتژی گذشته را باید ادامه داد باید ابتکار ایجاد نیروهای زمینی، کردها و حتی ارتش این کشور را در دست گرفت. این امر وقتی ممکن است که توافق روی یک راه حل سیاسی برای حل بحران سوریه بین کشور های ذینفع وجود داشته باشد، چیزی که روز شنبه ۱۲ نوامبر در کنفرانس وین در مورد سوریه با اشتراک روسیه و ایران حاصل شد.

علیه داعش و خطری که این گروه برای تمام منطقه داشت مستقر بود و از طرف دیگر نظام سوریه و بشار اسد را مسئول اوضاع ناهنجار سوریه می‌دانست اما بعد از حملات تروریستی اخیر در پاریس شاهد تغییراتی در استراتژی فرانسه در سوریه هستیم و فرانسوا اولاند رییس جمهوری این کشور با اعلام جنگ برضد تروریسم، سعی در ایجاد یک ائتلاف بین‌المللی قوی‌تر و همگون‌تری که در آن روسیه و ایران نقش مهم نظامی و سیاسی را بازی خواهند کرد، دارد.

|| بیش از یک سال از تشکیل گروه ائتلاف ضد داعش به رهبری آمریکا می‌گذرد اما با این حال این گروه توفیق چندانی در مبارزه با داعش نداشته است. نظر به آنکه داعش تفاوت‌های زیادی با گروه‌هایی همچون القاعده دارد چرا کشورهای غربی در مبارزه با آن تعلل می‌کنند؟

بله، ائتلاف بین‌المللی که سال گذشته علیه داعش تشکیل شد موفقیت زیادی نداشته است. علل آنرا می‌توان چنین ارزیابی کرد که در وهله این ائتلاف از همگونی کامل برخوردار نبود. در میان بیش از ۵۰ کشوری که عضو این ائتلاف

فرانسه حقوق شهروندان تا زمانیکه مراجع صلاحیت دار آنها را محکوم نموده باشند، از پیگرد محفوظ هستند. همچنین سه نفر از تروریست‌ها که در حملات پاریس سهم داشتند در پروکسل - بلژیک زندگی می‌کردند و در آنجا هم در فیلتر سرویس‌های امنیتی قرار نداشتند. با وجود این فکر می‌کنم که بعد از سپری شدن مدتی بحث روی ضعف سرویس‌های امنیتی حتماً صورت خواهد گرفت.

|| بعد از حملات پاریس شاهد جدی‌تر شدن دولت فرانسه برای مبارزه با داعش بودیم به نظر شما چرا کشورهای غربی تا پیش از آنکه بطور مستقیم مورد تهدید قرار نگیرند، اقدامی عاجل را برای از بین بردن مشکل انجام نمی‌دهند؟

این جزو عکس‌العمل مشروع یک فرد یا یک کشور است که زمانیکه خود وی مورد حمله مستقیم قرار می‌گیرد بطور جدی‌تر و با اراده مستحکم‌تری به دفاع از خود برمی‌خیزد. این در واقع یک قانونمندی تقریباً طبیعی است. در سال‌های گذشته فرانسه از یکطرف روی مبارزه

|| با توجه به آنکه نیروهای امنیتی فرانسه نتوانسته بودند به گونه‌ای شایسته شبکه‌های داعش در این کشور را شناسایی کنند، حملات جمعه شب پاریس موضوعی غافلگیرکننده به نظر می‌رسد. به نظر شما چرا نهادهای امنیتی فرانسه نتوانسته‌اند این حمله را از پیش حدس زده و پیش‌بینی کنند؟

در این شکی نیست که سرویس‌های امنیتی فرانسه نتوانستند به موقع اطلاعات کافی بدست آورند تا از وقوع چنین ترازوی ای جلوگیری کنند. این کمبود زمانی بیشتر نمودار می‌شود که بعداً فهمیده شد یکی از این تروریست‌ها با نام «اسماعیل عمر مصطفی» قبلاً اقامتی در سوریه داشته و از چندین سال به این طرف در مواردی چند به سبب جرایمی که مرتکب شده بود مورد پیگرد پلیس قرار داشت. ولی آنچه که او را از حیطه ظن سرویس‌های امنیتی بدور داشته بود این بود که او در مسایلی مربوط به شبکه‌های تروریستی ظاهراً دخیل نبود.

عامل دیگر این بود که تمام این تروریست‌ها، گرچه افراطیون فرانسوی بودند اما در

اتحاد سیاسی علیه کوربین/وقتی رهبر حزب کارگر تهدید امنیت ملی می‌شود!

نشدند. جرمی کوربین در تازه‌ترین موضع‌گیری خود تأکید کرده است که راهکار سیاسی در سوریه از طریق مذاکره را بر راهکار نظامی ترجیح می‌دهد.

لازم به ذکر است که از ابتدای حضور کوربین در مسند رهبری حزب کارگر، تونی بلر نخست‌وزیر سابق و دیوید کامرون نخست‌وزیر کنونی انگلیس هر دو نسبت به حضور وی در راس این حزب وحشت زده هستند. همچنین نهادهای امنیتی داخلی انگلیس نیز وجود کوربین در مسند رهبری حزب کارگر را مترادف با تهدیدی برای امنیت ملی این کشور ارزیابی کرده‌اند.

بر این اساس پیش‌بینی می‌شود که تلاش مشترک تونی بلر و دیوید کامرون برای حذف جرمی کوربین از رهبری حزب کارگر، خود را در موارد متعددی در آینده نشان داده و محمل درگیری‌های سیاسی جدی در صحنه داخلی انگلیس شود.

است. همین نگرانی سبب شده تا نخست‌وزیر انگلیس با مشورت مشاوران سیاسی و امنیتی خود تصمیم بگیرد مذاکراتی را با «تونی بلر» نخست‌وزیر سابق این کشور و اعضای وابسته به او در حزب کارگر صورت دهد. این مذاکرات با هدف مهار کوربین و جلوگیری از تأثیرگذاری مواضع وی در نزد افکار عمومی انگلیس و در نهایت، کنار گذاشتن وی از رهبری حزب کارگر صورت گرفته است. از سویی؛ «هیملاری بن» و «تام واتسون» از اعضای ارشد حزب کارگر و از جمله مخالفان جرمی کوربین در داخل این حزب سعی داشتند وی را برای موافقت با بمباران سوریه تحت فشار قرار دهند اما در نهایت موفق به این اقدام

دو نخست‌وزیر پیشین و فعلی انگلیس به شکل غیر قابل‌تصور برای مقابله با رهبر حزب کارگر با یکدیگر متحد شده‌اند.

موضع‌گیری‌های خاص و قاطعانه «جرمی کوربین» در مخالفت با جنگ عراق و همچنین مخالفت فعلی وی با عملیات نظامی در سوریه سبب شده است تا مذاکراتی میان برخی سران و اعضای دو حزب مخالف محافظه‌کار و کارگر بر سر شیوه تقابل با وی صورت گیرد.

چنانچه منابع آگاه در این خصوص اعلام کرده‌اند: «دیوید کامرون» به شدت نگران تأثیرگذاری مواضع جرمی کوربین رهبر حزب کارگر بر روی افکار عمومی انگلیس

گفتگو با مشاور پنتاگون:

امکان حمله روسیه به ترکیه کم است

مشاور پنتاگون و ناتو با اشاره به تنش های بوجود آمده میان مسکو و آنکارا بواسطه سرنگون شدن جت روسیه از سوی ترکیه، حمله روس ها به ترکیه برای تلافی این اقدام را منتفی دانست.

اقدام ترکیه در سرنگون کردن یک جت روسی موجب پیچیده شدن اوضاع شده بطوریکه برای از این شرایط با عنوان «انبار باروتی» یاد می کنند که هر لحظه امکان انفجار آن وجود دارد.

از آن گذشته این اقدام ترکیه درست زمانی انجام شد که هنوز تب و تاب حملات پاریس فروکش نکرده و روسیه که در پی این حملات برای همکاری با غرب علیه داعش چراغ سبز نشان داده بود، اکنون بواسطه اقدام ترکیه در حال سبک و سنگین کردن اقدامات آتی خود در این رابطه است.

در همین رابطه برای تحلیل بهتر این وضعیت با دکتر «محمد شفیق همد» مشاور پنتاگون و فرماندهی ناتو در افغانستان به گفتگو نشستیم. دکتر همد از کارشناسان حوزه خاورمیانه بوده و علاوه بر امر مشاوره با فرماندهان ناتو در افغانستان در دانشگاه مریلند آمریکا نیز تدریس می کند. متن مصاحبه با دکتر همد به شرح زیر است:

می شود. مردم فرانسه به فرانسوی، آلمانی های به آلمانی، اسپانیایی ها به اسپانیایی و انگلیسی ها به زبان انگلیسی صحبت می کنند. این چهار زبان، کاملاً متفاوت بوده و در بعضی موارد این تفاوت ها در سطوح عملیاتی مأمورین پلیس و نهادهای اطلاعاتی چالش برانگیز است.

سومین موضوع مرزهای باز و رژیم ویزا است. شهروندان کشورهای اروپا و خارجیانی که دارای ویزای شنگن هستند به اکثریت کشورهای اروپایی سفر می کنند و به آسانی می توانند از مرزهای این کشورها عبور کنند. باوجوداینکه اغلب در حملات تروریستی مهاجرین متهم می شوند، اما اکثریت این حملات توسط شهروندان اروپا تسهیل و طرح ریزی می شود. کنترل و نظارت رفت و آمد شهروندان اروپایی از یک کشور به کشور دیگر تا یک حد امکان ناپذیر است و با وجود اینکه این کشورها دارای مرزهای تعیین شده هستند، اما مرزهای اکثریت این کشورها باز است و سیستم نظارت و گمرکی وجود ندارد.

|| حملات روز جمعه موجب شد تا بار دیگر قدرت ناتو در برخورد با تهدیدات بالقوه زیر سوال برود. نظر به صرف هزینه های مالی و انسانی زیاد در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، شما دلیل این ضعف را چه می دانید؟ به نظر می رسد که ناتو بجای مقابله با تهدیدات تروریستی تمرکز اصلی خود را بر مقابله و مهار روسیه متمرکز کرده است. آیا این فرضیه درست است؟

پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو یک پیمان سیاسی و نظامی است. این پیمان در سطح کشور و حکومت ها همکاری می کند و به عبارت دیگر این پیمان در سطوح راهبردهای سیاسی و دفاعی این کشورها کار

امنیتی فرانسه و کشورهای همسایه تعداد زیادی از مظنونین را تحت نظارت خود دارند، اما برای دسترسی آنها قوانین جاری این کشورها مفید نیست و این افراد با استفاده از تکنولوژی روز به آسانی می توانند فعالیت های خویش را هماهنگ کنند.

دومین موضوع عدم هماهنگی میان نهادهای امنیتی و اطلاعاتی است. کشورهای عضو اتحادیه اروپا سالانه صدها میلیون یورو را مصرف خدمات اطلاعاتی می کنند و بعضی از این کشورها فرانسه، آلمان، اسپانیا و انگلستان دارای سازمان های قوی اطلاعاتی و امکانات وسیع هستند، اما موضوع هماهنگی داده های اطلاعاتی میان این سازمان ها یک چالش وسیع به شمار می رود. چالش ها برای هماهنگی این داده ها عبارت است از قوانین داخلی، استفاده تکنولوژی و مشکلات زبانی.

بطور مثال تکنولوژی آلمانی ها به مراتب پیشرفته تر از تکنولوژی فرانسوی ها و اسپانیایی ها است و در بعضی موارد استفاده ابزاری تکنولوژی بسیار متفاوت و متجانس است. تفاوت زبان ها یکی از چالش های عمده است که باعث تأخیر و در بعضی موارد مانع روابط مستقیم میان پلیس و نهادهای اطلاعاتی این کشورها

حملات تروریستی پاریس و سقوط هواپیمای روسی اکثریت کشورهای غربی را به شدت نگران نموده و حالا این تهدید یک تهدید منطقه ای نه بلکه یک تهدید بین لمللی پنداشته می شود. این حملات فرانسه را وادار ساخت تا با این پدیده اعلان جنگ کند



پاریس موضوعی غافلگیر کننده به نظر می رسد. به نظر شما چرا نهادهای امنیتی فرانسه نتوانسته اند این حمله را از پیش حدس زده و پیش بینی کنند؟

فرانسه نتوانست که از حملات پاریس بصورت درست جلوگیری کند. باوجود آنکه عوامل متعددی باعث این حمله شد، اما سه نکته مهم از جمله عوامل است که باعث این حملات شد. اولین موضوع موانع حقوقی برای پیگیری مظنونین است. باوجود اینکه در فرانسه و کشورهای دیگر اروپایی هزاران تن از افراط گرایان و تندروان مذهبی توسط این حکومت ها شناسایی شده اند، اما خلاءها و تفاوت های حقوقی و قانونی دستگاه های قضایی این کشورها را تضعیف نموده و اجازه نمی دهد که چنین افرادی را مورد تعقیب قضایی قرار بدهند. صلاحیت های نیروهای اعمال قانون و نیروهای اطلاعاتی هم در چارچوب قانون برای دسترسی و بازجویی چنین افرادی محدود است. از آن گذشته قانون شش مکالمات تلفنی در اروپا بسیار محدود است و برای رصد مراسلات و مکالمات مواردی مطرح است اما هنوز لایحه و یا قانون صریحی در این رابطه در این اتحادیه وجود ندارد.

مراسلات و مکالمات رمزگذاری شده یکی از راه های امن مکالمات میان شورشیان و تروریست ها بوده و به نظر می رسد اغلب عاملان حمله پاریس هم از این تکنولوژی استفاده می کردند. باوجوداینکه دستگاه های

|| روز سه شنبه یک فروند جت روسی توسط ترکیه سرنگون شد. با توجه به اینکه این جت از سوی ترکیه هدف قرار گرفته، ارزیابی شما در مورد واکنش احتمالی روسیه و همچنین موضع ناتو در این رابطه چیست؟

این اقدام ترکیه روابط میان این دو کشور را خدشه دار ساخته و یک هشدار جدی برای روسیه پنداشته می شود. قرار است که شورای امنیت و سازمان ملل متحد این موضوع را بررسی کند. درعین حال شورای پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو که هسته تصمیم گیری این پیمان است در این مورد گفتگوها را آغاز نموده است. ناتو فعلاً این وضعیت را با جدیت بررسی می کند. با توجه به ماده پنجم اساسنامه این سازمان تمام کشورهای عضو مکلف هستند که در صورت هر نوع عکس العمل نظامی روسیه از تمامیت ارضی ترکیه دفاع کنند. بر این اساس احتمال حمله روسیه به ترکیه بسیار کم است و ممکن روسیه از راه های دیپلماتیک این موضوع را حل کند.

|| آقای همد همدم سرنگونی این جنگنده در حالی انجام گرفت که هنوز پیامدهای حملات جمعه ۲۲ آبان پاریس ادامه دارد. با توجه به آنکه نیروهای امنیتی فرانسه نتوانسته بودند به گونه ای شایسته شبکه های داعش در این کشور را شناسایی کنند، حملات جمعه شب

گفتگو با سفیر سابق ترکیه در آمریکا: تقابل ناتو و روسیه بعید است/ بحران در سوریه طولانی تر می شود



پیمان یزدانی

برای روابط دو کشور گفت: ساقط کردن یکی از جنگنده های روسیه توسط ترکیه منجر به واکنش قوی از سوی روسیه شده است بطوریکه ولادیمیر پوتین رئیس جمهور این کشور و دیگر مقامات روسیه با صدور بیانه هایی اعلام داشته اند که این اقدام ترکیه به روابط ترکیه و روسیه آسیب جدی خواهد رساند. باید منتظر بمانیم و ببینیم اقدامات روسیه علیه ترکیه چه خواهند بود. وی همچنین در پاسخ به این سوال که آیا این حادثه می تواند منجر به رویا رویی ناتو و روسیه شود، گفت: برخورد روسیه و ناتو بر سر این مسئله محتمل نیست. باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا و دبیر کل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) با ترکیه اعلام همبستگی کرده اند اما در عین حال خواستار کاهش تنش ها و حل و فصل بحران بین روسیه و ترکیه بطور دو جانبه شده اند.

لوغ اوغلو با اشاره به موضع نرم تر و محتاطانه تر اتحادیه اروپا در قبال این حادثه در مقایسه با موضع پنتاگون که به حمایت از ترکیه در این خصوص پرداخته است، افزود: هر گونه اختلاف نظری بین پنتاگون و اتحادیه اروپا در این خصوص ناشی از اختلاف بین نقطه نظر سیاسی و نظامی است. با توجه به اینکه اروپا در همسایگی روسیه قرار دارد لذا باید بسیار محتاطتر باشد.

وی در ادامه در پاسخ به این سوال که آیا این رخداد تاثیری بر توازن قوا در درون سوریه خواهد داشت یا خیر، گفت: این حادثه موجب طولانی تر شدن درگیری ها در سوریه خواهد شد. از این رو تمرکز باید بر روی حل و فصل مسئله سوریه از طریق دیپلماتیک و دین باشد. آنچه که ما امروز در سوریه نیازمند آن هستیم جنگ و تسلیحات بیشتر نیست بلکه دیپلماسی و عزم بیشتر برای پایان دادن به درگیری ها از طرق صلح آمیز است.

«فاروق لوغ اوغلو» ساقط شدن جنگنده روسیه توسط ترکیه را موجب طولانی تر شدن بحران در سوریه دانست و در عین حال احتمال تقابل نظامی روسیه و ناتو بر سر این رخداد را رد کرد.

سرنگون شدن جنگنده سوخو ۲۴ روسیه توسط ترکیه جنگنده های ترکیه در روزهای اخیر موجب تنش در روابط آنکارا و مسکو و جنگ لفظی دو طرف شده است.

در پی این واقعه ترکیه نماینده روسیه در آنکارا را احضار کرده و از آن سو مسکو نیز وابسته نظامی ترکیه در مسکو را فراخوانده است، در این میان ترکیه علاوه بر برگزاری نشست با کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) با اعضای شورای امنیت نیز دیدار و گفتگو کرده اند.

از سوی دیگر لاوروف وزیر خارجه روسیه سفر خود به ترکیه را لغو کرد و روس ها اقدام به نصب یک سیستم موشکی جدید در لاذقیه کرده اند.

در حالی که ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه اقدام ترکیه را «خنجر از پشت» آنکارا دانسته و گفته است این امر عواقب جدی برای روابط ترکیه و روسیه خواهد داشت، «رجب طیب اردوغان» رئیس جمهور ترکیه با دفاع از اقدام ارتش ترکیه این اقدام را حق ترکیه در دفاع از حریم هوایی خود خواند.

در این حادثه ترکیه مدعی است که جنگنده روس حریم هوایی این کشور را نقض کرده است و این در حالی است که روسیه این ادعا را رد می کند. در این خصوص خبرگزاری مهر گفتگویی با «عثمان فاروق لوغ اوغلو» عضو حزب جمهوری خلق ترکیه انجام داده است. لوغ اوغلو در خصوص واکنش های احتمالی روسیه به این اقدام ترکیه و تبعات این حادثه

می کند. در این پیمان فقط نماینده های سیاسی و نظامی کشورهای عضو در حال خدمت هستند و هنوز این سازمان در ساختارش نیروی پلیس ندارد و نظر به توافق نامه کشورهای عضو، ناتو حق ندارد تا در امور داخلی یکی از این کشورها دخالت کند، مگر به درخواست کشور عضو.

نظر به ماده پنجم توافقنامه پیمان ناتو، حمله به یک کشور عضو ناتو به معنی حمله به تمام کشورهای عضو ناتو است و تمام کشورهای عضو مکلف هستند که بصورت دسته جمعی از کشور عضو خویش دفاع کنند. با وجود اینکه تا امروز فرانسه مشمول ماده پنجم این پیمان نیست، اما کشورهای عضو ناتو برای حمایت فرانسه پشتیبانی خویش را اعلام کرده اند و در صورت تطبیق ماده پنجم ۲۸ کشور عضو ناتو علیه داعش وارد نبرد خواهند شد. هدف ایجاد پیمان ناتو برای دفاع از تهدیدات بزرگ علیه اعضای این پیمان و دفاع دسته جمعی است و اقدام روسیه در کریمه اوکراین این پیمان را وادار ساخته تا برای جلوگیری از هر نوع نفوذ احتمالی روسیه در منطقه جلوگیری کند. این پیمان برای دفاع از مرزهای کشورهای عضو خویش آماده هر نوع عکس العمل بوده و فعلاً بیشتر روی تأمین امنیت سرحدات کشورهای عضو ناتو و رفع تهدیدات احتمالی روسیه در منطقه است.

|| بعد از حملات پاریس شاهد جدی تر شدن دولت فرانسه برای مبارزه با داعش بودیم. به نظر شما چرا کشورهای غربی تا پیش از آنکه بطور مستقیم مورد تهدید قرار نگیرند، اقدامی عاجل را برای از بین بردن مشکل انجام نمی دهند؟

بعضی از کشورهای غربی داعش را یک تهدید محلی می دانستند. با وجود اینکه بعضی از کشورهای اروپایی از حضور داعش به شدت نگران بودند، اما حملات تروریستی پاریس و سقوط هواپیمای روسی اکثریت کشورهای غربی را به شدت نگران نموده و حالا این تهدید یک تهدید منطقه ای نه بلکه یک تهدید بین المللی پنداشته می شود. این حملات فرانسه را وادار ساخت تا با این پدیده اعلان جنگ کند. کشورهای اروپایی در ائتلاف بین المللی علیه داعش در عراق و سوریه مشغول جنگ هستند، اما بعد از حملات پاریس این جنگ شدت گرفته و اعضای این ائتلاف برای مبارزات جدی با داعش در حال مشورت و اقدامات جدی تر هستند. با درک جدیت تهدیدات و اوضاع کنونی ائتلاف بین المللی تحت رهبری امریکا می خواهد که حملات خویش را در سوریه افزایش داده و در صورت امکان نیروهای ارتش این ائتلاف در عملیات های زمینی وارد صحنه می شوند.

|| بیش از یک سال از تشکیل ائتلاف ضد داعش به رهبری آمریکا می گذرد اما با این حال این گروه توفیق چندانی در مبارزه با داعش نداشته است. نظر به آنکه داعش تفاوت های زیادی با گروه هایی همچون القاعده دارد چرا کشورهای غربی در مبارزه با آن تعلل می کنند؟

باوجود اینکه داعش از بین نرفته اما ائتلاف ضد داعش توانسته که نفوذ و حضور داعش را تا حد ممکن تحت کنترل بیاورد. جنگ با گروه دهشت افکن القاعده بیش از یک دهه قبل آغاز شده و هنوز هم ادامه دارد، نسبت به القاعده داعش یک پدیده جدیدتر است و محو کاملاً این تهدید شاید سال های متمادی را در برگیرد.

|| بعد از حملات پاریس، «فرانسوا اولاند» رئیس جمهور فرانسه، خواستار کمک همه کشورها از جمله ایران و روسیه برای مبارزه با داعش شد. به نظر شما اتحاد ایران و غرب در این زمینه چه فواید و یا مضراتی به دنبال دارد؟

حملات پاریس غربی ها را به این تهدید بیشتر متوجه ساخت و ائتلاف بین المللی حالا از حمایت بهتر کشورهای غربی برخوردار است و نیاز به توجه و همکاری های بیشتر دارد. زمان آن فرارسیده که تمام کشورهای منطقه و جهان از جمله ایران و روسیه اختلافات را کنار گذاشته برای مبارزه با گروه داعش همکاری نمایند و مردم مظلوم سوریه، عراق و کشورهای دیگر را از این تهدید بزرگ نجات دهند. همکاری ائتلاف بین المللی با ایران و روسیه برای سرکوبی داعش نه تنها به نفع غرب است. سرنگونی هواپیمایی مسافربری روسیه واضح ساخت که این گروه بدون تفکیک همه مردم را یکسان تهدید می کند.

گفتگو با نظریه پرداز آمریکایی:

حملات پاریس یک فریب بزرگ بود/ احتمال ترور «کوربین» وجود دارد

یکی از نظریه پردازان بنام آمریکا با فریب خواندن حملات پاریس، این حملات را ساخته و پرداخته کشورهای امپریالیستی و هدف از آن را پیشبرد سیاست های امپریالیستی دانست.

بعد از حملات پاریس اقداماتی از سوی برخی کشورها همچون انگلیس در دست انجام است که نشان می دهد این اقدامات با توجیه حملات پاریس انجام می شوند. در این میان البته سوءاستفاده هایی از حملات پاریس می شود و برای مثال از این حملات برای توجیه اقدامات ضد اسلامی و یا جلوگیری از مهاجرت پناه جویان به غرب استفاده می شود.

در همین رابطه برای تحلیل این وضعیت با «استفان لندمن» به گفتگو نشستیم. لندمن از منتقدان جدی سیاست های غرب به ویژه آمریکا و دانش آموخته دانشگاه هاروارد است. وی همچنین در دانشگاه پنسیلوانیا در رشته MBA فارغ التحصیل شده است. از جمله آثار منتشر شده او عبارتند از «باتلاق عراق»، «چگونه وال استریت آمریکا را سر کیسه کرد» و «تسخیر بانکداران». متن این مصاحبه به شرح زیر است:

|| بعد از حملات پاریس معادلات جهان وارد فاز جدیدی شد و کشورهای غربی اقدامات امنیتی خود را افزایش دادند، تحلیل شما در مورد این حملات چیست و چرا پاریس برای اجرای این حملات انتخاب شد؟

عمیقاً معتقدم که حملات جمعه ۲۲ آبان ماه پاریس یک فریب از سوی آمریکا، فرانسه و اسرائیل بود. به اعتقاد من حملات پاریس یک ۱۱ سپتامبر در ابعاد کوچکتر بود که البته پیشتر من پیش بینی وقوع چنین حملاتی را کرده بودم. حملاتی که به موجب آن موج گسترده ای از وحشت و سرکوب آزادی ها در اروپا و آمریکا رخ می دهد و موجب گسترش جنگ ها نیز می گردد. پاریس یکی از گردشگرپذیرترین مناطق جهان است و به نظر می رسد همین دلیل موجب شده تا توطئه کنندگان امپریالیست این شهر را برای اجرای نقشه خود انتخاب کنند. هدف اصلی از این حملات ایجاد جوی از ترس

برای اجرای سیاست های مورد نظر کشورهای اشاره شده (آمریکا، فرانسه و رژیم صهیونیستی) بود. برخلاف تبلیغات انجام شده تا پیش از حملات پاریس، در فرانسه دموکراسی چندانی وجود نداشت و بعد از این حملات نیز «فرانسوا اولاند» رئیس جمهور فرانسه با توجه به قوانین نظامی در این کشور وضعیت اضطراری اعلام کرد و شاهد بودیم که چنین وضعیتی در کشورهای دیگر از جمله آمریکا و انگلیس نیز به اجرا گذاشته شد.

|| شما اعتقاد دارید که حملات پاریس یک فریب بوده است. در این خصوص توضیح بیشتری بدهید؟
بله این حملات یک فریب و توطئه بود. توطئه ای که هدف آن مسلمانان بودند. کشورهای امپریالیستی برای بقا نیازمند دشمن، جوی از ترس و حمایت عمومی برای اجرای سیاست های خود هستند و حملات پاریس چنین امکانی را برای آنها فراهم می کند.

|| شما در اظهارات خود به نقش رژیم اسرائیل در حملات پاریس اشاره کردید. هدف تل آویو از انجام این توطئه چه بود؟

بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی، از آنچه در پاریس اتفاق افتاد برای افزایش خشونت اسرائیل علیه مردم فلسطین استفاده کرد. نتانیاهو در این راه ایستادگی و مقاومت مردم فلسطین را همانند ظلمی که داعش در حق مردم روا می کند دانسته بود و متأسفانه بسیاری نیز حرف های نتانیاهو را قبول کردند.

|| بعد از حملات پاریس شاهد بودیم که برخی کشورها از جمله انگلیس این حملات را به عنوان توجیهی برای حمله به سوریه قلمداد کرده اند و «دیوید کامرون» نخست وزیر انگلیس، در تلاش است تا به هر نحو ممکن مجوز پارلمان این کشور را برای حمله به سوریه بگیرد، اما در این میان برخی همچون «جرمی کوربین» رئیس حزب کارگر انگلیس با این امر مخالف هستند. تحلیل شما در مورد اقدامات افرادی چون کوربین چیست؟

جرمی کوربین، رهبر جدید حزب کارگر انگلیس، از حمایت چندانی برخوردار نیست و



اکثریت حزب کارگر از دیدگاه های وی بویژه مخالفت با جنگ های خاورمیانه حمایت نمی کنند. اگر وی به مخالفت های خود با جنگ های خاورمیانه و سیاست های داخلی انگلیس در مورد سرکوب ها ادامه بدهد وی در معرض ترور قرار می گیرد.

|| برخی کارشناسان پیش بینی می کردند که بعد از حصول توافق هسته ای میان ایران و کشورهای ۵+۱ مناسبات آمریکا با تهران تغییر کرده و واشنگتن اقدامات گذشته خود را تصحیح کند اما چنین اتفاقی رخ نداد. دیدگاه شما در این رابطه چیست؟

به رغم توافق هسته ای انجام شده، ایران همانند سوریه همچنان به عنوان یکی از اهداف آمریکا برای تغییر نظام محسوب می شود. علاوه بر این مورد آمریکا همچنان برای تضعیف حزب الله لبنان تلاش کرده و تلاش هایی را برای جایگزین کردن دولت های روسیه و چین با دولت هایی که تحت کنترل واشنگتن باشد انجام می دهد. من بارها هشدار داده ام دوره ای که هم اکنون در آن هستیم خطرناک ترین دوره تاریخ است و دلیل آن سیاست های آمریکا و اسرائیل و دیگر کشورهای امپریالیستی است.

تشدید تدابیر امنیتی در فرانسه در آستانه سال نوی میلادی

برنار کازووو، وزیر کشور فرانسه در همین باره به خبرنگاران گفت: «شمار نیروهای پلیس فرانسه نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر است. ما ۷۷ هزار مدرسه و هزاران مکان مذهبی و ساختمان دولتی داریم. به همین دلیل، با برقراری گشت های پلیس و اجرای اقدامات احتیاطی از سوی خود مسئولان مکانهای مذهبی است که می توانیم امنیت را تأمین کنیم. همه اقدامات لازم برای تأمین امنیت انجام خواهد شد.»

پلیس فرانسه به مسئولان مکانهای مذهبی، بویژه کلیساها، سفارش کرده است که در روزهای آینده نظارت بیشتری بر رفت و آمد بازدیدکنندگان داشته باشند. فرانسه حدود ۴۵ هزار کلیسای کاتولیک و چهار هزار کلیسای پروتستان دارد.

سرویس های اطلاعاتی-امنیتی فرانسه در آستانه سال نوی میلادی اقدامات خود در سراسر این کشور بویژه کلیساها افزایش داده اند. فرانسه که در سال ۲۰۱۵ سالی خونین را پشت سر گذاشت برای جلوگیری از تکرار حملات تروریستی در سال ۲۰۱۶ تدابیر امنیتی را افزایش داده است. در آستانه کریسمس و جشنهای سال نوی میلادی، دولت فرانسه اقدامات احتیاطی و امنیتی در شهرها و بویژه در نزدیکی کلیساها را تشدید کرده است. افزایش حضور نیروهای پلیس در سطح شهرها و برقراری گشتهای ویژه در مناطق حساس از اقداماتی است که به دنبال حملات تروریستی ماه گذشته در پاریس به اجرا گذاشته می شود.



بیم و امیدهای ترکیه در برابر روسیه؛ زندگی به سبک اردوغان

عبدالحمید بیاتی



نشده است. اردوغان همچنین گفته است، روسیه می‌بایست به دلیل نقض قلمرو هوایی ترکیه از آنکارا عذرخواهی کند. در همین حال، سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه گفته است، از اول ماه ژانویه سال آینده میلادی مقررات سفر بدون ویزای شهروندان ترکیه به روسیه به حال تعلیق در خواهد آمد. از سوی دیگر با توجه به آنکه کرملین از شهروندان روسیه خواسته از سفر به ترکیه اجتناب کنند این اقدام می‌تواند به لطمه جدی به صنعت توریسم ترکیه وارد کند. در همین زمینه، روسیه کنترل و نظارت بر واردات محصولات کشاورزی ترکیه را افزایش داده است. ترکیه با مبادا سه‌شنبه، یک فروند هواپیمای سوخوی ۲۴ متعلق به ارتش روسیه را سرنگون کرد؛ این نخستین بار در طی شش دهه گذشته بود که یک عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، ناتو، یک جنگنده روسی را سرنگون می‌کرد. روسیه این اقدام ترکیه را به «خنجر خوردن از پشت» تعبیر کرده و خواستار عذرخواهی ترکیه شده، اما ترکیه در مقابل می‌گوید که واکنش روس‌ها «احساسی» است و «زینده سیاستون نیست».

حمله به داعش در سوریه، مخالفان میانه رو را که مشروعیت بین‌المللی دارند، مورد حمله قرار می‌دهند. اشاره رییس جمهوری ترکیه به عملیات هوایی روسیه در سوریه علیه مخالفان حکومت بشار اسد در سوریه است. به گزارش رویترز، رجب طیب اردوغان در سخنرانی خود در بایورد، شهری در شمال شرقی ترکیه، هشدار داده است: «این بازی با آتش است و تا بدانجا ادامه یافته که شهروندان ما که به روسیه رفته‌اند مورد بدرفتاری قرار گرفته‌اند». طبق این گزارش، شماری از بازرگانان ترک که برای شرکت در یک نمایشگاه تجاری به روسیه سفر کرده بودند، به دلیل وجود اشکال در ویزاهای آنها بازداشت شده‌اند. روسیه همچنین اعلام کرده است که سفر بدون ویزای شهروندان ترکیه به روسیه متوقف خواهد شد. اردوغان با اشاره به اینکه مسکو و آنکارا روابط مهمی دارند، تاکید کرده است: ما تمایلی نداریم به این روابط آسیبی وارد شود. رجب طیب اردوغان همچنین گفته است که احتمالاً در نشست سران کشورها درباره تغییرات اقلیمی در هفته آینده در پاریس با ولادیمیر پوتین رو در رو گفتگو خواهد کرد. این در حالی است که ولادیمیر پوتین از زمان سرنگونی این هواپیمای روسی حاضر به گفتگو با رجب طیب اردوغان

رئیس جمهور ترکیه که کشورش با اتکا به کشورهای غربی و عربی اقدام به ساقط کردن جنگنده روسی کرده، این روزها زندگی جدیدی را تجربه می‌کند زیرا هم باید مسکو را آرام کند و هم متحدان خود را راضی نگه دارد. «رجب طیب اردوغان» ظرف ۲۴ ساعت گذشته اظهارات کاملاً متناقضی داشته زیرا از یک سو به دنبال دیدار با «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهور روسیه، و دلجویی از وی است و از سوی دیگر اقدامات مسکو پس از سرنگون شدن جنگنده روسیه را به بازی با آتش تشبیه می‌کند. اردوغان در مقام دلجویی از روسیه، روز گذشته ابتدا اعلام کرد که هدف قرار گرفتن جنگنده روسیه از سوی ترکیه از روی عمد نبوده است. پس از آن نیز اعلام شد که اردوغان در پی فرصتی است تا در نشست تغییرات آب و هوایی که روز دوشنبه در پاریس برگزار می‌شود با پوتین دیدار کند. این در حالی بود که رسانه ها صبح دیروز گزارش داده بودند که پوتین پاسخ تماس های اردوغان را نمی‌دهد. اما این پایان اقدامات اردوغان در روز جمعه نبود بلکه وی در راستای راضی نگه داشتن متحدانی که با اتکا به آنها اقدام به سرنگون کردن جنگنده روسی کرده نیز اظهاراتی را بیان کرد و گفت: هشدار می‌دهم که روسیه با آتش بازی نکند. این بازی با آتش است که با بهانه قرار دادن

گفتگو: پیمان یزدانی

گفتگو با استاد دانشگاه استانبول:

سقوط جنگنده روس؛ بحرانی جدید برای ترکیه/مواضع عجیب آنکارا

و رسانه های وابسته به آن بود که این اقدام را نشانه قدرت نمایی ترکیه معرفی و ابراز شادمانی کردند. وی در ادامه افزود: بعد از گذشته دو روز رئیس جمهور فهمید که این حادثه رخدادی نیست که بخواهیم برای آن ابراز شادمانی کنیم به همین دلیل وی و دولت حزب حاکم شروع کردند به عقب نشینی از مواضع قبلی خود. نوری مرت در پایان با ابراز نگرانی در خصوص تنش در روابط روسیه و ترکیه که تبعات جدی را متوجه آنکارا خواهد کرد گفت: تمامی این اقدامات نسنجیده موجب شده است تا ترکیه با یک بحران جدید دیگری که تنش با روسیه است مواجه شود.

های اقتصادی گسترده ای علیه ترکیه کرد اقدامی که خسارت های اقتصادی گسترده ای را متوجه خواهد کرد. در خصوص این اقدام ترکیه که خطرات امنیتی احتمالی و اقتصادی زیادی را متوجه ترکیه کرده است گفتگویی با دکتر «نوری مروت» استاد علوم سیاسی دانشگاه استانبول و تحلیلگر مسائل منطقه داشته ایم. وی در این خصوص گفت: ساقط کردن جنگنده روسیه توسط ترکیه اقدامی نگران کننده بود که در هفته گذشته شاهد آن بودیم. مروت در خصوص واکنش نه چندان سنجیده دولتمردان کشورش در روز بعد از واقعه گفت: عجیب تر از ساقط کردن جنگنده روس در روز بعد از این حادثه اقدام رئیس جمهور و دولت

پیمان در عین حال خواستار حل و فصل مسئله بین مسکو و آنکارا شد. در روز اول بعد از حادثه مقامات ترکیه با موضعی سخت در برابر روسیه موجبات خشم بیشتر کرملین را فراهم کردند اما با گذر چند روز از حادثه و عزم جدی روسیه برای مقابله با این اقدام و حمایت های ضعیف آمریکا و ناتو از ترکیه و بروز برخی اختلافات در ناتو بر سر این اقدام خطرناک ترکیه که می تواند تبعات سنگینی برای کل غرب به همراه داشته باشد، موجب شد تا مقامات ترکیه مواضع منعطف تری را در این خصوص در پیش گیرند امری که از عزم روسیه برای پاسخ به این اقدام ترکیه نکاسته است. مسکو در قدم های تدریجی اقدام به تحریم

دکتر «نوری مروت» هدف قرار گرفتن جنگنده روسیه توسط ترکیه را اقدامی نسنجیده دانست که آنکارا را با بحرانی جدید مواجه کرده است. ساقط شدن جنگنده سوخو ۲۴ روسیه توسط نیروی هوایی ترکیه در روزهای گذشته تنش های زیادی را در روابط آنکارا و مسکو ایجاد کرده است. ساعاتی بعد از این حادثه سخنگوی پنتاگون وزارت دفاع آمریکا نقض حریم هوایی ترکیه توسط جنگنده روسی را در حالی تایید کرد که روسیه ادعاهای مطرح توسط آمریکا و ترکیه را رد کرد. از سوی دیگر ینس استولتنبرگ دبیر کل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز ضمن حمایت از ترکیه به عنوان عضو این

گفتگو با معاون وزیر دفاع پیشین آمریکا: روسیه جنگنده‌های بیشتری به منطقه خواهد فرستاد



معاون وزیر دفاع آمریکا در زمان ریاست جمهوری رونالد ریگان با اشاره به اینکه هیچ کس خواستار رویارویی روسیه و ناتو نیست گفت: روسیه متعاقب اقدام آنکارا جنگنده‌های بیشتری به منطقه ارسال خواهد کرد. حادثه سرنگونی یک فروند جنگنده روسی که بر فراز آسمان سوریه توسط نظامیان کشور ترکیه مورد حمله قرار گرفت باعث تیره شدن روابط ترکیه و روسیه شد؛ روابطی که با حضور نظامی روسیه در سوریه چندان هم حسنه نبود. اشتباه محاسباتی اردوغان در تصور حمایت تمام قد ناتو از این اقدام یکی از دلایل چنین اقدامی می‌تواند به شمار آید. این حادثه تبعاتی را برای ترکیه به دنبال داشت که لغو سفر اتباع روس به ترکیه و تحریم اقتصادی پیامد کوتاه مدت این حادثه تا کنون بوده است.

در گفتگو با «لارنس جی. کورب» معاون وزیر دفاع آمریکا در زمان ریاست جمهوری رونالد ریگان به بررسی ابعاد مختلف این حادثه پرداخته شده که در ادامه از نظر می‌گذرد.

داد، همان کاری است که ترکیه با روسیه کرد. **|| رئیس‌جمهور روسیه تاکید کرده است که در صورت تکرار چنین اقدامی، روسیه اقدام خواهد کرد. این تهدید وی چقدر جدی است؟**

من فکر نمی‌کنم آنها می‌خواهند مطمئن شوند که چنین اتفاقی دیگر رخ نخواهد داد.

|| مقامات روسیه و بسیاری از کارشناسان بر این باورند که ترکیه این اقدام را با همکاری و همراهی آمریکا انجام داده است که به اعتقاد من منطقی به نظر می‌رسد زیرا ترکیه به تنهایی توان نظامی رویارویی با روسیه را ندارد. نظر شما در این خصوص چیست؟

من فکر نمی‌کنم این کار با هماهنگی آمریکا صورت گرفته باشد. روس‌ها قبلاً هم این کار را کرده بودند و عذرخواهی هم کرده بودند. به اعتقاد من ترکیه این کار را کرد تا مطمئن شود که دیگر روس‌ها این کار را تکرار نخواهند کرد. ترک‌ها از عملکرد روسیه در سوریه ناراضی هستند و معتقد هستند که روسیه به جز داعش، ترکمن‌های این کشور را هم هدف حملات خود قرار داده است.

|| این اتفاق در توازن قوا در داخل سوریه چه تاثیری خواهد گذاشت؟

روس‌ها باید تصمیم بگیرند که در خصوص آینده بشار اسد چه تصمیمی خواهند گرفت و در این خصوص چگونه به توافق خواهند رسید.

اقتصادی خواهد بود. شاهد بودیم که روسیه از اتباع خودش خواست تا به ترکیه نروند. یکی از کلیدی‌ترین اقداماتی که روسیه انجام خواهد داد این است که جنگنده‌های بیشتری را به منطقه خواهد فرستاد تا در قبال جنگنده‌هایی که از ترکیه وارد سوریه می‌شوند اقدامی انجام دهند. در مجموع اقدامات بیشتر اقتصادی خواهند بود تا نظامی.

|| در پی این حادثه و با توجه به این مسئله که ترکیه عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است. آیا احتمال رویارویی نظامی بین ناتو و روسیه وجود دارد؟

من فکر نمی‌کنم درگیری نظامی صورت بگیرد. ناتو کم و بیش ادعای ترکیه در خصوص این مسئله را که جنگنده روسیه در داخل حریم هوایی ترکیه بوده است را تایید کرده است اما کسی خواستار رویارویی بین روسیه و ناتو نیست. من فکر نمی‌کنم شاهد حمله روسیه به ترکیه باشیم. من فکر می‌کنم آنچه که روسیه انجام خواهد

«لارنس جی. کورب» معاون وزیر دفاع اسبق آمریکا از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ و در دوران ریاست جمهوری «رونالد ریگان» بود. وی، متخصص حوزه «پیشرفت آمریکا» به شمار می‌آید. کورب مشاور عالی مرکز اطلاعات دفاعی در دانشگاه «جورج تاون» آمریکا و همچنین مدیر مرکز مطالعات امنیت ملی در شورای روابط خارجی آمریکا است.

او مدیر مرکز آموزش سیاست عمومی در حوزه برنامه مطالعات سیاست خارجی در مؤسسه بروکینگز نیز بوده است. از وی بیش از ۲۰ کتاب و ۱۰۰ مقاله در زمینه مسائل مرتبط با امنیت ملی آمریکا منتشر شده است. متن این گفتگو به شرح زیر است:

|| در پی سرنگونی جنگنده روسی توسط ترکیه، مسکو اعلام کرده است که مجموعه‌ای از اقدامات را در واکنش به اقدام ترکیه علیه این کشور اتخاذ خواهد کرد. این اقدامات چه می‌توانند باشند؟

آنچه که می‌توان گفت این است که پاسخ روسیه نظامی نخواهد بود. به اعتقاد من اقدامات روسیه

شرط بقای «کوربین» تغییر نگرش ایدئولوژیک به پراگماتیسم است



دکتر «جواد میری» بر این باور است که «جرمی کوربین» تا وقتی می‌تواند در راس حزب کارگر انگلستان باقی بماند که نگاهی پراگماتیک به مسائل داشته باشد و به اتکای راهبردهای ایدئولوژیک تعریف شده، عمل نکند.

دور دوم نخست‌وزیری «دیوید کامرون» بر انگلستان که از ۶ ماه پیش آغاز شد همزمان بود با پیروزی «جرمی کوربین» در انتخابات ریاست حزب کارگر. وی با خود موجی عظیم از تمایلات چپ گرایانه را به همراه آورد که خبر از وقوع طوفان در صحنه سیاسی انگلستان می‌داد. بسیاری بر این باور بودند که انتخاب کوربین ادامه نقشه های کامرون را در بسیاری از موارد چون طرح جدایی انگلستان از اتحادیه اروپا و با حضور در ائتلاف ساختگی ضد داعش با مشکل مواجه خواهد ساخت.

دیری نپایید که این پیش بینی ها به حقیقت نزدیک شد چرا که به دنبال حضور نظامی روسیه در سوریه و به دنبال آن حملات تروریستی پاریس، کامرون بهانه ای یافت تا به اسم مبارزه با داعش طرح حمله هوایی به سوریه را به پارلمان انگلستان بفرستد که توانست رأی پارلمان را نیز به دست آورد.

تلاش کامرون برای گسترش دامنه حمله جنگنده های انگلیسی از عراق به سوریه آزمونی برای سنجش پایداری کوربین به عقاید سوسیالیستی بود. کامرون ادعا می کند که حمله به سوریه را با هدف پیشگیری از تهدیدات تروریستی علیه انگلستان انجام می دهد و همین مسئله موجب شده تا اعضای حزب کارگر دچار تردید شده و به جای آنکه به آموزه های ضد جنگ کوربین استناد کنند در اقدامی معکوس جانب رقیب وی یعنی کامرون محافظه کار را نگه دارند.

در این بین، با توجه به فراز و نشیب هایی که کوربین در ادامه رهبری حزب کارگر با آنها مواجه خواهد بود، گفتگویی با دکتر «سید جواد میری» دانشیار حوزه جامعه‌شناسی و تاریخ ادیان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی داشته است تا ببیند آیا کوربین با توجه به عدم استقبال انگلستان از جریان های سوسیال-دموکرات اروپایی می‌تواند ادامه رهبری خود بر حزب کارگر را تضمین کند.

سید جواد میری دارای مدرک دکتری از دانشگاه «بريستول» انگلستان است و از سوابق حرفه ای وی می‌توان به تدریس در دانشگاه های روسیه، چین، انگلستان و مالزی اشاره کرد.

چرا ایده دولت رفاه محور که در ذیل نام حکومت های سوسیال دموکرات اروپایی به بقای خود ادامه می دهد، وقتی پای انگلستان و حزب کارگر به میان می آید، وجاهت خود را از دست می دهد؟

وقتی صحبت از سوسیالیست به میان می

تا چه اندازه توانسته این ایده های متضاد را در خودش به منصفه ظهور برساند، باید بگویم واقع امر آن است که حزب کارگر یکدست نیست و طیف های مختلفی در آن وجود دارد اما همه آنها به گونه ای با ایده سوسیالیسم جهانی همزاد پنداری می کنند.

آیا می توان انتخاب «جرمی کوربین» به ریاست حزب کارگر انگلستان را به منزله مقدمه ای برای پذیرش ایده های چپ گرایی در انگلستان تصور کنیم یا تب سوسیالیسم انگلیسی در همین جا فروکش می کند؟

یک واقعیت انکارناپذیر درباره انگلستان و اصولا هر کشوری که از احزاب سیاسی قوی برخوردار است، تطابق پذیری و یا انعطاف این احزاب مختلف است که معمولا فاصله زیادی از آرمان هایی می گیرند که ایدئولوژی ها و کلان ایدئولوژی هایی را در دل خود دارند.

برای مثال به «تونی بلر» از رهبران سابق حزب کارگر انگلستان نگاه بکنید. وی در زمان خود چهره محبوبی بود اما وقتی به برنامه ای که بلر بر اساس آن وارد معادلات سیاسی انگلستان شد، نگاه بکنیم متوجه می شویم بسیاری از سیاست هایی که دنبال کرد در چارچوب ایدئولوژی چپ حزب کارگر قابل توجیه نبود.

اصولا چپ در دنیا به پیشرو بودن و فاصله داشتن از سیاست های محافظه کارانه و تهاجمی که به گونه ای رنگ و بوی راست داشته باشد، معروف است. اما شما می بینید که در اوج محبوبیت بلر به عنوان رهبر حزب کارگر در بریتانیا، وی ناگهان در سطح جهانی همپیمان یک جناح راست افراطی مثل نوحافظه کاران آمریکا شده و کل سیاست انگلستان را در ذیل این نوحافظه کاری تعریف می کند.

نتیجه آنکه معمولا سیاستمداران وقتی در راس احزاب قرار می گیرند در معادلات سیاسی خیلی پراگماتیک تر به مسائل نگاه می کنند تا اینکه بخواهند به عنوان مثال بر اساس راهبردهای ایدئولوژیک تعریف شده عمل کنند. دلیل اصلی آن است که در فاصله نظر تا عمل منطقه الفراق هایی است که در این منطقه الفراق باید دست به اجتهادهایی زد به ویژه در واکنش به مسائلی که پیش بینی درباره آنها صورت نگرفته است.

در واقع، حزب تا زمانی اهمیت دارد که بتواند قدرت را هم در دست بگیرد و اصولا نفس احزاب این است که بتوانند قدرت را قبضه کرده و در عین حال با ایجاد یک گفتمان مشروعیت را ابزاری داشته باشند برای مشروعیت زایی از رقبای خود. اگر از این منظر نگاه بکنیم، حزب کارگر به احتمال زیاد می تواند موفقیت های کلانی پیدا کند. جالب آنکه جامعه انگلستان ایدئولوژی زده نیست بلکه برعکس جامعه ای پراگماتیست است.

حکم روایی کرده است با کشور کوچکی مثل سوئد قابل قیاس نیست، کارتل های بزرگ، شرکت های فراملیتی و مستعمره های بزرگی که در انگلستان حضور داشت اجازه نفوذ ایده های سوسیالیستی را در هیچ یک از اشکال کمونیستی (شوروی سابق) و سوسیال دموکرات (سوئد) نمی داد. اما، بعد از فروپاشی امپراتوری بریتانیا نله های مختلفی از سوسیالیسم در قالب احزاب چپ - که نمونه بارز آن حزب کارگر است - رشد کرد و اتفاقا تغییرات بسیار زیادی را هم در سطح جامعه بریتانیا ایجاد کرد.

مثلا یکی از موارد بسیار بارز مسئله «بیمه درمانی و بهداشت همگانی» است که تا حدودی مسئله دولت رفاه محور را در انگلستان نهادینه کرده است. البته روی کار آمدن دولت محافظه کار «مارگارت تاچر» نخست وزیر اسبق بریتانیا تا حدودی عرصه را برای حزب کارگر تنگ کرده و آن را به سمت فرسایش برد. اما، ایده های چپ در انگلستان دو فرم بسیار متضاد به خود گرفته است. حتی امروز در جامعه روشنفکران انگلستان با افرادی برخورد می کنیم که خود را کمونیست می دانند و این ادعا را مطرح می کنند که ایده کمونیست ایده معتبری است و جهان هنوز به مرحله درک و فهم آن نرسیده است. ولی نخله دومی هم در میان قشر روشنفکر وجود دارد که معتقدند از آن روایت کلانی که به عنوان مثال در ایده کمونیسم و یا حتی سوسیالیسم وجود داشت باید فاصله گرفت و به یک نگاه میانی و معتدل رسید. به عنوان مثال، آنها از قسمت هایی که تحت عنوان عدالت اجتماعی و ایده های رفاه محور می شناسیم، حمایت می کنند. اما در پاسخ به اینکه حزب کارگر انگلستان

آید باید مسئله را کمی شفاف تر توضیح دهیم. شاید بتوان نهضت ها و جنبش هایی را که به گونه ای ملهم از ایده سوسیالیست بوده اند، به طور عمده به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول معتقد هستند که سوسیالیسم مساوی با کمونیسم است و این مورد را هم در ارتباط با فضایی می بینند که در اتحاد جماهیر شوروی سابق جریان داشت که باید به عنوان مثال دولت در دست یک نیروی آوانگارد و پیشاهنگ بیافتد تا بتواند در سطح جامعه تغییرات ماهوی ایجاد کند. این ایده ای بود که در نله های سوسیالیست وجود داشت اما در طول دوره ظهور تا فروپاشی شوروی سابق به بوته فراموشی سپرده شد.

اما همزمان با تعریف سوسیالیستی شوروی سابق، در غرب و بخش هایی از شمال اروپا نیز یک نوع نگرش رفورمیستی نسبت به ایده های چپ گرایانه مطرح بود مبنی بر اینکه ایجاد تغییر در جامعه نباید با تکیه بر رویکرد انقلابی اتفاق بیافتد بلکه باید جامعه را آرام آرام به سمت تغییرات تدریجی برد. بر این اساس، ایده سوسیالیسم نباید حول محور ایجاد آرمان شهر متمرکز شود بلکه باید به گونه ای تقلیل یافته تر رفاه اجتماعی را در جامعه ایجاد کند. این ایده در کشورهای مثل سوئد، دانمارک، نروژ، فنلاند و حتی ایسلند تقریبا طی ۵۰ تا ۶۰ سال اخیر آرام آرام نهادینه شد.

تفاوت نگاه سوسیال دموکرات سوئد با آن نگاه چپی که در حزب کارگر انگلستان وجود دارد چیست؟
حقیقت امر آن است که پیچیدگی جامعه انگلستان به عنوان یک امپراتوری بزرگ که حداقل حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ سال بر جهان



گفتگو با رئیس موسسه سیاست جهانی ترکیه؛ هدف ناتو استفاده از تنش ترکیه و روسیه برای اثبات اعتبار خود است

قدرت و اعتبار خود را ثابت کند.

|| برخی معتقدند که ترکیه بواسطه تحرکات عربستان و آمریکا و دیگر کشورهای عربی اقدام به ساقط کردن جنگنده روسی کرده و این اقدام آنکارا موجب تغییر شرایط جنگ علیه داعش شده است، آیا این دیدگاه صحیح است؟

گمان نمی کنم ترکیه به تحریک دیگران اقدام به ساقط کردن جنگنده روس کرده باشد شرایط نبرد با داعش بعد از حملات پاریس تغییر کرد بویژه آنکه «باراک اوباما» از سوی فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی تحت فشار بود تا اقدامات خود را بصورت کلی در سوریه و بویژه در خصوص داعش افزایش بدهد. در حقیقت اکنون نه اسد بلکه داعش تبدیل به تنها هدف عملیات های نظامی کشورهای غربی شده است. عملیات هایی که از مارس ۲۰۱۱ و یا از سال ۲۰۱۳ که داعش در سوریه ظهور کرد نظیر آن را ندیده بودیم.

|| آیا ممکن است روسیه در ادامه تنش های خود با ترکیه همانطور که با اوکراین رفتار کرد با آنکارا نیز رفتار کند یعنی در فصل زمستان اقدام به قطع گاز صادراتی خود به ترکیه کند؟

برای روسیه قطع گاز یک گزینه پایدار و بادوام نیست. علاوه بر آن دستان روسیه بواسطه تحریم های غرب علیه این کشور بواسطه بحران اوکراین بسته است و روسیه نمی تواند با ترکیه همانند اوکراین رفتار کند. آنچه که ترکیه و روسیه هر دو باید انجام دهند کاهش تنش هاست. تنها راهی که می توان به این هدف رسید گفتگو است و باید طرف هایی وجود داشته باشند که موجب تسهیل امر گفتگو میان ترکیه و روسیه شوند.

رئیس موسسه استراتژی و سیاست جهانی ترکیه معتقد است که ناتو در صدد است تا از تنش های موجود میان مسکو و آنکارا به عنوان عاملی برای تثبیت قدرت و اعتبار خود استفاده کند.

تنش های میان روسیه و ترکیه همچنان در حال افزایش است و مقامات بلندپایه دو کشور به شدت از یکدیگر انتقاد می کنند. در این میان ناتو نیز مواضع سوال برانگیزی دارد و از یک سو ضمن اعزام ناوهای خود به سواحل ترکیه برای محافظت آنکارا از سوی دیگر هشدار می دهد که اقدامات ترکیه موجب نگرانی سازمان آتلانتیک شمالی شده است. در همین رابطه برای تحلیل بهتر این روند با دکتر «سلیمان اوزرن» به گفتگو نشستیم. دکتر اوزرن رئیس موسسه استراتژی و سیاست جهانی ترکیه بوده و از اعضای موسسه بین المللی تروریسم و جنایات چند ملیتی است. وی دانش آموخته دانشگاه نگراس شمالی است و هم اکنون از اساتید دانشگاه «هییتی» ترکیه است. متن این گفتگو به شرح زیر است:

جمهور روسیه، قصد مطرح کردن مکرر این موضوع در جوامع بین المللی را دارد.

|| به نظر می رسد که تنش های موجود بیش از آنکه ناشی از اختلافات میان مسکو و آنکارا باشد ناشی از اختلافات ناتو و روسیه است، آیا این دیدگاه صحیح است؟

بله درست است. تنش های میان روسیه و ترکیه به عنوان یک آهنربا و عامل جاذبه برای کشورهای دیگر عمل می کند بویژه برای کشورهای عضو ناتو از جمله انگلیس، فرانسه، و آلمان، و حتی ممکن است که در آینده شمار کشورهایی که وارد این تنش شوند بیشتر شود. در حقیقت کشورهای عضو ناتو بواسطه چنین جاذبه ای حضور نظامی خود در دریای مدیترانه را افزایش داده اند و حتی ممکن است در آینده نوعی مصالحه غیر منتظره نیز میان این کشورها و روسیه رخ بدهد. این اقدامات می تواند عکس العملی باشد به اقدامات روسیه در خصوص کریمه و بحران اوکراین. ناتو در تلاش است تا بواسطه تنش های میان روسیه و ترکیه قدرت بازدارندگی خود را به مسکو نشان بدهد. در حقیقت این وضعیت تبدیل به عاملی شده تا ناتو با استناد به آن

|| همانطور که مطلع هستید بعد از سرنگون شدن جنگنده روسیه از سوی ترکیه وضعیت موجود در منطقه بدتر شد و با توجه به جنگ لفظی موجود میان مقامات روس و ترک، برخی سخن از اقدامات شدید روسیه و حتی احتمال بروز جنگ می گویند، تحلیل شما در این مورد چگونه است؟

اوضاع منطقه به دلیل تنش های موجود آمده میان روسیه و ترکیه بسیار حساس است. در حقیقت تنش ترکیه فقط بواسطه حضور جنگنده روسی در حریم هوایی ترکیه بوجود نیامده و به اعتقاد من اقدامات گذشته روسیه در این رابطه بی تأثیر نبوده اند. فکر نمی کنم که درگیری نظامی میان روسیه و ترکیه رخ بدهد زیرا هم ترکیه و هم روسیه محدودیت هایی در این زمینه دارند و در صورت بروز جنگ تأثیرات منفی که متوجه این دو کشور می شود بسیار زیاد خواهد بود. روسیه تلاش می کند تا با مطرح کردن موضوع ارتباط ترکیه با داعش، آنکارا را تحت فشار بگذارد. هر چند این مسئله از سوی ترکیه و برخی اعضای ناتو رد شده اما به نظر می رسد که «ولادیمیر پوتین» رئیس



گفتگو با سخنگوی رئیس کمیسیون اروپا: اتحادیه اروپا درباره آزادی رسانه‌ها وسیستم قضایی ترکیه سختگیر است

مشاهده کرد.

تهدیدها انجام شده است؟

کشورهای عضو اتحادیه اروپا با افزایش تعداد شهروندان اروپایی که برای پیوستن به تروریست‌ها اقدام به سفر به مناطق دیگر می‌کنند مواجه هستند. هر چند واژه تروریست‌های خارجی واژه جدیدی نیست اما افزایش افرادی که برای پیوستن به تروریست‌ها و یا فرا گرفتن اقدامات تروریستی به مناطق بحران خیز بویژه عراق و سوریه سفر می‌کنند موجب شده تا این واژه بیش از گذشته به چشم بخورد. تهدیدهای ایجاد شده در غرب به دلیل بازگشت این افراد به کشورهاشان است، وجود پنج هزار شهروند اروپایی که برای پیوستن به گروه‌های تروریستی همچون داعش به خاورمیانه سفر کرده‌اند واقعا موجب نگرانی است. در همین رابطه کمیسیون اروپا در آوریل ۲۰۱۵ برنامه‌ای را تدوین کرد که این برنامه شامل اقدامات مناسب برای تامین امنیت اروپا در فاصله سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ است. بعد از تدوین این برنامه پیشرفت‌هایی در برخی حوزه‌ها حاصل شده است. علاوه بر آن در ژوئن ۲۰۱۵ نیز کمیسیون اروپا به همراه کشورهای عضو، بخش اقدامات خارجی کمیسیون اروپا، از جمله «یورپول» و «فورتکس» مجموعه‌ای از قوانین را در مورد تروریست‌های خارجی وضع کردند که از سوی مرزبانان مورد استفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر آن کمیسیون اروپا هم اکنون در حال کار بر روی بسته‌ای در خصوص مرزها و سواحل اروپاست که قرار است در ماه جاری معرفی شود. در پیش نویس این بسته کمیسیون اقداماتی را در مورد مرزهای «شنغن» برای بررسی‌ها و بازرسی‌های خودکار در مرزها برای تمامی مسافران در نظر گرفته است.

به دلیل حملات غمباری که در تاریخ ۱۳ نوامبر در پاریس رخ داد کار بر روی پیشنهادی موجود در خصوص تروریسم افزایش یافته است و به موجب آن تهیه و در اختیار داشتن سلاح گرم و همچنین قاچاق سلاح و مواد منفجره در اروپا بسیار مشکل خواهد شد.

|| پس از اقدام ترکیه در هدف قرار دادن جنگنده روسی شاهد افزایش تنش‌ها میان روسیه و ترکیه هستیم. موضع اتحادیه اروپا در این خصوص چیست؟

«فدریکا موگرینی» عالیترین مقام اتحادیه اروپا در امور روابط خارجی که نایب رئیس کمیسیون اروپا نیز محسوب می‌شود تماس‌های زیادی برای کاهش تنش‌های موجود و بهبود وضعیت میان ترکیه و روسیه برقرار کرده است. وی با دبیرکل آتلانتیک شمالی (ناتو) و همچنین وزیر خارجه ترکیه و برخی از وزرای کابینه روسیه مذاکراتی را در راستای کاهش تنش‌های میان آنکارا-مسکو داشته و تلاش کرده تا از اوج گیری تنش‌ها جلوگیری کند. موگرینی همچنین بر لزوم پیشبرد مسائل توافق شده در کنفرانس وین (کنفرانس وین در سوریه) و رسیدن به نتایج آن تاکید کرده است. موگرینی به عنوان عالیترین مقام اتحادیه اروپا در امور خارجی و همچنین نایب رئیس کمیسیون اروپا بر این امر تاکید دارد که «این اشتباهی بسیار وحشتناک خواهد بود که سطح توافقات دیپلماتیک و همکاری‌های سیاسی را کاهش داده و یا بصورت کلی لغو کنیم زیرا در این صورت مدیریت بحران بسیار مشکل خواهد بود». راه واقعی برای شکست داعش راهی طولانی است که از طریق حمایت از انتقال سیاسی در دمشق، برقراری آتش بس در سوریه، و اتحاد نیروهای داخل و خارج سوریه برای مبارزه با داعش و جبهه النصره حاصل می‌شود. معتقدم که ما باید از چنین فضای سیاسی حمایت و در نهایت آن را ایجاد کنیم.

|| در ماه گذشته شاهد وقوع حملات تروریستی پاریس بودیم و متعاقب آن تدابیر امنیتی در اغلب کشورهای غربی افزایش یافت. به نظر شما چرا غرب با چنین تهدیدهایی مواجه می‌شود و آیا اقداماتی برای کاهش این

سخنگوی رئیس کمیسیون اروپا از اعمال تدابیر امنیتی و انجام بازرسی‌های گسترده در مرزهای شنغن و همچنین حساسیت بالای اتحادیه اروپا در خصوص مواردی همچون آزادی رسانه‌ها و وضعیت سیستم قضایی در ترکیه خبر داد. افزایش تنش‌ها میان ترکیه و روسیه موجب شده تا اتحادیه اروپا نیز به نوعی درگیر این وضعیت شود. علاوه بر آن معامله و توافق اتحادیه اروپا با ترکیه در خصوص بحران پناجویان نیز موجب شده تا این اتحادیه مورد انتقاداتی قرار بگیرد. در همین رابطه برای تحلیل بهتر این شرایط با «مینا آندریوا» سخنگوی رئیس کمیسیون اروپا به گفتگو بنشینیم. متن این گفتگو به شرح زیر است:

موقت افزایش دهد. کمیسیون اروپا نیز هم اکنون در حال انجام اقدامات لازم به اطمینان حاصل کردن از اجرای مناسب، موثر و فوری این توافقات است.

|| در زمان برگزاری انتخابات پارلمانی ترکیه قرار بود که اتحادیه اروپا گزارشی را در مورد وضعیت حقوق بشر ترکیه منتشر کند اما به یکباره انتشار این گزارش به بعد از انتخابات ترکیه موکول شد و همین امر موجب شد تا برخی لب به انتقاد گشوده و بگویند اتحادیه اروپا با ترکیه وارد معامله شده و به همین دلیل بروکسل چشمان خود را بر روی وضعیت حقوق بشر در ترکیه بسته است. شما این موضوع را چطور توضیح می‌دهید؟

کمیسیون اروپا همواره بصورت سالانه و در فصل پاییز گزارشی را در مورد وضعیت کشورهای که قصد پیوستن به اتحادیه اروپا دارند منتشر می‌کند. گزارش امسال در تاریخ ۱۰ نوامبر منتشر شد و تاریخ انتشار نیز برای آنکه نظارت بهتری بر روی مسائل مهم موجود در آن صورت بگیرد ۱۰ نوامبر تعیین شد. موارد مطرح شده در این گزارش صادقانه بوده و این یک گزارش موضوعی در مورد پیشرفت‌های انجام شده در ترکیه بوده است. اگر شما گزارش امسال درباره ترکیه را مطالعه کنید خواهید دید که همانند همیشه کمیسیون اروپا در کار خود صادق بوده و در عین صادق بودن بسیار سختگیرانه و منتقدانه برخورد کرده و این موارد را می‌توان در مواردی همچون امور قضایی و آزادی‌های رسانه‌ای ترکیه

|| همانطور که مطلع هستید اروپا در سال ۲۰۱۵ با سیل بی سابقه پناجویانی مواجه شد که اغلب آنها از مسیر ترکیه راهی این قاره شده بودند، از همین رو برخی کارشناسان معتقدند که ترکیه برای کسب امتیازهای ویژه از اروپا توجه چندانی به عبور پناجویان از مسیر این کشور و سران بردن آنها به اروپا نشان نمی‌دهد. آیا شما این موضوع را تأیید می‌کنید؟

ترکیه و اتحادیه اروپا در مواجهه با بحران پناجویان شریکانی استراتژیک هستند. در نشست‌هایی که در تاریخ ۲۹ نوامبر با حضور نمایندگان اروپا و ترکیه برگزار شد دو طرف به توافقی در مورد چگونگی حرکت رو به جلو در تمامی موضوعات کلیدی رسیدند. علاوه بر آن هر دو طرف موافقت کردند که «برنامه اقدام مشترک اتحادیه اروپا-ترکیه» را فعال کنند. این برنامه چالش موجود را در سه وضعیت مورد پوشش قرار می‌دهد: ۱- از طریق یافتن ریشه‌های موجود در مهاجرت گسترده سوری‌ها، ۲- از طریق حمایت موقت از مردم سوریه و جامعه آنها و ۳- از طریق تقویت همکاری‌ها برای جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌دلیل به اروپا. ترکیه متعهد شده که به سرعت اجزای توافق شده در برنامه اقدام مشترک را اجرایی کند، لازم به ذکر است که اجرای فوری این توافقات برای جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌دلیل به اروپا ضروری است. علاوه بر آن ترکیه باید وضعیت اقتصادی-اجتماعی موجود برای آوارگان سوری مستقر در این کشور را بر اساس برنامه حمایت



اسپا

دبیر: مریم خرمائی

اژدهای زرد در تعقیب عقاب در شاخ آفریقا/ اهمیت جیبوتی برای چین

مهدی ذوالفقاری



از تنگه ای به نام «مالاکا» میان چین و همسایگان اش یعنی مالزی و اندونزی ترسیم کرده است به گونه ایی که مقصد آن را به اقیانوس هند خواهد رساند. چند نکته در این خصوص را نباید از ذهن دور نگه داشت:

۱- تنگه مالاکا به قولی یک چهارم و به روایتی قریب به یک سوم از محموله های نفت جهان را از خود عبور داده و توجه به نیاز فزاینده انرژی در جهان، بر اهمیت ژئوپلیتیک آن می افزاید. «مالاکا» نام آبراهی در میان «سوماترا» و شبه جزیره «مالایا» است. این تنگه اقیانوس هند را به دریای چین جنوبی متصل می کند. کشور سنگاپور در جنوبی ترین نقطه آن و مالزی نیز در شرق آن واقع شده است.

۲- کشورهای سنگاپور و مالزی جزو ۵ کشوری هستند که در سال ۱۹۶۷ اتحادیه جنوب شرق آسیا موسوم به «آ.سه.آن» را پس از ۶ سال وقفه دوباره به حرکت درآورده و اکنون نیز جزء ۱۰ کشور فعال در این اتحادیه محسوب می شوند. همچنین، در شرق آسیا دارای نفوذ و قدرت خوبی تلقی می شوند. لذا می توانند در زمره کشورهای قرار گیرند که چین با آن ها از دروازه های گسترش مناسبات وارد تعامل شود.

۳- اقدامات تحریک آمیز آمریکا در دریای چین جنوبی و ترغیب کشورهای حوزه ساحلی این دریا به نقض حاکمیت پکن را می توان در رقابت با فعالیت های اقتصادی- امنیتی چین و در راستای تلاش برای ایجاد اختلال در شروع نظام مند جاده ابریشم دریایی محسوب نمود.

۴- اول آذر ماه سال جاری و در پایان نشست آسه آن، «بشاراک اوباما» رئیس جمهور آمریکا در مصاحبه ای با خبرنگاران از میزبانی

نیز با عینک خوش بینی، آن را در راستای طرحی صرفاً با هدف گسترش مناسبات اقتصادی اعلام کردند. حال آنکه در این برهه زمانی و به استناد دلایل مشروح زیر معلوم می شود که جنبه های امنیتی جاده ابریشم دریایی کم اهمیت تر از ابعاد اقتصادی آن نبوده و نخواهد بود.

اگر پکن صرفاً تحقق جاده ابریشم دریایی را بر مبنای راهبردهای اقتصادی دنبال می کرد، یکی از مقامات اقتصادی خود را روانه جیبوتی کرده بود. همچنین لزومی به انتشار همراه با تأخیر اخبار مربوط به آن هم نبود.

برای روشن شدن ابعاد و زوایای دیگر این موضوع، می توان به شواهد دیگری نیز در این مسیر اشاره کرد. در این راستا، باید به مرزهای چین و اقدامات مداخله جویانه و توسعه طلبانه آمریکا بازگردیم.

دریای چین جنوبی به دلایلی از قبیل بهره مندی از منابع طبیعی غنی، حوزه دریایی گسترده ایی معادل ۳۵ کیلومتر مربع و بالاخره عبور قریب به ثلث تجارت دریایی برای پکن که مدعی دیرین مالکیت بخش هایی از آن است، یک دریای راهبردی به شمار می آید. تلاش اژدهای زرد برای ساخت جزایر مصنوعی در این دریا به دلیل ایجاد رد پای مطمئن در چنین قلمرو وسیعی بوده تا علاوه بر اینکه قادر باشد روند استحصال منابع طبیعی آن را به «رویه معمول» مبدل سازد، شروع جاده ابریشم دریایی را نیز دقیقاً از نقطه ایی که زیر نظر و در تیر رس مستقیم خود است آغاز نماید. پکن نقشه دریا محور فوق را از طریق عبور

پکن در حضور فعال در شاخ آفریقا را به تصویر کشانده است. لذا برآنیم تا به صورت جزء به جزء آن ها را مورد مذاقه قرار دهیم.

موقعیت ژئوپلیتیک جیبوتی

این کشور به منزله دروازه ورودی دریای سرخ و باالطبع کانال سوئز محسوب می شود. قرار گرفتن آن در ساحل تنگه استراتژیک «باب المندب» به آن اهمیت مضاعفی بخشیده است. باب المندب آبراهی پرتردد است که دریای سرخ را به اقیانوس هند و در نتیجه آبهای آزاد متصل می کند. این تنگه به نوعی شاه راه مواصلاتی شرق با غرب جهان نیز به شمار می آید. به همین دلیل است که بسیاری از کشورها برای تأمین منافع راهبردی خود به ساخت پایگاه نظامی در آن تمایل دارند. آمریکا، فرانسه و ژاپن نیز پیشتر به این اقدام مبادرت نموده اند.

کشور مذکور، از سمت شمال فاصله کمی با یمن و شبه جزیره عربستان داشته و از جنوب با کشورهای سومالی و اتیوپی همسایه و در نتیجه برای مبارزه با دزدان دریایی نیز مهم تلقی می شود.

«جاده ی ابریشم دریایی» طرحی با ابعاد اقتصادی و امنیتی

شاید مارس ۲۰۱۳ یعنی زمانی که «شی جینپینگ» رئیس جمهور چین اداره پرجمعیت ترین کشور دنیا را بر عهده گرفت و ایده «جاده ابریشم دریایی» را مطرح کرد، برخی رسانه های غربی آن را بلوف سیاسی و برخی

سفر رئیس ستاد مشترک ارتش چین و دیدار با رئیس جمهور جیبوتی به صورت کلی و مبهم موجب شد تا گمانه زنی هایی پیرامون علل و عوامل اصلی آن به وقوع بپیوندد.

۱۹ آبان ماه سال جاری اخبار سفر «فنگ فنګویی» رئیس ستاد مشترک ارتش چین به کشور «جیبوتی» که نقطه راهبردی شاخ آفریقا قلمداد می شود، متعجب محافل بین المللی را در پی داشت. منشأ این تعجب بیش از هر نکته دیگر، بر اساس دو نکته زیر بود:

اولاً اینکه سفر فنگ فنګویی با حدود ۵ روز تأخیر مخبره شد که قطعاً تلاش پکن برای تنش زدایی را به منصفه ظهور می رساند؛ چرا که پکن همواره در سیاست های اتحاذی خود خیزش آرام و بی صدایی را به کار برده تا ضمن تعقیب منافع مد نظرش در برابر محور مخالفان این کشور به سرکردگی آمریکا مجبور نشود بهایی را بابت نگرانی های تصنعی غرب بپردازد.

لذا پایگاه اینترنتی ارتش آزادی بخش چین نیز بدون اشاره به علت تأخیر در اعلام این خبر، تنها به جزئیات غیر حساس و کلی آن پرداخت. همین امر موجب شد تا در خصوص مسائلی از قبیل علل و اهداف دیدارهای رئیس ستاد مشترک ارتش چین با رئیس جمهور و سایر مقامات کشور جیبوتی گمانه زنی های متعدد اما تردید آمیزی به وجود آید.

ثانیاً گمانه زنی های مبهم درباره راهبرد چین در این نقطه سوق الجیشی، کمتر به صورت جامع عمومیت اهداف و راهبردهای

جیبوتی در زمره کوچک ترین، فقیر ترین و کم جمعیت ترین کشورهای آفریقا به شمار می آید. سرمایه گذاری بیش از ۴۰۰ میلیون دلاری چین نه در سراسر این کشور بلکه تنها در نقطه ای به نام بندر ابوک، از عوامل دیگری است که از اسرار حضور فعالانه پکن برای استقرار بلندمدت در این کشور پرده بر می دارد!

سال آینده این اجلاس سخن گفت تا از این طریق آشکارا رقابت های موازنه گرایانه واشنگتن در برابر پکن را به کشور اژدهای زرد نشان دهد.

تمامی این موارد فوق الذکر، دلایل برجسته ای دال بر اهمیت لزوم عبور چین از حصار



دریای چین جنوبی و راه یافتن به اقیانوس هند و دریای مدیترانه قلمداد می شود. پکن علاوه بر انتشار دیر هنگام اخبار سفر رئیس ستاد مشترک ارتش خود به جیبوتی، ملاقات «فنگ فنگویی» با «اسماعیل عمر گله» رئیس جمهور این کشور و سپس بازدید از ناو چینی مجهز به موشکهای هدایت شونده «سانیا»، به طور رسمی از تصمیم به ایجاد پایگاه نظامی در شاخ آفریقا حرفی به میان نیاورد، اما قرآنی دال بر جدی بودن پکن برای این اقدام مشهود است.

البته باید گفت که در چهارم آذر ماه سال جاری، ژنرال «دیوید رودریگز» فرمانده واحد آفریقایی ارتش آمریکا اعلام کرد که دولت پکن با امضای قراردادی که تا ۱۰ سال اعتبار دارد، موافقت مقامات جیبوتی را برای ساخت یک قرارگاه لجستیکی در این کشور به دست آورده است. امضای این

پکن با استقرار در جیبوتی مسیر تحركات آتی خود به طرف آفریقای میانه را نیز ایمن کرده و می تواند مصونیت مبادلات اقتصادی و نظامی اش را در برابر دزدان دریایی فعال در این نقطه تضمین کند

قرارداد به معنای پایان دادن به گمانه زنی هایی است که از مدت ها پیش درباره امکان حضور نظامی چین در شاخ آفریقا وجود داشت.

با این وجود، آنچه در ذیل آمده است آشکارا از دلایل اهمیت استقرار پایگاه نظامی چین در شاخ آفریقا پرده بر می دارد: ۱- اگر آغاز جاده ابریشم دریایی را تنگه «مالاکا» میان چین، سنگاپور و مالزی در نظر بگیریم، ادامه مسیر آن را با توجه به سرمایه گذاری های گسترده پکن در بنادر «کلمبو» (واقع در شمال اقیانوس هند) و «گوادر» در سریلانکا و پاکستان می توان دید؛ گویا تصمیم چین برای ادامه این مسیر در راستای اقیانوس هند جدی است و نشان می دهد که پکن مقدمات آن را پیشتر با حضور همراه با سرمایه گذاری در این نقاط مهیا کرده است.

۲- جیبوتی چندی پیش از آمریکا خواست تا پایگاه «لومویر» واقع در بندر «بوک» را تخلیه کند. این موضوع در کنار توافقنامه سرمایه گذاری ۴۰۰ میلیون دلاری جیبوتی- پکن در این نقطه کوچک، تداعی کننده تصمیم چین برای حضور گسترده در این منطقه است. چنین مشارکتی را صرفا در قالب پروژه های اقتصادی نمی توان تصور کرد، بلکه احداث یک پایگاه نظامی و حضور فرا اقتصادی که همان احداث پایگاه نظامی است، بیشتر به اذهان متبادر

می شود.

۳- روزنامه تلگراف در تحلیل ۲۱ جولای سال جاری میلادی نوشت: «باراک اوباما» رئیس جمهور آمریکا در تدارک سفری به جیبوتی بوده و قرار است در جریان این سفر، نگرانی های واشنگتن پیرامون قرارداد دریایی بزرگ چین و جیبوتی را به اطلاع مقامات مربوط برساند. آمریکا معتقد است حضور پکن مانعی برای عملیات های ضد تروریستی مهم از خاک جیبوتی است. مطالعه رفتار دیپلماتیک آمریکا نشان می دهد استفاده از عبارت «اعلام نگرانی» به مجرد درک احساس خطر توسط واشنگتن مورد استفاده قرار می گیرد. اما چرا آمریکا حضور چین را حتی در کنار خود هم بر نمی تابد؟

حضور نظامی چین در شاخ آفریقا می تواند عواید فراوانی را برای پکن به ارمغان بیاورد. اشراف جیبوتی از حیث مسیر ارتباطی بندر راهبردی «بوک» بر حوزه نفت خیز و سوق الجیشی خاورمیانه، از سویی مضمین تأمین انرژی فراوان برای این کشور نیازمند به نفت و گاز تلقی شده و از سوی دیگر امکان حضور بی درنگ اژدهای زرد و واکنش به هنگام آن در تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا را میسر می سازد. تحولات کنونی خاورمیانه از یمن تا سوریه، از فلسطین اشغالی تا بحرین و از عربستان تا عراق؛ در آینده ای نزدیک، نقشه خاورمیانه جدید را البته نه بر مبنای توهم واضح اولیه آن (جرج دبلیو بوش در سال ۲۰۰۴)، بلکه از دیدگاه تفوق فعالان تأثیرگذار مهم منطقه ای از قبیل جمهوری اسلامی ایران و در مسیر حذف محور غربی به سرکردگی آمریکا مشخص خواهد کرد. کشور چین هم با علم به این گونه تحولات فزاینده، قصد دارد از طریق توسعه مناسبات جای پای خود در شمال آفریقا را محکم و لذا مهابی تسخیر لانه عقاب شده است. این

امر مخالفت های پیدا و پنهان آمریکا را در پی داشته است.

۴- جیبوتی در زمره کوچک ترین، فقیرترین و کم جمعیت ترین کشورهای آفریقا به شمار می آید. سرمایه گذاری بیش از ۴۰۰ میلیون دلاری چین نه در سراسر این کشور بلکه تنها در نقطه ای به نام بندر ابوک، از عوامل دیگری است که از اسرار حضور فعالانه پکن برای استقرار بلندمدت در این کشور پرده بر می دارد. امضاء توافقنامه نظامی چین با جیبوتی در ماه فوریه سال ۲۰۱۴ و اعلام نگرانی آمریکا از تبعات آن به فاصله چند روز بعد از امضاء توافق مذکور، مؤید این نکته بوده و نشان می دهد که پکن از مدت ها قبل مشغول آماده سازی تمهیدات لازم و مقتضی برای تحقق طرح رئیس جمهور خود مبنی بر ایجاد «جاده ابریشم دریایی» بوده است.

۵- کشور چین علاوه بر حفاری میداین نفتی در سودان، پیشتر خط آهن مهمی را میان «آدیس آبابا» پایتخت اتیوپی تا جیبوتی پایتخت این کشور به بهره برداری رسانده بود تا بستر لازم برای ارتباط مسیر خشکی به دریا را هم در مقاصد اقتصادی و امنیتی خود مهیا کرده باشد.

۶- اسماعیل عمر گله رئیس جمهور کشور جیبوتی در مصاحبه مطبوعاتی ماه می سال جاری با شبکه تلویزیونی «فرانس پرس» به تصمیم پکن برای احداث پایگاه نظامی در کشورش چراغ سبز نشان داده بود که گواه مهم تری برای اثبات تصمیم دولتمردان چینی در این راه را به نمایش می گذارد.

۷- دقت در قراردادهای پیشین چین با برخی کشورهای حاشیه اقیانوس هند، تمرکز آنها در راستای ساخت و یا مدیریت بنادر در این اقیانوس را نشان می دهد، اقداماتی که صرفا با تحولات کنونی

فوق می توان به عمق هدف های فرا اقتصادی پکن از آن ها پی برد.

۸- اریتره، اتیوپی و سومالی نام هایی هستند که با شنیدن آن ها مفاهیم ناراحت کننده ای از قبیل ناآرامی و فعالیت گروه های تروریستی در اذهان تداعی می شود. پکن با استقرار در جیبوتی مسیر تحركات آتی خود به طرف آفریقای میانه را نیز ایمن کرده و می تواند مصونیت مبادلات اقتصادی و نظامی اش را در برابر دزدان دریایی فعال در این نقطه تضمین کند. با این اقدام راه برای کشتیرانی اقتصادی ایمن تر چین مهیا شده و برگ دیگری از حضور امنیتی-اقتصادی این کشور فراتر از حوزه سرزمینی خود به اثبات خواهد رسید.

۹- برافروختن جنگ های نیابتی توسط محور غربی-عبری-عربی به سرکردگی آمریکا چند سال است که آشکارا ظهور یافته و لذا به ابزار خوبی برای واشنگتن مبدل شده است. نایبان اجاره ای معمولا با حصول شرایطی از قبیل لزوم تجزیه اراضی، تحلیل توان و پتانسیل های یک کشور و... تجهیز شده و منافع یا حتی تمامیت ارضی کشورهای هدف را مورد حمله قرار می دهند.

رخدادهای چند سال اخیر نشان دهنده تمرکز فعالیت تروریست ها در آسیای غربی و آفریقا است. نمونه هایی از اهداف گروهک های تروریستی مصنوع را نیز می توان در عملکرد القاعده، طالبان، بوکوحرام، داعش، احزاب الشام، النصره و... به وضوح مشاهده نمود. چین بر آن است تا حضور خود در نقطه ای که مشرف بر اینگونه تحولات است را نیز تقویت کند، از رقباء خود عقب نیفتد و در صورت قرار گرفتن در نقطه هدف نایبان دست پرورده غرب، بتواند بیرون از قلمرو مرزهایش و در لانه تمرکز تروریسم به مبارزه و سرکوب آن ها مبادرت نماید.

چرایی ورود چین به مذاکرات صلح با طالبان



آمریکا صورت می گیرد اهداف دیگری را هم دنبال می کند. مثلاً علاوه بر ایجاد هزینه برای ایران به گونه ای اهرم فشاری هم برای «مسکو» و «پکن» می شود. ما می بینیم ابتدای ورود داعش از خاک پاکستان به افغانستان در استانهای «فراه» و «تیمروز» افغانستان بوده و سپس داعش به مناطق شمال شرق افغانستان یعنی به مناطق «نورستان» و «قندوز» می رود تا از یک سو روسیه را سرگرم کند تا روسیه نگران نفوذ داعش به کشورهای آسیای میانه شود و تمام حواس و توانش در اوکراین نباشد. همچنین از این سو داعش ماموریت دارد تا هزینه رشد اقتصادی چین را بالا ببرد تا نگرانی چین از نفوذ داعش به پشت مرزهای غربی خودش و احتمال نا امنی های ایالت «سین کینگ» را باعث شود.

در واقع تغییر پرچم سفید طالبان در افغانستان به پرچم سیاه داعش بدون شک در روابط سیاسی اقتصادی و امنیتی پاکستان و کشورهای همسایه تأثیرگذارتر خواهد بود. شاید بتوان همکاری های پاکستان و سعودی ها را به صفحه شطرنج تشبیه کرد چراکه هرگاه که یک حرکت یعنی همان انتقال داعش به افغانستان صورت می گیرد شاهد تأثیرات آن در کشورهای همسایه پاکستان می شویم. پاکستان به نوعی با قرار گرفتن در منطقه ژئوپلیتیک مهم از کشورهای عربستان سعودی و غرب و آمریکا به خاطر این موقعیت جغرافیایی اش سود می برد. به این معنی که با دریافت سالیانه مبلغی از سعودی ها، سیاست های آمریکا و غرب را عملی می کند و واضح است که در این شرایط کشورهای همسایه پاکستان هم بیکار نمی مانند و می بینیم که چین برای جلوگیری از حرکت کامل پاکستان به سمت سعودی و غرب و آمریکا قرارداد ۴۵ میلیاردی را در بندر «گوادر» با پاکستان به اجرا در می آورد.

پاکستان حتی برای رسیدن به وعده هایی که سعودی ها به آنها می دهند حاضر است مردم خودش را هم قربانی کند به این معنی که در حادثه دلخراش منا ما می بینیم که بیش از هزار پاکستانی جان خودشان را از دست می دهند. ولی این رقم قربانیان پاکستانی ابتدا هفتاد یا در نهایت ۱۳۰ تن اعلام می شد. در واقع یک جنگ بین سرویس های اطلاعاتی کشورها در منطقه را شاهد هستیم. مוסاد و سیا و سرویس اطلاعاتی ام. ای. ۶ انگلیس بخوبی

افغانستان و پاکستان و آمادگی برای میزبانی مذاکرات صلح است. برای روشن شدن بهتر این موضوعات با «سلیمان زارع» عضو کمیته سیاست گذاری خبر اداره اخبار خارجی معاونت صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران گفتگویی انجام شده که در ادامه می آید.

|| با توجه به همکاری عربستان و سازمان اطلاعات ارتش پاکستان به نظر می رسد پاکستان در رویکردهای منطقه ای خود سعی بر نزدیکی به عربستان دارد، این اقدام چه تأثیری بر روابط پاکستان با کشورهای همسایه به خصوص ایران دارد؟

پاکستان کشوری است که سیاست خارجی مستقلی ندارد و سرویس اطلاعات این کشور یعنی ISI در راس قدرت در پاکستان است و بیشتر سیاست های کلان این کشور را تعیین می کند و سفر اخیر «راجیل شریف» فرمانده ستاد مشترک ارتش پاکستان به عربستان سعودی بیانگر این موضوع است. ما می بینیم هر گاه در منطقه تغییری بوجود می آید همکاری های پاکستان و عربستان هم بیشتر می شود. مثلاً هر وقت در سوریه و عراق تروریست های وابسته به عربستان مجبور به واگذاری منطقه حساس به نیروهای مردمی و دولتی عراق و سوریه می شوند از این سمت رفت و آمدها بین مقامات نظامی و سیاسی پاکستان و سعودی هم بیشتر می شود.

در واقع سعودی ها نمی خواهند اوضاع در سوریه و عراق آرام باشد و از نا آرامی در این کشورها سود می برند. مثلاً در عراق با ناامین نگه داشتن این کشور که بعد از عربستان دومین کشور تولیدکننده نفت است این فرصت پیش می آید که استخراج و تولید نفت و در نهایت صادرات نفت در عراق دچار مشکل بشود و سعودی ها بتوانند جایگزین تولیدات نفت عراق شوند.

لذا می بینیم که عربستان بخشی از تروریستهای داعش را به کمک پاکستان از خاک این کشور به افغانستان می فرستد تا مرزهای شرقی ایران را نا امن کند و ایران را سرگرم کند و ایران نتواند در عراق و افغانستان نقش ایفا کند. در این جاست که نقش نظامیان پاکستان بیشتر می شود. البته این سیاست جایگاهی تروریست که با اشاره غرب و

یک کارشناس مسائل بین الملل معتقد است که نداشتن سیاست خارجی مستقل و خط گرفتن از قدرت هایی نظیر آمریکا مهم ترین عامل تعیین کننده سیاستهای راهبردی و امنیتی پاکستان در منطقه است.

روابط ایران و پاکستان و سیاستهای منطقه ای آنها همسو نیست. یکی از موضوعات مورد اختلاف عدم تعهد اسلام آباد به احداث خطوط لوله پروژه انتقال گاز ایران به هند است. پاکستان مدعی است به خاطر تحریمهای ایران قادر نبوده به تعهدات خود عمل نماید.

هرچند اکنون از فشار تحریم ها بر ایران کاسته شده است اما باز هم موضع پاکستان در قبال روابط تجاری با ایران و نظام تحریم ها و همچنین پروژه خط لوله صلح تغییری نکرده است. خودداری دولت «اسلام آباد» از اجرای بخش هایی از این پروژه به وضوح نشان می دهد که فاکتورهای خارجی در تصمیم سازی های پاکستان در برابر ایران تأثیر عمیقی دارد. خط لوله گاز ایران و پاکستان که قرار است در نهایت به هند برسد به نام خط لوله آی پی آی - ایران، پاکستان، هند - شناخته می شود. مسائل امنیتی و تحریم ها علیه ایران موجب شده است که این پروژه فعلاً بدون مشارکت هند مطرح باشد و با وجود مذاکرات طولانی در این زمینه، هنوز دستاورد مشخصی حاصل نشده است.

علاوه بر این مسئله ای دیگری که هم اکنون دغدغه اسلام آباد است این است که پس از آنکه مجلس ملی پاکستان با تصویب قانونی، دخالت کشورش را در جنگ یمن غیر قانونی اعلام کرد دولتمردان این کشور تلاش می کنند تا ارادت و پشتیبانی خود از رژیم آل سعود را به روشهای مختلف نشان دهند. لذا سفر «نواز شریف» نخست وزیر پاکستان و به دنبال آن سفر اخیر رئیس ستاد ارتش پاکستان به عربستان و دیدار با پادشاه و مقامات بلند پایه این کشور را می توان در همین راستا قلمداد کرد. تعهد پاکستان برای حمایت لجستیکی از سعودی و دادن جنگنده و مربی برای آموزش نظامی نیروهای سعودی نیز از دیگر تلاش های اسلام آباد برای رفع نگرانی پادشاه سعودی است.

مسئله دیگری که اکنون مطرح است گسترش همکاری های چین و پاکستان در زمینه های مختلف و اجرایی شدن کریدور اقتصادی چین و پاکستان و هم چین وارد شدن چین در مذاکرات صلح افغانستان و دیدار نماینده چین با سران

می دانند که در بین حجاج امسال که منجر به حادثه منا شد چه شخصیت های سیاسی و نظامی از چه کشورهایی حضور دارند و این سرویس ها برای دست یابی به این اشخاص کلیدی حاضرند حادثه ای بزرگ را طراحی کنند تا بتوانند افرادی را که به دنبالشان هستند به چنگ بیاورند. به جرات می توان گفت سعودی ها با این اقدام کمک کردند تا شخصیت های سیاسی و نظامی و با حداقل کسانی که وابستگان سیاسی نظامی کشورهای دیگر بودند قربانی شوند. برای مثال در پاکستان برادر زاده «یوسف رضا گیلانی» نخست وزیر سابق پاکستان جان خودش را در این حادثه از دست می دهد و هم چنین در ایران می بینیم که دو سفیر ایران ناپدید می شوند که البته ممکن است از سوی نیروهای امنیتی سعودی به موساد یا سیا تحویل داده شوند.

با وجود این پاکستان به خاطر منافع مالی که از سعودی ها می برد حاضر نیست آمار و اطلاعات واقعی به مردم خودش بدهد و از برخی واقعیتهای به آسانی چشم می پوشد. اگر نگاهی کوتاه به آمار تلفات مسلمانان قبل از استقلال پاکستان بکنیم می بینیم که تعداد مسلمان هایی که بعد از استقلال پاکستان کشته شدند به مراتب بیشتر از قبل استقلال است. از این سو پاکستان از مظلوم هند خلاص می شود و از دیگر سو زیر مظلوم غرب و آمریکا می رود به این معنی که در جلوی چشم میلیون ها پاکستانی هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی به بهانه مبارزه با تروریست ساخته و پرداخته خوشان جان هزاران غیر نظامی را از سال ۲۰۰۱ تا کنون در مناطق قبایلی می گیرد و دولت پاکستان هم قادر به جلوگیری نیست و تنها کاری که می تواند بکند این است که خود ارتش پاکستان وارد عملیات در مناطق قبایلی شود تا آمریکا مستقیماً مردم را هدف قرار ندهد. هم اکنون هم دو کشور هند و پاکستان در مسابقه تسلیحاتی قرار گرفته اند و این در حالی است که بیش از ۴۰۰ میلیون نفر از مردم دو کشور در زیر خط فقر قرار دارند. این دو کشور زمانی از سوی آمریکا و شوروی سابق مسلح به سلاح اتمی می شدند و اکنون پس از پایان جنگ سرد به جز درد سر این کلاهای هسته ای سودی برای هیچ یک نداشته است. همین تعداد کلاهای هسته ای باعث شده تا همیشه هند و پاکستان از سوی غرب و آمریکا تحت فشار باشند و غرب و آمریکا در اینباره با هریک از دو کشور پاکستان و هند رفتاری متفاوت داشته باشند.

رئیس ستاد ارتش پاکستان چندی پیش به عربستان سفر کرد برخی این سفر را برای بهبود روابط دو کشور بعد از آنکه اسلام آباد جواب رد به ریاض برای حضور در ائتلاف علیه یمن به رهبری عربستان داد- دانستند نظر شما چیست؟

وقتی عربستان بر حوثی های یمن جنگ را تحمیل کرد و بعد از آن که در جنگ دچار تزلزل شده و به گونه ای قادر به ادامه آن نشد از قدرت های نزدیک به خودش نظیر پاکستان درخواست کمک کرد اما پاکستان به دلیل سیاست هایی که ممکن است در آینده گریبان گیرش شود از این کار امتناع کرد. افکار عمومی بیشتر در این قبیله نقش داشت و پاکستان را تحت فشار قرار داد و اگر نقش ۳۰ درصدی مسلمانان شیعه پاکستان و حتی مسلمانان سنی نبود شاید دولت پاکستان وارد این جنگ می شد. اما باید دانست که اگر چه ارتش به خاطر فشار افکار عمومی نتوانست به طور مستقیم وارد جنگ علیه حوثی ها و یمن شود اما از همان ابتدا رئیس ستاد ارتش پاکستان وارد عربستان شد و این قضیه را به گونه ای به نفع خود تمام کند.

ارتش پاکستان در واقع تمایل داشت در این زمینه با عربستان همکاری کند اما فشار پارلمان باعث شد که از شرکت در جنگ

خودداری کند.

اما به اعتقاد من ارتش به شکلی هم پارلمان را دور زد و هم افکار عمومی را. از همان ابتدا به صورت مخفیانه هم سلاح و هم نیروی نظامی برای عربستان فرستاد و هم اکنون سفر رئیس ستاد ارتش پاکستان به عربستان در این راستا است و این که چگونه بتواند به عربستان کمک کند حتی این کمک ها کار را به جایی رسانده بود که سعودی ها درخواست چند کلاهک هسته ای هم از پاکستان کردند البته ناگفته نماند که عربستان توانایی استفاده از آن را نخواهد داشت.

لازم به ذکر است که عربستان نه در بخش جنگی و نه در بخش تکنولوژی و حتی در سطح های پایین نظامی در هیچ کدام توانایی کافی ندارد و اکنون هم متوسل شدن عربستان به پاکستان به خاطر همین توان نظامی پایین عربستان است که قصد دارد از تجربه بالای نظامی پاکستان - که بخشی از تجربه را پاکستان در جنگ علیه هند به دست آورده است - استفاده کند.

در جریان سفر نواز شریف به آمریکا و بعد از آن رئیس ستاد ارتش این کشور برخی رسانه ها آمریکایی مطرح کردند که آمریکا قصد دارد قراردادی را مبنی با محدودیت برنامه هسته ای پاکستان با این کشور امضا کند به نظر شما این امر امکان پذیر است؟

به نظر می رسد قدرت های هسته ای راضی نیستند که پاکستان سلاح هسته ای داشته باشد و ما می بینیم که مذاکره و توافق با ایران نیز پیش زمینه ای شده است برای اینکه پاکستان را خلع سلاح هسته ای کنند. شاهد هستیم که هر چقدر ناامنی ها در پاکستان شدت پیدا می کند عرصه برای اروپا و آمریکا و آژانس بین المللی انرژی اتمی برای اینکه کلاهک های هسته ای را در پاکستان به دست بگیرد باز تر خواهد شد چرا که استدلال می کنند چون در پاکستان ناامنی زیاد است بیم این می رود که کلاهک های هسته ای پاکستان به دست تروریست ها بیفتند و در نتیجه هم آژانس و هم آمریکا ناچار است که نظارت مستقیم به کلاهک های هسته ای پاکستان داشته باشد. ولی باید در نظر داشت که سلاح های اتمی پاکستان به نوعی خط قرمز پاکستان هم محسوب می شوند.

اما اسلام آباد مدعی است که سلاح هسته ای تنها عامل دفاعی در برابر اقدامات هند است و حاضر نیست به این قرارداد تن دهد. من اعتقاد دارم که اگر آمریکا قضیه محدودیت هسته ای پاکستان را مطرح کند یعنی به نحوی هندی ها را نیز مجاب خواهد کرد که موشک های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک هسته ای تولید و آزمایش نکنند یعنی در اصل به گونه ای با محدود کردن هند قصد دارد که پاکستان را تحت فشار قرار بدهد.

نظر شما در مورد اجرایی شدن خط لوله گاز صلح چیست؟

بحث خط لوله گاز ایران - پاکستان - هند موسوم به خط لوله صلح که حدود ۱۸۰۰ کیلومتر است و هزینه سه میلیاردی دارد به خاطر سیاست های زور گویانه آمریکا به تاخیر افتاده است.

هم اکنون شاهد این قضیه هستیم که که رشد اقتصادی هند باعث شده که حتی چینی ها هم احساس خطر کنند چون یک رقیب اقتصادی بزرگ را در کنار خود می بینند و هند به لحاظ رشد نیاز شدید به انرژی دارد به طوری که تا سال ۲۰۲۵ به دو برابر انرژی کنونی خود نیاز دارد. بنابراین به خط لوله گاز ایران به شدت نیاز دارد.

از دیگر سو خط لوله گاز تابی (ترکمستان - افغانستان - پاکستان - هند) نیز احتمال اجرایی شدنش بسیار کم است.

چرا که از یک سو به لحاظ جغرافیایی به خاطر وجود سلسله جبال هندوکش امکان عبور و انتقال خط لوله به ترکمنستان و سپس هند بسیار ضعیف است و از دیگر سو ذخایر گازی ترکمنستان به حدی نیست که بتواند گاز پاکستان و هند همچنین اروپا را تامین کند چرا که اکنون اروپا ترکمنستان را جایگزین اوکراین برای تامین نیاز های گازی اش کرده است. باید توجه داشت که اگر ترکمنستان ذخایر گازی قوی داشت حتماً چینی ها با توجه به نیاز ملی شان اولین نفر برای سرمایه گذاری در این کشور بودند و در واقع به علت نبود ذخایر کافی انرژی در ترکمنستان، این خط قادر نیست که هم به افغانستان و هم به هند و پاکستان گاز برساند و پاسخگوی نیاز آنها باشد.

حال اگر فرض کنیم که خط لوله گاز تابی به هند هم برسد باز با توجه به اینکه هند رشد اقتصادی اش به شدت سرعت گرفته و نیاز شدید به انرژی دارد، این خط نمی تواند پاسخگوی نیاز هند باشد و در نتیجه هند به خط لوله گاز ایران به شدت نیازمند است.

هم اکنون در ایالت «راجستان» هند نیروگاه های هسته ای وجود دارند که سالانه می توانند انرژی زیادی را وارد چرخه انرژی کنند. اما این نیروگاه ها به خاطر نداشتن سوخت هسته ای تعطیل شده اند.

اما شاید روزی بحث مذاکرات هسته ای ایران و آمریکا راه را هموار کند تا هند نیز بتواند با اجازه قدرت های بزرگ که از آنها پیروی می کند وارد قضیه شود. اطمینان دارم که خط لوله گاز بدون شک روزی وارد هند خواهد شد و هم چنین از راه «قرقرم» به چین نیز خواهد رفت. چون چینی ها هم اکنون در بندر «گوادر» وارد عمل شده اند و تمایل دارند ذخایر گاز ایران را از نیروگاه پارس جنوبی وارد کشور خود کنند چرا که این مسئله از سویی باعث امنیت مرزهای چین در شرق و همچنین در غرب با آسیای میانه می شود. چرا که در واقع جایی که اقتصاد قوی عمل کرده است تروریسم و ناامنی ناکارآمد بوده و کمتر توانسته وارد عمل شود.

هم چنین دلیل دیگر به تاخیر افتادن این خط لوله نیز می تواند رقابتی باشد که در پاکستان دربار این پروژه وجود دارد و مسئله دیگر نیز درگیری های هند و پاکستان است. هند می گوید اگر خط لوله از طریق پاکستان وارد هند شود، پاکستان حق استفاده از این گاز را ندارد و تنها سالیانه ۶۰۰ میلیون دلار حق ترانزیت دارد. همچنین هند نگران است که در صورت هزینه در این پروژه امکان اینکه این خط لوله روزی قربانی کشمکش های سیاسی داخل پاکستان شود زیاد است.

به نظر شما چرا پاکستان چین را وارد مذاکرات صلح افغانستان کرده است و چینی ها نیز طی دیدار با مقامات پاکستان و افغانستان آمادگی خود را برای میزبانی مذاکرات صلح اعلام کرده اند؟

پاکستان از بدو تاسیس یک سیاست دو گانه داشت و هم اکنون نیز در حال اجرای همین سیاست است. پاکستان هم از آمریکا سود می گیرد و هم از چین. رشد اقتصادی چین را آمریکا به هیچ وجه نمی تواند کنترل کند و تنها با یک اهرم قادر به این کار است و آن هم تروریسم است و هروقت که نیاز دارد این تروریسم را علیه چینی ها به کار بگیرد از پاکستان استفاده می کند. لذا چینی ها می دانند که اگر این امتیاز را به پاکستان ندهند ممکن است متحمل پرداخت هزینه بسیاری برای از بین بردن تروریسم در کنار مرزهای خودشان با پاکستان شوند.

حتی در بحث داعش هم آمریکا با استفاده از پاکستان داعش را وارد شمال شرق افغانستان کرده است جایی که دقیقاً هم مرز با چین و ایغورهای چینی است و در نتیجه چین بیم این را دارد که این ایغورها با داعش همکاری کنند و ناامنی را به چین بکشانند و این برای چین بسیار هزینه بر خواهد بود.

حمایت چین از عضویت پاکستان در گروه تامین کنندگان هسته ای

کنندگان مواد هسته ای برای بدست آوردن مواد لازم برای استفاده صلح آمیز از فناوری هسته ای است.

پاکستان که سخت با عضویت هند در گروه یاد شده مخالف است، اعلام کرده است که اگر هند به این گروه ملحق شود و پاکستان از حق پیوستن به آن محروم شود، این به مفهوم برخورد تبعیض آمیز با کشورها است و موجب برهم خوردن توازن قوا در منطقه خواهد شد.

پاکستان و هند هر دو از قدرت های هسته ای جهان و دارای سلاح های هسته ای هستند. آمریکا به تازگی تلاش هایی را برای محدود کردن توان هسته ای نظامی پاکستان آغاز کرده است اما پاکستان با واکنش شدید به برخی گزارش های رسانه ای در این زمینه، اعلام کرده است که هرگز در زمینه توان هسته ای نظامی خود به عنوان ابزار دفاعی و بازدارنده در برابر هند، تن به مصالحه نخواهد داد. برخی موسسات تحقیقاتی و مطالعاتی بین المللی اعلام کرده اند که پاکستان با سرعت زیاد در حال افزایش دادن میزان سلاح های هسته ای خود است و تا ۱۰ سال آینده، بعد از آمریکا و روسیه، می تواند به سومین قدرت هسته ای جهان تبدیل شود.



پیوستن هند به گروه کشورهای تامین کننده مواد هسته ای خواهد شد. پاکستان از روابط بسیار نزدیکی با چین برخوردار است و دو کشور قراردادهای تجاری و اقتصادی فراوانی با یکدیگر امضا کرده اند که طرح عظیم احداث راهروی اقتصادی مشترک چین-پاکستان که دریای عمان و آبهای شمالی اقیانوس هند را از طریق خاک پاکستان به چین متصل می کند، یکی از این قراردادها است. دولت پاکستان معتقد است که این کشور نیز مستحق پیوستن به گروه تامین

گروه کشورهای تامین کننده مواد هسته ای هم اکنون شامل ۴۸ عضو است و احتمال پیوستن هند به عنوان چهارم و نهمین عضو آن در آینده نزدیک وجود دارد. این گروه در سال ۱۹۷۴ و بعد از نخستین آزمایش هسته ای هند، با هدف تامین و صادرات مواد هسته ای مورد نیاز کشورها برای اهداف و استفاده های صلح آمیز تاسیس شد. «پکن» اعلام کرده است که اگر با پیوستن هند به این گروه موافقت شود و پاکستان از ملحق شدن به آن محروم بماند، چین با استفاده از حق وتوی خود، مانع از

چین به پاکستان اطمینان داده که اگر هند مجوز عضویت در گروه کشورهای تامین کننده هسته ای را دریافت کند، «پکن» نهایت تلاش خود را برای کسب مجوز مشابه و عضویت پاکستان در این گروه انجام خواهد داد.

چینی ها این وعده و اطمینان را در جریان سفر اخیر «منون حسین» رئیس جمهوری پاکستان به پکن اعلام کردند. «باراک اوباما» رئیس جمهوری آمریکا در سفر چند ماه پیش خود به «دهلی نو»، اعلام کرد که هند از آمادگی و شرایط لازم برای پیوستن به گروه کشورهای تامین کنندگان هسته ای برخوردار است. همچنین فرانسه و انگلیس در سال های گذشته حمایت خود را از پیوستن هند به گروه یاد شده اعلام کرده اند و چین هم بطور مشروط، موافقت خود را با این موضوع اعلام کرد و در عین حال، خواستار برخورد محتاطانه کشورها با عضویت هند در این گروه شد.

این در حالی است که چین از نفوذ بالایی در گروه کشورهای تامین کننده مواد هسته ای برخوردار است و با استفاده از حق وتویی که در این گروه دارد، می تواند مانع از عضویت هند یا هر کشور دیگر در این گروه شود.



چالش های اجرایی شدن پروژه خط لوله گاز «تاپی»

از خاک افغانستان و پاکستان در مرز پاکستان-هند پایان می یابد.

خط لوله تاپی از میدان گازی «دولت آباد» ترکمنستان آغاز می شود و موازی با بزرگراه «هرات»، از افغانستان به «قندهار» خواهد رسید و پس از آن در پاکستان از شهر «کوئته» به «مولتان» هند امتداد می یابد، هر چند بیشتر این مناطق در مسیر خط لوله در شمار مناطق ناامن قرار دارند، کشورهای یادشده با خوش بینی آن را دنبال می کنند.

قرار است روزانه ۵۰۰ میلیون فوت مکعب گاز ترکمنستان با خط لوله تاپی به افغانستان ترانزیت شود و سهم هر یک از کشورهای هند و پاکستان از گاز ترانزیتی با این خط لوله روزانه یک میلیارد و ۳۲۵ میلیون فوت مکعب خواهد بود.

چهار کشور حاضر در این پروژه چندی پیش به توافق رسیدند که شرکت ملی گاز «ترکمن گاز» رهبری یک کنسرسیوم را برای هدایت این پروژه ۱۰ میلیارد دلاری بر عهده گیرد، البته قرار شد تعدادی شرکای تجاری خارجی نیز قرار است در این طرح شرکت داشته باشند.

با این حال اجرای طرح تاپی با چالش ها و مشکلاتی مواجه است. مشکلاتی که به طور قطع باعث خواهد شد چهار کشور عضو تاپی نتوانند چندان به واقعی بودن ضرب الاجل تکمیل این خط لوله تا پایان سال ۲۰۱۸ امیدوار باشند.

اگرچه گفته شده است این طرح باید تا سال ۲۰۱۸ تکمیل شود، اما پیشرفت و تحقق آن بستگی به چند عامل

پروژه خط لوله گاز تاپی که با توافق ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند نهایی شده، برای اجرایی شدن با چالش های فراوانی روبرو است.

چندی پیش رئیس جمهور ترکمنستان در اجلاسی به مناسبت بیستمین سالگرد تصویب اصل بیطرفی ترکمنستان اعلام کرد: در تاریخ ۱۳ دسامبر سال جاری میلادی قرار است، مراسم کلنگ زنی طرح خط لوله گاز «تاپی» با حضور سران و مقامات عالی رتبه کشورهای ذینفع، در این کشور برگزار شود.

بر این اساس «نواز شریف» نخست وزیر پاکستان، «قربانقلی بریدی محمداف» رئیس جمهوری ترکمنستان، «اشرف غنی» رئیس جمهوری افغانستان و «محمد حامد انصاری» معاون رئیس جمهوری هند، در مراسم آغاز عملیات احداث خط لوله گاز تاپی شرکت می کنند.

در واقع طرحی که برای عملیاتی شدن آن تاکنون ۴ توافقنامه امضا شده است به زودی اجرایی خواهد شد. طبق توافق های انجام شده، مشخص شده است که طی ۳۰ سال آینده ۲ میلیارد متر مکعب گاز به افغانستان داده خواهد شد.

لازم به ذکر است که پروژه خط لوله گاز تاپی از سال ۲۰۰۲ میلادی بین کشورهای ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند شروع شد ولی تاکنون هیچ گونه پیشرفت عملی نداشته است.

خط لوله تاپی به طول هزار و ۱۱۸ مایل (هزار و ۸۰۰ کیلومتر) از شمال شرق ترکمنستان، جایی که بزرگترین میدان این کشور در آن واقع شده، آغاز می شود و با عبور

مهم از جمله برقراری امنیت در افغانستان و کاسته شدن از تنش ها میان هند و پاکستان دارد، ضمن اینکه توافق نهایی میان چهار کشور برای اجرای یک طرح اقتصادی، به گونه ای که همه آنها را راضی نگه دارد، چندان کار ساده ای نیست.

اجرای این طرح نیازمند سرمایه گذاران بزرگ خارجی است زیرا هیچ یک از این کشورها به تنهایی توان سرمایه گذاری ۱۰ میلیارد دلاری در این طرح را ندارد. هر چند برخی اخبار در زمینه اعلام آمادگی شرکت «توتال» فرانسه یا برخی شرکت های ژاپنی و کره جنوبی برای سرمایه گذاری و مشارکت در احداث این طرح منتشر شده، اما تا به امروز، هیچ گونه قرارداد رسمی در این زمینه امضا نشده است.

طرح تاپی برای ترکمنستان که اقتصاد آن به شدت به تجارت انرژی وابسته است، یک طرح حیاتی است و این کشور سخت تلاش می کند به رغم چالش های فراوان در مسیر عملی شدن، افغانستان، پاکستان و هند را به عنوان کشورهای نیازمند انرژی، نسبت به اجرای آن علاقمند سازد.

گفتگو با عضو سابق شورای امنیت ملی هند:

همکاریهای راهبردی با هند برای آمریکا اهمیت بسزایی دارد



«اوباما» رئیس جمهوری آمریکا در سفری که چند ماه پیش به هند داشت روابط هند و آمریکا را روابط قرن نامید. اهمیت هند برای آمریکا چیست؟

واشنگتن به طور قطع برای اغلب همکاریهای راهبردی با هند اهمیت زیادی قائل است چرا که ایالات متحده آمریکا طالب آن است که هند در موازنه قدرتی که علیه چین در عرصه آسیا در حال شکل گیری است، جانب واشنگتن را بگیرد. آمریکا بدون سرمایه های اقتصادی، توانمندی های نظامی و موقعیت استراتژیک هند از حمایت مورد نیاز برای دست و پنجه نرم کردن با چین، بی بهره می ماند به ویژه آنکه در حال حاضر نیاز امنیتی ناتو (پیمان آتلانتیک شمالی) به حضور در اروپا و مقابله با قدرت یابی روسیه موجب شکاف در تمرکز نظامی آمریکا شده است.

عضو سابق شورای امنیت ملی هند با اشاره به اینکه واشنگتن درباره ورود هند به گروه کشورهای عضو تی پی پی تردید دارد گفت: هند برای آمریکا از جنبه راهبردی اهمیت بسزایی دارد.

شروع مذاکرات راهبردی-تجاری هند و آمریکا در چند ماه اخیر و تمایل آمریکا برای نزدیکی به هند در جهت تبدیل این کشور به متحد ویژه خود برای متوازن سازی قدرت در منطقه در راستای غلبه و نفوذ بر کشور چین، رقیب نوظهور خود از یک سو و گسترش روابط چین-پاکستان و تمایل بیشتر «اسلام آباد» به نزدیکی با «پکن»، به سبب تیرگی روابطش با آمریکا و رقابت با رقیب دیرینه خود یعنی هند از دیگر سو سبب شکل گیری روابط تازه ای در منطقه شده است.

در این راستا با «بهارت کرند» عضو سابق شورای امنیت ملی هند گفتگویی انجام شده که در ادامه از نظر می گذرد.

«بهارت کرند» استاد، نویسنده و محقق مطالعات امنیت ملی هند در مرکز تحقیقات سیاست دهلی و عضو سابق شورای امنیت ملی و همچنین عضو گروه تنظیم کننده دکترین هسته ای این کشور است.

وی همچنین مشاور پیشین هزینه های دفاعی کمیسیون امور مالی هند و مدرس دانشگاه است و به طور منظم در بالاترین نهادهای آموزش نظامی تدریس می کند و هر ساله نیز دوره های آموزش و آشنایی با «جهت گیری استراتژیک هسته ای» را برای افسران ارشد نیروهای مسلح و کارکنان وزارت دفاع کشور هند برگزار می کند.

وی کتاب های متعددی در زمینه سیاست هند نوشته است که آخرین کتاب وی با نام «Why India is not a Great Power» نیز توسط دانشگاه آکسفورد به چاپ رسید، کتابی که محققان شورای روابط خارجی آمریکا نیز در تحلیل های خود در زمینه شبه قاره به آن استناد می کنند.

«اوباما در یادداشتی که به مناسبت انعقاد پیمان ترانس پاسیفیک منتشر کرد اعلام کرد که نظم اقتصادی آسیا در قرن ۲۱ را باید آمریکا تعیین کند و گر نه رقبای این کشور از جمله چین دست به کار خواهند شد. رویکرد هند به این سیاست چیست؟

معاهده تجارت آزاد ترانس پاسیفیک (تی پی پی) نشانه تلاش آمریکا برای پیش گیری از تبدیل چین به برترین قدرت اقتصادی جهان است. با این حال، وعده «باراک اوباما» رئیس جمهوری آمریکا برای عضویت هند در این بلوک اقتصادی جدید هنوز تحقق نیافته است. در واقع، افراد صاحب نفوذ واشنگتن تاکید می کنند که آنچه اوباما انجام داد تنها استقبال از تمایل هند به پیوستن به این بلوک بود و نه چیز دیگر!

حقیقت آن است که واشنگتن درباره اینکه به هند اجازه ورود به گروه کشورهای عضو تی پی پی را بدهد تردید دارد چرا که می ترسد میبادا بزرگی بازار هند، دیگر اعضای گروه را به وسوسه بیاورد و ذهن آنها را به سمت خود متمایل کند.

«آیا در حال حاضر به سبب روابط تیره آمریکا و پاکستان، امکان همکاری بیشتر پاکستان با چین وجود دارد؟ آیا هند نیز تلاش خواهد کرد به آمریکا نزدیک شود؟

چین و حتی آمریکا همیشه طرفدار راهبرد امنیتی پاکستان در مواجهه با هند بوده اند. روابط اسلام آباد-پکن از زمان سفر

«شی جین پینگ» رئیس جمهوری چین به پاکستان و اختصاص ۴۶ میلیارد دلار کمک مالی برای ساخت کریدور تجاری چین-پاکستان محکم تر شده است. هدف از این کریدور پایین بردن اسلام آباد به اقتصاد رو به گسترش چین و از سوی دیگر دسترسی به بندر آب گرم «گودار» به عنوان راهی برای ایجاد حضور نظامی استراتژیک در خلیج فارس است.

از سویی، اسلام آباد روابط خود با آمریکا را هم به واسطه سفرهای اخیر ژنرال «راخیل شریف» رئیس ستاد مشترک ارتش و «نواز شریف» نخست وزیر پاکستان به واشنگتن تقویت کرده است. دستاورد نواز شریف از سفری که در ماه اکتبر به آمریکا داشت قرارداد خرید تعداد بیشتری از جنگنده های اف ۱۶ بود. من پیشتر در کتاب «چرا هند هنوز هم یک قدرت بزرگ به حساب نمی آید» گفته ام که دهلی باید دشمنی خود را با اسلام آباد از طریق ارائه مشوق های اقتصادی کاهش دهد تا پاکستان را از چین دور کرده و بر روی زمینه های مشترک فرهنگی-اقتصادی، مذهبی و پیوندهای خویشاوندی با این کشور سرمایه گذاری کند.

به عقیده من، عادی سازی روابط دهلی-اسلام آباد برای به ثبات رساندن شرایط حاکم بر جنوب آسیا تا حد زیادی به واسطه اقدام یکجانبه هند در بازسازی ارتش به ویژه نیروهای زرهی و مکانیزه تسهیل خواهد شد تا به این ترتیب تهدید کمتری هم متوجه پاکستان باشد. این امر همچنین می تواند سیاست هند در قبال پاکستان را از راهبرد مخالفت با چین (از راه همکاری دهلی-واشنگتن) تفکیک کند.



گفتگو با مشاور پیشین بانک جهانی:

پکن-اسلام آباد متحد استراتژیک نیستند/وابستگی اقتصادی چین و آمریکا

گفتگو: جواد حیران نیا - مهدی ذوالفقاری



مشاور پیشین بانک جهانی معتقد است که اقتصاد آمریکا و چین در سال های اخیر آنقدر به هم وابستگی پیدا کرده که در مسیر همکاری های فیما بین گام بردارند و از هر گونه تقابل خودداری کنند.

سیزدهم مهر ماه امسال پیمان تجارت آزاد دو سوی اقیانوس آرام (ترانس پاسیفیک) (TPP) که توافقی تاریخی است پس از ۵ سال تلاش های آمریکا و ۱۱ کشور شامل ژاپن، مالزی، ویتنام، برونئی، استرالیا، سنگاپور، نیوزیلند، کانادا، پرو، مکزیک و شیلی به امضا رسید.

این توافق که بزرگترین منطقه تجارت آزاد در دنیا را به وجود خواهد آورد موجب حذف هزاران تعرفه واردات اجناس و محصولات شده و برای ۱۲ کشور امضاء کننده آن، استانداردهای مشترکی را ایجاد خواهد کرد. معاهده ترانس پاسیفیک پس از نهایی شدن نه تنها محدودیت های تجاری اعمال شده بر روی هزاران کالا از محصولات دارویی آمریکا گرفته تا فراورده های لبنی نیوزیلند، برنج ژاپن و سرمایه و بیتنام را شامل می شود، بلکه در ابعادی وسیعتر به دولت واشنگتن کمک می کند تا قوانین تجارت جهانی را در یکی از استراتژیک ترین مناطق دنیا بازنویسی کند تا به این ترتیب همزمان با بازاریابی برای کالاهای ساخت آمریکا، قدرت های اقتصادی آسیا نظیر چین و هند نیز به تبعیت از مدل های آمریکایی تجارت وادار شوند.

باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا در متنی که در سایت کاخ سفید منتشر شده بود به تشریح اهمیت دستیابی کشورش به توافق تجارت آزاد بین دو سوی اقیانوس آرام (ترانس پاسیفیک) (TPP) پرداخته بود.

وی با مخاطب قرار دادن صاحبان صنایع بزرگ و کوچک آمریکا و ابراز خرسندی از توافق انجام گرفته گفت: این توافق ۱۸ هزار تعرفه و مالیات اعمال شده بر کالاهای آمریکایی توسط کشورهای مختلف را حذف خواهد کرد و موجب توسعه صادرات کالاهای آمریکایی و اشتغال کارگران آمریکایی خواهد شد.

اوباما امضای این توافق را به این معنی دانست که این آمریکا است که باید نقشه راه قرن ۲۱ را تعیین کند.

اوباما در ادامه گفت: اگر آمریکا مقررات قرن ۲۱ را ننویسد سایر کشورها چون چین این مقررات و اصول را خواهند نوشت امری که امنیت شغلی و اقتصادی آمریکا را از بین خواهد برد و نقش آمریکا در رهبری جهان را به مخاطره خواهد انداخت.

در گفتگو با «گوتسم ادیکاری» عضو ارشد مرکز آمریکایی پیشرفت در واشنگتن به بررسی این موضوعات پرداخته ایم که از نظر می گذرد. ادیکاری مشاور ارشد بانک جهانی نیز بوده

است. وی محقق و مدرس دانشگاه هاروارد و دانشگاه جورج واشنگتن آمریکا نیز بوده است.

اوباما در جریان سفر خود به هند روابط میان دو کشور را به عنوان شراکتی تأثیرگذار در قرن ۲۱ عنوان نمود و از روابط هند و آمریکا به عنوان رابطه قرن نام برد. چرا هند برای آمریکا مهم است؟

هند و آمریکا دارای منافع و ارزش های مشترک و نیز متعددی هستند. تحولات تاریخی دوران جنگ سرد باعث شد تا منافع ملی دو کشور از یکدیگر فاصله بگیرد.

اما در حدود ۱۵ سال پیش، دهلی نو و واشنگتن تلاش های سازنده و مفید بسیاری را برای نزدیک شدن دو کشور به یکدیگر به انجام رسانده تا از این طریق بتوانند از یک مشارکت طبیعی بهره مند شوند که اگر حتی بر اساس یک اتحاد رسمی نیز استوار نشد، بر مبنای منافع و افکار مشترکی قرار گیرد.

اینگونه تقویت روابط با دیدار رسمی «بیل کلینتون» رئیس جمهور آمریکا از هند در اوایل سال ۲۰۰۰ آغاز و با دولت های دیگری که در هر دو کشور بر سر کار آمدند نیز ادامه یافت. توافقنامه همکاری میان آمریکا و هند در زمینه همکاری های مشترک در استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای توسط «جورج دبلیو بوش» و «مان موهان سینگ» نخست وزیر، نهایی شد و این امر به رفع موانع موجود برای درک بهتر میان دو طرف منتهی گردید.

امروزه و با وجود تفاهم مشترک میان «باراک اوباما» رئیس جمهور آمریکا و «نارندرا مودی» نخست وزیر هند از طرق گوناگونی چون دیدارهای رسمی مقامات دو کشور و تبادل نظر آن ها؛ روابط اقتصادی دو کشور رو به رشد نهاده و همکاری ها در عرصه نظامی و نیز فعالیت های مربوط به مبارزه با تروریسم تقویت شده است.

از نظر آمریکا، اهمیت هند دست کم از سه منظر قابل بررسی می باشد:

اول اقتصاد هند است که به سرعت راه پیشرفت را در پیش گرفته و در سالی که

رو به اتمام است؛ علیرغم تجربه افت در بازارهای نوظهور مهمی مانند چین، هند توانسته است ۷٪ رشد اقتصادی را برای خود به ثبت برساند. لذا هند بازار بسیار مهمی به شمار آمده و نیز به عنوان تأمین کننده خدمات و کارگران ماهر به سایر نقاط جهان به ویژه آمریکا به نقش آفرینی پرداخته است. همین مسأله باعث شده است تا بخش خصوصی آمریکا به شدت علاقه مند به شکوفایی اقتصادی هند باشد.

برخورداری دو کشور از چندین حوزه منافع ژئوپلیتیکی مشترک در منطقه وسیع آسیا به ویژه در آسیای جنوبی و مرکزی از دیگر عوامل مطرح در این زمینه به شمار می آید.

سومین نکته مطرح در این خصوص را می توان به درک اندیشمندان سیاسی آمریکا از اهمیت کمک به هند با هدف موفقیت این کشور به عنوان بزرگ ترین دموکراسی جهان برشمرد. این نکته مبنایی برای همکاری های فزاینده بیشتر میان دو کشور نیز تلقی می شود.

اوباما در بیانیه مربوط به پیمان تجارت آزاد آسیا اقیانوسیه موسوم به «تی تی پی» گفت تنظیم قوانین تجارت جهانی در قرن ۲۱ بر عهده آمریکا است؛ در غیر این صورت رقیب این کشور (چین) به این عرصه وارد خواهند شد. رویکرد هند در برابر این سیاست چیست؟

به نظر می رسد هند همانند چین علاقه مند است تا روزی به پیمان تجارت آزاد در دو سوی آسیا اقیانوسیه پیوندد. «تی تی پی» ممکن است چندین نقص داشته باشد، اما در مجموع این احتمال وجود دارد که بتواند به تشدید روابط اقتصادی و تجاری میان قدرت های بزرگ در حوزه آسیا و اقیانوسیه منجر شود.

اقتصاد دو کشور آمریکا و چین در سال های اخیر آنقدر به هم وابستگی پیدا کرده که مجبورند در مسیر همکاری های فیما بین

برای کسب منافع مشترک از هر گونه تقابل خودداری کنند. وجود یک جنبه راهبردی در نوع تفکر آمریکا نسبت به نقش اقتصادی برجسته چین در حوزه آسیا و نیاز به توازن آن امری پوشیده نیست؛ اما رابطه آن ها با یکدیگر به عنوان دو اقتصاد پزرگ جهانی و دو قدرت جهانی مهم احتمالاً بیش از آنکه به رنجش های دو جانبه عمیق منجر شود، درک عمیقی را میان آنها به وجود خواهد آورد.

هند یک قدرت اقتصادی است و به زودی به پرجمعیت ترین کشور جهان نیز مبدل خواهد شد. برای حفظ روابط نزدیک خود با آمریکا بدون تأثیرگذاری بر گسترش درک متقابل با چین که هم اکنون یکی از سرمایه گذاران مطرح در بازار هند به شمار می رود؛ با خطرهایی مواجه است.

آیا می توانیم منتظر یک اتحاد راهبردی میان چین و پاکستان در فضای تنش های موجود در روابط میان آمریکا و پاکستان باشیم؟ آیا هند در جهت ایجاد روابط قوی تر با آمریکا تلاش خواهد کرد؟

چین و پاکستان در چند دهه اخیر به سطح مطلوبی از درک راهبردی در روابط فیما بین رسیده اند. اگر شما چنین سطحی از روابط را یک «اتحاد» بنامید، من نمی توانم آن را یک اتحاد به شمار بیاورم. چین به پاکستان در دست یابی به توانمندی های تسلیحات هسته ای کمک کرده و رسماً در منازعات میان هند و پاکستان از پاکستان حمایت کرده است.

اما هنگامی که فشارها بر پاکستان به حد اعلائی خود رسید، به کمک این کشور نیامد. به عنوان نمونه در جنگ سال ۱۹۷۱ و زمانی که نظامیان هندی با توسل به زور پاکستان را با هدف ایجاد کشور بنگلادش از نیمه شرقی آن جدا کردند، چین خود را کنار کشیده بود. اما با این وجود، همپوشانی راهبردی قابل توجهی در منافع ملی و منطقه ای پکن و اسلام آباد وجود دارد. چین کماکان به رشد توان نظامی پاکستان و روابط اقتصادی با این کشور کمک می کند و با توسعه بندر «کوادر» در واقع پاکستان را به عنوان یک خط ارتباطی حیاتی برای بازنگه داشتن مسیر برای آسیای میانه در نظر دارد.

البته هند چنین تحولاتی را با دقت زیر نظر داشته، اما روابطش با آمریکا بسیار گسترده تر است و احتمالاً بدون در نظر گرفتن عامل چین، به صورت مستقلی به توسعه آن نیز خواهد پرداخت.

با این وجود، در عصر حاضر چین با نگرانی به پاکستان به عنوان محملی برای برنامه ریزی ها و فعالیت های تروریستی نگریسته و می ترسد این روابط چه در حال حاضر و چه در آینده نزدیک با ناآرامی های منطقه «وایغور» در هم تنیده شود.

اجلاس شانگهای و تلاش هند و پاکستان برای عضویت دائم



اجلاس نخست وزیران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در حالی در چین برگزار شد که هند و پاکستان چشم به عضویت دائم در این سازمان دوخته اند. سازمان همکاری شانگهای (SCO) در سال ۲۰۰۱ توسط سران روسیه، قزاقستان، چین، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان بنا نهاد شد. این در حقیقت ترکیب جدید سازمان شانگهای ۵ است که در سال ۱۹۹۶ تأسیس شده بود، ولی نام آن پس از عضویت ازبکستان به سازمان همکاری شانگهای تغییر داده شد. علاوه بر اعضای اصلی، ابتدا مغولستان در سال ۲۰۰۴ و یک سال بعد ایران، هند و پاکستان به عنوان عضو ناظر به این سازمان ملحق شدند. اعضای سازمان همکاری شانگهای شامل شش عضو ثابت چین، روسیه، قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و پنج عضو ناظر جمهوری اسلامی ایران، هند، پاکستان، مغولستان و افغانستان است که سابقه فعالیت آن ۱۴ سال است.

این سازمان که از زمان تأسیس تاکنون در منطقه گسترش یافته است؛ برخلاف سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و پیمان ورشو سابق، هنوز یک معاهده دفاعی چندجانبه به شمار نمی رود. سازمان همکاری شانگهای از دل رقابت قدرت های بزرگ بر سر منطقه ژئوپلیتیک آسیای میانه ظهور کرد. هدف اولیه تأسیس این سازمان، غیرنظامی کردن مرز بین چین و شوروی بود. گروه شانگهای ۵ در ۲۶ آوریل ۱۹۸۶ با امضای توافقنامه ای به منظور تعمیق اعتماد نظامی در مناطق مرزی توسط رهبران وقت کشورهای چین، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه و تاجیکستان به وجود آمد. این کشورها مجدداً در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۹۷ توافقنامه ای به منظور کاهش نیروهای نظامی در مناطق مرزی در مسکو به امضا رساندند. نشست های کشورهای عضو شانگهای ۵ در سال ۱۹۹۸ در شهر آلماتی (قزاقستان)، در سال ۱۹۹۹ در بیشکک (قرقیزستان) و در سال ۲۰۰۰ در شهر دوشنبه (تاجیکستان) برگزار شد. نشست این گروه در سال ۲۰۰۱ در شهر شانگهای چین برگزار شد. در این نشست نخست کشور ازبکستان به عنوان عضو جدید پذیرفته شد که عملاً نام گروه را به شانگهای ۶ تغییر داد. سپس در ۱۵ ژوئن سال ۲۰۰۱ سران کشورهای عضو در نشستی ضمن قدرانی از عملکرد گروه شانگهای ۵، تأسیس سازمان همکاری شانگهای را با هدف افزایش سطح همکاری ها اعلام کردند.

با توجه به بالا گرفتن دامنه اختلافات میان روسیه و غرب از یک سو و تلاش چین برای شکل دادن به یک سازوکار امنیتی آسیایی از سوی دیگر، می توان پذیرش هند و پاکستان در سازمان همکاری شانگهای را تلاش چین و روسیه برای جلب نظر این دو کشور جهت همکاری های درون قاره ای در آسیا طی سال های آینده در نظر گرفت

سران کشورهای عضو در ژوئن ۲۰۰۲ در شهر سنت پترزبورگ روسیه گرد هم آمدند تا جزئیات اساسنامه سازمان را که شامل اهداف، ساختار و راهکارهای سازمان بود به بحث و بررسی بگذارند. پس از این توافقنامه موجودیت سازمان عملاً از نظر حقوق بین المللی رسمیت پیدا کرد.

ایران در آینده ای نزدیک در کمیته انرژی این سازمان مباحثی مطرح شد.

اگر چه نو پا بودن سازمان شانگهای و ضرورت تحکیم روابط داخلی، مسأله گسترش این سازمان را به حالت تعلیق در آورده، اما اعضای شانگهای بدون توجه به عکس العمل های غرب، روابط نزدیک و همکاری های متقابل با اهمیتی را با ایران در پیش گرفته اند. به نحوی که در بیانه پایانی نشست هفتم سران، رهبران شانگهای بر این نکته تأکید کردند که ثبات و امنیت در آسیای مرکزی تنها توسط نیروهای کشورهای منطقه و بر اساس توافقات صورت گرفته در چارچوب اتحاد منطقه ای میسر خواهد شد و این امر از طریق تقویت سیستم بین المللی چند قطبی که تأمین کننده امنیت متقابل و امکان توسعه برابر کشورهای جهان باشد، امکان پذیر خواهد بود.

در این راستا اعضای سند تاریخی «پیمان دوستی، حسن همجواری و همکاری کشورهای عضو شانگهای»، مهمترین سند امضا شده توسط رهبران کشورها در نشست هفتم به شمار می آید. به هر روی علیرغم حضور مستمر ایران در عالی ترین سطوح نشست های شانگهای و همچنین با توجه به موقعیت و شرایط منحصر به فرد ایران برای عضویت در سازمان، با این حال تا کنون در خواست ایران برای عضویت دائمی مورد بررسی قرار نگرفته است.

نشست هشتم و امیدهای پیش رو هشتمین نشست سران سازمان همکاری شانگهای در ۷ شهریور در شهر «دوشنبه» پایتخت تاجیکستان و به منظور تعمیق همکاری های امنیتی، اقتصادی و سیاسی در چارچوب این سازمان، برگزار شد. در نشست سران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در دوشنبه، طیف وسیعی از مسائل نظیر مبارزه علیه تروریسم، قاچاق مواد مخدر، قاچاق سلاح و انسان، پذیرش اعضای جدید در این سازمان، اعطای عضویت ناظر به کشورهای علاقه مند، بررسی بحران افغانستان، بحران انرژی و مسائل اقتصادی و تجاری و غیره مورد بررسی قرار گرفت.

به طور کلی سازمان همکاری شانگهای با اقدامات و تصمیمات مهم سیاسی، اقتصادی و امنیتی در صدد است جایگاه بین المللی برجسته تری پیدا کند. به خصوص که از یک سو قرار گرفتن کشورهای عضو شانگهای در منطقه موسوم به «هارتلند» (قلب زمین) بر اهمیت این سازمان افزوده و از سوی دیگر حضور روسیه و چین به عنوان دو

نشست نخست وزیران سازمان همکاری های شانگهای در سال های ۲۰۱۳ در تاشکند ازبکستان، ۲۰۱۲ در بیشکک، ۲۰۱۱ در سن پترزبورگ روسیه، ۲۰۱۰ در دوشنبه تاجیکستان، ۲۰۰۹ در پکن، ۲۰۰۸ در آستانه و به همین ترتیب بین کشورهای عضو به صورت گردشی برگزار شده است. اساسنامه سازمان همکاری های شانگهای بر شفافیت عملکرد و بی طرفی نظامی آن تأکید می کند. سازمان همکاری های شانگهای نقش موازنه دهنده ای در صحنه بین المللی خصوصاً در مقابل پیمان ناتو و ماجراجویی های نظامی آمریکا ایفا می کند. برای مثال، آمریکا درخواستی جهت عضویت به عنوان عضو ناظر به سازمان همکاری های شانگهای ارائه کرده بود، اما این درخواست در سال ۲۰۰۵ از طرف سازمان رد شد.

جمهوری اسلامی ایران نیز در ۱۴ تیر، ۱۳۸۴ در جریان نشست سران سازمان همکاری شانگهای در شهر آستانه پایتخت قزاقستان، به عضویت ناظر در این سازمان پذیرفته شد و از آن زمان تاکنون، در تمامی نشست های ساختاری سازمان در بالاترین سطح شرکت داشته است. شایان ذکر است که نشست سران، بالاترین ارگان سازمان شانگهای است و جمهوری اسلامی ایران نیز از زمان کسب عضویت ناظر تاکنون، در نشست ها حضور داشته است.

نخستین حضور ایران در نشست سازمان همکاری های شانگهای به ۱۴ تیر ۱۳۸۴ باز می گردد که طی آن محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهور وقت، در پنجمین نشست سران سازمان همکاری شانگهای در شهر آستانه پایتخت قزاقستان شرکت داشت. در جریان این نشست، جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو ناظر شناخته شد. پس از آن ششمین نشست سران سازمان همکاری شانگهای در شهر شانگهای چین برگزار شد و محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران ۲۵ خرداد ۸۵ در آن حضور یافت.

هفتمین نشست سران سازمان همکاری شانگهای نیز در بیشکک قرقیزستان برگزار شد که بار دیگر محمود احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور ایران در ۲۵ مرداد ۱۳۸۶ در آن حاضر شد. در نشست هفتم شانگهای دیدگاه های اعضای نسبت به ایران نزدیک تر و مساعد تر شد. اعضاء دائم بر این مهم اذعان داشتند که حضور ایران در این سازمان، با توجه به منابع و موقعیت ژئوپلیتیک آن مزیتی مهم به شمار می آید. بر همین اساس در خصوص احتمال زیاد پذیرش

چین و روسیه مهمترین اعضای سازمان همکاری شانگهای به شمار می‌روند. آنان در شکل دهی به تصمیمات این سازمان نقش کلیدی بازی می‌کنند. با اینهمه نباید فراموش کرد که این دو کشور از دیرباز رقبای یکدیگر در حوزه های گوناگون سیاسی-اقتصادی و حتی فرهنگی در منطقه آسیای مرکزی بوده‌اند. پذیرش هند یا پاکستان به عنوان عضو اصلی سازمان همکاری شانگهای بی تردید می‌تواند موازنه قوا را به نفع یکی از دو قدرت بزرگ این نهاد منطقه ای تغییر دهد. از این رو ملاحظات این کشورها در زمینه پیامد عضویت هند یا پاکستان در این نهاد موجب شده است که تاکنون این دو کشور همچنان به عنوان اعضای ناظر و بدون حق رای به شرکت در نشست ها و برنامه های این سازمان بسنده کنند. اینک نیز که با پذیرش این کشورها به عنوان اعضای دائم موافقت شده است هر دو کشور در یک نشست پذیرفته شده‌اند و تلاش شده است که تفاوتی میان نحوه پذیرش آنها وجود نداشته باشد.

در این میان رقابت های میان هند و پاکستان و احتمال ورود این دشمنی ها و رقابت ها به درون روابط منطقه ای کشورهای عضو سبب شده بود که ملاحظات بیشتری برای پذیرش کامل این دو کشور در نظر گرفته شود. با این همه تلاش هر دو کشور برای کاهش سطح تنش های مرزی در سال های اخیر موجب شده است که زمینه مساعدتری برای همکاری ایشان در چارچوب یک سازمان منطقه ای فراهم آید.

با این همه باید نزدیکی رویکرد سیاست خارجی هند و پاکستان به همکاری با کشورهای غربی را نیز افزود. همکاری با غرب از سوی پاکستان قدمتی چند دهه ای دارد و هند نیز در سال های گذشته با کنار گذاردن رویکردهای چپ گرایانه خود در عرصه های اقتصادی و سیاسی به همکاری با کشورهای غربی روی آورده است. با توجه به بالا گرفتن دامنه اختلافات میان روسیه و غرب از یک سو و تلاش چین برای شکل دادن به یک سازوکار امنیتی آسیایی از سوی دیگر، می‌توان پذیرش هند و پاکستان در سازمان همکاری شانگهای را تلاش چین و روسیه برای جلب نظر این دو کشور جهت همکاری های درون قاره ای در آسیا طی سال های آینده در نظر گرفت.

چهاردهمین نشست نخست وزیران سازمان همکاری شانگهای شامگاه سه شنبه با صدور بیانیه ای و با تأکید بر تقویت و تحکیم همکاریهای اقتصادی و بالا بردن سطح مشارکت ها در عرصه بین المللی میان کشورهای عضو و ناظر به کار خود پایان داد.

در بخشی از بیانیه پایانی این نشست آمده است که همه اعضا می‌بایست علاوه بر اتخاذ ابتکار عمل در جهت توسعه همکاری های منطقه ای، راههای رسیدن به این مهم را تقویت کنند.

این بیانیه همچنین تعمیق و توسعه همکاری های اقتصادی میان اعضای سازمان همکاری شانگهای (SCO) را تضمین کننده توسعه پایدار در ابعاد اقتصادی و اجتماعی دانسته است. نخست وزیران سازمان همکاری شانگهای همچنین در بیانیه خود یادآور شدند که در شرایط دشوار اقتصاد جهانی، گسترش تبادلات اقتصادی منطقه ای می‌تواند یکی از راههای مناسب برون رفت از بحران های مالی و مدلی جدید برای حکومت های مختلف باشد.

شرکت کنندگان در این نشست در عین حال حمایت خود را از پیشنهاد «لی که چانگ» نخست وزیر چین جهت احیا و بازسازی جاده ابریشم اعلام و یادآور شدند که با اجرا و تحقق طرح های توسعه پایدار اقتصادی است که می‌توان به صلح و ثبات منطقه امیدوار بود. رئیس اجرایی دولت افغانستان در اجلاس همکاری شانگهای بر مبارزه جدی بر ضد تروریسم و گسترش و تقویت همکاری های منطقه ای تأکید کرده است.

حفظ تعاملات اقتصادی اعضا و شکل دهی به تلاش های جمعی با هدف تقویت مزایای اقتصاد رقابتی و افزایش سرمایه گذاری در حوزه محیط زیست تأکید شد.

در دسامبر ۲۰۱۵ چهاردهمین اجلاس نخست وزیران کشورهای عضو سازمان شانگهای در چین برگزار شد. در این اجلاس نخست وزیران افغانستان، هند و پاکستان و محمود واعظی وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی ایران نیز شرکت داشتند. ایران، افغانستان، مغولستان، هند و پاکستان به عنوان کشورهای ناظر در این اجلاس شرکت داشتند و هند و پاکستان تلاش دارند با جلب رضایت کشورهای عضو بتوانند به عضویت دائم این سازمان در آیند. اما باید بدورستی دریافت کشورهای هند و پاکستان با آزمایشات موشکی خود توازن نظامی و امنیتی را در منطقه برهم زده با هم رقابتی اتمی را شروع کرده‌اند که این خود برای امنیت شبه قاره خطر بزرگی محسوب می‌شود و عضویت دائم این دو کشور در سازمان همکاری شانگهای مورد تردید واقع شده است. «ممنون حسین» رئیس جمهور پاکستان نیز به چین سفر کرده است تا بتواند در راستای این اجلاس همکاریهای تجاری و اقتصادی خود را با چین افزایش دهد و کریدور تجاری چین و پاکستان با سرعت بیشتری پیش رود.



همکاری های منطقه ای در عصر جهانی شدن نیز همچنان از اهمیت ویژه ای برخوردار هستند. بسیاری از کشورها برای کاهش تنش ها و افزایش منافع مشترک میان خود و همسایگان مایلند به جای جبهه بندی های سیاسی و امنیتی، زمینه شکل گیری همکاری های منطقه ای در چارچوب سازمان های منطقه ای را بنیان نهند از این رو هند و پاکستان نیز علاقمندی خود به همکاری با اعضای سازمان همکاری شانگهای را اعلام کرده‌اند. البته این نخستین سازمان منطقه ای نیست که این دو کشور مایل به همکاری در آن هستند. پیش از این نیز مجمع همکاری کشورهای جنوب آسیا (سارک) با حضور هشت کشور آسیای جنوبی پی ریزی شده و در حالی که هر دوی این کشورها ادعای راهبری آن را دارند به کار خود ادامه داده است.

البته باید توجه داشت که عضویت ناظر در سازمان شانگهای توسط این دو کشور برای چندین سال ادامه یافت تا اینکه سرانجام زمینه پذیرش دائم آنها فراهم آمد. در واقع همکاری میان هند و روسیه از یک سو و پاکستان و چین از سوی دیگر موجب شده بود که اختلافات دیرینه میان هند و پاکستان در حوزه رقابت های میان چین و روسیه نیز تبلور یابد و زمینه عضویت دائم این دو کشور در این سازمان منطقه ای را به تعویق اندازد.

عضو دائم شورای امنیت، توان سیاسی این سازمان را نیز دو چندان کرده است. از این رو با توجه به نقش سازمان شانگهای در همگرایی منطقه ای و جهانی کشورهای عضو، عضویت ایران نیز می‌تواند گام مهمی جهت توسعه روابط خارجی محسوب شود.

با این حال در خصوص تغییر وضعیت حضور ایران از وضعیت ناظر به عضویت دائم، مشکلات مختلفی وجود دارد. در این بین مهمترین مشکل به آیین نامه این سازمان باز می‌گردد که شیوه پذیرش اعضای دائم جدید را مشخص نکرده است. از این رو اقدام برای افزایش شمار اعضای دائم، نیازمند تصویب مقررات جدید و اصلاح بندهای این آیین نامه است.

به هر روی علاوه بر ایران، کشورهای هند، مغولستان و پاکستان نیز که به عنوان عضو ناظر در سازمان قرار دارند، خواستار عضویت دائم هستند. در شرایطی که تحولات اخیر در جهان و منطقه، انگیزه برای بازنگری در نحوه پذیرش اعضای جدید را افزایش داده است، ایران، هند، پاکستان و مغولستان نیز باید بر عضویت دائم خود بیش از پیش پای بشارند.

در نتیجه سازمان همکاری شانگهای یک سازمان همکاری چندجانبه محسوب می‌شود که از جهات امنیتی، اقتصادی

و همکاری های منطقه ای حائز اهمیت است. به خصوص که در آن دو قدرت منطقه ای همانند چین و روسیه حضور دارند که هر دو نیز داعیه تبدیل شدن به یک ابرقدرت را در سر می‌پروراند. علاوه بر این در شرایطی که سازمان همکاری شانگهای نشان داده است که مخالف ایجاد جهان تک قطبی به رهبری آمریکا است.

چهاردهمین اجلاس سران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در تاریخ های ۹ و ۱۰ ژوئن ۲۰۱۵ (۱۸ و ۱۹ تیر ۹۴) در شهر اوفلا مرکز جمهوری باشقیرستان روسیه برگزار گردید. اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای و نیز گروه بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در حالی در روسیه برگزار گردید که نگاه جهانیان به مذاکرات هسته ای جمهوری اسلامی ایران و گروه ۵+۱ در وین دوخته شده بود. در واقع وزیران امور خارجه روسیه و چین که اعضای اصلی و تشکیل دهنده سازمان شانگهای و گروه بریکس محسوب می‌شوند؛ بطور مستقیم و از محل مذاکرات هسته ای در هتل کوبورگ وین خود را به محل برگزاری اجلاس در اوفلا رسانده بودند.

نشست سیزدهم نخست وزیران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در شانزدهم دسامبر ۲۰۱۴ میلادی در شهر «آستانه» قزاقستان برگزار و در جریان آن بر لزوم

تشدید اختلافات خطیب افراطی لال مسجد و دولت پاکستان

خطیب افراطی لال مسجد پاکستان برای اجرای آنچه وی شریعت خواند و یافتن دامادش مهلتی ۲ هفته ای به دولت پاکستان داد.

در سال ۲۰۰۷ میلادی «پرویز مشرف» رئیس ستاد ارتش پاکستان و رئیس جمهور وقت پاکستان به نیروهای امنیتی دستور داد افرادی را که در «لال مسجد» تحصن کرده بودند مورد هدف قرار دهند و این دستور در واقع از سوی مقامات آمریکایی به پرویز مشرف دیکته شد، چون آمریکاییها معتقد بودند که طلایی که در این مسجد و مدرسه آن در حال آموزش هستند تحت نظر طالبان پاکستان و برای عملیات تروریستی در حال آموزش هستند. در حمله نیروهای امنیتی به «لال مسجد» حدود ۱۰۰ نفر کشته شدند و برادر خطیب افراطی لال مسجد بنام «عبدالرشید غازی» نیز کشته شد و خطیب این مسجد «مولانا عبدالعزیز» با پوشیدن چادر زنانه از مهلکه جان سالم بدر برد اما توسط نیروهای پلیس دستگیر شد.

مولانا عبدالعزیز که تفکرات تکفیری تروریستی در سر می پروراند و از طرفداران طالبان و داعش در پاکستان است در فکر انتقام و رسیدن به خواسته های خود است. اخیرا «عارف نظامی» روزنامه نگار ارشد پاکستانی در گفتگوی خود با شبکه تلویزیونی ۲۴ به این موضوع مهم اشاره کرده است که همسر مولانا عبدالعزیز بنام «امه حسان» که مدیریت مدرسه «جامعه فحسه» را در اسلام آباد به عهده دارد از «یوبکر البغدادی» خواسته است تا در بوجود آوردن داعش در پاکستان به او کمک نماید و اینگونه ارتش و دولت پاکستان به شدت حرکات مولانا عبدالعزیز و همسرش را دنبال می کنند و هفته پیش مولانا



عبدالعزیز در حرکتی نمادین قرار بود برای «اجرای شریعت اسلامی» از لال مسجد با طرفدارانش تظاهرات اعتراض آمیزی به راه بیندازد اما با اقدام به موقع پلیس و نیروهای امنیتی مسجد به محاصره نیروهای امنیتی درآمد و او نتوانست به هدف خود دست یابد.

مولانا عبدالعزیز پس از حمله تروریستی طالبان به مدرسه نظامی در پیشاور پاکستان و کشته شدن بیش از ۱۵۰ نفر دانش آموز اعلام کرد که دولت پاکستان طالبان را عفو کند و عملیات نظامی علیه آنها غیر شرعی است. مولانا عبدالعزیز بطور آشکار و واضح از طالبان دفاع می کند و خواستار مذاکره دولت با آنهاست اما «تواز شریف» نخست وزیر پاکستان و «همنون حسین» رئیس جمهور پاکستان با درخواست عفو عاملان حمله تروریستی به مدرسه نظامی در پیشاور پاکستان مخالفت کردند و طبق حکم دادگاه نظامی و تایید از سوی فرمانده ارتش پاکستان ۴ نفر محکوم به اعدام هستند و باید حکم به اجرا درآید.

چندی پیش بین مولانا عبدالعزیز و مقامات دولتی مذاکراتی ۲ ساعته صورت گرفت و او خواسته هایی از دولت داشت که عمل نکردن به آن خواسته ها را تهدیدی برای دولت دانست. او از دولت خواست که دامادش که از ژوئن سال ۲۰۱۴ تا کنون مفقود الاثر است بزودی پیدا شود. او معتقد است از آنسبهای امنیتی اطلاعاتی دامادش را دستگیر و به مکانی نامعلوم برده اند. از دیگر شرایط مولانا این است که از این به بعد اجازه داده شود در لال مسجد نماز جمعه برگزار شود. مولانا عبدالعزیز که قانون اساسی پاکستان را قبول ندارد از دولت خواسته است به او اجازه داده شود برای «اجرای (نفاذ) شریعت اسلامی» در پاکستان به فعالیتهای خود ادامه دهد و در صورتی که بعد از ۲ هفته خواسته های او عملی نشود تظاهرات گسترده ای را به کمک طرفداران خود در اسلام آباد به راه خواهد انداخت. این روزها زمزمه های از بوجود آمدن داعش و نفاذ شریعت اسلامی در پاکستان به گوش می رسد و مقامات سیاسی و

نظامی پاکستان را نگران کرده است و مقامات در سخنان خود به کرات به این موضوع اشاره دارند که اجازه نخواهیم داد سایه گروه تکفیری - تروریستی داعش به پاکستان برسد. از سویی در ماههای گذشته ما شاهد آن هستیم که خبرهای از دستگیری افراد نفوذی داعش در پاکستان و افغانستان به گوش می رسد و اذهان عمومی را نگران موضوع نموده است. از لحاظ موقعیت جغرافیایی منطقه پاکستان و افغانستان بستر مناسبی برای رشد و نمو گروههای تروریستی دارد و این منطقه از سالیان متمادی بستر هجوم بیگانگان و افراطیون است. لال مسجد کهنه زخمی است که هنوز التیام نیافته است و هر آن ترس آن وجود دارد پاکستان را به ورطه نابودی بکشاند.

شورای مرکزی داعش تصمیم گرفته بود در کشورهای هند، پاکستان و بنگلادش رهبرانی را برای تشکیل گروه داعش در شبه قاره در نظر بگیرد و مولانا عبدالعزیز را بعنوان رهبر داعش در پاکستان انتخاب نماید. از سویی دیگر دادگاه رسیدگی به جرائم جنگی در بنگلادش افراد وابسته به «حزب ملی» و «جماعت اسلامی» را که در جنگ تاریخی سال ۱۹۷۱ میلادی بین هند و پاکستان، از پاکستان واحد حمایت می کردند به اتهام جرائم جنگی اعدام کرده است و شبکه های اجتماعی را در این کشور به دلایل امنیتی قطع کرده است. هند، پاکستان و بنگلادش بخوبی پیام و تهدید تروریستهای داعش را دریافته اند و تدابیر امنیتی ویژه ای نیز برای مبارزه با آن اتخاذ نموده اند.

متعاقب اعدام رهبران دو حزب ملی و جماعت اسلامی در بنگلادش، اسلام آباد به این امر اعتراض کرد.

هشدار چین به هند/دهلی از اقدامات مداخله جویانه در منطقه دست بکشد



سه جانبه در منطقه بنگال می تواند پیام های روشنی برای پکن داشته باشد.

چین نیز به آمریکا هشدار داده است از اعزام ناوهای خود به جزایر تحت مالکیت این کشور در دریای چین جنوبی خودداری ورزد و سعی در آزمودن قدرت نظامی چین نداشته باشد.

کارشناسان نظامی و امنیتی می گویند که هر چند هدف از برگزاری این رزمایش تقویت امنیت اقیانوس هند، امدارسانی و مقابله با دزدان دریایی عنوان شده ولی مهمترین هدف این کشورها مقابله با نفوذ روزافزون چین است.

علاوه بر این ژاپن و هند روز گذشته برای اولین باریه مشترکی صادر کردند، در این بیانیه دو کشور از وضعیت موجود در دریای چین جنوبی اظهار نگرانی کرده بودند. وزارت خارجه چین نیز در عکس العمل به این اقدام بیان داشته بود: اقدامات پکن در دریای چین جنوبی اقدامات سازنده ای است که مطابق با قوانین بین المللی صورت می گیرد.

لازم به ذکر است که چند ماه پیش نیز، برای نخستین بار در هشت سال گذشته رزمایش دریایی مالابار با حضور هند، آمریکا و ژاپن در خلیج بنگال برگزار شد. مالابار یک رزمایش مشترک سالیانه بین هند و آمریکا محسوب می شود که نیروی دریایی استرالیا نیز در سال ۲۰۰۷ به آن پیوسته است.

ناظران بیان کردند که با توجه به رویارویی فزاینده نظامی چین و آمریکا در دریای چین جنوبی، شروع یک رزمایش

وزارت خارجه چین به هند هشدار داد که از اقدامات مداخله جویانه در منطقه دست بردارد چرا که این اقدامات سبب دامن زدن به تنش ها و درگیری ها خواهد شد.

روابط بین چین و آمریکا به واسطه درگیری ها و منازعات در دریای چین جنوبی متزلزل است و در این میان هند نیز در تشویش این روابط نقش بسیار موثری دارد.

در این راستا هند در تلاش است تا ژاپن را به عضویت دائم برای شرکت در رزمایش مشترک «مالابار» که هر ساله برگزار می شود، درآورد. این اقدام هند سبب خشم شدید «پکن» شد و وزارت خارجه این کشور به هند هشدار داد که دست از این اقدامات مداخله جویانه بردارد.

در این بیانیه همچنین آمده است: موضع چین در جهت حضور ژاپن در این رزمایش کاملا واضح است و بنابراین کشورهای منطقه از دامن زدن به تنش ها و درگیریها در منطقه خودداری کنند.



امریکا

دبیران: فرزاد فرهاد توسکی
مهدی ذوالفقاری



ژئوپلیتیک اینترنت؛ تلاش آمریکا برای ایجاد ائتلاف های بین المللی

مهدی پور حسینی

این کشور بر حمایت خویش از مدل چند ذی نفعی در حکمرانی اینترنت تاکید نمود و بر تلاش همکاری جویانه در اجلاس حکمرانی اینترنت و اجلاس مرور دستاوردهای ده ساله در سازمان ملل اعلام نمود.

شورای همکاری خلیج فارس

این شورا موافقت خویش را برای مشورت در خصوص امنیت سایبری به اشتراک گذاری تجربیات در خصوص سیاست های سایبری و پاسخ به حوادث سایبری اعلام نمود و ایالات متحده در خصوص حمایت های امنیتی، بهبود به اشتراک گذاری اطلاعات و ایجاد کارگاه های آموزشی تاکید نمود.

هند: این کشور موافقت خویش را در جهت تقویت همکاری ها در خصوص جرایم سایبری، همکاری در خصوص افزایش به اشتراک گذاری اطلاعات، بررسی چگونگی استفاده از حقوق بین الملل برای فضای مجازی و تلاش مشترک برای ایجاد اجماع در جهت ایجاد هنجارهای رفتاری دولت ها اعلام نمود.

ژاپن: این کشور موافقت خویش را برای توسعه همکاری های دوجانبه در دور سوم گفتگوهای سالانه آمریکا-ژاپن و تاکید بر هنجارهای داوطلبانه در خصوص مسائل سایبری در زمان صلح، افزایش به اشتراک گذاری اطلاعات در خصوص حوادث سایبری و همکاری برای حفظ زیرساخت های حیاتی تاکید نمود.

تقویت همکاری های پایدار حقوقی بین المللی

یکی از ابعاد مهم بین المللی ژئوپلیتیکی فضای مجازی تلاش کشورها برای ایجاد اتحاد و ائتلاف های بین المللی برای پیشبرد اهداف در فضای مجازی است. این اتحاد و ائتلاف ها دارای ابعاد گوناگونی مانند تعریف کشورها از حکمرانی و مدیریت بر اینترنت گرفته تا مسائل امنیت سایبری و ایجاد اجماع جهانی برای ایجاد قواعد حقوق بین الملل سایبری را در بر می گیرد. در این میان کشورها سعی دارند با روش های دیپلماتیک ابتکار عمل را در جامعه بین المللی در دست گرفته و قواعد سیاسی و حقوقی را با توجه به منافع ملی خودشان و استراتژی سایبری خویش به انجام برسانند. ایالات متحده آمریکا در سال جاری فکت شیتی را منتشر کرده و در آن به تلاش هایش در صحنه بین المللی در جهت ایجاد ائتلاف در فضای مجازی به قصد تقویت موقعیت این کشور در جهت هدایت و رهبری فضای مجازی اشاره کرده است. در این فکت شیت آمده است که رئیس جمهور این کشور در ملاقات با سران کشورهای مورد اشاره به توافقاتی در حوزه فضای مجازی دست یافته است که به شرح ذیل است:

برزیل: این کشور موافقت خویش را برای گسترش همکاری دوجانبه در خصوص مسائل سایبری در اجلاس کارگروه مشترک دو کشور در خصوص اینترنت و تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطی در برازیلیا اعلام نمود.

همکاری ها در جهت دفاع سایبری از طریق سرت، جامعه اطلاعاتی و همکاری های حقوقی تاکید نمود.

تقویت مشارکت منطقه ای و چند جانبه

بخشی از این تلاش ها در اجلاس جی ۷ بود و کشورهای این گروه برای تقویت مشارکت جهت افزایش امنیت سایبری در بخش انرژی موافقت نمودند.

گروه کارشناسان دولتی سازمان ملل متحد سه قسمت از هنجارهای پیشنهادی این کشور در خصوص رفتار دولت ها در فضای مجازی در زمان صلح را تصویب نمود.

وزارت دفاع آمریکا مشارکت خویش را در تمرین های سایبری و کمک به آمادگی ناتو و هم پیمانان این سازمان در مواجهه با چالش امنیت سایبری از طریق ابتکار جدید برای کمک به توسعه استراتژی دفاعی و برنامه برای حفاظت از زیر ساخت های حیاتی را اعلام نمود.

در سال جاری «اف بی آی» سه دفتر دائمی برای همکاری های سایبری در شهرهای لندن، اوتاوا و کانبرا ایجاد کرد. این دفاتر خارجی با آژانس های اطلاعاتی، اشتراک گذاری اطلاعات را تسهیل کرده و باعث افزایش همکاری برای تحقیقات قضایی و بهبود ارتباط با شرکای خارجی ایجاد شده است. این همکاری ها در سال جاری توسعه یافته است.

توسعه ظرفیت ابتکارات سایبری

همه کشورها قادر به مبارزه با فعالیت های بدخواهانه در فضای مجازی با روش های پیش گیرانه و کاهش حوادث درون حوزه های سرزمینی خویش هستند. برای توسعه ظرفیت های بین المللی وزارت خارجه اقداماتی را از قبیل تیم پاسخ به حوادث سایبری و توسعه پروژه ها تاکید کرده است.

انگلستان: این کشور موافقت خویش را برای بهبود زیر ساخت های حیاتی، امنیت سایبری شامل تمرین مشترک، تقویت

آثار دوگانه کاهش قیمت نفت بر اقتصاد ایالات متحده آمریکا

مهدی پور حسینی

البته برخی از کارشناسان معتقدند که به دلیل وجود طیفی از مناطق در ایالات متحده که در آن هزینه های تولید نفت شیل در آنها بسیار متفاوت است در مجموع ممکن است در کوتاه مدت شرکت های آمریکایی ضرر چندانی متحمل نگردند و در صورت ادامه این روند و در بلندمدت شرکت ها ضرر خواهند کرد.

ولی کاهش ۱٪ قیمت سهام در بورس نیویورک و ۳٪ ارزش شرکت های نفتی آکسون و شوروین به دلیل کاهش قیمت جهانی نفت نشان دهنده تاثیرات کاهش قیمت نفت بر شرکت های آمریکایی است.

ولی از طرف دیگر این کشور دومین وارد کننده نفت خام است. بنابراین کاهش قیمت جهانی نفت باعث کاهش هزینه های سوخت در سید هزینه های تولید کنندگان و خانواده های آمریکایی شده و باعث افزایش مصرف و تولید بیشتر و در نتیجه افزایش تولید ناخالص داخل این کشور خواهد بود. بنابراین اثرات جهانی کاهش قیمت نفت بر اقتصاد ایالات متحده یک اثر دوگانه و البته بیشتر با نقش مثبت خواهد بود.

کاهش تولید نفت خام و افزایش نیاز به واردات مواجه بود ولی این کشور در پنج سال گذشته به مدد وجود منابع نفت شیل که بیشترین آن در کلرادو آمریکا واقع شده و برآورد می گردد که بالغ بر ۲/۳ تریلیون تن باشد، تکنولوژی های جدید که این منابع را استخراج کرده و همچنین بالا بودن قیمت جهانی نفت در سال های گذشته که باعث مقرر به صرفه شدن استخراج این نوع نفت شده خود به یکی از تولید کنندگان مهم تبدیل شده است.

بنابر این با توجه به بالا بودن هزینه تولید نفت شیل در ایالات متحده آمریکا کاهش جهانی قیمت نفت از یک طرف باعث کاهش استخراج و تولید نفت در این کشور و کاهش یک منبع قوی تولید شغل، سرمایه گذاری و مشاغل خدماتی از قبیل خدمات حفاری، حمل و نقل، هتل و رستوران هایی که برای خدمت رساندن به توسعه نفت شیل ایجاد شده اند می گردد.

همچنین سرمایه گذاران و بانکدارانی که در این حوزه سرمایه گذاری کرده اند و شرکت های بزرگ نفتی نیز به طور مستقیم از کاهش قیمت نفت متضرر خواهند شد.

پس از تصمیم اوپک مبنی بر تولید نفت بدون در نظر گرفتن سقف تولید و در واقع از کار انداختن ابزار این کارتل نفتی برای کنترل قیمت جهانی نفت، تولید نفت اوپک به رقم بی سابقه حدود ۳۲ میلیون بشکه در روز رسید.

از طرف دیگر گزارش آژانس بین المللی انرژی مبنی بر عدم کاهش تولید نفت و گزارش ماهانه اوپک مبنی بر افزایش تولید نفت این سازمان نسبت به ماه گذشته قیمت نفت برنت را به بشکه ای ۳۷ دلار رساند. این کاهش قیمت نفت اثرات متفاوتی را بر کشورهای گوناگون بر جای خواهد گذاشت.

شاید در نگاه اول چنین به نظر برسد که ایالات متحده آمریکا از کاهش قیمت جهانی نفت بهره زیادی را نصیب خود می نماید ولی شرایط پیچیده تر از این است.

درست است که ایالات متحده دومین وارد کننده نفت جهان است ولی دومین تولید کننده نفت جهان نیز به شمار می رود. در دهه ۹۰ و اوایل دهه ابتدایی قرن ۲۱ ایالات متحده با

«گروه بین‌المللی بحران» بررسی کرد؛

تکیه غرب بر اختلافات احزاب سیاسی ایران بیهوده است/عاقبت دخالت



ساختمان نظام سیاسی ایران مانع از آن می‌شود که غرب بتواند به خیال تفرقه اندازی در بین احزاب سیاسی به اهداف بلند مدت خود دست یابد و حفظ روابط با تهران تنها با استناد به راه‌های دیپلماتیک میسر است.

نزدیک شدن به زمان اجرای توافق هسته‌ای بین ایران و کشورهای ۵+۱ این سؤال اصلی را به ذهن متبادر می‌سازد حال که تهران بعد از گذشت بیش از سه دهه درهای روابط دیپلماتیک را به روی غرب گشوده است، چگونه می‌توان از فرصت به دست آمده برای تداوم مذاکرات در زمینه‌های مشترک همکاری استفاده کرد. در این میان، اگرچه ایران به خاطر حل مسائل مهمی چون برخورداری از حق داشتن انرژی اتمی و بحران سوریه، در سر میز مذاکره با قدرت‌های جهانی مجبور به هم صحبتی با آمریکا شد، اما واضح است که این تعامل به دلیل عمق خصومت دیرینه بین دو کشور از این بیشتر نخواهد شد و از این زمان به بعد، باز نگاه داشتن درهای همکاری با ایران بر دوش اتحادیه اروپا می‌افتد که همیشه وقتی پای بهبود روابط به میان می‌آید، حکم میانجی یا کاتالیزور را ایفا می‌کند.

در همین راستا، «گروه بین‌المللی بحران» با ارائه مقاله‌ای تحت عنوان «ایران بعد از توافق هسته‌ای» به شرح اقداماتی می‌پردازد که باید همزمان با اجرایی شدن «برجام» از سوی اتحادیه اروپا اتخاذ شود تا تضمینی باشد برای تداوم تلاش‌ها به ایجاد فضای اعتمادسازی بین تهران و غرب.

آنچه که در جای جای این مقاله به چشم می‌خورد هشدار است که در باره عاقبت تلاش نافرجام غرب به اعمال نفوذ در مسائل داخلی ایران داده می‌شود- تلاشی که با توجه به نظام سیاسی ایران و برهه حساسی که مقارن با سه انتخابات مجلس نمایندگان، مجلس خبرگان رهبری و ریاست جمهوری است، می‌تواند نتایج کاملاً معکوس و منفی را برای غرب به ارمغان بیاورد.

بر اساس این گزارش، در غرب بسیاری به دستاوردهای

فضای اعتمادسازی بر نمی‌دارند. باید توجه داشت که غرب همچنان ایران را به قدرت طلبی در سطح منطقه متهم می‌کند حال آنکه ایران هم به غرب به چشم مانعی بر سر راه انقلاب اسلامی می‌نگرد. با این حساب، اگر خوب نگاه کنیم، هر دو طرف تا اجرای کامل تعهدات هسته‌ای به ویژه آنهایی که به تحریم، محدودیت‌های هسته‌ای و شفاف سازی مربوط می‌شود، فاصله زیادی دارند.

این گزارش برای غلبه بر چالش‌های پیش رو، برداشتن سه گام مهم را به اتحادیه اروپا پیشنهاد می‌کند:

*در وهله نخست، اتحادیه اروپا باید دستور العمل‌های روشنی را برای آن دسته از صاحبان مشاغل که علاقمند از سرگیری تعامل با ایران هستند، تعیین کند. از همه مهمتر، اتحادیه اروپا باید با بازنگری قانون سال ۱۹۹۶، شرکت‌های تجاری اروپا را از ریسک پذیری در برابر تحریم‌های برون مرزی آمریکا مصون نگاه دارد تا اگر کنگره یا رئیس‌جمهوری آینده ایالات متحده تصمیم به بازگرداندن سیستم تحریم‌ها کنند، ضرری متوجه آنها نباشد.

حتی اقدام بعدی اتحادیه اروپا می‌تواند شامل تخصیص معافیت‌های مالیاتی یا مزیت‌های گمرکی به تجار برای ترغیب آنها به از سرگیری تجارت با ایران باشد. انتظار می‌رود که هرگونه نقص و کاستی به سرعت از جانب مسئولین مربوطه و کمیسیون مشترکی که در راستای اجرای برجام به وجود آمده، رفع شود.

*در گام دوم، اتحادیه اروپا که در این میان نقش نماینده جامعه غرب را ایفا می‌کند، باید به آرامی کانال ارتباطی غیر سیاسی را برای آغاز گفت‌وگو با دولت ایران در زمینه‌های مشترک باز کند.

البته، بعد از حصول توافق هسته‌ای، ایران و اتحادیه اروپا با برگزاری یک سلسله گفت‌وگوها در باب موضوعات مختلف از جمله توسعه منطقه‌ای و حقوق بشر موافقت کردند. انتظار می‌رود که این گفت‌وگوها به سرعت آغاز شده و با نهایت دقت نیز پیگیری شود.

* گام سوم هم مدیریت مسائل منطقه‌ای است. بی‌شک، غرب به حمایت سیاسی و نظامی خود از دشمنان منطقه‌ای ایران ادامه خواهد داد تا به این ترتیب دغدغه خود را از تبدیل ایران به یک قدرت هژمونیک کاهش دهد. اما آنها باید با توجه به خطر افزایش رقابت تسلیحاتی که به دنبال حصول توافق هسته‌ای در سطح منطقه به وجود آمده است، جوانب احتیاط را رعایت کنند. بنابراین، برای اعضای ۵+۱ به مراتب بهتر است که سطح تعاملات دیپلماتیک را در منطقه دو برابر کنند. در این راه، مذاکرات صلح سوریه به منزله نخستین قدم بود حال آنکه نتیجه هم چندان رضایت‌بخش نبود. نباید فراموش کرد که امنیت پایدار مستلزم مشارکت همه کشورهای منطقه است. بنابراین، روندی که در مذاکرات وین در پیش گرفته شد، بدون در نظر گرفتن نتیجه نهایی، باید همچنان ادامه پیدا کند.

به ادعای نویسندگان این گزارش، نظام سیاسی ایران بیش از تغییر به تداوم پایبند است و بازیگران خارجی نمی‌توانند با سرمایه‌گذاری بر روی یکی از دو حزب مطرح طیف سیاسی (به ویژه میانه‌روهای پراگماتیک) روند تغییر را تسریع کنند. در ایران، هیچ تغییر سیاسی بدون آنکه از حمایت همزمان رهبر عالی انقلاب اسلامی و اصول‌گرایان پراگماتیک برخوردار باشد، محقق نمی‌شود. بنابراین، در برهه حساس دو سال آینده (۱۶-۲۰۱۵ میلادی) که در آنها به ترتیب انتخابات مجلس نمایندگان، مجلس خبرگان رهبری و در نهایت ریاست جمهوری برگزار می‌شود، تلاش غرب برای اعمال نفوذ، نتایج معکوسی را به بار خواهد آورد.

توافق هسته‌ای و روند تدریجی تغییر در ایران خوشبین هستند. حتی برخی به سختی در برابر وسوسه تسریع روند این تحول مقاومت می‌کنند و شاید با همین نگاه است که در غرب بعضی‌ها به ترغیب ایران برای تغییر سیاست‌های منطقه‌ای و حتی حقوق بشری خود روی آورده‌اند.

اما هشدار می‌دهد که نباید از توجه به آن غافل بود این است که اعمال فشار بی‌مورد بازده مطلوبی نخواهد داشت و از آن بدتر، تلاش برای تقویت جریان «میانه‌رو» ایران هم می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد.

گزارش می‌افزاید: تمایل غرب به حمایت از میانه‌روها در برابر اصول‌گرایان از زمان حصول توافق هسته‌ای ایران افزایش چشمگیری داشته است اما با توجه به این حقیقت اثبات شده که عوامل خارجی هیچگاه موفق به اعمال نفوذ سیاسی در این کشور نبوده‌اند، اگر شکافی هم بین احزاب ایرانی وجود داشته باشد، بهتر است که غرب به آن تکیه نکند و از جانب‌داری در مسائل داخلی ایران بپرهیزد چرا که حتی حرف زدن در باب این موضوع هم می‌تواند به شک اصول‌گرایان مبنی بر اینکه هدف نهایی غرب از امضای توافق هسته‌ای تغییر ماهیت حکومت انقلاب اسلامی است، دامن بزند.

از سویی به دلایل مشابه، اعمال فشار سیاسی شدید و ناگهانی در زمینه حقوق بشر یا حمایت ایران از گروه‌های مقاومت هم می‌تواند شک هر دو گروه اصولگرایان رادیکال و پراگماتیک (عمل‌گرا) را برانگیزد که مبدا ماجرای هسته‌ای اولین قدم برای مهار ایران باشد و زمینه‌ای شود برای اینکه غرب بخواهد در حوزه‌های دیگر هم بر ایران اعمال فشار کند.

معکوس کردن روند خصومتی که بیش از سه دهه بر روابط تهران و غرب سایه انداخته، امری ساده نیست که به سرعت اتفاق بیافتد. بنابراین اولین قدم پس از حصول توافق هسته‌ای باید شامل اتخاذ اقدامات مشخص برای پاسخگویی به دغدغه‌های باشد که در هر دو طرف حتی با وجود «برجام» دست از آلوده کردن

هزینه های امضای دردسرساز اوباما/ ایران و اروپا علیه آمریکا



سرانجام باراک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا با امضای لایحه بودجه سال آینده این کشور، محدودیت های تازه برای ورود به این کشور را نیز (در قالب بخشی از قانون بودجه) مورد تأیید قرار داده است. این محدودیتها شامل شهروندان ۳۸ کشوری می شود که در حال حاضر بدون ویزا به آمریکا سفر می کنند. اکثر این کشورها اروپایی هستند. بر این اساس، اتباع کشورهای اروپایی، استرالیا، انگلیس که از سال ۲۰۱۱ میلادی به بعد به یکی از کشورهای عراق، سوریه، سودان و ایران سفر کرده باشند باید برای ورود به ایالات متحده آمریکا ویزا دریافت کنند. این در حالیست که دیگر اتباع ۳۸ کشور مذکور که با آمریکا لغو ویزا هستند و سفری به این کشورها نداشته یا دارای تابعیت دوگانه با این کشورها نیستند می توانند همچنان بدون ویزا به ایالات متحده سفر کنند!

دیوید اُسولیان، سفیر اتحادیه اروپا در واشنگتن هشدار داده است که این اقدام ایالات متحده آمریکا می تواند برای ورود و خروج ۱۳ میلیون شهروند اروپایی به ایالات متحده مشکلاتی ایجاد کند و البته، احتمال اقدام متقابل اتحادیه اروپا نیز در قبال آمریکا در این خصوص محفوظ خواهد بود. واقعیت امر این است که امضای دردسر

نقض نگردیده، بلکه «عینیت توافق» به لحاظ حقوقی نقض شده و زیر سوال رفته است. از این رو باید با جدیت پاسخ متقابل و مناسبی را نسبت به نقض برجام از سوی طرف مقابل داد. حال باید دید آیا در این خصوص کمیته مشترک برجام می تواند به نقش خود عمل کند یا خیر.

نکته دوم در این خصوص معطوف به مناسبات ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپاست. چنانچه سفیر اتحادیه اروپا در آمریکا تأکید کرده است امکان اقدام متقابل اروپا در این خصوص وجود خواهد داشت. در این صورت، سفر شهروندان آمریکایی به کشورهای اروپایی نیز با محدودیتهایی مواجه خواهد شد. البته هنوز اروپای واحد در خصوص سطح این محدودیت تصمیم گیری نکرده است.

در نهایت اینکه امضای دردسرساز اوباما پای قانونی که مجلس نمایندگان و سنا آن را تصویب کرده اند نشان می دهد رویکرد خصمانه ایالات متحده آمریکا نسبت به ایران حتی با امضای برجام و علی رغم تعهدات صریح واشنگتن در برجام نیز به قوت خود باقی مانده است. بدیهی است که در این خصوص لازم است دستگاه دیپلماسی کشور واکنش قاطعانه ای در برابر اقدام غیر حقوقی و توهین آمیز اخیر کنگره و دولت آمریکا اتخاذ کند.

ورزند.» با این حال قانون مصوب شده به صورت علنی بر روی مناسبات اقتصادی و تجاری با ایران تأثیر خواهد گذاشت. این تأثیرگذاری معکوس خواهد بود و منجر به رهیز تجار ۲۸ کشور اروپایی، استرالیا، انگلیس و ساز سفر به ایران خواهد شد.

از این رو متعاقب امضای اوباما و تبدیل شدن مصوبه مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا به قانون، برجام به صورت علنی نقض شده است. در اینجا «نقض توافق» صورت گرفته است نه «نقض غرض». به عبارت بهتر، در اینجا روح توافق

ساز اوباما پای لایحه بودجه ایالات متحده آمریکا در دو سطح مختلف و مهم دارای عواقب و تبعات سختی برای واشنگتن خواهد بود. نخستین مورد، به مسئله برجام و اقدام مشترک باز می گردد. اقدام اخیر ایالات متحده آمریکا نقض ماده ۲۹ برجام محسوب می شود. در ماده ۲۹ برجام آمده است:

«اتحادیه اروپایی، اعضای آن و آمریکا، مطابق قوانین مربوطه شان، از هرگونه سیاستی که هدف از آن تأثیر مستقیم و معکوس بر عادی سازی روابط تجاری و اقتصادی با ایران است، باید اجتناب

هشدار مرکز مطالعات «مذهب و ژئوپلیتیک» به غرب: ایدئولوژی داعش را دست کم نگیریم



یکی از اندیشکده های انگلستان به غرب هشدار داد که ایدئولوژی داعش حتی از خود این گروه افراطی نیز خطرناک تر است و براندازی دولت دمشق به منزله فرصتی برای اشاعه تروریسم است.

مرکز مطالعات «مذهب و ژئوپلیتیک» انگلستان در گزارشی هشدارآمیز تداوم تمرکز تلاش های ضد تروریسم غرب بر گروه داعش را که به قیمت نادیده گرفتن دیگر گروه های تروریستی تمام می شود، اشتباهی راهبردی توصیف کرد.

در این گزارش آمده است که شکست داعش نمی تواند مانع گسترش تروریسم جهانی شود چرا که در حال حاضر دستکم در سوریه ۱۵ گروه افراطی با تفکری مشابه داعش وجود دارند که می توانند جایگزین آن شوند. بنابراین حتی اگر داعش هم شکست بخورد، حدود ۶۵ هزار نفر از اعضای سایر گروه های سلفی با تداوم راه داعش حملات خود را از سوریه متوجه دیگر نقاط جهان می کنند.

کمتر از یک چهارم از کسانی که از سوی این مرکز مطالعاتی مورد بررسی قرار گرفته اند فاقد ایدئولوژی افراطی بوده اند حال آنکه تعداد کثیری از آنها علاوه بر ابراز تمایل برای پیوستن به صفوف داعش از رهبری این گروه تروریستی پس از خاتمه بحران سوریه نیز حمایت می کنند.

این گزارش تأکید می کند که خواست دولت های غربی و گروه های معارض سوری به فروپاشی دولت «بشار اسد» رئیس جمهوری سوریه به جای خاتمه بخشیدن به بحران موجب دامن زدن به آتش جنگ می شود و این دقیقاً همان نتیجه ای است که بارها روسیه درباره آن هشدار داده است.

ناگفته نماند که مسکو و متحدانش در عین باور به مشروعیت دولت دمشق حق هرگونه تصمیم گیری در قبال آینده سوریه را به مردم این کشور واگذار کرده و بارها از مخالفین اسد خواسته اند تا برای تفکیک گروه های خطر آفرین، به تهیه لیستی از گروه های معارض میانه رو سوری مبادرت نمایند.

لذا این مرکز در گزارش خود می نویسد: شکست نظامی داعش به منزله پایان تروریسم جهانی نیست چرا که این یک جنگ ایدئولوژیک است و ما قادر به بمباران یک ایدئولوژی نیستیم.

گزارش مرکز مذهب و ژئوپلیتیک انگلستان به فاصله چند روز پس از آن ارائه می شود که شورای امنیت سازمان ملل متحد نقشه راهی را برای انتقال سیاسی قدرت در سوریه به تصویب رساند که در آن تنها دو گروه تروریستی داعش و «جبهه النصره» که یکی از شاخه های القاعده است از حضور در روند مذاکرات صلح سوریه باز می ماند.

گفتگو با گری سیک:

عدم اجرای برجام باعث انزوای آمریکامی شود

گفتگو از پیمان یزدانی و جواد حیران نیا



«گری سیک» با تشریح دکترین امنیتی اوباما برای خلیج فارس، درباره سر نوشت برجام بعد از اوباما گفت که عمل نکردن برجام آمریکا را در میان سایر طرف های توافق منزوی و غریبه خواهد کرد و به ضرر آمریکا است. نظم امنیتی خلیج فارس به ویژه بعد از خروج انگلیس از منطقه خلیج فارس در سال ۱۹۷۱ میلادی قابل تعریف است. بعد از خروج بریتانیا از منطقه و در دوران جنگ سرد موجب شد تا ایالات متحده آمریکا با تعیین ساختار جدید امنیتی جدید جای انگلیس را پر کند.

در دورانی که آمریکا ترجیح می داد نظم این منطقه توسط دولت های همسو با آن تأمین شود، ایران و عربستان در قالب استراتژی دوستونی نیکسون-کسینجر تأمین کننده منافع آمریکا و غرب در منطقه بودند. متعاقب انقلاب اسلامی، ایران از این استراتژی بیرون رفت. در دوره جنگ ایران و عراق سیاست مهار توسط آمریکا دنبال شد و دو کشور خارج از نظم امنیتی خلیج فارس قرار گرفتند.

تا کنون نیز نظم امنیتی خلیج فارس بعد از انقلاب اسلامی بدون حضور ایران و مبتنی بر چتر حمایتی آمریکا از متحدان منطقه ای دنبال شده است، نظمی که نتوانسته امنیت و ثبات پایدار را برای منطقه به دنبال داشته باشد.

بررسی نظم امنیتی خلیج فارس را در رهگذر تاریخ در گفتگو با پروفیسور «گری سیک» استاد دانشگاه کلمبیا آمریکا مورد بررسی قرار داده ایم که در ادامه می آید.

شخصاً معتقد استراتژی اوباما مسیر صحیحی است که باید طی شود و استراتژی وی به این معنی نیست که ما قصد داریم از منطقه خارج شویم و در افق ناپدید شویم. برعکس آمریکا قصد دارد تدریجاً حضور نظامی خود در منطقه را کاهش دهد و از کشورهای منطقه بخواهد تا خودشان موضوعات امنیتی منطقه را دست بگیرند. در واقع نوعی بازگشت به دکترین نیکسون را شاهدیم. اوباما از کشورهای منطقه نمی خواهد حافظ منافع آمریکا در منطقه باشند بلکه می خواهد که آنها فقط برای یافتن ساختار امنیتی جدید برای خلیج فارس شروع به همکاری با یکدیگر کنند. این کار خوبی است اما کاری است که کشورهای منطقه باید خودشان انجام دهند چیزی نیست که بتواند با وارد شدن آمریکا برای حل مسئله یا دستور آمریکا تحقق یابد.

|| آمریکا همواره بر امنیت دولتی متحدان منطقه ای خود تأکید داشته است در حالیکه برخی از عناصر تهدید کننده امنیت این کشورها داخلی هستند. منظوری این است که دولت های غیردموکراتیک توجهی به خواسته های مشروع شهروندان خود ندارند. با توجه به این حقیقت آمریکا چگونه این تضاد را توجیه می کند؟

همانطور که گفتیم در حال حاضر استراتژی آمریکا دخالت در منطقه و حل تمامی مشکلات منطقه نیست. این جوهره و ماهیت اصلی دکترین اوباما است که موجب ثبات و صلح دراز مدت را در منطقه فراهم می کند. اما این چیزی نیست که با ورود دستور آمریکا تحقق یابد. این بستگی به خود کشورهای منطقه دارد. هر کشوری در منطقه مشکلات داخلی خود را دارد. اما این مشکلات نمی توانند توسط آمریکا مورد حل و فصل قرار گیرند.

|| شما به توافق هسته ای ایران و گروه ۵+۱ اشاره کردید. شما اجرایی شدن این توافق را چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا رئیس جمهور بعدی آمریکا آن را اجرا می کند یا آن را رد خواهد کرد؟

قبل از هر چیز باید بگویم که این توافق در حال اجرا شدن است و تمامی طرف های آن به وعده های خود عمل می کنند. ایران و آمریکا تمامی گام های لازم تعیین شده در توافق را برداشته اند. در گام های بعدی همه باید برای برداشتن تحریم ها و برداشتن قدم های جدی تلاش کنند تا به اینجا به توافق خوب عمل شده و هیچ تلاشی برای روی گرداندن و یا تغییر دادن آن صورت نگرفته است.

نیز این نظامیان در حمله به عراق و سرنگونی صدام به کار گرفته شدند. از آن زمان به بعد آمریکا به عنوان بزرگترین و قدرتمندترین کشور حاضر در منطقه برای انجام تمامی اقدامات عملی مد نظر بوده است به همین دلیل ما وارث و بر عهده گیرنده شماری از مسئولیت ها در منطقه بوده ایم. آنچه «باراک اوباما» مد نظرش است این است که آثار حضور آمریکا در منطقه را کم رنگ تر کند و نه اینکه از منطقه خارج شود. وی از کشورهای منطقه می خواهد که خودشان مسئولیت های بیشتری را بپذیرند. بخشی از این استراتژی توافق هسته ای ایران و کشورهای غربی بود که بخشی از این مسائل را از بین برد. مسئله هسته ای یکی از مهمترین مسائل منطقه بوده است. اوباما با برداشتن مسئله هسته ای از روی میز این امکان و احتمال را به وجود آورده است تا کشورهای منطقه شروع به تعامل با همدیگر برای حل مشکلاتشان بکنند. این کار سختی است زیرا کشورهای منطقه تمایلی به تعامل و گفتگو با همدیگر ندارند. متحدان آمریکا در منطقه مثل عربستان سعودی و دیگران عادت کرده اند که برای حل مشکلاتشان در منطقه آمریکا بیاید وسط و اقدام کند. این کشورها تمایلی به مشارکت های استراتژیک با ایران به ویژه بعد از توافق هسته ای ندارند. اما این حقیقت که عربستان و دیگر کشورهای منطقه در مذاکرات مربوط به سوریه دور یک میز با ایران نشستند، یک قدم بزرگ و رو به جلو بود. این به این معنی است که آغاز مذاکرات جدی بین کشورهای منطقه بر سر موضوعات امنیتی غیرممکن نیست. آمریکا در گذشته خواستار گفتگوی کشورهای منطقه بوده و الان سعی می کند آهسته آهسته خود را از این وضعیت خارج کند کشورهای منطقه عادت به گفتگو با هم درباره مسائل امنیتی و امنیت خلیج فارس ندارند.

به نظر می رسد توافق هسته ای ایران این امکان را به وجود آورده است اما این مسئله زمانبر خواهد بود تا کشورهای منطقه به این تشخیص برسند که اگر قرار است نوعی امنیت چند جانبه در خلیج فارس ایجاد شود ضرورت دارد که با همدیگر تعامل و گفتگو کنند. این روند تازه شروع شده است اما این روند سریع و آسان پیش نخواهد رفت ولی در نهایت زمینه های گفتگو و مذاکره بین کشورهای منطقه را ایجاد خواهد کرد و کشورهای منطقه به این توافق خواهند رسید که این آمریکا نیست که باید به تنهایی تمامی مشکلات منطقه را حل و فصل کند. این اولین گام است. به اعتقاد من از استراتژی اتخاذ شده توسط اوباما که من آن را «دکترین اوباما» می نامم و تحولات جاری، درک درستی صورت نگرفته است.

تمرکز اصلی فعالیت های گری سیک بر موضوعات مربوط به خاورمیانه به ویژه ایران است. وی در دوران ریاست جمهوری سه رئیس جمهور آمریکا یعنی «جرالد فورد»، «جیمی کارتر» و «رونالد ریگان» از اعضای شورای امنیت ملی آمریکا بوده است. همچنین وی از سال ۱۹۹۳ مدیر پروژه خلیج فارس ۲۰۰ در دانشگاه کلمبیا بوده است. گری سیک مشاور امنیت ملی روسای جمهوری آمریکا «کارتر» و «ریگان» بوده است.

|| انگلستان در سال ۱۹۷۱ منطقه خلیج فارس را ترک کرد. از منظر نفوذ قدرت های عمده از آن زمان به بعد نظم امنیتی خلیج فارس چگونه شکل گرفته است؟

ابتدا بعد از خروج انگلستان از منطقه در سال ۱۹۷۱ همه انتظار داشتند که آمریکا وارد شود و امنیت منطقه را بر عهده گیرد اما ایالات متحده آمریکا این کار را نکرد. واقعیت این است که آمریکا تمایلی به این کار نداشت زیرا در آن مقطع تازه از جنگ ویتنام خارج شده بود و تمایلی به ورود به یک منطقه عمده دیگر را نداشت و اساساً در آن زمان توان آن را نداشت. نتیجه این عدم تمایل آمریکا برای ورود به منطقه منتهی شد به «دکترین نیکسون». در دکترین نیکسون ایران و عربستان سعودی حامی منافع آمریکا و غرب در منطقه بودند. این دکترین به مدت چند سال تا زمان انقلاب ایران کارساز بود و اجرا شد. آن سیاست پایان یافت و از آن زمان هنوز ایالات متحده تصمیم به ورود عمده به منطقه نگرفته بود. بعد از حمله صدام به ایران و زمانی که جنگ دو کشور به ابهای خلیج فارس کشیده شد آمریکا تدریجاً شروع به مداخله در منطقه کرد. قبل از پایان جنگ ایران و عراق آمریکا خودش با شرکت در عملیات های نظامی در حقیقت تبدیل به یکی از طرف های جنگ شده بود. کم و بیش اکثر حملات آمریکا در آن زمان علیه ایران صورت می گرفت.

|| اساساً تعریف جدید ایالات متحده آمریکا از نظم امنیتی خلیج فارس چیست به ویژه بعد از سقوط صدام در عراق؟

دلیلی که موجب شد تا آمریکا در منطقه حضور مستقیم داشته باشد صدام حسین بود. ابتدا به خاطر حمله وی به ایران و بعد هم به خاطر حمله به کویت که موجب شد آمریکا بیشترین شمار نظامیان خود در طول تاریخ را وارد منطقه کند و جای پای نظامی خود را در منطقه باز کند. بعداً

گفتگو با رئیس سابق تحلیل عملیات سیا:

خاتمه «PMD» مانعی برای بررسی مجدد فعالیت های گذشته ایران نیست!



شد که آیا این به آن معنا است که فعالیت های گذشته ایران دیگر هرگز از سوی آژانس بین المللی انرژی هسته ای مورد ارزیابی قرار نخواهد گرفت؟

وی در پاسخ گفت: عبارت بسته شدن ملاحظات به طور خاص به «نقشه راهی» اشاره دارد که به موضوع فی ما بین آژانس و ایران درباره ابعاد احتمالا نظامی برنامه هسته ای این کشور می پردازد و این لزوماً به آن معنا نخواهد بود که مانعی برای بررسی مجدد فعالیت های گذشته ایران وجود دارد. اگرچه فعلاً بازرسین آژانس این موضوع را به طور جدی پیگیری نخواهند کرد؛ طرح اتهامات یا شواهد جدید می تواند مبنایی برای کاوش در فعالیت های گذشته ایران باشد. با این حال، وی تأکید کرد: اگر چنین وضعیتی هم پیش بیاید، توجه عمده به آنچه که در گذشته اتفاق افتاده معطوف نخواهد شد بلکه اهمیت موضوع در این خواهد بود که فعالیت های گذشته چه نشانه هایی را درباره ماهیت اقدامات فعلی ایران در اختیار آژانس می گذارد.

وی در تشریح مکانیزم عملکرد آژانس با توجه به اینکه حالا توجه اصلی بر روی اجرای برجام متمرکز خواهد شد، گفت: مکانیزم نظارت آژانس بر اجرای برجام شامل مجموعه جامعی از بازرسی های سرزده است که در ذیل برجام تعریف شده است. در واقع، این نوع بازرسی ها بیشتر از تحقیق پیرامون موضوع پی ام دی با وظایف و اقدامات آژانس سازگاری دارد.

پیلار ادامه داد: عملکرد و دغدغه اصلی آژانس شامل همه مواد هسته ای موجود و کاربرد فعلی تسهیلات تولید کننده این مواد است، بیش از پیگیری سؤالات تاریخی درباره ابعاد احتمالا نظامی فعالیت های هسته ای ایران، این نوع نظارت و حسابرسی است که در حوزه اصلی فعالیت های آژانس تعریف می شود.

پل پیلار در سال ۲۰۰۵ میلادی پس از ۲۸ سال حضور در سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) بازنشسته شد. آخرین پست وی در سازمان سیا افسر اطلاعات ملی در امور شرق نزدیک و جنوب آسیا بود. البته پیلار پیش از این پست مسئولیت های متعددی را در اختیار داشت که از جمله آنها می توان بر ریاست واحدهای تحلیل عملیات های سیا در خاور نزدیک، خلیج فارس و جنوب آسیا اشاره کرد. پیلار سابقه حضور در شورای امنیت ملی آمریکا به عنوان یکی از اعضای اصلی آن را نیز دارد. پیلار از جمله متخصصان بنام موضوع هسته ای ایران است و آثار قابل توجهی در این زمینه دارد.

«پل پیلار» اصرار به باز نگه داشتن پرونده پی ام دی را امری بی مورد تلقی کرد اما مدعی شد در صورت طرح اتهامات و شواهد جدید، دست آژانس همچنان برای کاوش پیرامون فعالیت های گذشته ایران باز است.

شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی با اجماع قطعنامه پیشنهادی گروه ۵+۱ برای بستن پرونده ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته ای ایران «پی ام دی» را تصویب کرد. پیش نویس این قطعنامه پیشنهادی هفتم دسامبر از سوی گروه ۵+۱ به اعضای شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی ارائه شده بود.

در جلسه فوق العاده شورای حکام، گزارش «یوکیا آمانو» مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی، درباره ارزیابی نهایی در خصوص مسائل گذشته و حال مطرح و بعد از آن در خصوص قطعنامه پیشنهادی ۵+۱ تصمیم گیری شد.

مطابق توافق هسته ای ایران و ۵+۱، تعهدات ایران در برجام و متقابلاً لغو تحریم های بین المللی علیه جمهوری اسلامی توسط ۵+۱، بعد از مخرومه شدن پرونده هسته ای در شورای حکام لازم الاجرا می شود.

با وجود این مصوبه هنوز این نگرانی ها وجود دارد که مبادا برخی قدرت های غربی با بهانه تراشی های جدید تلاش کنند تا موضوعات گذشته را مجدداً به نحوی در آینده مطرح کنند.

در این خصوص گفتگویی با پروفیسور «پل پیلار» استاد دانشگاه «جرج تاون» و کارشناس و رئیس سابق بخش تحلیل عملیات سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا انجام شده است.

وی در خصوص ارزیابی قطعنامه شورای حکام آژانس انرژی اتمی مبنی بر خاتمه پرونده ابعاد نظامی برنامه هسته ای ایران (پی ام دی)، به خبرنگار مهر گفت: این قطعنامه تعجب آور نیست.

پیلار ادامه داد: نه تنها قطعنامه آژانس بلکه همه ابعاد رسیدگی به پرونده پی ام دی در جهتی پیش می رفت که از مدت ها پیش انتظار داشتیم. گزارش آژانس درباره تلاش های گذشته ایران برای تولید سلاح هسته ای جز در زمینه ارائه جزئیاتی مبنی بر زمان دقیق توقف این تلاش ها، نکته جدیدی را در خود نگنجاند بود.

وی مدعی شد: ایران در گذشته بر روی تولید سلاح هسته ای کار کرده است. اما به دلیل حفظ ابروی سیاسی، حاضر به پذیرفتن این مسئله نبود. با این حال همه در ک می کنند که آنچه مهم است گذشته نیست. به ویژه اعتراف به آنچه که در گذشته انجام گرفته است. بلکه فعالیت های حال و آینده ایران است که اهمیت پیدا می کند. برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) تضمینی است برای آنکه کشوری که از بابت رفتارهای گذشته اش نگرانی هایی وجود داشته، به واسطه نظارت و اعمال محدودیت برنامه صلح آمیزی را در آینده دنبال خواهد کرد.

وی تأکید کرد: باز نگه داشتن پرونده پی ام دی نتیجه ای بیشتر از آنچه که امروز به دست آورده ایم نصیب ما نمی کرد. شاید عدم خاتمه پرونده پی ام دی برای مورخان جالب باشد، اما طبعاً مانعی بر سر راه تبدیل ایران به یک کشور عاری از سلاح هسته ای نبود.

در ادامه، با توجه به اینکه شورای حکام به نفع خاتمه پرونده پی ام دی رای داد و در بند ۹ قطعنامه ای که به این منظور صادر شد به صراحت از عبارت «close consideration» به معنای بسته شدن ملاحظات استفاده کرد، از پیلار پرسیده

این توافق از ژانویه یا فوریه بطور کامل اجرا می شود و این به این معنی خواهد بود که تا قبل از روی کار آمدن رئیس جمهوری بعدی در آمریکا این توافق تقریباً به مدت یکسال توسط طرف های آن اجرا شده است. من قویاً معتقد هستم که رئیس جمهور بعدی آمریکا فارغ از اینکه چه کسی باشد به اوضاع و احوال توجه خواهد کرد و عمل نکردن به توافق میزان زیادی آسیب را متوجه آمریکا خواهد کرد و قطعاً چنین کاری به هیچ وجه خوب نخواهد بود.

آنچه که آنها در رقابت های انتخاباتی می گویند ارتباطی به حقایق ندارد. آنها مجبور خواهند بود به توافق از منظر یک رئیس جمهور بنگرند. برای آمریکا عقب کشیدن از توافق تنها عقب کشیدن از توافق با ایران نخواهد بود بلکه به معنی عقب کشیدن از تعهدات ملی آمریکا خواهد بود که در صورت انجام چنین کاری اعتبار آمریکا در امضا کردن هر معاهده دیگری زیر سوال خواهد رفت. همچنین عقب کشیدن از این توافق به معنی پشت کردن ما به متحدان عمده خودمان و تمامی اعضای شورای امنیت سازمان ملل خواهد بود. من بر این باورم که هر کسی که رئیس جمهور آمریکا بشود این مسئله را تشخیص خواهد داد که در صورت عدم اجرای توافق از سوی آمریکا بقیه کشورها از آمریکا پیروی نخواهند کرد و خودشان به اجرای توافق ادامه خواهند داد که در چنین شرایطی آمریکا تبدیل به یک غریبه برای توافق خواهد شد که چنین چیزی نه تنها تأثیری بر روی توافق نخواهد داشت بلکه تأثیرات جدی بر روی منافع ملی آمریکا خواهد داشت.

گمان من این است که رئیس جمهور آمریکا هر کسی که باشد توافق را اجرا خواهد کرد هر چند ممکن است اشتیاق او برای اجرا به اندازه دولت اوباما نباشد، از توافق خارج نخواهد شد.

|| سال گذشته خبرهایی منتشر شدند که حکایت از تاسیس پایگاه نظامی انگلستان در بحرین داشت. آیا این به این معنی نیست که انگلستان می خواهد به همان نظم امنیتی قدیمی برگردد؟

این اولین پایگاهی است که انگلستان از سال ۱۹۷۱ تا کنون در شرق سوئز تاسیس کرده است و این یک تحول عمده است که تا حدود زیادی مربوط به تأمین سطحی از امنیت در خلیج فارس است که به نظر من تأثیر آن بستگی به وضعیت امنیتی منطقه دارد. اگر تهدیداتی متوجه نفت در منطقه نباشد و اگر کشورهای منطقه شروع به مذاکره و گفتگو با همدیگر کنند حضور شمار کمی از کشتی های انگلیسی مثل حضور کشتی های بسیاری از کشورهای دیگر مثل فرانسه، آمریکا و ... نمی تواند چیزی را در منطقه تغییر دهد. مسئله اصلی در اینجا این است که ببینیم آیا کشورهای منطقه خودشان می توانند شروع به حل مشکلات خودشان بکنند. من می دانم که آمریکا قصد ندارد سعی کند مشکلات همه را در منطقه حل کند. من فکر می کنم انگلیسی ها هم نمی خواهند مسئولیت تأمین امنیت خلیج فارس را مثل گذشته به عهده بگیرند. ایجاد پایگاه توسط انگلیس از نظر من عامل جدیدی در منطقه است اما چیزی نیست که بتواند استراتژی اساسی و ساختارهای امنیتی در خلیج فارس را تغییر دهد.